



9 مقابلة مع الأستاذة لينا كركي

# نماز در ادیان ابو القاسم جعفری

هدف کتاب تنها بیان و بررسی نماز و پرستش در ادیان مطرح جهان است و هیچگونه قضاوتی در مورد آنها ندارد. هدف آن است که خواننده گرامی در مقایسه‌ای بین آنچه در کتاب گفته شده و نماز بیان شده در اسلام که کامل‌ترین عبادت الهی را آورده است، معرفتی بیشتر به نماز اسلامی پیدا کند. به‌خصوص در بخش ادیان غیر الهی که آنها پایه بسیاری از عرفان‌های انحرافی نوظهور شده‌اند.

نام کتاب: نماز در ادیان  
نویسنده: ابوالقاسم جعفری  
ویراستار: رامین باباگل زاده  
طرح جلد: محمد حسین مویدی  
صفحه آرا: رضا فریدی  
کاری از: مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز  
انتشاراتی ستاد اقامه نماز  
ناشر: مؤسسه فرهنگی  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۲  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۱۴۰۰  
چاپ و صحافی:  
قیمت:  
مراکز پخش:  
۱- تهران / میدان فلسطین / انتشارات ستاد اقامه نماز  
۱۱۱۹۶۶۶۶ - ۱۱۹۰۰۰۵۹  
۲- دفاتر ستاد اقامه نماز سراسر کشور



ستاد اقامه نماز  
مرکز تخصصی نماز



انشعابات جدید ..... ۵۵

گوساله‌پرستی در تاریخ بنی اسرائیل ..... ۵۸

داوران یا جانشینان حضرت موسی علیه السلام ..... ۵۹

هیکل سلیمان علیه السلام ..... ۶۱

متون مقدس یهودیت ..... ۶۳

تلمود ..... ۶۵

احکام یهود ..... ۶۸

نماز در یهودیت ..... ۶۹

نماز فرادا و جماعت ..... ۷۲

مقدمات نماز ..... ۷۳

پوشش‌های مخصوص نماز ..... ۷۴

نمازهای روزانه ..... ۷۸

نماز عصر (مینخا یا مینحا) ..... ۸۴

مهم‌ترین اجزای نماز ..... ۱۰۰

اعیاد یهود ..... ۱۰۹

روز شنبه ..... ۱۰۹

عید اول ماه ..... ۱۱۱

سال هفتم یا سال انفکاک ..... ۱۱۲

سال یوبیل ..... ۱۱۲

عید فصح (پسح) ..... ۱۱۲

عید هفته‌ها ..... ۱۱۳

عید اول سال ..... ۱۱۳

ده روز توبه ..... ۱۱۴

یوم کیپور ..... ۱۱۵



## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱۳

معنای لغوی نماز ..... ۱۴

**بخش اول: نماز در ادیان الهی ..... ۱۷**

**فصل اول: نماز انبیای الهی در قرآن و کتاب مقدس ..... ۱۸**

نماز آدم و نوح علیهم السلام ..... ۱۸

نماز حضرت ابراهیم علیه السلام ..... ۱۹

نماز ابراهیم علیه السلام، نماد مبارزه با پرستش شیطان ..... ۲۰

نماز اسماعیل، اسحاق و یعقوب علیهم السلام ..... ۲۳

نماز حضرت شعیب علیه السلام ..... ۲۵

نماز حضرت موسی علیه السلام ..... ۲۶

نماز حضرت داود علیه السلام ..... ۲۹

نماز حضرت سلیمان علیه السلام ..... ۳۰

نماز؛ مبارزه با سحر و جادو ..... ۳۲

نماز حضرت زکریا علیه السلام ..... ۳۷

نماز حضرت عیسی علیه السلام ..... ۳۹

**فصل دوم: یهودیت ..... ۴۲**

یهودیت ..... ۴۲

تاریخ گسترش ..... ۴۴

فرقه‌های یهودی ..... ۵۰

سفارادی‌ها و اشکنازی‌ها ..... ۵۳

حسیدیم ..... ۵۵





۱۶۲.....	نماز حواریون.....
۱۶۳.....	تاریخچهٔ نماز مسیحی.....
۱۶۴.....	نماز مستقل.....
۱۶۷.....	عبادت هفتگی.....
۱۶۹.....	اجرای عشای ربانی.....
۱۶۹.....	نمازهای روزانهٔ مسیحیان.....
۱۷۱.....	نیاز متینز (نماز صبح).....
۱۷۶.....	نماز لودز.....
۱۷۶.....	نماز پرایم.....
۱۷۷.....	نماز ترسه.....
۱۷۸.....	نماز سِکت.....
۱۷۸.....	نماز نون.....
۱۷۹.....	نماز وسپرز.....
۱۸۲.....	نماز کامپلاین.....
۱۸۳.....	تحلیل محتوای نمازها.....
۱۸۵.....	آیین نیایش سریانی شرق.....
۱۸۶.....	نمونه‌ای از نماز ساده شدهٔ مسیحیان.....
۱۸۷.....	آداب نماز در مسیحیت.....
<b>۱۹۰.....</b>	<b>فصل چهارم: آیین زردشت.....</b>
۱۹۱.....	سرگذشت زردشت.....
۱۹۳.....	تعالیم زردشت.....
۱۹۴.....	امشاسپندان.....
۱۹۵.....	اوستا.....



۱۲۰.....	عید سایه‌بان‌ها.....
۱۲۳.....	عید گشایش (حنو کا).....
۱۲۵.....	عید قرعه‌ها (پوریم).....
<b>۱۲۹.....</b>	<b>فصل سوم: مسیحیت.....</b>
۱۳۱.....	رسالت حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> .....
۱۳۵.....	حواریون یا رسولان مسیح.....
۱۳۶.....	پولس.....
۱۳۷.....	بنیانگذاری کلیسا.....
۱۳۸.....	گسترش مسیحیت.....
۱۴۰.....	پاپ‌ها.....
۱۴۱.....	نارضایتی علیه پاپ.....
۱۴۲.....	کاتولیک.....
۱۴۳.....	ارتدکس.....
۱۴۴.....	پروتستان.....
۱۴۴.....	کتاب مقدس مسیحیان.....
۱۴۶.....	اناجیل.....
۱۴۶.....	اعمال رسولان.....
۱۴۷.....	نامه‌های رسولان.....
۱۴۷.....	مکاشفه.....
۱۴۷.....	شعائر و عبادات.....
۱۴۸.....	هفت آیین مقدس.....
۱۵۶.....	اعیاد مسیحیت.....
۱۵۸.....	اصل نماز در عصر عیسی <small>علیه السلام</small> .....



۲۳۰.....ثنویت هستی‌شناختی.....

۲۳۱.....یوگا و عبادت.....

۲۳۳.....عبادت در آیین هندو.....

۲۳۷.....نماز در آیین هندو.....

۲۳۸.....متره‌های روزانه.....

۲۴۱.....گیاتری متره.....

۲۴۲.....سahasranama.....

۲۴۴.....لکشارچنا.....

۲۴۴.....موضوع نماز در آیین هندو.....

**۲۴۷..... فصل هفتم: آیین بودا.....**

۲۴۷.....آیین بودا.....

۲۵۰.....آیین بودای هینه‌یانه (تیره‌واده).....

۲۵۵.....آیین بودای مه‌ایانه.....

۲۵۸.....آیین بودای وجره‌یانه.....

۲۶۰.....کتاب مقدس بودایی.....

۲۶۱.....عبادت بودایی‌ها.....

۲۶۳.....عبادات روزانه.....

۲۶۴.....گونگیو.....

۲۶۵.....پاک بوم.....

۲۶۶.....جودو شینشو و جودوشو.....

۲۶۶.....شینگون.....

۲۶۷.....نیچیرن.....

۲۶۷.....نیچیرن دایشونین.....



۱۹۷.....نماز در آیین زردشت.....

۲۰۲.....جشن‌گاه.....

۲۰۳.....آمدگی برای نماز.....

۲۰۴.....نماز روزانه.....

۲۰۶.....آغاز و انجام نماز.....

۲۰۷.....طهارت آیینی.....

۲۰۸.....سدره و کشتی.....

۲۰۸.....دعای بستن کمر بند مقدس.....

۲۱۰.....ترتیب نماز.....

۲۱۱.....دعای آمدن منجی موعود در نماز.....

۲۱۲.....پیمان دین (کلمه شهادت).....

۲۱۳.....نماز در آتشکده.....

**۲۱۷..... فصل پنجم: صابیان.....**

۲۱۷.....آیین صابئی.....

۲۱۹.....نماز صابیان.....

**۲۲۱..... بخش دوم: نماز در ادیان غیر الهی.....**

**۲۲۲..... فصل ششم: آیین هندو.....**

۲۲۳.....کتاب‌های مقدس.....

۲۲۵.....اوپانیشادها.....

۲۲۶.....اعتقادات اصلی.....

۲۲۷.....خدایان سه‌گانه.....

۲۲۷.....قانون کرمه و تناسخ.....

۲۲۸.....طبقات اجتماعی.....



۳۰۱..... عبادت در آیین کنفوسیوس.....

**فصل یازدهم: آیین دائو..... ۳۰۷**

۳۰۷..... آیین دائو.....

۳۰۸..... عقاید اصلی.....

۳۱۱..... مناسک و آیین‌ها.....

۳۱۵..... دین رسمی.....

۳۱۶..... عبادت در آیین دائو.....

۳۱۹..... زیارتگاه‌های خانگی.....

۳۲۰..... خدمات معبدی.....

۳۲۱..... رعایت‌های دینی و زیارت‌ها.....

۳۲۲..... سال نو چینی.....

۳۲۵..... تثلیث دائویی.....

**فصل دوازدهم: آیین شینتو..... ۳۲۷**

۳۲۷..... مفهوم کامی.....

۳۲۸..... تاریخ گسترش.....

۳۳۰..... کتاب‌های شینتو.....

۳۳۱..... انشعابات اصلی.....

۳۳۲..... عبادت معبدی.....

۳۳۳..... عبادت فردی.....

۳۳۷..... کتاب‌نامه فارسی.....

۳۳۹..... کتاب‌نامه انگلیسی.....



۲۶۹..... نیجیرن شو.....

۲۶۹..... آیین‌های به یاد داشتن مردگان.....

۲۷۰..... دیانه بودایی.....

۲۷۴..... نماز مونلام.....

**فصل هشتم: آیین جینه..... ۲۷۷**

۲۷۷..... آیین جینه.....

۲۷۸..... آموزه‌های اساسی.....

۲۸۰..... فرقه‌های اصلی.....

۲۸۰..... کتاب‌های مقدس.....

۲۸۱..... نماز در آیین جینه.....

**فصل نهم: آیین سیک..... ۲۸۵**

۲۸۵..... آیین سیک.....

۲۸۶..... گوروهای ده‌گانه.....

۲۸۸..... پنج کاف.....

۲۸۹..... عبادت در گوردوارا.....

۲۹۱..... معبد طلایی سیک‌ها.....

۲۹۲..... نماز در آیین سیک.....

**فصل دهم: آیین کنفوسیوس..... ۲۹۵**

۲۹۵..... آیین کنفوسیوس.....

۲۹۷..... احیای آموزه‌ها.....

۲۹۸..... آثار.....

۲۹۸..... تعالیم.....

۳۰۰..... اصول اخلاقی.....



## مقدمه

اگر ادیان را به دو بخش ادیان الهی و ادیان غیرالهی تقسیم کنیم، ادیان الهی عبارتند از: یهودیت، مسیحیت، اسلام، زردشت و صابئین؛ و ادیان غیرالهی عبارتند از آیین‌های: هندو، بودا، سیک، دائو، کنفوسیوس و شینتو. آیین "سیک" در هند تلفیقی از آموزه‌های اسلام و هندوست و از آنجا که توحید را از اسلام گرفته است شباهت بسیاری به ادیان الهی دارد، ولی بنیانگذار آن، یعنی نانک، پیامبر نبود و ادعای نبوت نیز نداشت و به همین دلیل از نظر ما جزو ادیان الهی شمرده نمی‌شود.

ادیان الهی دارای عبادات و نمازهای روزانه مشابه هستند و این نمازها به توصیه بنیانگذاران آن ادیان بوده است، اما در ادیان غیرالهی، بخش مهمی از عبادات روزانه، تربیت نفس و انضباط درون است. در آیین هندو از خدایان تجلیل شده و سپس حاجت‌ها به درگاه آنان عرضه می‌شود، اما در بسیاری از معابد شینتویی و بودایی ژاپن، کسی که به زیارت معبد رفته است، آمرانه از خدای معبد نیازهای خود را می‌طلبد و عنصر



تحمید، تجلیل و ستایش از خدای معبد بسیار کم‌رنگ است. اگر خواسته زائر محقق شد دوباره به معبد باز می‌گردد و در روی کاغذ یا تکه چوبی مراتب تشکر خود را ابراز می‌دارد و اگر خواسته‌اش محقق نگردید، معبد دیگری را برای خود برمی‌گزیند. از این رو، غرض از دعا و نیایش در معابد ژاپنی نه بخشایش گناهان یا کسب سعادت روحی، که بهزیستی تن و کامیابی این جهانی است.<sup>۱</sup>

در تحقیق حاضر ناگزیریم، به تسامح هرگونه نیایش به درگاه خدا یا خدایان را که با نوعی آیین، به ویژه رکوع و یا سجده همراه باشد "نماز" بنامیم تا شامل ادیان غیرالهی نیز بشود.

## معنای لغوی نماز

"نماز" واژه‌ای است که در زبان پهلوی، درست به همین صورت امروزی آن، به معنای "احترام"، "تعظیم" و "ستایش" وجود داشته است. اصل آن نیز در زبان اوستایی از ریشه "نمه" به معنای میل و گرایش، کرنش، خم شدن، درود و ستایش است<sup>۲</sup> و نخستین فراز از بخش گاهان / اوستا که تاریخ سرایش آن به

۱. پاشایی، ع، جان ژاپنی، ص ۲۷.

۲. Mckenzi, *Consice Pahlavi-english dictionary*, namāz.

۳. بهرامی، احسان، فرهنگ واژه‌های اوستا، ص ۸۳۰.





سه هزار سال پیش برمی گردد، با این عبارت شروع می شود: "اینک در آغاز با دست های برافراشته، تو را نماز می گزارم".<sup>۱</sup> هم چنین در زبان سنسکریت، واژه "نَمَس" به معنای "خم شدن"، "اطاعت کردن"، "ستایش کردن" و "تهنیت همراه با احترام زیاد نسبت به خدایان" است.<sup>۲</sup> وجود واژه "نماز"، هم در *اوستا* و هم در متون مقدس هندی، مانند رامایانه، گواه آن است که اولاً، این واژه متعلق به اقوام آریایی بوده و قدمت بسیاری دارد و ثانیاً، اصطلاح نماز خطاب به خداوند و به منظور تکریم و پرستش به کار می رفته است.

نماز در فارسی امروز، ترجمه واژه "صلوات" در قرآن کریم است. اصل واژه "صلوات" از زبان آرامی، به معنای "رکوع" و "خم شدن" وارد زبان عبری شده و در این زبان، به معنای صلوات آمده است؛ برای مثال، در کتاب *دانیال* (باب ۶، آیه ۱۱) آمده است:

دانیال... پنجره های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می زد و دعا می نمود و چنان که قبل از آن عادت داشت، نزد خدای خویش دعا می کرد و تسبیح می خواند.

۱. دوستخواه، جلیل، اوستا، ج ۱، ص ۸.

۲. *English-Sanskrit Dictionary*, namas.



به گواهی *لغتنامه عبری*<sup>۱</sup>، در اینجا آنچه به "دعا" ترجمه شده، واژه "صلوات" است و نشان می دهد آنچه دانیال نبی عليه السلام انجام می داد نمازهای سه گانه روز بوده است. پس از مدتی واژه "صلوات" از زبان عبری وارد زبان عربی شد. یهودیان واژه "صلوته" را به صورت های مختلف استفاده می کردند که یکی از آنها به معنای محل صلوات یا کنیسا است. قرآن کریم نیز در آیه: ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيَعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾<sup>۲</sup> واژه "صلوات" را به معنای "کنیساهای یهود" گرفته است که منظور، محل نماز و صلوات آنان بوده است.

۱. Prideaux, Samuel. *Gesenius' Hebrew to the Old Testament*, P.709.

۲. حج، آیه ۴۰.



## فصل اول:

### نماز انبیای الهی در قرآن و کتاب مقدس

#### نماز آدم و نوح علیهم السلام

درباره حضرت آدم و نوح علیهم السلام در قرآن کریم کلمه "صلوات" نیامده است، اما طبق سخن قرآن کریم آنها افرادی مستجاب الدعوه و دارای دعا و نیایشی مخصوص به خود بودند.<sup>۱</sup> و اگر به حدیث مشهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله توجه شود که فرمود: "الدعا مُخُّ العبادة"، و طبق آیه شریفه که درباره حضرت نوح علیه السلام می فرماید: ﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِر﴾<sup>۲</sup> می توان به حضرت نوح و با استدلالی مشابه برای حضرت آدم نیز نماز مخصوص به آن حضرات را نسبت داد.

۱. اعراف، آیه ۲۳ و هود، آیه ۴۷.

۲. قمر، آیه ۱۰.

## بخش اول

### نماز در ادیان الهی





## نماز حضرت ابراهیم علیه السلام

در سفر تکوین آمده است که ابراهیم علیه السلام مستجاب الدعوه بود.<sup>۱</sup> هم‌چنین در فرهنگ یهود آمده است که نخستین کسی که نماز صبح اقامه کرد ابراهیم علیه السلام بود.<sup>۲</sup> قرآن کریم، دعای حضرت ابراهیم علیه السلام به درگاه الهی را نقل می‌کند:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُونِ بَيْتِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾<sup>۳</sup>

قرآن کریم به اعجاز، از نقش مهمی که حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل در بنای کعبه داشتند پرده برمی‌دارد، زیرا این خبر در منابع سامی، مانند تورات نیامده است؛ کعبه‌ای که قبله یکتاپرستان شد:

﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اٰمَنًا وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّیً وَ عَهِدْنَا اِلٰی اِبْرٰهٖمَ وَ اِسْمٰعٖلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِیْنَ وَ الْعٰكِفِیْنَ وَ الرُّكْعِ السُّجُوْدِ﴾؛<sup>۴</sup> و کعبه را جایگاه اجتماع و مکان امن مردم ساختیم. مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید. ما ابراهیم و

۱. تکوین، باب ۲۰، آیه ۱۷.

۲. آذراحيان، دیدیا نیایش قوم یهود، XVI.

۳. ابراهیم، آیه ۳۷.

۴. بقره، آیه ۱۲۵.



اسماعیل را فرمان دادیم: خانه مرا برای طواف‌کنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان، پاکیزه دارید.<sup>۱</sup>

این آیه در بیان نقش اصلی و تأسیسی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام در اقامه نماز کاملاً گویاست. به عقیده اهل کتاب، حضرت ابراهیم علیه السلام حدود دو هزار سال قبل از میلاد در شهر "اور" در بابل به دنیا آمده است. دو اتفاق بسیار مهم در تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام وجود دارد که در تورات کنونی اشاره‌ای به آنها نشده است. یکی از آن دو، موضوع بت‌شکنی و به آتش افکنده شدن ایشان به دست نمرود و دیگری، داستان بنای کعبه به همراه پسرش اسماعیل علیه السلام است.<sup>۲</sup> از آنجا که این فرزند در پیروی به او عطا شد<sup>۳</sup>، بنای کعبه نیز باید در اواخر عمر شریف وی صورت گرفته باشد. شاید به همین دلیل باشد که خانه کعبه نزد اهل کتاب، مقدس شمرده نمی‌شود.

## نماز ابراهیم علیه السلام، نماد مبارزه با پرستش شیطان

در دنیای باستان، پرستش صور گوناگونی داشت. برخی از مردم به جهت ترس از مردگان به نیاپرستی روی آورده بودند که

۱. بقره، آیه ۱۲۵.

۲. بقره، آیه ۱۲۷.

۳. ابراهیم، آیه ۳۹.



نمونه آن را در ادیان چین و ژاپن می‌توان مشاهده کرد. حتی برخی معتقدند، بت‌ها در مواردی مجسمه نیاکان بوده‌اند. قربانی نیز یکی دیگر از صور پرستش در دنیای باستان بود. این آیین جهت فرونشاندن خشم خدایان انجام می‌شد و از قربانی انسان‌ها تا حیوانات و یا ریختن جرعه‌ای آب و شراب و نیز به آتش افکندن کودکان را شامل می‌شد. در بابل رسم بود که هر خانواده‌ای نخستین کودک خود را به کاهنان معابد می‌سپرد تا به درگاه خدایان قربانی کنند.

خداوند در معجزه‌ای، آتش را بر ابراهیم خلیل علیه السلام سرد کرد تا به مردم ثابت کند او مردی عادی نبوده و راستگوست و در دستوری معجزه‌آمیز او را مأمور ساخت تا فرزندش را به مذبح ببرد و برای خدا قربانی کند، اما در آخرین لحظه امر فرمود که قربانی کردن "فرزند"، خواسته‌ای الهی نیست و به جای آن حیوانی را قربانی کنند. این حکایت در دنیای زمان حضرت ابراهیم علیه السلام به شدت شیوع یافت و از آنجا که مردم معجزه سرد شدن آتش برای ابراهیم علیه السلام را به چشم خود دیده بودند، به سخن خدای ابراهیم نیز گوش کرده و از اهدای کودکان خود به معابد سر باز زدند. به این ترتیب، رسم قربانی کردن انسان‌ها در آن زمان از بین رفت و فقط به صورت معدودی در برخی از نقاط دورافتاده جهان باقی ماند. در ادامه، خداوند به جای قربانی



فرزندان و پرستش خدایان دروغین معابد، به ابراهیم خلیل علیه السلام دستور داد تا خانه توحید را در مکه برای نماز بسازد و به مردم بیاموزد چگونه برای خدا نماز بگذارند.

برخی معتقدند، قربانی کودک به دست کاهنان معابد در بابل باستان، به جهت پرستش شیاطین بوده است. گرایش به عبادت جن و پناه بردن برخی از افراد نادان به آن‌ها، بارها در قرآن مجید نکوهش شده است.<sup>۱</sup> برای مثال، خداوند متعال در سوره مبارکه "انعام" می‌فرماید: ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ﴾<sup>۲</sup> علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر این آیه آورده است:

مشرکین سه طایفه از موجودات را می‌پرستند: ملائکه، جن و قدیسین از بشر را. و اجنه به پرستش بت‌پرستان راضی بوده‌اند. اجنه همان کسانی هستند که وثنی‌ها آنها را مبادی شرور و پیدایش فساد در عالم می‌دانستند، و آنها را می‌پرستیدند، برای اینکه از شرشان محفوظ بمانند، هم‌چنان که ملائکه را می‌پرستیدند، تا خیرات آنان را به سوی خود سرازیر کنند.<sup>۳</sup>

به این ترتیب، مشخص می‌شود که حضرت ابراهیم علیه السلام

۱. انعام، آیه ۱۰۰؛ سبأ، آیه ۴۱؛ جن، آیه ۶.

۲. انعام، آیه ۱۰۰.

۳. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۵۸۳.





نخستین کسی است که با شیطان<sup>۱</sup> پرستان زمان خویش مبارزه اساسی کرده و نماز را در مقابله با شرک به مردم آموخته است.

### نماز اسماعیل، اسحاق و یعقوب علیهم السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام پیوسته دعا می کرد که خداوند او و ذریه اش را از نمازگزاران قرار دهد.<sup>۲</sup> این مهم فقط با امر تربیتی خانواده و فرزندان به اقامه نماز میسر می شد؛ چنان که خداوند می فرماید:

﴿ وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ ۗ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا وَ كَانَ يَأْمُرُ اَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۗ ۳﴾

همچنین در سوره "انبیا" به مهاجرت ابراهیم علیه السلام و مواهب الهی به او و ویژگی های اسحاق و یعقوب علیهم السلام اشاره کرده و می فرماید:

﴿ وَ وَهَبْنَا لَهُ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَ جَعَلْنَاهُمْ اُمَّةً يَهْدُونَ بِاَمْرِنَا وَ اَوْحَيْنَا اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ۗ ۴﴾

از آیه شریفه چنین برمی آید که گویا درباره نحوه انجام عمل

۱. «شیطان» به معنای جن کافر و متمرّد است. خود ابلیس نیز از جنیان بود و کفر ورزید.

۲. ابراهیم، آیه ۴۰.

۳. مریم، آیات ۵۴ تا ۵۵.

۴. انبیاء، آیات ۷۲ - ۷۳.



خیر و نیز نماز و زکات به حضرت ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام اعطا فرموده و این بزرگواران به نوعی مؤسسان نمازهای کامل تر یکتاپرستان شده اند. متأسفانه، در تورات درباره برخی از انبیا و از جمله حضرت یعقوب علیه السلام داستان های عجیبی نقل شده است؛ از سویی، گزارشی از دعا و مناجات آنان با خدا را می آورد و از سوی دیگر، از کشتی گرفتن یعقوب با خدا و حتی غلبه او بر خدا صحبت می کند و حتی به دلیل اینکه در کشتی بر خدا پیروز می شود، خداوند نیز لقب "اسرائیل" را به اومی دهد.<sup>۱</sup> در تورات آمده است که خداوند بارها به حضرت ابراهیم علیه السلام وعده نسل فراوان داد، اما این اتفاق تا دوران پیری آن حضرت تحقق نیافت و در آن هنگام، هاجر، کنیزی که ساره به شوهر خود بخشیده بود، پسری را به دنیا آورد که "اسماعیل" نام گرفت. پس از چهارده سال، ساره به امر الهی فرزندی به دنیا آورد و او "اسحاق" نامیده شد. تورات داستان ذبح فرزند به دست حضرت ابراهیم علیه السلام را می آورد، ولی می گوید حضرت ابراهیم علیه السلام مأموریت یافت حضرت اسحاق علیه السلام را قربانی کند و حتی این موضوع را با اسحاق در میان گذاشت و به او گفت:

۱. تکوین، باب ۳۲، آیه ۲۸.



"ای پسر من، خدا برهٔ قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت"<sup>۱</sup>.

اما قرآن مجید این واقعه را چنین توضیح می‌دهد:

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

به این ترتیب، طبق سخن قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام اصل ماجرا را با فرزند خود که طبق سنت اسلامی، اسماعیل علیه السلام است در میان گذاشت. یهودیان به دلیل اینکه معتقدند از نسل اسحاق هستند و ابراهیم، اسحاق را به مذبح برده است خود را قوم برگزیده و برتر از فرزندان اسماعیل علیه السلام می‌دانند.

### نماز حضرت شعیب علیه السلام

تورات شعیب علیه السلام را کاهن شهر مدین و استاد موسی علیه السلام و عالم به شرع و قربانی‌گذار برای خداوند توصیف می‌کند<sup>۳</sup>، اما قرآن کریم جایگاه و منزلت شعیب را از این نیز بالاتر دانسته و او را عجیب با نماز و نیایش توصیف می‌کند، به گونه‌ای که اهالی مدین مطمئن بودند که او از طریق برپایی نماز به الهامات الهی

۱. تکوین، باب ۲۲، آیه ۸.

۲. صافات، آیه ۱۰۲.

۳. خروج، باب ۱۸، آیه ۱۰۲.



می‌رسد و امر و نهی‌هایی که به مردم دارد، در ارتباطی عمیق با نمازهای اوست:

﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتَّكِفَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾<sup>۱</sup>؛ گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!

### نماز حضرت موسی علیه السلام

قرآن کریم نخستین دستور خداوند به حضرت موسی علیه السلام را عبادت و اقامهٔ نماز بیان می‌کند: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾<sup>۲</sup>. در روایات معصومان علیهم السلام نیز نکات جالبی دربارهٔ زندگی حضرت موسی علیه السلام آمده است که ثابت می‌کند ایشان پیش از رسالت نیز اهل نماز و مناجات بوده‌اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی، علت برگزیده شدن موسی علیه السلام را چنین توصیف کردند:

خداوند به حضرت موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد: ای موسی! من بندگانم را مورد بررسی کامل قرار دادم؛ در آن میان، هیچ

۱. هود، آیه ۸۷.

۲. طه، آیه ۴۲.



کس را به اندازه تو در برابر خود متواضع و فروتن نیافتیم. ای موسی! هرگاه نماز می‌گزاری، گونه‌ات را روی خاک می‌نهی.<sup>۱</sup> قرآن کریم در آیه دیگری اشاره دارد که بر موسی علیه السلام و برادرش هارون وحی شد که نماز را برپا دارند.<sup>۲</sup> در تورات نیز نماز و نیایش حضرت موسی در موارد متعددی ذکر شده است؛ برای مثال، هنگامی که پیروزمندانه از حضور فرعون برمی‌گشت<sup>۳</sup>؛ یا هنگامی که بلایی مانند آتش<sup>۴</sup> و نیش مار<sup>۵</sup> فرو نشانده می‌شد، ایشان به درگاه خداوند نماز برد. همچنین تورات گواهی می‌دهد که دعا‌های حضرت موسی علیه السلام به درگاه خداوند مستجاب می‌شد.<sup>۶</sup>

یهودیان تاریخ زندگی علیه السلام حضرت موسی علیه السلام را میان ۱۲۵۰ تا ۱۳۰۰ پیش از میلاد می‌دانند. در باب سوم سفر "خروج" می‌خوانیم که حضرت موسی علیه السلام در بیابان حوریب در دامنه کوه، صدای خدای متعال را از میان آتشی از بوتۀ خار شنید که با او

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۲۳، باب التواضع.

۲. یونس، آیه ۸۷.

۳. خروج، باب ۱۰، آیه ۱۸.

۴. اعداد، باب ۱۱، آیه ۲.

۵. اعداد، باب ۲۱، آیه ۹.

۶. اعداد، باب ۱۴، آیه ۲۱.



سخن می‌گوید.

طبق گزارش تورات، خداوند در این دیدار وعده داد تا بنی اسرائیل را از دست مصریان نجات دهد و سرزمین کنعان و حدود آن را، که اماکن پربرکتی بودند، به ایشان عطا کند. هنگامی که سه ماه از خروج بنی اسرائیل از مصر گذشته بود، حضرت موسی علیه السلام مأموریت یافت برای گفت‌وگو با خداوند به بالای طور سینا برود. وی در آنجا دو لوح دریافت کرد که فرمان‌های خداوند بر آنها نقش بسته بود. قرآن کریم از "الواح" به صیغه جمع نام می‌برد.<sup>۱</sup> به گفته تورات<sup>۲</sup>، روی آن دو لوح، "ده فرمان" بسیار مهم و معروف منقوش بوده است به این شرح: ۱. برای خود خدایی جز من نگیرید؛ ۲. به بت سجده نکنید؛ ۳. نام خدا را به باطل نبرید؛ ۴. شنبه را گرمی بدارید؛ ۵. پدر و مادر را احترام کنید؛ ۶. مرتکب قتل نشوید؛ ۷. زنا نکنید؛ ۸. دزدی نکنید؛ ۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید؛ ۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید.<sup>۳</sup>

۱. اعراف، آیه ۱۴۵.

۲. خروج، باب ۲۰ و تثیبه، باب ۵.

۳- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۸۳.



## نماز حضرت داود علیه السلام

حضرت داود علیه السلام در *تورات*، قهرمان نماز و مناجات با خداوند است، به طوری که *مزامیر* داود بخش اصلی نمازهای یهودیان و مسیحیان امروز را تشکیل می‌دهد. در *تورات* در بخش *مزامیر* داود، ۱۵۰ مزمور (سرود) وجود دارد که از این میان فقط ۷۵ مزمور را به خود حضرت داود علیه السلام نسبت می‌دهند. این *مزامیر* را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: تسبیحات که به صورت گروهی انجام می‌شود؛ نمازهای استغاثه؛ شعائر و تعالیم. قرآن کریم نیز کثرت دعا و عبادت حضرت داود علیه السلام را تصدیق می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحُنَا بِالْعَشِيِّ وَالْإشْرَاقِ﴾؛ ([ای پیامبر!] بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و بنده ما داود را یاد کن که صاحب قدرت بود، اما با این حال، همواره روی به سوی درگاه ما داشت. همانا ما کوه‌ها را رام کردیم تا شامگاهان و بامدادان، همراه او تسبیح گویند.

در *تورات* نیز این ناله و انابه، دست‌کم روزی سه مرتبه از حضرت داود گزارش شده است که به معنای سه مرتبه نماز در

۱. ص، آیات ۱۷ و ۱۸.



روز است:

و اما من نزد خدا فریاد می‌کنم و خداوند مرا نجات خواهد داد. شامگاه و صبح و ظهر شکایت و ناله می‌کنم و او آواز مرا خواهد شنید.<sup>۱</sup>

هم‌چنین از حضرت داود علیه السلام روزی هفت مرتبه نماز و نیایش گزارش شده است: "هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح می‌خوانم، برای داوری‌های عدالت تو."<sup>۲</sup> این آیه از *مزامیر* بعداً مبنای نمازهای هفت‌گانه مسیحیان شد. هم‌چنین به نظر می‌رسد نخستین کسی که نماز جماعت بزرگ ترتیب داد و الگویی برای نمازهای جمعی بعد از خود شد، حضرت داود علیه السلام باشد. برای مثال، در مزمور ۹۵ (آیه ۶) حضرت داود به قوم و لشکریان خود دستور می‌دهد: "بیایید عبادت و سجده کنیم و به حضور آفریننده خود یهوه زانو بزنیم."<sup>۳</sup>

## نماز حضرت سلیمان علیه السلام

قرآن کریم حضرت سلیمان علیه السلام را موهبتی الهی بر داود علیه السلام می‌شمارد: ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾؛ و

۱. *مزامیر*، مزمور ۵۵، آیات ۱۶ و ۱۷.

۲. *مزامیر*، مزمور ۱۱۹، آیه ۱۶۴.

۳. ص، آیه ۳۰.





سلیمان را به داود بخشیدیم. چه نیکو بنده‌ای! به راستی او توبه‌کار [و ستایشگر] بود. قرآن کریم در ادامه این آیه از حکایتی سخن می‌گوید که معرکه آرای بسیاری نزد مفسران شده است:

﴿إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْغِيَادُ فَقَالَ إِنْ أُحِبِّتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾<sup>۱</sup>.

تفسیر برگزیده علامه طباطبایی<sup>۱</sup> این است که حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> از اسبانی که برای جهاد آماده می‌شدند، سان می‌دید و از شدت علاقه به تماشای آنها از نماز اول وقت باز ماند. سپس بلافاصله خود را ملامت کرد و به ملائکه دستور داد تا خورشید را برگردانند تا ایشان نماز را اول وقت بخواند. هم‌چنین یکی از دو تفسیر آیه: ﴿فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾ این است که: سلیمان شروع کرد پاها و گردن خود را دست کشیدن و به اصحاب خود نیز دستور داد این کار را بکنند، و این در حقیقت وضوی ایشان بود. آن‌گاه او و اصحابش نماز خواندند.<sup>۲</sup>

آیه: ﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾<sup>۳</sup> و مستجاب شدن دعای حضرت سلیمان نیز نخست

۱. ص، آیات ۳۱ - ۳۳.

۲- المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

۳. ص، آیه ۳۵.



نشان می‌دهد که ایشان مانند پدرش حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> مستجاب‌الدعوه و لابد، اهل نماز و مناجات مدام بوده است، و دوم اینکه خداوند دعای آن حضرت را استجابت کرد و چنان مُلک و قدرتی را به ایشان عطا فرمود که در تاریخ انبیاء<sup>علیهم السلام</sup> نظیر نداشته است. درباره این‌که چرا حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> چنین تقاضای عجیبی کرد، نظریات فراوانی گفته شده است. همان‌گونه که در تفاسیر نیز آمده است، درخواست مُلک و قدرتی که برای همیشه بی‌نظیر باشد، شائبه کبر و غرور را به ذهن متبادر می‌کند، اما به نظر می‌رسد ایشان از درخواست چنین ملکی نیز نیت و منظور الهی داشته است. به نظر می‌رسد، خواسته ایشان در رابطه با شیوع بی‌سابقه سحر و جادو در آن زمان بوده است. سلیمان نبی<sup>علیه السلام</sup> چنین ملکی را خواست تا بتواند در مقابل شیاطینی که کفر ورزیده و مردم را به گمراهی کشانده بودند، ایستادگی کند و برای همیشه سحر و جادویی را که از شیاطین فرا می‌گرفتند، با احیای خانه‌ای برای نماز (بیت‌المقدس) از بین ببرد.

### نماز؛ مبارزه با سحر و جادو

میان حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> تا حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> بیش از هزار سال فاصله بوده است. در طی این مدت، بار دیگر بنی‌اسرائیل به انحراف کشیده شدند، به طوری که در زمان حضرت



سلیمان علیه السلام ارتباط با شیاطین و اجنه و سحر و جادو بار دیگر رونق گرفت. از این رو، حضرت سلیمان نیز مطابق با نیازهای آن زمان، معجزه‌ای بی‌نظیر از خدا طلب کرد تا با حکومت بر اجنه و مهار آن‌ها، مردم را از شروری که از این طریق به آنان می‌رسید رها کند. سپس سلیمان نبی به اقدامی اساسی در مبارزه با شرک دست زد و آن احیای نماز با ساختن قبله‌ای برای یکتاپرستان بود که به "بیت همیقداش" یا "بیت المقدس" و یا "هیکل سلیمان" معروف است. این بنا قبله نمازگزاران شد و نشان داد که نماز تنها وسیله‌ی رهایی از شرک است که در آن زمان خود را در کسوت سحر و جادو نشان داده بود. قرآن مجید درباره‌ی انحرافات جامعه‌ی آن روز بابل چنین گزارش می‌دهد:

﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَا كَانَتْ الشَّيَاطِينُ كَافِرُونَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَابِلَ هَرُوتَ وَ مَرُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛ و آنچه را که شیاطین در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند، پیروی کردند. و

۱. بقره، آیه ۱۰۲.



سلیمان کفر نورزید، ولی آن شیطان‌ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند، مگر آنکه [قبلاً به او] می‌گفتند: "ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زهار کافر نشوی. " پس آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید. و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد. و هر چه بد بود آنچه به جان خریدند، اگر می‌دانستند!

در *تورات* آمده است: هنگامی که حضرت سلیمان "هیکل" را بنا کرد، پیش مذبح خداوند در حضور تمامی جماعت اسرائیل ایستاده، دست‌های خود را به سوی آسمان برافراشت و مناجاتی طولانی کرد و اهداف و منافی را که از بنای هیکل در نظر داشت، به تفصیل برشمرد و از خداوند مسئلت کرد؛ از جمله عرضه داشت:

ای یهوه!... تضرع بندهات و قوم خود اسرائیل را که به سوی این مکان دعا می‌نمایند بشنو... و چون شنیدی عفو



نما. اگر کسی به همسایه خود گناه ورزد و قسم بر او عرضه شود که بخورد و او آمده پیش مذبح تو در این خانه قسم خورد، آن گاه از آسمان بشنو و عمل نموده به جهت بندگان حکم نما و شریبان را ملزم ساخته راه ایشان را به سرایشان برسان و عادلان را عادل شمرده ایشان را بر حسب عدالت ایشان جزا ده. و هنگامی که قوم تو اسرائیل به سبب گناهی که به تو ورزیده باشند به حضور دشمنان خود مغلوب شوند، اگر به سوی تو بازگشت نموده اسم تو را اعتراف نمایند و نزد تو در این خانه دعا و تضرع نمایند، آن گاه از آسمان بشنو و گناه قوم خود اسرائیل را ببامرز...<sup>۱</sup>

تورات می گوید مدتی بعد از این مناجات، خدا بر سلیمان ظاهر شد و چنین هشدار داد:

دعا و تضرع تو را که به حضور من کردی اجابت نمودم و این خانه‌ای را که بنا نمودی تا نام من در آن تا به ابد نهاده شود تقدیس نمودم و چشمان و دل من همیشه اوقات در آن خواهد بود. پس اگر تو با دل کامل و استقامت به طوری که پدرت داود رفتار نمود به حضور من سلوک نمایی و هر چه تو را امر فرمایم به جا آوری و فرایض و احکام مرا نگاه داری، آن گاه کرسی

۱. اول پادشاهان، باب ۸، آیه ۲۲.



سلطنت تو را بر اسرائیل تا به ابد برقرار خواهم گردانید، چنان که به پدر تو داود وعده دادم و گفتم که از تو کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند مفقود نخواهد شد. اما اگر شما و پسران شما از متابعت من روگردانیده اوامر و فرایضی را که به پدران شما دادم نگاه ندارید و رفته خدایان دیگر را عبادت نموده آنها را سجده کنید، آن گاه اسرائیل را از روی زمینی که به ایشان دادم منقطع خواهم ساخت و این خانه را که به جهت اسم خود تقدیس نمودم از حضور خویش دور خواهم انداخت و اسرائیل در میان جمیع قوم‌ها ضرب‌المثل و مضحکه خواهد شد. و این خانه عبرتی خواهد گردید به طوری که هر که نزد آن بگذرد متحیر شده صفیر خواهد زد و خواهند گفت: یهوه به این زمین و به این خانه چرا چنین عمل نموده است؟ و خواهند گفت: از این جهت که یهوه خدای خود را که پدران ایشان را از زمین مصر بیرون آورده بود ترک کردند و به خدایان دیگر متمسک شده آنها را سجده و عبادت نمودند.<sup>۱</sup>

به گواهی تاریخ، پس از سلیمان نبی عليه السلام بنی اسرائیل بار دیگر با خداوند پیمان شکنی کردند. پس معبد سلیمان گرفتار مشرکان شده و ویران گردید و وعده خداوند تحقق پیدا کرد.

۱. اول پادشاهان، باب ۹، آیات ۱ - ۱۰.



## نماز حضرت زکریا علیه السلام

قرآن کریم دربارهٔ اجابت دعای زکریا علیه السلام و بشارت تولد یحیی علیه السلام می‌فرماید:

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نماز بود، فرشتگان او را صدا زدند که: خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد؛ (کسی) که کلمهٔ خدا [مسیح] را تصدیق می‌کند و رهبر خواهد بود و از هوس‌های سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.

در *انجیل لوقا* این داستان چنین آمده است:

در ایام هیروودیس، پادشاه یهودیه، کاهنی زکریا نام از فرقهٔ ابیا بود که زن او از دختران هارون بود و ایصابات نام داشت. و هر دو در حضور خدا صالح و به جمیع احکام و فرایض *یهوه* بی‌عیب سالک بودند. و ایشان را فرزندی نبود، زیرا که ایصابات نازاد بود و هر دو دیرینه‌سال بودند. و واقع شد که چون به نوبت فرقهٔ خود در حضور خدا کهانت می‌کرد. حسب عادت کهانت نوبت او شد که به قدس *یهوه* درآمده بخور بسوزاند. و در وقت بخور تمام جماعت قوم بیرون عبادت

۱. آل عمران، آیهٔ ۳۹.



می‌کردند. ناگاه فرشتهٔ *یهوه* به طرف راست مذبح بخور ایستاده، بر وی ظاهر گشت. چون زکریا او را دید در حیرت افتاده ترس بر او مستولی شد. فرشته بدو گفت: "ای زکریا! ترسان مباش، زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است و زوجات ایصابات برای تو پسری خواهد زایید و او را یحیی خواهی نامید."<sup>۱</sup>

شایان ذکر است، "کهانت" در فرهنگ مسیحیت و یهودیت معادل "نبوت" است، زیرا مهم‌ترین کار انبیای بنی‌اسرائیل در کتاب مقدس، پیشگویی و "انباء" از حوادث آینده بوده و اگر "انباء" درست بود، مردم به آن نبی ایمان می‌آوردند.

از امام صادق علیه السلام دربارهٔ اهمیت نماز و اینکه حضرت زکریا علیه السلام در نماز حاجت خود را گرفتند، چنین نقل شده است:

إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ يَعْدَلُ الصَّلَاةَ فَمِنْ تَمَّ نَادَتْ الْمَلَائِكَةَ زَكْرِيَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ<sup>۲</sup>؛ طاعت خداوند آن است که انسان در روی زمین خداوند را خدمت کند و چیزی از خدمت او معادل نماز نیست. به همین جهت، در حال عبادت به حضرت زکریا بشارت داده شده است.

۱. لوقا، باب ۱، آیات ۱۴-۱۵.

۲. شیخ صدوق ره، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۶۲۳.





## نماز حضرت عیسیٰ علیه السلام

قرآن کریم به سخنان عیسیٰ علیه السلام از زبان خود آن حضرت، هنگامی که در گهواره بوده است چنین اشاره می‌کند:

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾؛ و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

پس مشاهده می‌شود که محتوای نخستین سخن حضرت عیسیٰ علیه السلام با خداوند - همانند حضرت موسی علیه السلام - حول محور توصیه به نماز و زکات است. رسالت عیسیٰ علیه السلام طبق آنچه *انجیل* گزارش می‌کند، چیزی بیش از تکمیل و احیای دیانت یهود نبوده است؛ به ویژه هنگامی که بدانیم شرایط آن زمان فلسطین نیازمند شریعت جدیدی بود که نقایص شریعت یهود را از بین ببرد. این انحرافات در دین شریعت یهود باعث شده بود که عالمان یهود به مردم ستم کنند. به ویژه به نظر می‌رسد شریعت یهود از میان تهی شده بود و جنبه‌های روحی و معنوی آن زایل شده و جای خود را به احکامی خشک و سخت داده بود و نیاز بود تا شعائر یهودی، به ویژه نماز و دعا، تجدید شوند.

بنا بر گزارش تاریخ مسیحیت، حضرت عیسیٰ علیه السلام همانند مادر

۱. مریم، آیات ۳۰ - ۳۱.



گرامی‌شان از ابتدا اهل دعا و مناجات در هیکل سلیمان بود و به همراه دیگر یهودیان در شعائر آنان مشارکت می‌کرد و از آنجا که در مورد نماز ایشان در کنیساها یهودی، نزاعی میان ایشان و بنی اسرائیل گزارش نشده است، پس ایشان تقریباً به سنت یهود نماز می‌خوانده است. در *انجیل مرقس* آمده است که حضرت عیسیٰ علیه السلام: "بامدادان قبل از صبح برخاسته بیرون رفت و به ویرانه‌ای رسیده و در آنجا به دعا [نماز] مشغول شد." ۲

۱. در مسیحیت سه واژه: «دعا»، «نماز» و «ذکر» با واژه «prayer» گفته می‌شود و باید از روی قرینه‌ها حدس بزنیم که آیا منظور نماز است یا فقط دعاست، البته صرف دعا را «Supplication» می‌گویند.

۲. باب ۳۵، آیه ۱.



### پرسش‌ها

۱. حضرت ابراهیم علیه السلام در تاریخ ادیان الهی چه نقشی در احیای نماز داشته است؟
۲. اهمیت "هیكل سلیمان" را در رابطه با نماز در یهودیت توضیح دهید.
۳. در فرهنگ یهود کدام یک از پیامبران، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری نمازهای روزانه داشته‌اند؟

### منابعی برای مطالعه بیشتر:

۱. قرآن کریم (آیات مربوط به نماز انبیا علیهم السلام) و تفاسیر مختلف.
۲. کتاب *تواریخ ایام* ۱ و ۲ در تورات.
۳. *مزامیر داود* علیه السلام در تورات.
۴. *اناجیل چهارگانه و کتاب اعمال رسولان* در عهد جدید.



## فصل دوم:

### یهودیت

#### یهودیت

یهودیت، اصطلاحی است که به دین قومی به نام "یهود" اطلاق می‌شود که خود را پیرو تعدادی از انبیای الهی، به ویژه حضرت موسی علیه السلام می‌دانند و حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان پیامبرانی که ادامه‌دهندگان راه انبیای بنی اسرائیل بودند، قبول ندارند. در طول تاریخ یهودیت، این دین را دینی قومی انگاشته‌اند که خود را قوم برگزیده می‌دانند، اما یهودیان امروز مردمی از نژادها و رنگ‌های مختلف هستند که ثابت می‌کند این قوم بارها با اقوام دیگر ممزوج شده است. تعریف "یهودی" این نیست که لزوماً به عقاید یهودی باور داشته باشد و به احکام یهودیت عمل کند، بلکه یهودی کسی است که متعلق به قوم یهود باشد. بنا بر همین مبناست که یهودیان سکولاری نیز که به احکام تورات عمل نمی‌کنند، خود



را یهودی می‌انگارند.<sup>۱</sup>

فرقه‌های گوناگون یهودی اختلافات عقیدتی بسیاری دارند؛ با وجود این، همه آنها در بعضی از عقاید اصلی مشترکند. این عقاید اصلی عبارتند از: باور به یک خدای واحد، ازلی، غیرمادی و متعال که بر افکار و اعمال مردم آگاه است و سرانجام درباره آنها داوری خواهد کرد. همچنین، اعتقاد به *تورات* کتاب مقدس عبری؛ اعتقاد به انبیای بنی اسرائیل، به ویژه حضرت موسی علیه السلام (حدود ۱۳۹۲ تا ۱۲۷۲ پیش از میلاد)؛ عقیده به ارض مقدس و مسیحا یا منجی‌ای که خواهد آمد. البته برخی از یهودیان، این عقاید اصلی را نیز انکار می‌کنند.

مسیحیان پیوسته در طول تاریخ، قوم یهود را عامل قتل حضرت عیسی علیه السلام می‌دانستند و از همین رو با آنان در نزاع بودند. بنابراین، بسیاری از یهودیان در تقیه به سر می‌بردند و دین خود را آشکار نمی‌ساختند، اما امروزه این قوم در مسیحیت نفوذ کرده و با آنان به صلح و دوستی رسیده‌اند، به طوری که در مفاهیمی مانند اشغال سرزمین فلسطین اتفاق نظر پیدا کرده‌اند.

تعداد یهودیان جهان را تا سال ۲۰۰۷، سیزده تا چهارده میلیون نفر تخمین زده‌اند که پنج میلیون نفر در آمریکا، و حدود

۱- Schlager, *World Religions*, P.345.



همین تعداد در فلسطین اشغالی سکونت دارند. دو میلیون یهودی در اروپا، چهارصد هزار نفر در آمریکای لاتین و سیصد هزار نفر در کانادا زندگی می‌کنند. در ایران و برخی کشورهای عربی نیز یهودی وجود دارد که به زبان فارسی و عربی صحبت می‌کنند. تعدادی از یهودیان نیز به خاطر وجود معادن الماس به آفریقای جنوبی مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شده‌اند. یهودیت، تقریباً دوازدهمین دین جهان از نظر تعداد پیروان است.

### تاریخ گسترش

یهودیان معتقدند دینشان در عصر برنز، حدود سه هزار تا چهار هزار سال پیش از میلاد پدید آمد. در زمانی که یهودیت پدید آمد، مردم ساکن نواحی خاورمیانه خدایان مختلفی را پرستش می‌کردند. تفاوت اصلی این دین با ادیان آن زمان، در پرستش خدای یکتا بود. تاریخ آغاز یهودیت در پنج کتاب یا اسفار ختمه به نام *تورات* آمده است. نخستین نقطه عطف تاریخ یهودیت، بعثت حضرت ابراهیم علیه السلام (حدود ۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰ پیش از میلاد) بود که خداوند او را به رهبری قوم بنی اسرائیل انتخاب کرد. بنی اسرائیل به معنای قوم برگزیده خداوند است. نقطه عطف دیگر تاریخ یهودیت، اسارت قوم بنی اسرائیل در مصر و فرار آنها تحت هدایت حضرت موسی علیه السلام است. حضرت موسی علیه السلام ده فرمان را از



خداوند دریافت و به قوم بنی اسرائیل ابلاغ کرد.

از نظر سیاسی، یهودیت هنگامی ساختار مشخصی پیدا کرد که به زعامت شائول (طالوت) (متوفای حدود ۱۰۰۰ تا ۱۰۲۰ پیش از میلاد)، داود علیه السلام (متوفای ۹۶۲ پیش از میلاد) و سلیمان علیه السلام (قرن دهم پیش از میلاد) حکومت تشکیل دادند. سلیمان علیه السلام معبدی بزرگ (معروف به نخستین معبد) را در اورشلیم در قرن دهم پیش از میلاد ساخت. در آنجا در یک اتاق به نام "بیت‌الاقداس"، تابوت عهد حضرت موسی علیه السلام نگهداری می‌شد. "تابوت عهد" مجموعه لوح‌هایی بود که ده فرمان بر آنها حک شده بود؛ از این رو یهودیان، معبد سلیمان و شهر اورشلیم را مقدس و متعلق به خود می‌دانند.

در ۵۸۶ پیش از میلاد، بخت‌النصر (نبوکد نزار) پادشاه بابل به یهودیان حمله کرد و نه تنها معبد سلیمان را نابود نمود، بلکه یهودیان را با خود به بابل به اسارت برد. به این دوره از تاریخ یهود دوره "اسارت بابلی" گفته می‌شود. در سال ۵۱۵ پیش از میلاد کوروش، پادشاه مقتدر ایران، بابل را بدون جنگ و خون‌ریزی فتح و یهودیان را آزاد کرد. او به همین مقدار قناعت نکرد، بلکه آنها را با دادن اموال و امکانات بسیار به ساخت دوباره معبد سلیمان تشویق کرد. معبد جدید به "معبد دوم" شهرت یافت.



در سال ۱۷۵ پیش از میلاد، پادشاه سوریه به دومین ساختمان بازسازی شده معبد سلیمان حمله و آن را تخریب نمود و تعدادی از یهودیان را نیز نابود کرد. در ۱۶۴ قبل از میلاد یهودیان قیام کردند و معبد سلیمان را پس گرفتند و امروزه جشن "هنوکا" در میان یهودیان به یاد آن قیام برگزار می‌شود. در سال ۶۳ پیش از میلاد، اورشلیم و فلسطین به تسلط امپراطوری روم (حدود ۳۱ قبل از میلاد تا ۴۷۶ میلادی) درآمد و در پی آن، آنها به آزار یهودیان پرداختند.

تقریباً در اوایل قرن نخست میلادی، گروهی از یهودیان موسوم به "زیلوت‌ها" شورشی را علیه حاکمان رومی ترتیب دادند و در سال ۶۶ میلادی قیامی را به نام "قیام بزرگ" علیه رومیان آغاز کردند. این قیام در سال هفتاد میلادی شکست خورد و رومیان وارد اورشلیم شده و معبد سلیمان را ویران کردند. قیام دیگری در سال ۱۳۲ میلادی اتفاق افتاد که بار دیگر به شکست انجامید و یهودیان از اورشلیم تبعید شدند.

با وجود همه این مشکلات، یهودیت به راه خود ادامه داد و در کشورهایمانند اسپانیا رشد کرد. اسپانیای دوره اسلامی بهترین دوره رشد الهیات یهودی بود، زیرا مسلمانان به دلیل قرابتی که میان عقاید خود و یهودیت می‌دیدند، آنان را "اهل کتاب" دانسته و در کنف حمایت خود حفظ کردند. تاریخ گواه آن است



که بزرگ‌ترین آثار علمی یهودیان، مانند آثار عقل‌گرایانه ابن‌میمون در دورانی نوشته شد که تحت حمایت حاکمان مسلمان در کشورهای اسلامی به سر می‌بردند. حاکمان مسیحی، یهودیان را باعث کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام و لذا دشمن مسیحیت می‌دانستند. در سال ۱۰۸۶ تلاش‌هایی صورت گرفت تا اسپانیایی‌ها مسلمان شوند. حاکمان اسلامی در آن زمان، خلفای اموی بودند. اموی‌ها در آن زمان بخش وسیعی از اسپانیا را در سیطره خود داشتند. در اواخر قرن یازدهم بسیاری از یهودیان اروپا، به ویژه آن‌هایی که در آلمان بودند، به دست مسیحیان صلیبی که در راه بازپس‌گیری فلسطین از مسلمانان بودند، کشته شدند. در سال ۱۲۹۰ یهودیان از کشور انگلستان بیرون رانده شدند. در سال ۱۴۹۲ از اسپانیا نیز بیرون رانده شدند. قوم‌گرایی یهودیان باعث شد در دهه ۱۷۰۰ در اروپای مرکزی و روسیه مورد بی‌مهری و اذیت قرار بگیرند و اگرچه دوباره اجازه یافتند به انگلستان بازگردند، اما عموم مردم اروپا از آنها متنفر بودند.

در پایان قرن نوزدهم، بسیاری از محدودیت‌های زندگی یهودیان مرتفع شد؛ برای مثال، نمی‌توانستند دفتر کار عمومی داشته باشند و یا در دانشگاه‌ها حضور پیدا کنند، اما این تغییرات نیز به آزار یهودیان و نفرت مردم از آنها پایان نداد. از حدود نیمه



قرن نوزدهم گروهی از یهودیان، سودای داشتن وطنی برای خود را با اشغال سرزمین فلسطین در سر پروراندند. این جنبش بعداً "صهیونیسم" نام گرفت.

آغاز توطئه اشغال فلسطین در سال ۱۹۱۷ در "اعلامیه بالفور" تحقق یافت که در آن استعمار پیر، یعنی انگلیس، با تشکیل دولت یهود در فلسطین پس از جنگ جهانی اول موافقت کرد. انگلیس برای فریب عرب‌های فلسطین، توافق‌نامه‌ای شبیه به آن را با آنها نیز امضا کرد. در آن زمان بیشتر کشورهای خاورمیانه مستعمره انگلیس بودند.

در طی جنگ جهانی دوم، حدوداً از ۱۹۳۵ تا پایان جنگ، یعنی ۱۹۴۵، رژیم آلمان نازی به رهبری آدولف هیتلر (۱۸۸۹-۱۹۴۵ م.) تعدادی از یهودیان را به دلایلی مبهم به قتل رساند. این کشتار را "هولوکاست" نامیدند و امروزه محققان اروپا و آمریکا مجاز نیستند آزادانه درباره علل وقوع هولوکاست و گستره آن تحقیق کنند، در حالی که هنوز سؤالات بی‌پاسخ بسیاری درباره علل این حادثه وجود دارد؛ برای مثال، خاندان راتچایلد که صنعت بانکداری اروپا، به ویژه فرانسه را در ابتدای قرن بیستم در دست داشتند، از سویی از سرمایه‌گذاران بزرگ جنگ-های جهانی بودند و احتمالاً همان کسانی بودند که هیتلر را به کشتار یهودیان تشویق کردند و از سوی دیگر، به یهودیان



مناطق مختلف جهان کمک مالی نمودند تا به فلسطین مهاجرت کرده و در آنجا سکنا گزینند. راتچایلدها به قدری در سیاست پشت پردهٔ دنیای آن روز (و امروز) جهان نفوذ داشتند که شخصی مانند جیمز بالفور، وزیر امور خارجهٔ انگلستان، برای تشکیل دولت صهیونیسم ابتدا به طور رسمی از آنها اجازه گرفت.<sup>۱</sup>

پس از جنگ جهانی دوم اعلامیهٔ سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد، تشکیل دولت یهود را تصویب کرد. فلسطین که پیش‌تر مستعمرهٔ انگلیس بود و اعراب ساکن اصلی آن بودند، با چنین اعلامیه‌ای به اشغال یهودیان درآمد. بدین ترتیب، انگلیس و سازمان ملل متحد بر اساس افسانهٔ واهی "سرزمین موعود"، مسبب نزاعی تاریخی و خونین میان دو قوم عرب و یهود در این منطقه شدند که تا به امروز ادامه دارد. اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۹، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ جنگ‌هایی داشتند که همیشه عرب‌ها در آن شکست می‌خوردند، تا اینکه قرارداد صلحی در ۱۹۷۹ میان مصر و اسرائیل منعقد شد. امروزه حزب‌الله لبنان به رهبری سید حسن نصرالله نسل جدیدی از اعراب مبارز را تربیت

۱. Claude Faure, *Dictionari of Israeli- Palestinain Conflict*, P.7 and P.407.



کرد که صهیونیست‌ها را به وحشت انداخت و برای نخستین بار شکست را بر اسرائیل تحمیل کرد و به نقطهٔ عطفی در تاریخ جنگ‌های اعراب و اسرائیل تبدیل شد.

### فرقه‌های یهودی

پس از قیام یهودیان در سال ۱۶۴ پیش از میلاد، نخستین انشعاب جدی در یهودیت اتفاق افتاد و فرقه‌هایی پدید آمدند: اسنی‌ها، صدوقیان و فریسیان. "اسنی‌ها" صوفی‌مسلك بودند و دیدگاه‌های عرفانی و دنیاگریز داشتند. "صدوقیان" که جزو طبقهٔ اشراف و کاهنان جامعهٔ یهود بودند، دربارهٔ احکام یهودی محافظه‌کار یا سستی فکر می‌کردند و در امور اجتماعی تفکری لیبرال داشته و با تغییرات موافق بودند. صدوقیان، سنت شفاهی *تورات* را معتبر نمی‌دانستند. برای صدوقیان مرکز زندگی یهودی، معبد سلیمان بود و مناسک قربانی باید در آنجا انجام می‌شد. صدوقیان به جای نماز، برای انجام قربانی اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. بسیاری از کاهنان هیکل سلیمان و حاخام‌های سنهدرین از این فرقه برخاستند و روابط آنان با حاکمان رومی نیز خوب بود. صدوقیان بر خود لازم می‌دیدند سنت‌های گذشته را حفظ کنند و از این رو با "تفسیر به رأی" فریسیان و آداب و عادات بدعت‌آمیز آنان مخالفت می‌ورزیدند.



آنان قائل به جسمانیت خدا بودند و می‌گفتند: قربانی و هدایایی که در راه خدا می‌دهیم، مانند چیزهایی است که به پادشاه یا حاکم بشری تقدیم می‌کنیم. صدوقیان جاودانگی نفس و قیامت را انکار کرده و می‌پنداشتند سزای نیکی و بدی در همین دنیا داده می‌شود و درباره‌ی اراده‌ی انسانی به اختیار مطلق معتقد بودند. "فریسیان" در مقابل صدوقیان قرار داشتند و معتقد بودند خداوند به موسی علیه السلام هم تورات شفاهی داده است و هم تورات مکتوب، و هر دوی این‌ها قابلیت تفسیر دارند. بنابراین، فریسیان سنت قدرتمند تعلیم و تحقیق درباره‌ی متون مقدس، یعنی میدراش را در یهودیت پدید آوردند. ظاهراً برخی از این تفسیرها، تفسیر به رأی بود که بعد موجب نفرین حضرت عیسی علیه السلام بر آنان شد.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، جنبش دیگری در قرن اول میلادی از طرف زیلوت‌ها به وقوع پیوست. جنبش زیلوت‌ها بیش از آنکه دینی باشد، قوم‌گرا بود و می‌خواستند قوم و فرهنگ یهود بالاتر از همه‌ی اقوام و فرهنگ‌های دیگر باشد و به همین امید در سال هفتاد میلادی علیه امپراتوری روم قیام کردند. امپراتوری روم، فرقه‌های زیلوت و اسنی را از میان

۱. انجیل متی، باب ۲۳.



برداشت. صدوقیان نیز با نابودی معبد سلیمان به دست رومیان، نفوذ و اقتدار خود را از دست دادند.

گفتنی است، اسنی‌ها در برخی جریانات عرفانی بین‌النهرین تأثیر عمیقی گذاشتند. این گروه حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمدند و با خراب شدن اورشلیم، مانند صدوقیان و بعضی فرقه‌های دیگر از بین رفتند. اسنیان مالکیت فردی را قبول نداشتند و به ازدواج روی خوش نشان نمی‌دادند. در روز چندین بار غسل می‌کردند و برای این منظور، حوض‌های بزرگی ساخته بودند که در اکتشافات اخیر آنها را از زیر خاک بیرون آورده‌اند. هنگام طلوع فجر از خواب برمی‌خاستند و پس از عبادت تا ظهر به کار مشغول می‌شدند، سپس دست از کار می‌کشیدند و به طور دسته‌جمعی ناهار می‌خوردند و همین طور شام آنان دسته‌جمعی بود. روز شنبه به طور کلی از کار دست می‌کشیدند و به عبادت، تفکر و مطالعه‌ی تورات می‌پرداختند. گفته می‌شود قبله‌ی آنان خورشید بود، نه معبد سلیمان و ظاهراً آن را از میتراپرستان گرفته بودند.<sup>۱</sup> سطح معلومات آنان در زمینه‌ی تفسیر و عرفان بالا بود و افرادشان نیز در حدود قرن اول میلادی چهار هزار نفر گزارش شده است که با در نظر گرفتن محدودیت‌های

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۱۵.



عضوگیری در آن جامعه، عددی بزرگ است. به عقیده برخی دانشمندان، افکار این فرقه زیربنای مسیحیت فعلی گردید. حتی ممکن است اعضای این فرقه همگی مسیحی شده باشند. گفته می‌شود حضرت یحیی بن زکریا (تعمیددهنده) نیز از آنان بوده است. زندگی آن حضرت در بیابان به نقل اناجیل (و نیز احادیث اسلامی) می‌تواند شاهدی بر این موضوع باشد. پس، عملاً تنها فرقه‌ای که باقی ماند فریسیان بودند. قرن‌ها پس از آن، هیچ انشعاب مهمی در میان یهودیت به وجود نیامد. فریسیان بعدها به "اشکنازی" و "سفارادی" تقسیم شدند.

#### سفارادی‌ها و اشکنازی‌ها

تفاوت‌هایی که میان دو فرقه اشکنازی و سفارادی وجود دارد، در اصل تفاوتی جغرافیایی است. یهودیان اشکنازی، یهودیان مقیم شرق اروپا، فرانسه و آلمان هستند. کلمه "اشکناز" کلمه‌ای عبری است که به سرزمین آلمان اطلاق می‌شده است. یهودیان سفارادی به یهودیان اسپانیا، پرتغال، شمال آفریقا و خاورمیانه گفته می‌شود. معمولاً سفارادیم‌ها به سفارادیم‌های اسپانیا و پرتغال و میزراخیم‌های شمال آفریقا و خاورمیانه تقسیم می‌شوند.

اکثر یهودیان مقیم آمریکا اشکنازی هستند، زیرا آنها از نسل



یهودیانی هستند که از اروپای شمالی و شرقی به آمریکا مهاجرت کردند. اما عجیب است که نخستین اجتماع یهودیان در آمریکا، که در سال ۱۶۸۴ در نیویورک سیتی تأسیس شد و تا به امروز نیز برقرار است، اجتماعی سفارادی بود. یهودیان مقیم فلسطین اشغالی ترکیبی از سفارادی‌ها و اشکنازی‌ها هستند. بیشتر یهودیان مهاجر به این کشور، که خودشان آن را اسرائیل می‌نامند، اشکنازی هستند. بیشتر اختلاف این دو فرقه در زبان و فرهنگ است و نه در باورهای دینی و اشغال سرزمین فلسطین. خودشان این اختلافات را که بیشتر آنها در برپایی آیین‌های دینی و نمازهای روزانه است، فرعی و جزئی می‌دانند. از نظر تاریخی، تمایز اصلی میان این دو فرقه این است که یهودی‌های سفارادی ترسی از آمیختن با فرهنگ‌های غیریهودی مجاور خود نداشته‌اند، اما اشکنازی‌ها مایلند جدای از دیگر اقوام مجاور زندگی کنند. پس اختلاف میان یهودیان اشکنازی شرق اروپا، فرانسه و آلمان و سفارادی‌های اسپانیا، شمال آفریقا و خاورمیانه در باورهای اصلی آیین یهود نیست.<sup>۱</sup> امروزه ۷۵ درصد یهودیان اشکنازی و بقیه سفارادی هستند.

۱. Segal, Eliezer, Intraducing Judaism, p. 60.





### حسیدیم

در دهه ۱۷۰۰ میلادی، فرقه دیگری در میان یهودیت پدید آمد. یهودیان به طور سنتی معتقدند تعلیم و تربیت بهترین راه خدانشناسی است. ربی ایسرائل بن ایلی آذر (۱۷۰۰-۱۷۶۰م.) جنبشی به نام "حسیدیم" را پدید آورد که دیدگاهی بسیار عرفانی و معنوی داشت و به جای تعلیم، بر تجربه‌های فردی تکیه داشت. این جنبش در آن زمان کاملاً رادیکال تصور می‌شد و کسانی که مخالف این دیدگاه بودند "میتناگدیم"، یعنی "مخالقان" نامیده می‌شدند. امروزه تعدادی از فرقه حسیدیم وجود دارند و در اسرائیل زندگی می‌کنند. آنها را جزو محافظه‌کار می‌شمارند، نه رادیکال. شایان ذکر است، یهودیان حسیدیم با یهودیان ارتدکس (راست‌گیش) علیه جنبش‌های لیبرال جدید در عالم یهودیت، اتحاد برقرار کرده‌اند.

### انشعابات جدید

در اورشلیم کنونی، سه گروه اصلی نمایندگی دارند: ارتدکس‌ها، یهودیان اصلاحات و یهودیان محافظه‌کار. گروه چهارمی به نام "ساختارشکنان" هم هست که جمعیت بسیار کوچکی دارد. یهودیان ارتدکس که عموماً پیروان سنت قدیم شمرده می‌شوند، ائتلافی از تعدادی گروه است که اعتقاد دارند خداوند تمام



تورات، یعنی تورات مکتوب و شفاهی را به موسی عليه السلام داد. آنها معتقدند ۶۱۳ میصوا، یا احکامی که در تورات است، هنوز نافذ است و باید بدان‌ها عمل شود. تخمین زده می‌شود که حدود هفت درصد یهودیان آمریکا ارتدکس باشند. یهودیت ارتدکس تنها شکل شناخته‌شده یهودیت در فلسطین اشغالی است، زیرا بیشتر یهودیان اسرائیلی برخلاف یهودیان آمریکا، خودشان را به فرقه‌ای خاص از یهودیت منسوب نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند ارتدکس شناخته شوند.

برعکس، یهودیان اصلاحات (اصلاح‌طلب)، قبول ندارند که خداوند تورات را به حضرت موسی وحی کرده باشد. به عقیده آنان تورات را نویسندگان مختلفی به نگارش درآورده‌اند و تورات کنونی، ترکیبی از این متون گوناگون بوده است. یهودیان اصلاحات، از ۶۱۳ حکم میصوا تبعیت نمی‌کنند، اما برخی ارزش‌ها، اخلاقیات، عبادات و فرهنگ یهودی را رعایت می‌کنند. یهودیان، یهودیان اصلاحات را با ویژگی روشنفکری و پذیرش آسان تغییرات احکام دینی می‌شناسند. حدوداً ۴۲ درصد یهودیان آمریکا خودشان را یهودیان اصلاحات می‌نامند.<sup>۱</sup> یهودیت محافظه‌کار، تلاش می‌کند شکاف میان یهودیت

۱. Eugene B. Borowitz, *Exploring Reform Judaism*, P.83.



اصلاحات و یهودیت ارتدکس را با ایجاد راهی میانه درمان کنند. برای مثال، یهودیان محافظه‌کار معتقدند خداوند *تورات* را به موسی علیه السلام وحی کرد، اما نویسندگان بشری آن را ثبت و نقل کرده‌اند؛ پس *تورات*، وحی خالص نیست و حاوی عناصر بشری نیز هست. یهودیان محافظه‌کار معتقدند احکام یهودی باید مطابق با فرهنگ پیرامون خود تغییر کند. تفاوت‌های زیادی در اعمال یهودیان محافظه‌کار مشاهده می‌شود. برخی اعمال آن‌ها، آشکارا از یهودیان ارتدکس و برخی دیگر از یهودیان اصلاحات متمایز است. در ایالات متحده حدود ۳۸ درصد یهودیان خودشان را محافظه‌کار می‌دانند.

یهودیان سفارادی، فاقد جنبش‌هایی مانند ارتدکس، محافظه‌کار و یا اصلاحات هستند. در سنت سفارادی میزان مراعات هلاخا، یعنی احکام *تورات* و *تلمود*، به خود اشخاص واگذار شده است. برخی از سفارادی‌ها در روز شنبه با ماشین به کنیسا می‌روند که برخلاف احکام هلاخایی است. سفارادی‌ها و میدراشی‌ها (قائلان به تفسیر *تلمود*)، خیلی اهل رعایت نیستند؛ و ربی‌های سفارادی و میدراشی مایل به اتخاذ مواضع ملایم و متفاوت‌تر در مورد هلاخا نسبت به هم‌کیشان اشکنازی خود هستند، در عین حال، این دو گروه همدیگر را قبول دارند یا ندارند؟

یهودیت ساختارشکن، جنبشی بسیار کوچک است که حدود



یک درصد یهودیان آمریکا را تشکیل می‌دهند. برخی ناظران معتقدند این فرقه، لیبرال‌ترین فرقه یهودیت است. این سخن از بعضی جهات درست است؛ برای مثال، ساختارشکنان به قوم برگزیده خداوند بودن یهودیان معتقد نیستند. از سوی دیگر، ساختارشکنان تأکید بیشتری بر رعایت اعمال دینی نسبت به یهودیان اصلاحات دارند. با وجود این، باید توجه کرد که امروزه، افراطی‌ترین گروه‌های صهیونیست مانند "گوش‌امونیم" و افراطی‌ترین گروه‌های ضدصهیونیست مانند "نطورای کارتا"، به یک اندازه در شوق ظهور مسیحا روزگار می‌گذرانند. هم‌اکنون صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحایی روزانه، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنج‌ماه ایّار عبری)، پس از دمیدن در شیپور عبادت (=شوفار)، این گونه دعا می‌کنند:

اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد  
سپیده‌دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش  
دهد.

### گوساله‌پرستی در تاریخ بنی اسرائیل

مطابق با گزارش *تورات*، حضرت موسی علیه السلام در مراجعت از طور سینا تأخیر کرد. در این هنگام بنی اسرائیل که بت‌پرستی را در اقوام مجاور دیده و فریفته آن شده بودند، نزد حضرت هارون علیه السلام



رفتند و از او درخواست کردند تا برای آنان نیز خدایانی بسازد و آن حضرت، از زیورهای آنان گوساله‌ای ساخت و آنان را به پرستش آن تشویق کرد! خداوند موضوع را به حضرت موسی علیه السلام اطلاع داد و خواست آنان را هلاک کند، اما بر اثر شفاعت وی از آن صرف نظر کرد. قرآن مجید ساحت مقدس حضرت هارون علیه السلام را از چنین کار ناروایی پاک دانسته<sup>۱</sup> و سازنده گوساله را فردی به نام سامری معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام کار زشت بنی‌اسرائیل را مشاهده کرد، الواح را بر زمین کوبید و خرد کرد. آن‌گاه به مؤاخذه برادرش پرداخت و گوساله را سوزاند و خرد کرد و آن را در آب ریخت و به بنی‌اسرائیل نوشتاند. سپس امر کرد شمشیرهای خود را بردارند و به مدت نصف روز یکدیگر را بکشند.

### داوران یا جانشینان حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام در صحرای سینا درگذشت. پس از ایشان یوشع بن نون علیه السلام به امر خدا به رهبری قوم رسید. وی از رود

۱. طه، آیه ۹۰.

۲. یهودیان می‌دانند که ساحت شخصیتی مانند هارون باید به دور از این باشد که بت بسازد، ولی از آنجا که این واقعه در تورات آمده است، آن را بدون چون و چرا می‌پذیرند.



اردن، که از شمال به جنوب فلسطین کشیده شده است، گذشت و سرزمین کنعان و اطراف آن را فتح کرد. پس از حضرت یوشع علیه السلام تعدادی داور مردم را رهبری می‌کردند که پادشاه نبودند و صرفاً به حل اختلافات داخلی بنی‌اسرائیل می‌پرداختند. آخرین این داوران، حضرت سموئیل علیه السلام، دو پسر داشت که برای داوری مناسب نبودند. از سوی دیگر، بنی‌اسرائیل در آن دوره هنوز پادشاهی نداشتند که ایشان را در مقابل همسایگان مهاجم بسیج کند؛ از این رو، نزد پیامبر عصرشان سموئیل رفتند و از او خواستند پادشاهی را برای ایشان تعیین کند.

این امر در نظر سموئیل ناپسند آمد، چون که گفتند: ما را پادشاهی بده تا بر ما حکومت نماید و سموئیل نزد خداوند دعا کرد و خداوند به سموئیل گفت: آواز قوم را در هر چه به تو گفتند، بشنو، زیرا که تو را ترک نکردند، بلکه مرا ترک کردند تا بر ایشان پادشاهی نمایم.<sup>۱</sup>

سموئیل با اصرار آنان، جوانی به نام شاول (طالوت) را برای پادشاهی بر ایشان برگزید و او را با روغن مسح کرد. این مسح یا تدهین، پادشاه را حاکمی الهی می‌ساخت و اطاعت مسیح (ماشیح) شرعاً بر همه واجب می‌شد. شاول، نخستین پادشاه

۱. اول سموئیل، باب ۸، آیات ۶ - ۹.



بنی اسرائیل، حدود ۱۰۳۰ سال قبل از میلاد انتخاب شد. پس از انتصاب نخستین پادشاه، جنگ مهمی میان بنی اسرائیل و فلسطینیان آن زمان رخ داد و پیروزی نصیب بنی اسرائیل گردید. مهم‌ترین قهرمان این قوم "جلیات" بود که در قرآن مجید "جالوت" نامیده شده است. جالوت به دست حضرت داود علیه السلام که در آن زمان یکی از سربازان جوان طالوت بود کشته شد. حضرت داود علیه السلام جانشین طالوت شد (حدود ۱۰۱۵ ق.م). وی که هم اهل دعا و مناجات بود و هم اهل جنگ و کشورگشایی، نزد یهودیان از احترام ویژه‌ای برخوردار است. یکی از موفقیت‌های مهم آن حضرت فتح شهر اورشلیم بود که پایتخت وی شد و آن را "شهر داود" نامید. هیکل سلیمان در اورشلیم از زمان فرزند داود، یعنی سلیمان علیه السلام، قبلهٔ یهود شده است.<sup>۱</sup>

### هیکل سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام به جای پدرش حضرت داود علیه السلام نشست و مهم‌ترین و باشکوه‌ترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، وی معبد بسیار بزرگی در شهر اورشلیم ساخت که به هیکل<sup>۲</sup> سلیمان معروف شد. مردان یهودی

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۹۰.

۲. «هیکل» در زبان عبری به معنای «ساختمان بلند» است و در عربی به «معابد رفیع»  
 ←



موظف بودند سالی سه بار در سه عید معین برای انجام حج با پای پیاده به سوی آن معبد سفر کنند. این معبد به تدریج به دست مسیحیان افتاد و پس از ظهور اسلام، در عصر خلیفه دوم، از طریق صلح به مسلمانان سپرده شد. مسلمانان بخشی از ویرانه‌های هیکل سلیمان را به مسجدی به نام "مسجد عمر" تبدیل کردند. در کنار این مسجد، با اندکی فاصله، صخره‌ای وجود دارد که مسجدی روی آن بنا شده است. مسلمانان معتقدند، این همان صخره‌ای است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از روی آن به معراج رفت. این مسجد که گنبدی آبی‌رنگ و کوچک‌تر دارد، مسجدالاقصی نام دارد و مورد احترام مسلمین است.<sup>۱</sup> سال‌هاست که صهیونیست‌ها به بهانهٔ باستان‌شناسی در اطراف مسجدالاقصی و مسجد عمر حفاری می‌کنند و تصمیم دارند آنها را ویران کرده و به جای آنها هیکل سلیمان را بسازند. از هیکل سلیمان فقط دیوار غربی آن باقی مانده است که به مناسبت سوگواری یهود در کنار آن، "دیوار ندبه" نامیده می‌شود و مسلمانان آن را "حائط البراق"

→

اطلاق می‌شود.

۱. عنوان «مسجد الاقصی» در آغاز سوره مکی «اسراء» به مکان آن مسجد اشاره

می‌کند. هم‌چنین ر.ک: کشف ۲۱.



می خوانند. هیکل سلیمان در دو نوبت ویران شد. نخستین ویرانی این معبد و گرفتار شدن بنی اسرائیل به دست بابلیان در حدود قرن ششم قبل از میلاد به دلیل خودخواهی بنی اسرائیل بوده است. در آن زمان، ارمیای نبی از جانب خدای متعال پیام آورده بود که بنی اسرائیل در صورتی که خود را تسلیم دشمن نکنند، خود و شهرهایشان سالم خواهند ماند. آنان این پیام رهایی بخش الهی را به چیزی نگرفتند و آن پیامبر را زند و زندانی کردند و او تا سقوط شهر قدس، در زندان بود.<sup>۱</sup> ویرانی دوم در سال ۷۰ میلادی توسط تیتوس، شاهزاده رومی صورت گرفت.

#### متون مقدس یهودیت

##### تنخ یا عهد عتیق

یهودیان کتاب آسمانی خود را "تنخ" می نامند. "عهد عتیق" نامی است که مسیحیان در مقابل "عهد جدید" خود به کتاب یهودیان داده اند. مسیحیان به هر دو عهد عقیده دارند، اما عهد جدید را ناسخ برخی احکام عهد قدیم می دانند. اکثر عهد عتیق به زبان عبری است. تنخ ۳۹ کتاب دارد که ترجمه های مسیحی آن به نام "عهد عتیق" از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می شوند: ۱.

۱. ارمیا، باب ۳۷ و ۳۸.



بخش تاریخی؛ ۲. حکمت، مناجات و شعر؛ ۳. پیشگویی های انبیا.

#### بخش تاریخی

بخش تاریخی عهد عتیق مشتمل بر هفده کتاب است که پنج کتاب اول آن "تورات" نامیده می شود و نام دیگر آن "پنتاتوک"،<sup>۱</sup> یعنی "پنج کتاب" یا "اسفار خمه" است. کتاب های بخش تاریخی عهد عتیق از این قرار است: ۱. سفر پیدایش (آفرینش جهان، داستان های حضرت آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و یوسف علیهم السلام)؛ ۲. سفر خروج (تولد و بعثت حضرت موسی علیه السلام، خروج بنی اسرائیل از مصر به سینا و احکام)؛ ۳. سفر لاویان (احکام کاهنان، یعنی روحانیون یهودی که از نسل حضرت هارون علیه السلام و از خاندان لاوی هستند)؛ ۴. سفر اعداد (آمار بنی اسرائیل در عصر حضرت موسی علیه السلام، شریعت و تاریخ ایشان)؛ ۵. سفر تثنیه (تکرار احکامی که در اسفار پیشین آمده است و تاریخ بنی اسرائیل تا رحلت حضرت موسی). کتاب های بعدی عبارتند از: ۶. صحیفه یوشع؛ ۷. سفر داوران؛ ۸. کتاب روت؛ ۹. اول سموئیل؛ ۱۰. دوم سموئیل؛ ۱۱. اول پادشاهان (پادشاهی داود و پادشاهی حضرت سلیمان علیه السلام و جانشینان او)؛ ۱۲. دوم پادشاهان؛ ۱۳. اول تواریخ؛ ۱۴. دوم

۱. Pentateuch.



تواریخ؛ ۱۵. عزرا؛ ۱۶. نحمیا (نوسازی اورشلیم و بازگشت یهودیان از زبان نحمیا ساقی اردشیر اول، پادشاه هخامنشی)؛ ۱۷. استر (رفع خطر نابودی از یهود با وساطت استر، همسر یهودی خشایارشا).<sup>۱</sup>

#### بخش حکمت و مناجات

این بخش مشتمل بر پنج کتاب است: ۱. ایوب؛ ۲. مزامیر یعنی زبور داود (مجموعه ۱۵۰ قطعه مناجات)؛ ۳. امثال سلیمان نبی؛ ۴. کتاب جامعه<sup>۲</sup>؛ ۵. غزل غزل‌های سلیمان (اشعار عاشقانه).

#### پیش‌گویی‌های انبیا

این بخش مشتمل بر هفده کتاب است: ۱. اشعیا؛ ۲. ارمیا؛ ۳. مراثی ارمیا؛ ۴. حزقیال؛ ۵. دانیال؛ ۶. هوشع؛ ۷. یوئیل؛ ۸. عاموس؛ ۹. عوبدیا؛ ۱۰. یونس؛ ۱۱. میکاه؛ ۱۲. ناحوم؛ ۱۳. حبقوق؛ ۱۴. صنفیا؛ ۱۵. حجی؛ ۱۶. زکریا؛ ۱۷. ملاکی.

#### تلمود

کلمه "تلمود" به معنای آموزش از فعل ثلاثی عبری "لمد" (=

۱. آرامگاه استر و پسرعمویش مردخای که در رفع این خطر مؤثر بوده، در همدان است.

۲. «جامعه» در این کتاب، اسم مستعار حضرت سلیمان علیه السلام است.

۳. «حبقوق» در کتب اسلامی به «حقوق» تصحیف شده است.



یاد داد) می‌آید و با واژه رباعی "تلمیذ" و مشتقات آن در زبان عربی ارتباط دارد. تلمود به کتابی بسیار بزرگ اطلاق می‌شود که احادیث و احکام یهود را در بر دارد و در واقع، تفسیر و تأویل تورات است و گاهی آن را "تورات شفاهی" می‌نامند.

زمانی که یهودیان به بابل تبعید شدند، گروهی به نام "سوفریم" (یعنی کاتبان) میان آنان پدید آمد. "کاتبان" کسانی بودند که به کتابت تورات و مضامین مذهبی اهتمام داشتند. مهم‌ترین سوفر، عزرا (عزیر) بود که در قرن پنجم قبل از میلاد می‌زیست. عزرا تصمیم گرفت شریعت موسی علیه السلام را توسعه دهد و از عبارات کتاب عهد عتیق نیازهای جامعه یهود را برآورد. اقدام وی سرآغاز سنت شفاهی یهود شد.

پس از عزرا، روشی در تفسیر و تأویل متون مذهبی رایج شد که "میدراش" نامیده می‌شود و اختراع آن را به وی نسبت می‌دهند. واژه "میدراش" به معنای "جست‌وجو" است، زیرا دانشمندان از خلال میدراش به جست‌وجوی معانی نهفته تورات می‌پرداختند و می‌خواستند همه مسائل روزانه زندگی را از کتاب آسمانی خود استخراج کنند. پس از تأسیس مجمع کبیر (سنه‌درین) برای رسیدگی به امور مذهبی، کم‌کم این فکر رواج یافت که تفسیر تورات پس از حضرت موسی علیه السلام نسل به نسل به دست اعضای آن مجمع رسیده است.



به عقیده بسیاری از دانشمندان، "یهودا هئاسی" کسی است که سنت شفاهی را در کتابی که بعداً تلمود نامیده شد، ثبت کرد. وی در سال ۱۳۵ میلادی متولد شد و بیش از پنجاه سال "ناسی" یعنی رهبر دینی قوم یهود بود.<sup>۱</sup> یهودا هئاسی آن سنت‌ها را "میشنا" نامید. شرح میشنا "گمارا" نامیده می‌شود که به معنای تکمیل و تفسیر است؛ نویسندگان گمارا می‌گفتند مطالب آنان باقی‌مانده سخنان دانشمندان گذشته است که کتاب میشنا را تکمیل می‌کند.

تلمود شش بخش دارد که هر بخش "سیدر" نامیده می‌شود که عبارتند از ۱. زراعییم (احکام محصولات)؛ ۲. موعد (احکام اعیاد)؛ ۳. ناشیم (احکام زنان و ازواج)؛ ۴. نزیقین (احکام اموال و دیات)؛ ۵. قداشیم (مقدسات یهود)؛ ۶. طهاروت (احکام طهارات، پاک و ناپاک).

در تلمود به دو عنصر اساسی برخورد می‌کنیم: یکی "هلاخا" یعنی احکام دینی و دیگری "آگادا" یعنی داستان‌ها و شواهدی از پیشوایان یهود. تلمود منبع قوانین فقه یهود بوده است. مسیحیان به علت بدگویی این کتاب از حضرت عیسی ﷺ همواره با آن مخالف بوده‌اند. در سال ۱۲۳۹ میلادی، یک

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۰۵.



یهودی که مسیحی شده بود، پاپ را به سوزاندن آن کتاب تشویق کرد و تلمودسوزی را بنیاد نهاد. پس از آن تاریخ، ارباب‌های پر از نسخه‌های تلمود به میدان‌های شهر برده می‌شد و به کام آتش می‌رفت و یا برای استفاده از چرم آن به سازندگان کفش سپرده می‌شد.<sup>۱</sup>

### احکام یهود

یهودیان فقه گسترده‌ای دارند که عبادات آنان را مشخص می‌کند. روزه‌های یهود در ماه‌های سال توزیع شده است. مهم‌ترین روزه آنان در "یوم کیپور" است که از غروب روز قبل، به مدت یک شبانه‌روز روزه می‌گیرند و از خوردن، آشامیدن، شست‌وشو (به استثنای انگشتان)، آرایش، عطر زدن، هر گونه رابطه زناشویی و پوشیدن کفش چرمی پرهیز می‌کنند و در کنیسه‌ها به عبادت و استغفار مشغول می‌شوند. چهار روزه واجب دیگر نیز دارند که یکی از آنها در روز نهم ماه آب، به یاد نخستین خرابی اورشلیم، مانند روزه یوم کیپور اجرا می‌شود؛ سه روزه واجب دیگر و روزه‌های مستحبی مانند روزه دوشنبه و پنجشنبه، با امتناع از خوردن و نوشیدن از طلوع تا غروب آفتاب صورت می‌گیرد. تا سال هفتاد میلادی که معبد اورشلیم برپا

۱. همان، ص ۱۰۶.



بود، مردان یهودی موظف بودند سالی سه بار در اعیاد: "فصح"، "هفته‌ها" و "سوکوت" با پای پیاده به آنجا بروند. البته پس از آن هم سفر زیارتی به اورشلیم وجود داشته است و در عرف یهودیان ایران، به این زائران یهودی لقب "حاجی" می‌داده‌اند. "ختنه" در یهودیت فریضه‌ای مؤکد و عهد خدا با حضرت ابراهیم علیه السلام<sup>۱</sup> است که در روز هشتم تولد طی مراسمی، به دست روحانیون یهودی، انجام می‌گیرد. هم‌چنین یکی از مهم‌ترین بخش احکام یهود مربوط به نمازهای روزانه است.

## نماز در یهودیت

### وچوب نماز

طبق گفته تلمود<sup>۲</sup> نماز از دستورات تورات است: "یهوه خدای خود را دوست بدارید و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود خدمت نمایید."<sup>۳</sup> در تفسیر این آیه از تورات گفته‌اند: چه خدمتی است که با قلب انجام می‌شود؟ مصداق خدمت با قلب، عبادت و نماز است. بنابراین، به نمازها "آدوناه شبا-لو"<sup>۴</sup> می‌گویند؛ یعنی

۱. پیدایش، باب ۱۷، آیات ۹-۱۴.

۲. Tractate Taanit 2a.

۳. تثبیه، باب ۱۳، آیه ۱۱.

۴. Avodah sheba-Lev.



خدمتی که با قلب انجام می‌شود.

ابن میمون گفته است که تورات عبادت را دستور داده، ولی به اوقات و تعداد نمازها اشاره نکرده است. تلمود<sup>۱</sup> دو دلیل آورده است که چرا نمازهای اصلی سه عدد هستند:

۱. هر نمازی در برابر یکی از اعمال قربانی در کنار معبد سلیمان وضع شد: پیشکش صبح، بعد از ظهر و سوزاندن آن در غروب.

۲. طبق سخن ربی خوزه ب. هانینا<sup>۲</sup> هر یک از پدران تاریخ یهود یک نماز تأسیس کردند: ابراهیم نماز صبح را، اسحاق نماز عصر را و یعقوب نماز مغرب را.

این سخن را نقل قول‌هایی که حاکی از نماز این بزرگان در این اوقات است تقویت می‌کند. به هر حال، حتی طبق این نظر نیز زمان‌های دقیق این نمازها و حتی مفهوم نماز "موصاف" هنوز مبتنی بر ترتیب و زمان قربانی‌هاست. حضرت داوود در مزامیر می‌گوید: "شامگاهان، صبح و عصر نیایش و ندبه می‌کنم و او صدای مرا خواهد شنید."<sup>۳</sup> هم‌چنین در کتاب دانیال است که: "... پنجره‌های اتاق او به طرف اورشلیم باز می‌شد. او

1. Tractate Berachoth 26b.

2. Jose b. Hanina.

۳. مزامیر، مزمور ۱۸، آیه ۵۵.





روزی سه مرتبه بر روی زانوهای خود زانو می‌زد و نماز می‌گزارد و به شکرگزاری خدایش به خاطر آنچه در حق او کرده بود، می‌پرداخت.<sup>۱</sup>

در یهودیت ارتدکس، هلاخا (احکام یهودی) مردان یهودی را ملزم می‌سازد تا روزی سه مرتبه و در روز شنبه و روزهای مقدس یهودی چهار مرتبه نماز بخوانند و در یوم کیبور باید پنج مرتبه نماز خوانده شود. زنان در میان یهودیان ارتدکس ملزمند دست‌کم روزانه یک بار نماز بخوانند، بدون اینکه نمازشان ملزم به وقت خاصی باشد، اما شرکت در نمازهای دسته‌جمعی روزانه برایشان اختیاری شده است. یهودیان محافظه‌کار نظام هلاخایی، نمازهای دسته‌جمعی روزانه را اجباری می‌دانند. از سال ۲۰۰۲ زنان از گروه محافظه‌کار یهودی خود را ملزم کردند مانند مردان در نمازهای سه‌گانه دسته‌جمعی شرکت کنند، اما زنان جماعت‌های سنتی و غیر آن ترجیح دادند به شرکت در نمازها ملزم نباشند. جماعات اصلاحات و نوسامان‌گرای یهودی، هلاخا و احکام یهودی را دست‌وپاگیر دانسته و از این رو، اوقات نماز را موضوعی شخصی می‌دانند؛ به عبارت دیگر، آن را به تصمیم شخصی و زندگی معنوی افراد مرتبط می‌دانند و نه یک

۱. دانیال، باب ۱۱، آیه ۶.



نیاز دینی و واجب فقهی. طبق هلاخا، نماز گزار می‌تواند همه نمازهای فرادا و تقریباً همه نمازهای جمعی را به هر زبانی که آن را می‌فهمد، برگزار کند، برای مثال؛ می‌شنا می‌گوید لازم نیست که "شِمَع" به زبان عبری خوانده شود. گفتنی است، فهرستی از نمازهایی که باید به زبان عبری خوانده شود در کتاب می‌شنا آمده است.

### نماز فرادا و جماعت

در یهودیت نماز فرادا مورد قبول است، اما نماز جماعت یا "قوروم"<sup>۱</sup> که با حداقل ده نفر بالغ برگزار می‌شود مورد تأکید و توصیه است و برای برگزاری برخی نمازها حضور این تعداد بالغ ضرورت دارد. حضور ده نفر بالغ را "مینیم"<sup>۲</sup> می‌گویند. منظور از "بالغ" در نماز یهودی افراد بالای سیزده سال است. در آیین یهود این ده نفر بالغ در اصل باید "مرد" می‌بودند و زنان حق شرکت در نماز جماعت را نداشتند و مینیام شمرده نمی‌شدند، زیرا نماز جماعت برای زنان واجب نبود. امروزه جماعات محافظه‌کار یهودی حتی حاخام زن و پیش‌نماز زن نیز دارند. تعداد اندکی از جماعتی که خود را محافظه‌کار می‌شمارند در

۱. Quorum.

۲. Minyan.



مقابل این تغییرات مقاومت می‌کنند و هنوز زنان را جزو مینیام به شمار نمی‌آورند. جماعات اصلاح‌گرا و نوسامان‌گرا که مینیام را حکم لازم نماز جماعت می‌شمارند، زن و مرد را با هم محسوب می‌کنند تا ده نفر تکمیل شود. در شریعت یهود، حاخام‌ها زنان را تقریباً از تمام "میصوا"<sup>۱</sup>هایی که وقت معینی داشتند معاف کرده بودند، زیرا وظیفه اصلی آنها در وحله اول به دنیا آوردن کودک و نگهداری از آن بود و دختران یهودی از خردسالی مجبور بودند وارد این چرخه ناتمام حمل، زایمان و پرستاری از کودک شوند.

#### مقدمات نماز

##### نطیلا (وضو)

در یهودیت به وضو "نطیلا" گفته می‌شود، با این تفاوت که نطیلا در یهودیت فقط برای نماز نیست و طهارتی است که با خواندن تعدادی دعای برکت (براخا) همراه است و پیش از خوردن غذا نیز نطیلا انجام می‌شود. نطیلای نماز به این ترتیب است: اول با ظرف مخصوص نطیلا روی دست راست آب می‌ریزند که نباید مقدار آب از یکصد سانتی‌متر مکعب کمتر

۱. Mitzvoth: حکم واجب.



باشد. سپس روی دست چپ آب می‌ریزند و این عمل را سه بار تکرار می‌کنند. سپس دست‌ها را بالا می‌گیرند تا آب از انگشتان نچکد و بلافاصله دست را خشک می‌کنند. آب وضو (نطیلا) را نباید از دست کسی گرفت که خودش وضو (نطیلا) نداشته باشد. اگر دست‌ها را در درون ظرف آبی فرو برده و تکان دهد، عمل نطیلا برای نماز انجام گرفته و مورد قبول است. اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که آب وجود نداشته باشد، باید دست‌های خود را بر شن یا ماسه و یا خاک نرم بمالد، ولی باید به جای براخای نطیلا، براخای مخصوص تیمم را بخواند.<sup>۱</sup>

#### پوشش‌های مخصوص نماز

##### شال نماز یهودی

مردان یهودی نوعی شال نماز به نام "صیصیت" یا "طالیت"<sup>۲</sup> را به هنگام ادای نماز بر سر می‌کشند. طبق سنت، در طی دعاهای ایلایی<sup>۳</sup> نبی که در ابتدای نماز صبح خوانده می‌شود تا آن بخش از نماز که قسمتی از تورات را می‌خوانند، هم‌چنین هنگام

۱. زرگری، موسی، روش زندگی (احکام یهود)، ص ۸.

2. Tallit.

3. Aliyah.



خواندن اعترافنامه‌ای به نام "کُل نیدره"<sup>۱</sup> در یوم کیپور باید شال را بر سر کشیده باشند. در طول نمازهای عصر و مغرب فقط حزان<sup>۲</sup> (پیش‌نماز) ملزم به پوشیدن طالیت است. در کنیساهای ارتدکس معمولاً فقط مردان هلاخایی طالیت می‌پوشند و در کنیساهای محافظه‌کاران، هم مردان و هم زنانی که هلاخایی هستند، ملزم به پوشیدن طالیت می‌باشند. در بیشتر کنیساهای ارتدکس اشکنازی، این شال را فقط مردانی که متأهل هستند در نماز می‌پوشند.<sup>۳</sup> مطابق فقه یهود، باید سعی کنند پارچه طالیت از پشم بره بافته شده باشد و به هیچ وجه نباید از الیاف کنف (گونی) باشد. باید حتماً چهارگوشه باشد و چهار گوشه آن باید زاویه قائمه باشد. نخ‌هایی که در چهار گوشه طالیت (صیصیت) کار گذاشته می‌شود باید نخ تابیده باشد. البته طالیت دو نوع است: یکی طالیت کوچک که زیر لباس‌ها پوشیده می‌شود و دیگری طالیت بزرگ که به صورت شال نماز پوشیده می‌شود. بعد از پوشیدن طالیت در صبح، بلافاصله باید برای نماز به پوشیدن "تفیلین" اقدام کرد.

1. Kol Nidre.
2. Hazzan.
3. Becher, Mordechai, *Gateway to Judaism*, P. 328.



### تفیلین

تفیلین دو نوار بلند چرمی است که در نماز صبح باید یکی را بر دست چپ و دیگری را بر پیشانی بست. آن نواری که به پیشانی بسته می‌شود، جعبه‌ای کوچک دارد که در آن بخش‌هایی از تورات نوشته و قرار داده شده است. تفیلین نباید غصبی باشد و احکام آن چنین است که ابتدا تفیلین دست راست را باید بست. نباید بین بستن تفیلین دست و گذاشتن تفیلین سر، وقفه‌ای ایجاد شود. تفیلین دست را تا به انگشتان باید ادامه دهد و پیش از اینکه نوار تفیلین را دور انگشتان و کف دست می‌پیچد باید تفیلین سر را ببندد. بستن تفیلین دست بهتر است در حال نشسته باشد، ولی تفیلین سر را حتماً باید در حال ایستاده بست. یهودیان سفارادی در برخی ایام، از جمله شنبه (شبات) و عیدها از بستن تفیلین معاف هستند. شخصی که چپ دست است، باید تفیلین را بر دست راستش ببندد. در کنیساهای ارتدکس فقط مردان باید تفیلین ببندند، اما در کنیساهای محافظه‌کار برخی از زنان نیز می‌بندند باید هنگام پوشیدن طالیت و بستن تفیلین، دعاهای برکت مخصوص آنها خوانده شود.<sup>۱</sup>

۱- زرگری، موسی، روش زندگی (احکام یهود)، ص ۸.



### اتّیره یا پوشش سر

"اتّیره" یعنی پوشش سر. در بیشتر کنیساها پوشش سر برای مردان علامت احترام است؛ و از این رو، یهودیان کلاه مخصوصی به نام "کیپا"<sup>۲</sup> دارند. کسی که وارد کنیسا می‌شود، چه یهودی باشد و چه غیریهودی، باید کلاه بر سر بگذارد. برخی از کنیساهای محافظه‌کار تشویق می‌کنند که زنان نیز هنگام ورود به کنیسا سرشان را بپوشانند، اما چون زنان بسیار کم پیش می‌آید که با سر برهنه به کنیسا بیایند، این توصیه به ندرت اتفاق می‌افتد. بسیاری از کنیساهای اصلاح‌گرا و ترقی‌خواه، مردم را به پوشش سر ملزم نمی‌کنند، اما خود نمازگزاران، چه زن و چه مرد، سر خود را می‌پوشانند. برخی از زنان و مردان ارتدکس و محافظه‌کار نه تنها به هنگام برگزاری آیین نیایش، بلکه در تمام روز پوشش سر دارند.<sup>۳</sup>

### عفاف (زنیوت)

"زنیوت"<sup>۴</sup> به معنای میانه‌روی و حیاست و در مورد زنان و

1. Attire.
2. Kippa.
3. Pies, Ronald, *Becoming a Mensch: Timeless Talmudic Ethics for Everyone*, P.37.
4. Tzeniut.



مردان (هر دو) به کار می‌رود. هنگامی که زنان در کنیساهای ارتدکس حاضر می‌شوند، طبق سنت (سنت شرعی) باید آستین خود را بپوشانند، به طوری که آرنجشان دیده نشود و نیز باید دامن بلندی تا زیر زانو بپوشند؛ یقه‌هایشان باید پوشیده باشد، به طوری که گردن‌بندشان دیده نشود و اگر شوهردار باشند باید موهای خود را با کلاه‌گیس، روسری، کلاه و یا چیزی مرکب از آنها بپوشانند. برای مردان نیز شلوار کوتاه یا پیراهن آستین کوتاه نامناسب شمرده می‌شود. شاید در برخی کنیساهای اصلاح‌گرا و محافظه‌کار، رعایت قوانین مربوط به پوشش سخت گرفته نشود، اما هنوز مورد احترام است و طبق سنت در همه کنیساها رعایت می‌شود.

### نمازهای روزانه

نماز در زبان عبری "تفیلا"<sup>۱</sup> نام دارد. مهم‌ترین عمل عبادی روزانه برای یهودیان سنتی، ادای درست نمازهای سه‌گانه است<sup>۲</sup> که عبارتند از:

۱. نماز صبح یا شَحَریت<sup>۳</sup> (به معنای "سحر"). وقت آن از

1. Tefilah.

۲. ترمز، یهودیت: باورها و آداب دینی آنها، ص ۲۵۵.

3. Shacharit.



طلوع فجر تا ظهر است. در فرهنگ یهود آمده: ابراهیم عليه السلام نخستین کسی بود که نماز سحر را اقامه کرد. اهمیت نماز صبح در میان یهود به اندازه‌ای است که تا قبل از ادای آن چیزی نمی‌خورند.

۲. نماز عصر یا مینحاً<sup>۱</sup> (به معنای "آرد نذری"). اهمیت این نماز در آن است که دعای ایللیای پیغمبر در این نماز اجابت شد. وقت این نماز از هنگام گذشتن ظهر تا حدود بیست دقیقه پیش از غروب آفتاب است. کتاب‌های یهودی می‌گویند: حضرت اسحاق واضح این نماز بوده است.

۳. نماز شام یا عرویت و یا معاریو<sup>۲</sup> (به معنای "شامگاه"). وقت آن از هنگام غروب تا رسیدن ظلمات شب است. این نماز نیز به حضرت یعقوب منسوب است. در معبد سلیمان، در این سه وقت قربانی اهدا می‌شد. پس از خرابی معبد و اسارت یهودیان در بابل، به تدریج به جای قربانی، سه وعده نماز مقرر شد. در *تورات* آمده است: دانیال نبی عليه السلام سه بار در روز بر همین سنت نماز می‌خوانده است.<sup>۳</sup>

1. Minchah.

2. Arvit / Maariv.

۳. دانیال، باب ۶، آیه ۱۰.



### نماز صبح (شَحَرِیت یا سَحَرِیت)

"شحریت" که از ریشه "شَحَر" یا "سَحَر"، به معنای "سَحَر" و صبح است و با کلمه "سحر" عربی هم‌ریشه است، نمازی است که در صبح خوانده می‌شود. ترتیب نماز صبح چنین است که ابتدا نطیلا گرفته می‌شود و برخی دعاها در آن خوانده می‌شود که واجب است. دعا‌های برکت را در زبان عبری "براخا" می‌گویند که همان واژه "برکت" عربی است. اما خود نماز صبح دارای سه قسمت است. قسمت اول، براخاهای حمد است که به این ترتیب خوانده می‌شوند:

۱. مزمور ۳۰ (از کتاب *مزامیر داود* که در *تورات* است)؛
۲. باروخ شعامر (براخایی هفت جمله‌ای که چنین آغاز می‌شود: خداوند سخن گفت و جهان پدید آمد...)
۳. سرودهای شکرگزاری (شامل براخای هدو که فصل ۱۶ کتاب *تواریخ ایام اول* است و مزمور ۱۰۰)؛
۴. یهیی خوود (شامل آیات منتخبی از *مزامیر*، سفر خروج، *امثال سلیمان* و *تواریخ ایام*)؛
۵. عَشیری (این براخا شامل کل مزمور ۱۴۵ و آیاتی از *مزامیر* ۸۴، ۱۴۴ و ۱۱۵ است)؛
۶. مزمورخوانی (قرائت همه مزامیر ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۰)؛
۷. باروخ آدونای لعام (شامل چهار آیه است: ۵۳ از مزمور ۸۹، ۲۱ از مزمور ۱۳۵، ۱۸ و ۱۹ از مزمور ۷۲). بعد از خواندن این



بخش، دو بار "آمین" گفته می‌شود؛

۸. ویویار داود (آیات ۱۰ تا ۱۳ از *تواریخ ایام اول*)؛

۹. اتا هو آدونای لوادحا (شامل آیات ۶ تا ۱۱ از باب ۹ کتاب *نحمیا*)؛

۱۰. از یاشیر (این براخا به "سرود دریا" نیز شهرت دارد. شعری است منسوب به حضرت موسی عليه السلام که در باب ۱۵ از *سِفر خروج* آمده است و ابتدای آن چنین است: یهوه را سرود می‌خوانم که با جلال و مظفر شده است. اسب و سوارش را به دریا انداخت...)

۱۱. بیشتاباخ (آخرین براخای حمد که با این عبارت شروع می‌شود: ای پادشاه ما! باشد که نامت برای همیشه ستوده شود...).

پس از براهای حمد، قسمت دوم و اصلی نماز آغاز می‌شود که به ترتیب چنین است:

۱. *برخو* (حزان یا پیش‌نماز صدا می‌زند: متبارک باد خداوند، آن یکتای مقدس! و جماعت پاسخ می‌دهند: متبارک باد!)

۲. *یوصر* (براخایی که به خاطر برآمدن صبح و نور، خدا را سپاس می‌گوید)؛

۳. *آهوا ربا* (براخایی در شکرگزاری از یهوه به خاطر ارسال *تورات* و استدعا جهت فهم درست آن)؛

۴. *شیمع* (آیات ۴ تا ۹ باب ۶ و آیات ۱۳ تا ۲۱ باب ۱۱ سفر



*تثنیه*، و آیات ۳۷ تا ۴۱ باب ۱۵ سفر *اعداد*)؛

۵. *عیمت* و *ویاصیو* (براخایی دارای چهار بند که بر حقانیت ره‌اشدن اسرائیل در زمان‌های گذشته، برای مثال از بند فرعونیان، تأکید و خداوند را به دلیل آن شکر می‌کند)؛

۶. *عمیدا* (اصلی‌ترین بخش نماز که در حالت ایستاده و به صورت آهسته قرائت می‌شود و در برخی قسمت‌های آن زانو می‌زنند. خود *عمیدا* شامل نوزده براخاست که با براخای *آووت* شروع می‌شود و با براخای *سیم شالوم* (سلام فرستادن) به اتمام می‌رسد)؛

۷. *قدوشا* (یک براخای کوتاه با سه جمله که ابتدای آن این است: مقدس است، مقدس است، مقدس است خداوند، صاحب خانه‌ها، که همه هستی از جلال او پُر است).

قسمت سوم و پایانی نماز صبح به ترتیب دارای این قسمت‌هاست:

۱. *تخانون* (براخایی که شامل آیه ۱۴ باب ۲۴ *سموئیل نبی* و آیات ۲ تا ۱۱ *مزمور ۶* است. ابتدای *تخاوم* را نشسته می‌خوانند و آخر آن می‌ایستند)؛

۲. *قرائت تورات*، (*قرائت تورات* در این بخش از نماز، فقط مخصوص روزهای شبات، دوشنبه، پنجشنبه و روزهای عید است. کل اسفار *خمسه تورات* را به ۵۴ بخش تقسیم کرده‌اند تا هر هفته یک بخش آن در دو نماز صبح و عصر خوانده



شود و به این ترتیب، در یک سال کل اسفار خمسه قرائت گردد؛

۳. عَشیری (یا هلال که توضیح داده شد و در اینجا تکرار شده است)؛

۴. مزمور ۲۰؛

۵. عیوالصیون (دعای کوتاهی برای صهیون که با این عبارت شروع می‌شود: رهاننده‌ای به صهیون خواهد آمد...). بدون خواندن این دعا کسی از کنیسا بیرون نمی‌رود؛

۶. العینو (براخایی با ۲۱ جمله که با این عبارت شروع می‌شود: بر ماست تا خداوندگار همه را ستایش کنیم... . انتهای این دعا آیه ۳۹ باب ۴ سفر تثنیه است)؛

۷. شیر شل یوم (مزموری که به این روز تعلق دارد. توضیح آنکه به هر روز هفته یک مزمور اختصاص دارد که در آن روز باید خوانده شود، به این ترتیب: یکشنبه: مزمور ۲۴، دوشنبه: مزمور ۴۸؛ سه‌شنبه: مزمور ۸۲؛ چهارشنبه: مزمور ۹۴؛ پنجشنبه: مزمور ۸۱؛ جمعه: مزمور ۹۳ و شنبه: مزمور ۹۲)؛

۸. قدیش (به معنای مقدس، سرودی در ستایش خداوند است که انواعی مانند: قدیش کامل، قدیش نیمه، قدیش ربی و قدیش ندبه‌کنندگان دارد. قدیش کامل حدود سی جمله است که در قدیش نیمه، چند جمله از آن حذف می‌شود و در قدیش‌های دیگر، چند عبارت به آن اضافه می‌شود. ابتدای



این براخا چنین است: نام خداوند بلندمرتبه باد و مقدس باد! و در انتها می‌گوید: سلام بر ما و بر اسرائیل. آمین!) در روزهای معمولی نماز صبح با این قدیش تمام می‌شود؛

۹. عین کلوهینو (براخایی که محتوای آن این است که چیزی همانند خدا نیست، و همین عبارت یعنی "عین کلوهینو" که در ابتدای این براخا آمده به این معناست که چیزی "عین" و مثل و مانند خدای ما نیست. در پایان نیز می‌گوید: تو رحمت خودت را بر صهیون نشان خواهی داد، چراکه زمان مناسب آن خواهد رسید). این براخا را در شب‌ات و روزهای عید می‌خوانند و با این براخا نماز تمام می‌شود.

#### نماز عصر (مینخا یا مینحا)

وقت خواندن "مینخا" یا "مینحا"، به معنای "آرد" (از آردی که همراه با هر قربانی به معبد سلیمان پیشکش می‌شد گرفته شده است)، حدود نیم ساعت بعد از وقت ظهر شرعی است. اگر در اول وقت شرعی ادا شود، به آن "مینحا گلودا" یعنی مینحای بزرگ می‌گویند. مطلوب آن است که شخص نمازها را تا پیش از غروب آفتاب انجام داده باشد، اما زمان این نماز تا ابتدای شب توسع دارد. نماز عصر به ترتیب دارای بخش‌های ذیل است:

۱. عَشیری؛

۲. قرائت تورات (فقط در روزهای شب‌ات و روزهای روزه)؛



۳. عمیدا؛

۴. قدوشا؛

۵. تخانون؛

۶. العینو؛

۷. قدیش کامل؛

توضیح موارد مذکور در بخش نماز صبح گذشت. سفاردی‌ها و یهودیان ایتالیا، نماز مینخا را با مزامیر ۸۴ و کوربانوت<sup>۱</sup> آغاز می‌کنند. اشکنازی‌های غربی فقط کوربانوت را می‌خوانند. در بیشتر فرقه‌های جدید، پس از قدیشا، العینورا می‌خوانند. اشکنازی‌ها این نماز را با قدیش ندبه‌کنندگان ختم می‌کنند. پیش‌نمازها در این نماز نیز باید طالیت بیوشند. آن‌ها حتی در روزهای معمولی و در همه روزهای روزه نیز باید طالیت بیوشند.

### نماز مغرب (عرویت یا معاریو)

بسیاری از جوامع مذهبی یهودی، در روزهای غیر تعطیل، نمازهای عصر و غروب را پشت سر هم می‌خوانند تا مردم مجبور نباشند دو بار در کنیسا جمع شوند. ویلنا گائون<sup>۲</sup> یهودیان را از پشت سر هم خواندن این دو نماز نهی می‌کرد؛ از این رو،

۱. اعداد، باب ۲۸، آیه ۱-۸.

۲. Vilna Gaon.



پیروان او همگی منتظر می‌مانند تا شب داخل شود و سپس معاریو را بخوانند (زیرا "معاریو" به معنای داخل شدن شب است، نه غروب آفتاب).

نماز مغرب شامل این موارد است:

۱. برّخو (فراخوان رسمی برای نماز است و آن را معادل اذان دانسته‌اند)؛

۲. معاریو عراویم (براخایی که خداوند را به خاطر آمدن ظلمت شب، گردش روز و شب و فصل‌ها سپاس می‌گوید)؛

۳. اهوات عولام (این دعا را سفاردی‌ها در شکرگزاری به خاطر اعطای تورات از سوی خداوند می‌خوانند و به معنای "محبت ابدی" است)؛

۴. شِمَع؛

۵. عِمِت وعموناه (این براخا، برخلاف براخای عِمِت ویاصیو در نماز صبح که بر رهایی یهودیان در زمان‌های گذشته خدا را شکر می‌کرد، خواستار رهایی آینده یهود، یعنی قوم برگزیده خداست و تأکید دارد که یهودیان بی‌نظیرند و رسالتی الهی بر دوش آنان است)؛<sup>۱</sup>

۱- Bayme, Steven, *Understanding Jewish History: texts and Commentaries*, P.363.





۶. هشکی وینعو (براخایی که در شب‌ات و برخی اعیاد خوانده می‌شود و محتوای آن طلب آرامش و سپاس به خاطر آمدن روز شب‌ات است، زیرا هر روز شب‌ات برکتی از سوی خداوند به قوم یهود است)؛

۷. باروخ آدونای لعولام (هجده آیهٔ منتخب از *تورات* است که بیشترشان دعاست. در شب‌ات و ایام عید خوانده نمی‌شود و ابتدای آن چنین است: باشد که چشمان ما ببینند...)

۸. قدیش نیمه؛

۹. عمیدا؛

۱۰. قدیش کامل؛

۱۱. العینو؛

۱۲. قدیش ندبه‌کنندگان؛

این نماز با برخو آغاز می‌شود، که فراخوان رسمی برای نماز است. اشکنازی‌های بیرون از اسرائیل (به‌جز پیروان ویلنا گائون) دعای "باروخ آدونای لعولام" را می‌افزایند. سفارادی‌ها پس از این دعا، مزمور ۱۲۱ را می‌خوانند و پس از آن قدیش ندبه‌کنندگان را می‌خوانند و پیش از اینکه با العینو نماز را تمام کنند، برخو را تکرار می‌کنند.

### نماز روز شب‌ات

نماز در روز شنبه، به لحاظ ساختار شبیه نمازهای ایام هفته



است، با این تفاوت که بیشتر بخش‌های نماز را طول می‌دهند؛ البته به استثنای عمیدا، یعنی اصل نمازهای روزانه، که آن را مختصر می‌خوانند. سه براخای اول و یک براخای آخر نمازها نیز به طور معمول خوانده می‌شود، اما یک دعا به نام "تکریم روز"، که در وصف روز شب‌ات است، جای‌گزین سیزده براخای میانی روزانه می‌شود. این دعای میانی در هر نمازی متفاوت است و قاعدهٔ خاصی ندارد.

### شب پیش از شنبه

آداب مربوط به روز شب‌ات از غروب روز جمعه آغاز می‌شود؛ یعنی با مینحای روز پنجشنبه، که در برخی از جماعات مذهبی یهودی، پس از مینحای پنجشنبه، غزل غزل‌های سلیمان را می‌خوانند. سپس در بیشتر جماعات یهودی "کَبالات شب‌ات"<sup>۱</sup> را می‌خوانند. کَبالات شب‌ات، مقدمه‌ای است برای تشریفات روز شب‌ات که کابالیست‌های قرن شانزدهم آن را از *تورات* انتخاب کرده‌اند. کَبالات شب‌ات به زبان عبری یعنی "استقبال شنبه". کَبالات شب‌ات (به‌جز در میان یهودیان ایتالیایی و پرتغالی‌زبان)، از شش مزمور یعنی مزمورهای ۹۵ تا ۹۹ و ۲۹ تشکیل شده که نماد شش روز

۱. Kabbalat Shabbat.



هفته است. سپس شعر "لِخَا دودی" <sup>۱</sup> خوانده می‌شود. شعر لخوا دودی را "رَبِّي شلومو هالوی ألقابتز" در نیمه قرن شانزدهم سروده است که مبتنی بر کلماتی از عالِم تلمودی، "هَنینا" است که می‌گوید: "بیایید بیرون برویم و ملکه شبات را ببینیم." <sup>۲</sup> کَبالات شبات با مزمور ۹۲ (که سرود مخصوص روز شنبه و علامت پذیرش شبات و واجبات آن از سوی یهودیان است) و مزمور ۹۳ به پایان می‌رسد. برخی از یهودیان، در این قسمت بخشی را برای قرائت اضافه می‌کنند. این نماز با قدیش ربی به پایان می‌رسد. سپس نماز مغرب (معاربو) برگزار می‌شود. برخی جماعات، بخش قرائت را به بعد از نماز مغرب موکول می‌کنند. طبق برخی رسوم، در اینجا بخشی از کتاب زوهر را می‌خوانند. بخش "شِمَع" نماز شب جمعه، در برخی جزئیات از آنچه در روزهای هفته خوانده می‌شود متفاوت است. بسیاری از یهودیان در این قسمت آیات ۱۶ و ۱۷ باب ۳۱ سفر خروج را می‌خوانند. سپس دعای میانی عمیدا - که از آفرینش سخن می‌گوید - خوانده می‌شود و به دنبال آن خلاصه‌ای از هفت نیایش می‌آید که حزآن (پیش‌نماز) آن را می‌خواند. در این بخش، در کنیسه‌های اشکنازی قدیش می‌خوانند. سپس العینو

1. Lekha Dodi.
2. Talmud Shabbat 119a.



خوانده می‌شود. اغلب سفارادی‌ها و بسیاری از کنیسه‌های اشکنازی، با خواندن "یگدال" <sup>۱</sup> به این مراسم پایان می‌دهند. یگدال، افزوده شعری است که سیزدهمین اصل از اصول ایمان یهودی را توضیح می‌دهد و ابن‌میمون آن را وضع کرده است. دیگر کنیسه‌های اشکنازی، به جای آن با دعای "آدونای لعولام" ختم می‌کنند.

### نماز صبح شبات

نماز صبح شبات، مثل دیگر نمازهای صبح آغاز می‌شود. از میان مزامیر، مزمور ۱۰۰ یعنی مزمور له تودا <sup>۲</sup> (مزموری برای شکرگزاری پیشکش) حذف می‌شود، زیرا "تودا" یا شکرگزاری پیشکش، در روز شبات در معبد سلیمان عرضه نمی‌شد. جای آن را در سنت اشکنازی، مزامیر: ۱۹، ۳۴، ۹۰، ۹۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۳۳، ۹۲ و ۹۳ می‌گیرند. یهودیان سفارادی نظم دیگری را نگه داشته‌اند و تعدادی مزمور دیگر و دو شعر دینی نیز افزوده‌اند. سپس دعایی به نام "نیشمات" <sup>۳</sup> خوانده می‌شود. دعاها پیش از شمعرا طول می‌دهند و سرودهای ایل آدون را به آن

1. Yigdal.

2. Mizmor Le Todah.

3. به معنای «نَفَس» است و محتوای آن بی‌همتایی خداست و اینکه روح مانند نَفَس موجودات است.



می‌افزایند که اغلب به صورت دسته‌جمعی خوانده می‌شوند. دعای میانی شخریت عمیدا با "یسماخ موشه" آغاز می‌گردد. قطعۀ یسماخ موشه، دربارهٔ اینکه حضرت موسی عليه السلام تورات را دریافت کرده است سخن می‌گوید (که طبق سنت، در بامداد شبّات اتفاق افتاد). سپس حزان، قدیش را به تفصیل و با تکرار بعضی عبارات می‌خواند. پس از اینکه تکرار انجام شد، طومار تورات با مراسمی طولانی‌تر از مراسم هفته، از صندوقچهٔ مخصوص آن بیرون آورده می‌شود و بخش هفتگی آن و سپس، بخشی دیگر از تورات به نام "هفتارا"<sup>۱</sup> را می‌خوانند. پس از قرائت تورات، سه دعای دیگر را به صورت دسته‌جمعی می‌خوانند. در پایان، دعاهایی با مضمون آرزوی برقراری صلح و آرزوی تشکیل حکومت در اسرائیل خوانده می‌شود. بعد از این ادعیه، عَشیری را تکرار می‌کنند و طومارهای تورات را با حرکت دسته‌جمعی در کنیسا به صندوق مخصوصش برمی‌گردانند. در پایان مراسم، برخی از جماعات به کودکان اجازه می‌دهند تا جلو بیایند و طومارهای تورات را ببوسند. در برخی جماعات ارتدکس نیز ربی (یا عضو باسوادی از میان جماعت) به ایراد سخنرانی با موضوع اهمیت تورات می‌پردازد.

1. Haftarah.



### نماز موصاف (مضاف)

یهودیان در روزهایی مانند شبّات، نمازهایی اضافه بر نمازهای روزانه دارند که به آن "موصاف" می‌گویند. به این ترتیب، در روزهای شبّات به جای سه نماز، چهار نماز خوانده می‌شود. نماز مضاف با قرائت آهستهٔ عمیدا آغاز می‌شود. دعا‌های میانی شامل قرائت "تیکندا شبّات"<sup>۱</sup> است که در تکریم و تقدیس روز شبّات است. سپس بخشی از سفر/عداد خوانده می‌شود که دربارهٔ قربانی‌هایی است که پیوسته در معبد سلیمان انجام می‌شد. سپس این دعاها می‌آیند:

۱. ییسمیخو<sup>۲</sup>: "آن‌ها به زودی در پادشاهی تو خشنود خواهند شد!"
  ۲. الوهینو<sup>۳</sup>: "ای خدای ما و خدای نیاکان ما، باشد که از آرامش ما خشنود باشی!" (که در طی عمیдахای شبّات خوانده می‌شود).
- در این نماز، قدیش کامل - که مفصل است - خوانده می‌شود. پس از این که قرائت عمیدا به قدیش کامل رسید، به دنبالش براخای عین کلهوینو را می‌خوانند. در یهودیت ارتدکس بعد از این قسمت، بخشی از تلمود خوانده می‌شود و بخور پیشکش می‌کنند و مزامیر روزانه‌ای را که در معبد اورشلیم خوانده می‌شد،

1. Tikanta Shabbat.  
2. Yismechu.  
3. Eloheynu.



قرائت می‌کنند. محافظه‌کاران معمولاً این متون را نمی‌خوانند. نماز مضاف با خواندن قدیش ربی، العینو و قدیش ندبه به پایان می‌رسد. برخی کنیساها در این بخش، ابتدا "سرودهای افتخار"، سپس قدیش ندبه و مزامیر روز و نیز "آدون عولام" یا "بیگدال" را می‌خوانند.

#### نماز عصر در شبات

مینخای شبات با "عَشیری" شروع و با دعای "عیوالصیون" ادامه می‌یابد. سپس، بخش نخست از بخش‌های هفتگی طومار *تورات* خوانده می‌شود. در ادامه، عمیدا به همان صورتی که برای شبات توضیح دادیم، قرائت می‌گردد.

#### نماز مغرب در شبات

در غروب روز شبات، بلافاصله معاریو را می‌خوانند و با این دعاها به پایان می‌رسد: "ویهی نوعام"، "وه-بیتم لِخا" و "هودالا".

#### مواقع و عبادات ویژه

آیین‌های روزهای آوه- یعنی روش هَشانا (اول ماه) و یوم کیپور - با لحنی پرابهت که شایسته این روزها باشد برگزار می‌گردد. نماز مضاف در "روش هَشانا" نه دعا دارد؛ سه تایی میانی شامل آیاتی از *تورات* در تصدیق حکومت یهود، یادآوری دوران



حکومت یهود و نواختن شوفار (نوعی شیپور) است که در طول نماز صد مرتبه نواخته می‌شود.

"یوم کیپور" تنها روز سال است که در آن پنج بار نماز خوانده می‌شود. در این روز، پیش از نماز مغرب، "کول نیدره" خوانده می‌شود. کول نیدره، که نوعی اعتقادنامه است، بیان آغازین نماز مغرب است. در طول روز، نماز شَخَریت، نماز مضاف (که در شبات و همه روزهای جشن خوانده می‌شود) و به دنبال آن‌ها نماز مینخا را می‌خوانند. در این روز، همین که خورشید شروع به غروب کردن می‌کند، نماز نعिला خوانده می‌شود. این نماز سالی فقط یک بار و درست در همین روز و در همین ساعت خوانده می‌شود.

#### نمازهای پَسَح، شاوووعوت و سوکوت

نمازهای سه جشن "پسح"، "شاوووعوت" (جشن هفته‌ها یا عید پنجاهه) و "سوکوت" (جشن خیمه‌ها) مثل هم هستند، مگر اینکه مواردی رابه هر یک از این جشن‌ها، به تناسب آن جشن، اضافه می‌کنند. مقدمات و مؤخرات هر یک از نمازهای این جشن‌ها مثل شبات است. براخاهای عمیدا در این جشن‌ها فقط حاوی هشت براخاست. به دنبال آن هَلِیل (خواندن دسته‌جمعی مزامیر ۱۱۳ تا ۱۱۸) انجام می‌گیرد. نماز مضاف در این ایام با یادآوری پیشکش‌های معبد سلیمان در جشن‌های آن ایام است. هم‌چنین کاهنان دعایی به نام "دعای روی منبر" را در طی



عمیدا می‌خوانند (این دعا هر روز در اسرائیل و در میان بیشتر جماعات سفارادی قرائت می‌گردد، اما تنها در پسح، شاووت، سوکوت، روش هشانا و یوم کیپور است که در جماعات اشکنازی ساکن بیرون اسرائیل خوانده می‌شود). حزآن، ادعیة کاهنانه روزهای هفته و شبات را پس از براخاهای شکرگزاری می‌خواند. قابل ذکر است که یهودیان اصلاح‌گرای امریکایی، نماز مضاف را به کلی حذف کرده‌اند.

#### نماز قضا

اگر کسی به غیر عمد نمازش قضا شود، باید در نماز بعدی، دعای عمیدا را دو بار بخواند. در این زمینه احکامی به نام "Tefillat tashlumin" وجود دارد که این‌گونه احکام را توضیح می‌دهد.

#### آداب نماز

برخی از یهودیان در طول نماز، بدنشان را به سرعت به عقب و جلو حرکت می‌دهند. این عمل که "شوکلین" نام دارد، واجب شرعی نیست و حتی اسحاق لوریای کابالایست گفته است: چنین عملی جایز نیست؛ در مقابل، نویسنده‌ای آلمانی در قرون وسطا به نام "رَبی یاکوب مولین" این عمل را به عبارتی از تلمود مرتبط می‌سازد که می‌گوید: "عالم بزرگ دوره میشنایی



به نام "رَبی عقیوا"، چنان با قدرت بدن خود را در حال نماز به جلو و عقب حرکت می‌داده که به گوشه دیگر اتاق می‌افتاده است".<sup>۱</sup>

از آداب دیگر نماز این است که برخی عادت دارند پیش از نماز، در حین نماز و یا بعد از نماز صدقه بدهند، به این امید که نمازشان مسموع خدا واقع شود.

طبق احکام یهودیان ارتدکس و حتی یهودیان لیبرال، زنان و مردان در هنگام نماز ملزم به نشستن در بخش‌های تفکیک‌شده‌ای به نام "مخیتصا"<sup>۲</sup> هستند که آنان را از یکدیگر جدا می‌کند. یهودیان محافظه‌کار اجازه می‌دهند که زنان و مردان به صورت مختلط بنشینند. این امر در آمریکا به صورت همگانی درآمده، اما در باقی کشورها چنین نیست. گفتنی است، اکثر یهودیان نوارتدکس با پیش‌نماز شدن زنان مخالفند.

هم‌چنین از آداب واجب نماز آن است که یهودیان در خلال مراسم عبادی از صحبت کردن خودداری کنند، اما مردم زیاد به ظاهر این فرمان پای‌بند نیستند و در نتیجه، فضایی کاملاً غیررسمی بر مراسم حکم‌فرما می‌شود. از آنجا که عبادات

1. Talmud tractate Berachot, 119.

2. Mechitza



راست‌کیش‌ها به زبان عبری است و از روی سیدور<sup>۱</sup> (یعنی کتاب نماز) خوانده می‌شود، نحوه همراهی افراد عادی با مراسم به مسئله‌ای مشکل‌آفرین تبدیل شده است.

### نماز و زنان یهودی

در فقه یهودی زنان از سه بار نماز جماعت معاف شده‌اند. طبق نظر تلمود، که مهم‌ترین منبع فقهی یهودیان است، این نمازهای روزانه بر مردان واجب است. رهبران یهودیان ارتدکس عموماً این سخن تلمود را چنین تفسیر کرده‌اند که معاف شدن زنان به دلیل سطح بالای معنویت آنان است و از این رو، نیازی ندارند تا حتماً در وقت خاصی با خدا ارتباط برقرار کنند؛ در واقع، آنان همیشه در حال ارتباط با خدا هستند. برخی ارتدکس‌ها نیز زنان را فقط از انجام نماز مغرب معاف کرده‌اند. رهبران یهودیان ارتدکس متذکر شده‌اند که اگرچه زنان از خواندن نماز در اوقات ثابت معاف شده‌اند، از خواندن خود نماز معاف نیستند.<sup>۲</sup>

"رَبِّي عويدا يوسف"<sup>۳</sup> می‌گفت: روزانه فقط یک مرتبه نماز از زنان خواسته شده است که می‌توانند هر کدام را و به هر شکلی

1. Siddur.
2. Brachot 26a.
3. Ovadia Yosef.



که خودشان انتخاب کنند، بخوانند، اما در نمازشان باید براخاهای حمد<sup>۱</sup>، نیاز<sup>۲</sup> و شکرگزاری<sup>۳</sup> باشد.<sup>۴</sup> البته چنین نیست که همه رهبران ارتدکس موافق معافیت زنان از نمازهای روزانه باشند. میشنا برورا، که کتاب فقهی مهمی درباره احکام یهودیان اشکنازی است، معتقد است، اعضای "مجلس اعلا"، زنان را همانند مردان ملزم به خواندن هر روزه نمازهای صبح و عصر کرده بودند.<sup>۵</sup>

یهودیان اصلاح‌گرا (اصلاحات) و بازسامان‌گرا، پیش‌نماز شدن زنان را مجاز می‌دانند، زیرا خود را مقید به فقه یا هلاخا نمی‌دانند. یهودیان فمینیست سه نوع استدلال کلی برای توسعه نقش زنان ارائه کرده‌اند:

۱. به دلیل اینکه در معبد سلیمان، زنان مانند مردان ملزم به قربانی کردن بودند، پس زنان امروز نیز ملزمند نمازهای ویژه را به جا آورند و از این رو، می‌توانند پیش‌نماز باشند (و در صورت نیاز می‌توانند جزو مینیام به شمار آیند).

1. Brakhot.
2. Bakashot.
3. Hodot.
4. *Yabiah Omer*, vol. 6, p.17.
5. Shulkhan Arukh, section *Orach Chayim* 106:2.



۲. از آنجا که بخش‌هایی از نماز را خود *تورات* واجب نکرده است، بلکه در دوره تلمودی افزوده شده و سپس واجب شده است، پس انجام آن برای هر کسی که داوطلب باشد، چه مرد و چه زن، مساوی است؛ از این رو، زنان نیز می‌توانند دست‌کم در بخش‌هایی از نماز مانند کَبالات شبات پیش‌نماز باشند.

۳. در مواردی، تلمود زنان را نه به خاطر شایستگی، بلکه به خاطر "وقار" از پیش‌نمازی منع کرده است. پس اگر نهی تلمود، نهی ارشادی باشد و نه نهی مولوی، پس ما امروزه می‌توانیم این نهی را نادیده بگیریم و اجازه دهیم تا زنان نیز بتوانند برخی کارهای مخصوص مردان، مانند حمل *تورات* را انجام دهند و یا حتی پیش‌نماز شوند.

یهودیان نوارتدکس معمولاً زیر بار این استدلال‌ها نمی‌روند. آنها می‌گویند که طبق سنت "کول عیशा" چنین عملی صحیح نیست. کول عیशा، حکمی فقهی است که مردان را از شنیدن آواز زنان نامحرم نهی می‌کند. طبق این حکم مرد فقط می‌تواند به آواز زن خویش گوش دهد.

۱. kol isha.



## مهم‌ترین اجزای نماز

### براخا

در یهودیت، "براخا"<sup>۱</sup> دعای برکتی است که معمولاً در زمانی خاص و در طی مراسم یا فعالیت ویژه‌ای خوانده می‌شود. عملکرد براخا، تصدیق خداوند به عنوان منبع برکت است. براخاها معمولاً با چنین کلماتی شروع می‌شوند: براخا اتا، آدونای الوهینو، ملک‌ها-اولام، (بوروخ اتوه)، آدوینوی الوهینو و ملیک هو اویلوم؛ یعنی: مبارکی تو، ارباب خدای ما، پادشاه جهان و...  
سه نوع براخای اصلی وجود دارد:

۱. برکاتی که در تجارب خشنودکننده خوانده می‌شوند، که شامل برکت بر غذا و عطر است.

۲. برکاتی که به هنگام ادای امر واجب خوانده می‌شوند.

۳. برکاتی که به هنگام تحمید و سپاس‌گزاری خوانده می‌شوند.

کسی که دعای برکت را می‌شنود با گفتن آمین (آمین) پاسخ می‌گوید، اما کسی که در حال خواندن نماز است، چون حرف زدن برایش حرام است، آمین نیز نمی‌گوید. کسی که دعای برکت را می‌خواند، خودش در جواب خودش آمین نمی‌گوید، اگرچه نمازهایی مانند قدیش در خود متن دعا، کلمه "آمین" وجود دارد؛ لذا آمین را می‌خواند.

۱. در عبری «براخوت»، به معنای «نعمت» و «برکت» است.



### گفتن آمین

طبق هلاخا بعد از شنیدن براخا باید "آمین" گفت.<sup>۱</sup> در واقع ممنوع است که بعد از براخا خودسرانه از گفتن آمین سر باز زده شود.<sup>۲</sup> منبع و دلیل این وجوب، آیه‌ای از سفر تثئیه است: "وقتی من نام هَشیم (یکی از نام‌های خداوند) را می‌خوانم، خدایت را به بزرگی یاد کن"<sup>۳</sup>.

این فرمان اشاره دارد به آن نام خدا که فقط در زمان‌های خاصی تلفظ می‌شود و محدود به معبد مقدس در اورشلیم است. کسی که این نام خاص خداوند را بشنود، موظف است تا با براخای: "مبارک باد نام پادشاهی پرجلالش برای همیشه" پاسخ گوید.<sup>۴</sup> با نابودی معبد در سال هفتاد میلادی، ذکر نام مخصوص خدا (یعنی یهوه) ممنوع شد<sup>۵</sup> و به جای آن کلمه "آدونای" را می‌گفتند. اگرچه آدونای نیز جزو هفت نام مقدس خداست و نباید بدون منظور ذکر شود، اما در نمازها و برکات می‌تواند ذکر شود. پاسخ "آمین" در شنیدن آدونای واجب نیست.

1. Orach Chaim 124:6.
2. Chayei Adam 6:1.
4. Deuteronomy 32:3.
5. Chayei Adam 5:27.

۳. تثئیه، باب ۳، آیه ۳۲.



در تلمود آمده است: کلمه "آمین" مخفف "ال-ملک نع یمان"، یعنی "خداوند، سلطان امین است"<sup>۱</sup> می‌باشد. پس کلمه "آمین" در اصل ریشه‌شناختی خود، به ایموناه یا ایمان اشاره دارد و ثابت می‌کند که شخص عقاید اساسی ایمان را پذیرفته است.<sup>۲</sup> اصلی در فقه یهودی می‌گوید: در برخی از دعاها، مانند قدوش، کسی که بعد از دعا "آمین" می‌گوید، ثواب کسی را دارد که خود دعا را می‌خواند.

### عمیدا یا شمونه عسره (ثمانیه عسره)

نماز یهودیان از دعایی اصلی به نام "هجده" و چند دعای فرعی که در ابتدا و انتهای آن خوانده می‌شود، تشکیل شده است. قسمت اصلی، یعنی هجده، در عبری "شمونه عسره"<sup>۳</sup> است که از نظر ریشه لغت، صورت عبری "ثمانیه عسره" در زبان عربی است. این دعا، در ابتدا هجده دعای "براخا"<sup>۴</sup> بود که بعد دعایی بدان افزوده و در مجموع، نوزده "براخا" شد. این دعای اضافی، دعای مخصوصی بر ضد بدعت‌گذاران (یعنی یهودیان مسیحی-

1. Tractate Shabbat 119b and Tractate Sanhedrin 111a.
2. Magen Avraham 215:3, citing the Midrash.
3. Shemoneh Esreh.

۴. براخا به عربی همان «برکت» است.





شده) است که در حدود اواخر قرن اول میلادی، به هجده دعای قدیمی افزوده شده است. علت آن نیز این بود که یهودیان می‌دیدند مسیحیان یهودی‌شده به کنیسه‌های آنان می‌روند و در کنار آنان نماز می‌خوانند. آنها این دعا را افزودند تا مسیحیان نتوانند در کنیسه‌های آنان نماز بخوانند؛ از این رو، مسیحیان به تدریج به فکر جدا شدن از جماعت یهودیان و تشکیل کلیسا و تأسیس نمازی مخصوص به خود شدند.

نماز "هجده" نه تنها در سه نوبت نماز روزانه، بلکه در هر یک از مناسبت‌ها، مانند اعیاد یهودی نیز تکرار می‌شود، و سه بخش اصلی دارد:

۱. سه براخا به ستایش یهوه، خدای یهودیت اختصاص دارد که از جمله اوصافش آن است که خدای پدران (ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم‌السلام) است و تأمین‌کننده غذا و سلامتی، صادق در امر رستاخیز مردگان و مقدس است.

۲. سیزده براخا نیز به دعا برای علم، توبه، مغفرت، نجات، شفا، برکت زمین، گردآوردن آوارگان تبعیدی، داشتن داورانی عادل، نابودی بدعت‌گذاران، پاداش عادلان، بازسازی اورشلیم، آمدن مسیحای داوودی و درخواست پذیرش نماز، اختصاص یافته است.



۳. سه براخای آخر نیز درباره دعا برای بازگشت به صهیون و دوباره برقرار کردن عبادات معبد، سپاس از خوبی و خیر خدا و معجزات او، و طلب صلح، رحمت و حیات برای اسرائیل است. بدین ترتیب، این نماز دارای نوزده براخاست که باید در حالت ایستاده و رو به اورشلیم خوانده شود. از این روست که نام دیگر این نماز، "عمیدا"<sup>۱</sup> (یعنی "ایستاده به حالت عمود") است. این نماز نام دیگری نیز دارد؛ از آنجا که این نماز را آهسته می‌خوانند، در میان یهودیان ایران به "لَحَش" معروف است. اگرچه ترکیب این نماز در میان فرقه‌های گوناگون یهودی تفاوت‌هایی دارد، اما ساختار اصلی آنها یکی است.

#### شِمَع یا شِمَع اسرائیل

در کتب فقهی یهود آمده است: بر هر یهودی واجب است در روز دو دفعه صبح و شام، سه پاره (باب) از تورات را که با کلمات "شِمَع ایسرائیل" (یعنی: بشنو ای اسرائیل)<sup>۲</sup> شروع می‌شود، بخواند. در نمازهای صبح و شام پیش از عمیدا به خواندن شِمَع و براخاهای آن می‌پردازند. شِمَع در یهودیت جایگاه بسیار مهمی دارد و از آنجا که در یهودیت اعتقادنامه رسمی وجود ندارد،

1. Amidah.

۲. تثنیه، باب ۶، آیه ۹۴-۹۶.



همچون کلمه شهادت عمل می‌کند.

قرائت شمع جزو قسمت‌های مهم نماز یهودیان است. در اهمیت این دعا همین بس که نخستین چیزی است که فرد یهودی به فرزندان کوچکش می‌آموزد. به محضر تلقین داده می‌شود و آخرین کلامی است که از دهان شخص یهودی خارج می‌گردد. در تفیلین و مزوزای یهودیان نوشته و گذاشته می‌شود و به هنگام خطرات تکرار می‌شود. مستحب است قبل از خواب خوانده شود و در نماز موصاف و نعילה قرائت می‌گردد.<sup>۱</sup>

#### قدیش

"قدیش" دعایی است که از ستایش خدا، تقدیس نام پروردگار (قیدوش هَشیم) و اقرار به عدالت خالق یکتا (صیدوق هدین) ترکیب یافته است. اقسام مختلف قدیش وجود دارد: قدیشی که پیش‌نماز آن را چند مرتبه در ضمن نماز می‌خواند که خود به دو نوع است: قدیش نیمه و قدیش کامل که توضیح آن گذشت. قدیش دیگر "ربانان" نام دارد که سوگواران آن را قرائت می‌کنند. نیز "قدیش بزرگ" است که پس از تدفین و قرائت تلمود یا فصلی از میثنا خوانده می‌شود که به منزله "نماز میت"

۱. واژه‌های فرهنگ یهود، ص ۱۹۶.



در اسلام است.<sup>۱</sup>

#### قدوشا

به هنگام تکرار عمیदा، بخش ویژه‌ای که به قدوشا<sup>۲</sup> یعنی "قدس"، معروف است به دعای برکتی که در آن از قدوسیت خدا ستایش می‌شود، افزوده می‌گردد. این بخش متشکل از آیاتی است برگرفته از: /شعیا (۶:۳)، حزقیال، (۳: ۱۲) و تهیلیم<sup>۳</sup> (۱۴۶: ۱۰)، که جماعت و پیش‌نماز با صدای بلند آن را می‌خوانند.

#### نعیلا

"نعیلا" به معنای "اختتام"، نماز ویژه‌ای است که در شامگاه یوم کیپور به عنوان اختتام تلاوت می‌شود و به معنی "درهای آسمان که امروز برای پذیرفتن دعاها ی اسرائیل باز بود بسته می‌شود"، است. پس از نماز نعילה، شوفار (شیپور) نواخته می‌شود و افراد برای تبریک به یکدیگر می‌گویند: "سال آینده در اورشلیم!"<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۹۵.

2. Kedushah.

۳. مزامیر.

۴. واژه‌های فرهنگ یهود، ص ۲۳۸.



### پیش‌نماز

در هلاخا یا احکام یهود آمده است که هر یهودی مذکر بالغی می‌تواند رهبری نمازها، قرائت تورات و اجرای دیگر آیین‌های کنیسا را بر عهده گیرد و فقط اعطای برکات کاهنی<sup>۱</sup> است که لازم است به دست کاهن صورت گیرد. اعطای این برکت‌ها در عیدهای بزرگ انجام می‌شود. در کنیساهای مترقیان کسی که اعطای برکت می‌کند، حاخام است نه کاهن. با آنکه رهبری عبادات با تصدی غیرروحانیان ممکن است، اما اغلب کنیساهای بزرگ از پیش‌نمازهای تمام‌وقتی که آموزش‌های ویژه‌ای دیده‌اند بهره می‌برند. این افراد "حزّان"<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند. ایفای مسئولیت پیش‌نمازی حزّان به دوران گائون‌ها برمی‌گردد. پیش‌نمازهای جدید و سبک موسیقایی‌ای که امروزه استفاده می‌کنند، در قرن نوزدهم و هم‌زمان با رهایی یهودیان اروپایی پیدا شده‌اند. البته اینک سنت موسیقایی حسیدیزم و نیز آهنگ‌های یهودی شرقی و تصنیف‌های جدید اسرائیلی بر نفوذی که سبک‌های اروپایی مرکزی بر موسیقی نماز داشته‌اند پیشی گرفته‌اند.

۱. دعاهایی برای برکت دادن به مردم از طریق کاهنان، که سرانجام جزو نماز کنیسا نیز قرار گرفت. ر.ک: اعداد، باب ۶، آیات ۲۲ - ۲۷ (م).

2. Chazan.



پیش‌نماز نمونه باید به دور از گناه، بدون آوازه‌بد، متواضع و مقبول جماعت باشد، و نیز باید از صدایی خوش برخوردار باشد، اما هلاخا تصریح دارد که دینداری و دانش حزّان، مهم‌تر از کیفیت صدای او هستند. با این حال، انتظاراتی که افراد جماعت از نوع اجرای مراسم پیش‌نمازی دارند لازم می‌آورد که علاوه بر ملاحظات مربوط به تدین، که نقش بنیادی و بسیار مهمی دارد، سبک اجرا و مهارت پیش‌نماز هم مطرح باشد.<sup>۱</sup>

در یهودیت به کسی که از کنیسا مواظبت می‌کند "شمّاس" می‌گویند. شماس، متولی یا خادم کنیسا است و در زمان‌های قدیم مردم را به هنگام نماز فرا می‌خوانده است. هم‌چنین شخصی با عنوان "حزّان شینی"<sup>۲</sup>، یا دستیار پیش‌نماز است که غالباً خواندن پاره‌های هفتگی تورات در کنیسا را بر عهده دارد و در روزهای غیرتعطیل هفته پیش‌نماز است. از جمله مأموران دیگر کنیسا "مِلَمِد"<sup>۳</sup> است که در مدرسه دینی یا "حِدر"<sup>۴</sup> که چسبیده به کنیسا ساخته می‌شود درس می‌دهد، و هم‌چنین "سوفر" یا "کاتب" که طومارهای تورات و پوست‌نوشته‌های

۱. ترمز، الن، یهودیت، ص ۳۱۹.

۲. Sheni: دوم.

3. Melamed.

۴. Cheder: اتاق.



تفیلین را می‌نویسد و گواهی‌های طلاق را صادر می‌کند.

### اعیاد یهود

تقویم عبرانی، شمسی - قمری است؛ با سال‌های شمسی و ماه‌های قمری که به طور یک در میان ۳۰ و ۲۹ روز دارد. یهودیان برای ثابت نگه داشتن ماه‌های قمری در فصول سال، هر سه سال یک بار، پس از ماه "آدار" یک ماه به نام "آدار ثانی" بر سال می‌افزایند و آن سال سیزده‌ماهه را "عَبَّور" می‌نامند. سال آنان از ماه "تشری" در پاییز آغاز می‌شود و با افزودن عدد ۴۳۸۱ بر نیمه اول و ۴۳۸۲ بر نیمه دوم سال هجری شمسی، تاریخ عبرانی به دست می‌آید که مبدأ آن خلقت عالم فرض می‌شود.<sup>۱</sup> یهودیان عیدهایی دارند که در قرائت نمازهایشان اثرگذار است. برخی از این اعیاد بدین شرح است:

### روز شنبه

در این روز افراد خانواده دسته‌جمعی غذا می‌خورند و طی آن، بزرگ خانواده جام شرابی بر دست می‌گیرد و با خواندن دعا، آن را تبرک می‌کند و افراد خانواده از آن شراب می‌نوشند. تعطیلی

۱. برای مثال، سال ۱۳۸۳ تا ۲۵ شهریور با نیمه دوم سال ۵۷۶۴ عبرانی و از ۲۶ شهریور با نیمه اول سال ۵۷۶۵ عبرانی برابر بوده است.



شنبه یکی از "ده فرمان" است.<sup>۱</sup> به گفته تورات، در زمان حضرت موسی علیه السلام شخصی را به سبب جمع کردن هیزم در روز شنبه دستگیر کرده و نزد آن حضرت آوردند. وی دستور داد او را به امر خدا سنگسار کنند.<sup>۲</sup>

یهودیان کار کردن در روز شنبه را حرام و گناه کبیره می‌دانند و در آن روز به عبادت، استراحت و دید و بازدید مشغول می‌شوند. یهودیان، شبات را موهبتی ویژه از سوی خدا مخصوص قوم یهود تلقی می‌کنند؛ شبات، رازی میان خدا و بنی اسرائیل است. با وجود این، در کتاب مقدس شواهد و دلایل کمی برای تکریم شبات وجود دارد.

مطابق یکی از دیدگاه‌های تلمودی، اگر یهودیان فقط به مدت دو هفته پشت سر هم قوانین شبات را آن‌گونه که شایسته بود رعایت می‌کردند، موجب ظهور نجات مسیحایی می‌شدند. در طول ۲۴ ساعت شبات، هیچ کار دنیایی و غیرمقدس نمی‌توان انجام داد. هالاخا به تفصیل، ۳۹ کار ممنوع در روز شبات را برمی‌شمارد. حاخام‌ها حتی از وسایل الکتریکی نیز در این روز استفاده نمی‌کنند. احکام نماز در روز شبات، پیش‌تر گفته شد.

۱. خروج، باب ۲۰، آیات ۸-۱۱.

۲. اعداد، باب ۱۵، آیات ۳۲-۳۵.



### عید اول ماه

به عبری به آن "روش خودش" می‌گویند که به معنای آغاز ماه است. در دوران کتاب مقدس، عید اول ماه را موقعیتی برای قربانی‌ها و جشن‌های مخصوص می‌دانستند، اما در دوره‌های بعدی یهودیت، تبدیل به عید نسبتاً کم‌اهمیت‌تری شد که مشخصه آن تنها چند نماز یا دعای اضافی، مانند دعای معروف به "تسبیح مختصر"<sup>۱</sup> (تهیلیم ۱۱۳-۱۱۸) و یک نماز موصاف است. رسم بر آن است که فرا رسیدن هلال نو در کنیسا و در شبات پیش از آغاز ماه جدید اعلان می‌گردد. در دعاهایی که برای تقدیس ماه خوانده می‌شوند اسرائیل با ماه مقایسه می‌شود که مدام خویشتن را نو می‌گرداند و خواست خالق خود را با خوشی به انجام می‌رساند. اینک نور ماه کمتر از خورشید است، اما در دوران آینده شکوه پیشین خویش را باز خواهد یافت و همچون خورشید خواهد درخشید. در نتیجه، آن گونه که در دعا آمده است، اسرائیل منزلت نازل خود در جمع ملل را فرو خواهد گذاشت و در عصر مسیحایی، شکوه پیشین خود را به دست خواهد آورد.<sup>۲</sup>

1. Half-Hallel.

۲. ترمین، الن، یهودیت، ص ۲۶۴.



### سال هفتم یا سال انفکاک

طبق *تورات* هر هفت سال یک بار باید وام‌ها را بخشید و کارهایی انسانی از قبیل آزاد کردن بردگان اسرائیلی انجام داد.<sup>۱</sup> نام عبری این سال "شمیطا" به معنای "رها شدن" است.

### سال یوبیل

این عید هر پنجاه سال یک بار می‌آید که اعمال اخلاقی بسیاری باید در آن انجام شود.<sup>۲</sup>

### عید فصح (پسح)

در لغت به معنای "چشم‌پوشی کردن" است که به مناسبت چشم‌پوشی خداوند از قتل نخست‌زادگان بنی‌اسرائیل در حین نزول این بلا بر فرعونیان چنین نامی به آن داده شده است، ولی بزرگداشت آن به مناسبت نجات بنی‌اسرائیل از ستم مصریان است. این عید در فلسطین هفت روز و در سایر مناطق هشت روز طول می‌کشد و آغاز آن چهاردهم ماه نisan در فصل بهار است. مراسم این عید در *تورات*<sup>۳</sup> مذکور است. عید فصح،

۱. تثبیه، باب ۱۵.

۲. لاویان، باب ۲۵.

۳. خروج، باب ۱۲.



مهم‌ترین عید یهودیت است و در آن تنها استفاده از نان فطیر مجاز است. در شب اول (و دوم آن در غیر سرزمین اسرائیل)، سفره شب عید فصح پهن و مراسمی مانند خوردن سبزی تلخ به یاد تلخی دوران اقامت در مصر اجرا می‌شود. از قرن دوازدهم میلادی تا کنون گاهی یهودیان متهم شده‌اند که کودک یا بزرگسالی غیریهودی را کشته و از خون وی در نان فطیر عید فصح استفاده کرده‌اند.<sup>۱</sup>

#### عید هفته‌ها

این عید پنجاه روز پس از عید فصح، به مناسبت گذشتن هفت هفته و آماده شدن محصول برگزار می‌شود. نام عبری آن "شاووعوت" یعنی "هفته‌ها" است.

#### عید اول سال

این عید که به عبری "روش هسانا" (رأس السنه) نامیده می‌شود، در اوایل مهر (اعتدال خریفی) قرار دارد. در صبح آن روز پس از نماز، و البته به استثنای شبات و روز قبل از خود، روش هسانا، اندکی در شوفار، که نوعی شاخ قوچ است، می‌دمند. از هفته آخر "الول"، که جشن سال نو در آن واقع می-

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۱۳.



شود، خواندن دعاهاى مخصوصی در سحر، که برای آمرزشند و به "سلیحوت"<sup>۱</sup> مشهور، آغاز می‌شود. این روز را "روز داوری" و مقدّرات سال آینده را وابسته به آن می‌دانند. کسانی که در این روز یکدیگر را می‌بینند برای هم چنین آرزو می‌کنند: "امیدوارم سال خوبی به نام شما نوشته و تقدیر شود!"؛ زیرا عقیده دارند که داوری مربوط به هر کسی در کتابی آسمانی نگاشته می‌شود. روش هسانا همانند دیگر اعیادی که در کتاب مقدس یاد شده‌اند، مثل: عید خروج، جشن پنجاهه و عید خیمه‌ها، از جشن‌هایی است که در آن هیچ کار دنیایی و غیرمقدس نمی‌توان انجام داد. این اعیاد با شبات و روز فدییه این تفاوت را دارند که می‌توان در آنها پخت و پز کرد و انجام کارهای مربوطه به تهیه غذا مجاز است. در روش هسانا، کنیساها که در باقی ایام سال جز اندکی از مؤمنان کسی را به خود نمی‌بینند، پذیرای جمعیت قابل ملاحظه‌ای هستند.

#### ده روز توبه

ده روز نخست ماه تیشری به نام "ده روز توبه" مشهورند. روز پس از روش «هسانا» مخصوص آیین "صوم گدلیا"<sup>۲</sup> است، ولی

1. Selichot.

2. Tzom Gedaliah.



این ایام روزه ارتباط متقنی با توبه ندارد، بلکه یادآور خاطره قتل گدلیا، حاکم یهودیه است که به دست بابلیان پس از سقوط اورشلیم در ۵۸۶ پیش از میلاد نصب شده بود. مطابق روایات یهودی، مرگ او منجر به از میان رفتن نهایی هستی یهودیان مملکت جنوبی یهودیه شد. از جمله مشخصه‌های این ده روزه، نمازها و دعاهای اضافی آن‌هاست: درخواست از خدا برای بخشیدن گناهان سال گذشته، فراموش نکردن یهودیان در طول زندگی، تأکید بر پادشاهی خدا، و دعوت به توبه، که به "تَشُووا" معروف و به معنای برگشتن به سوی خداست. بعضی جوامع یهودی، سلیحوت توبه‌ای مخصوصی را در سحر نیز می‌خوانند. در حالی که در میان یهودیان زاهد و متقی رسم است که از آثار موساری، که آدمی را به عبادتی باطنی‌تر و مقدس‌تر رهنمون می‌شود، بهره می‌برند، عموم مردم تلاش می‌کنند تا در خلال این دوره به گونه‌ای دقیق‌تر مسائل مربوط به پاکیزگی دینی را در زندگی خود مراعات کنند.

### یوم کیپور

به معنای روز کفاره یا فدیة است. این عید بسیار مهم، دهمین روز از ماه تشری است و آن را "عاسور" یعنی "عاشورا"

1. Teshuvah.



می‌نامند. یهودیان از غروب روز قبل تا شبانگاه این روز، به منظور کفاره گناهان، روزه می‌گیرند. قداست این روز از شبات بیشتر است و کار در آن حرام است<sup>۱</sup>. در یوم کیپور، یهودیان بنیادگرا لباس ژنده می‌پوشند. در نوشته‌های هالاخایی، یوم کیپور مهم‌ترین زمان در طول سال یهودی شمرده می‌شود و معیار اصلی متدین بودن فرد یهودی است. بسیاری از یهودیان که در سایر مراسم‌های دینی مشارکت نمی‌کنند، تلاش خاصی دارند تا در یوم کیپور در کنیسا حضور یابند و یا دست‌کم آن را روزه بگیرند.

در کشور جدید اسرائیل که در آن زندگی یهودیان تحت سیطره راست‌کیشی یهود است، گروه‌های یهودی سکولار فرصت یوم کیپور را غنیمت شمرده، به گردش‌های بزرگ دسته‌جمعی می‌روند. این کار نه تنها به آنان اجازه می‌دهد تا از جو دینی سنگین شهرها بگریزند، بلکه خود بزرگ‌ترین نوع نارضایتی و مخالفتی است که می‌توان در ساختار دینی از خود بروز داد. در یوم کیپور صرف نظر از روزه، که مانند تمام روزه‌های موجود در یهودیت مستلزم امساک کامل از خوردن و آشامیدن است، باید از شست‌وشو و روغن زدن به خود، پوشیدن

۱. لاویان، باب ۱۶، آیات ۲۹-۳۴.



کفش چرمی و داشتن روابط جنسی نیز خودداری کرد. همانند شبات، در یوم کپیور نیز انجام هر گونه کار دنیایی ممنوع است.

#### عبادت در یوم کپیور

مراسم عبادت در کنیسا در پایان روز شروع می‌شود. ابتدا یک یا دو عدد از طولمارهای *تورات* را از درون گنجه بیرون آورده، آنها را روی مکان مخصوص آن در وسط کنیسا قرار می‌دهند. افراد مذکر جماعت کنیسا، طالیبت را - که معمولاً فقط در ساعات روز پوشیده می‌شود - به تن می‌کنند و غالباً ردای پهن سفیدی را روی لباس خود می‌اندازند. در نماز آغازین، پیش‌نماز از اهالی آسمان و نیز از جماعت کنیسا اجازه می‌خواهد تا به همراه آن گناهکارانی که ممکن است به دلیلی در بقیه طول سال از حضور در کنیسا محروم شوند، دعا کند. پس از آن دعای "کل نیدره" در جمع یهودیان اشکنازی سه دفعه با زمزمه و لحنی ملایم خوانده می‌شود. کل نیدره در اصل دعای الغای قَسَم‌هاست و برای آن است که فرد یهودی را از قسم‌های دینی‌ای که انجام داده، آزاد کند. عبادت شامگاهی که پس از این مراسم صورت می‌گیرد شامل: اعتراف دسته‌جمعی به گناهان و خواندن سرودهایی است که در آنها بر کمبودهای آدمی و در مقابل بر لطف سرشار الهی تأکید می‌گردد.

در خلال روز بعد در کنیسا، عبادت‌هایی طولانی و تقریباً



بدون وقفه تا موقع فرا رسیدن شب، که وقت نواختن شوفار برای اعلام پایان روزه است، انجام می‌گیرد. جوامع مختلف یهودی هر کدام برای خود لحن سنتی خاص دارند که به طور بسیار جدی بر آن محافظت می‌کنند. اعضای مسن‌تر جماعت که این الحان برای آنان یادآور خاطرات حسرت‌آوری از روزگار جوانی آنهاست که با والدین خود در کنیسا شرکت می‌کردند، اغلب با شور و شوقی فراوان با آن سرودخوانی‌ها همراه می‌شوند.

از زمره قسمت‌های اصلی آیین یوم کپیور دعاهایی است که به یاد از دست‌رفتگان خوانده می‌شوند. البته این دعاها در پایان عید خیمه‌ها، در عید پسح و در عید پنجاهه نیز خوانده می‌شوند. به همراه دعا برای مردگان شمعی را پیش از شروع روزه، به یاد پدر و مادرهای از دست‌رفته روشن می‌کنند که برای ساعت‌ها روشن باقی می‌ماند.

نیز از جمله مراسم یادشده، بازخوانی گزارشی طولانی از مراسمی است که انجام آنها در دوران معبد بر عهده کاهن اعظم بوده است. در خلال این بازخوانی، جماعت کنیسا در لحظات مشخصی به تقلید از اعمال معبد به خاک می‌افتند. سوگواری پراحساسی نیز برای ده تن از حکیمان که در جریان تعقیب و آزار دوران هادریان در قرن دوم - آن چنان که سنت یهودی





می‌گوید - به نحو فجیعی به شهادت رسیدند، برگزار می‌شود. علاوه بر این‌ها قطعه‌ای از کتاب یونا در بین عبادت عصر خوانده می‌شود تا پیام‌آور این معنا باشد که آمرزش برای آنان که توبه می‌کنند و از راه‌های بد خود برمی‌گردند، در دسترس است. یوم کیپور در هیئت کامل خود این‌گونه جلوه می‌کند: با جدیت و خشیت زیاد، روزه‌داری، لباس‌های سفید، آهنگ‌های سنگین، به خاک افتادن‌های پیش‌نماز و جماعت، و نمازها که خود جلوه‌ای خاص دارند، و جملگی باعث به وجود آمدن فضایی می‌شوند که هم آسمانی است و هم به پالایش و تخلیه روحی کمک می‌رساند.

یوم کیپور یا روز فدیة، نقطه اوج فرآیند توبه و درخواست آمرزش خداست، اما از آنجا که اعتقاد بر آن است که خدا فقط در صورتی می‌تواند گناہانی را که آدمی به زبان دیگران انجام داده است، ببخشد که فرد زیان‌دیده، زیان‌رساننده خود را ببخشد، گناهکار باید پیش از یوم کیپور بخشش هم‌نوع خود را به دست آورد. رسم است که یهودیان نزد کسانی که به آنان بدی کرده‌اند، می‌روند و تلاش می‌کنند آنها را راضی کنند، اما اگر آنان پس از سه بار تلاش مصالحه‌جویانه اُشتی را نپذیرفتند، گناهکار دیگر ملزم به کوشش بیشتر برای جلب رضایت ایشان نیست. یکی از اعمالی که گرچه در قانون‌نامه‌ها ذکر شده است، اما



به ندرت در میان یهودیان معاصر یافت می‌شود، تازیانه زدن با شلاق چرمی است که پس از نماز عصر به هنگامی که مطابق دستور کتاب نماز، اقرار عمومی به گناه صورت می‌گیرد انجام می‌شود. این عمل موجب قبول توبه دانسته شده است و با آن که معمولاً بیشتر جنبه نمادین دارد تا تحمل رنجی واقعی، اما هنوز برخی از افراد پارسامنش برای خود آن را به اجرا می‌گذارند. روزه، که یکی از ویژگی‌های اصلی یوم کیپور است، درست پیش از غروب خورشید آغاز می‌شود و آخرین لقمه‌های غذا را باید به گونه‌ای صرف کرد که کمی زمان تا شروع باقی باشد، تا بدین ترتیب به لحظات غیرمقدس مقداری تقدس داده شود.

### عید سایه‌بان‌ها

یهودیان از روز بیست و دوم ماه تشری به یاد اقامت بنی‌اسرائیل در خیمه‌های صحرای سینا در عصر حضرت موسی علیه السلام، به مدت یک هفته زیر سایه‌بان زندگی می‌کنند. نام این عید به زبان عبری "سوکوَت" به معنای "سایه‌بان‌ها" است. پنج روز پس از یوم کیپور، جشن سایه‌بان‌ها آغاز می‌شود. "سوکا" چیزی شبیه سایه‌بان و سقف آن از شاخه است و در فضای باز برپا می‌گردد. یهودیان سنتی هفت روز بعد را در این سوکا سر می‌کنند. در روزگار باستان عید سوکوَت یکی از سه عید زیارت اورشلیم بود.



دو عید دیگر، پسخ و پنجاهه هستند. سوکوت در کتاب مقدس با رویداد خروج از مصر پیوند خورده است:

تو باید هفت روز را در سایه‌بان‌ها بمانی... تا نسل‌های آینده تو بدانند که من فرزندان اسرائیل را آن‌گاه که آنان را از سرزمین مصر بیرون آوردم، در سایه‌بان‌ها جای دادم.<sup>۱</sup>

شاخهٔ نخل، شاخه‌های گیاه مورد و درخت بید که به هم بسته شده‌اند و نیز نوعی ترنج را در دست نگاه می‌دارند تا در خلال خوانده شدن مزمورهای هَلَل<sup>۲</sup> (شماره‌های ۱۱۳-۱۱۸) در کنیسا تکان دهند. زمان‌بندی این جشن عجیب است، زیرا با آنکه یادبود "خروج" در بهار انجام می‌گیرد، این عید را در پاییز قرار داده‌اند؛ از این رو، حاخام‌ها در توضیح این مسئله معتقدند این نکته، حاوی پیامی دینی است.

از ویژگی‌های بارز سرشت کشاورزی این جشن، مراسم آب‌افشانی است. از نظر نوشته‌های تلمودی، شرکت در شادی و سرور آب‌افشانی، رقصیدن، موسیقی و آوازخوانی‌ها، بزرگ‌ترین شادی است. تلمود می‌گوید: "آنکه شادمانی مجلس آب‌افشانی را ندیده است، هرگز شاهد شادی نبوده است."<sup>۳</sup> به شرکت‌کنندگان

۱. خروج، باب ۲۴.

2. Hallel.

۳. ترمین، باورها و آیین‌های یهودی، ص ۲۷۷.



این مراسم، که حکیمان شاخص فریسی نیز در میانشان وجود داشتند، گفته می‌شد که به مرتبه‌ای برتر از روح‌القدس خواهند رسید. تا این اندازه شور و شوق دینی موجود در این مراسم زیاد بود. یهودیان راست‌کیش امروزه نیز این جشن و سرور آب‌افشانی را برپا می‌کنند و خواندن و رقصیدن آنها تا نیمه‌های شب ادامه می‌یابد. بدین ترتیب تلاش می‌کنند تا به همان شادی و لذتی که در مراسم باستانی بوده است، دست یابند.

در نحوهٔ اجرای امروزی این مراسم و در دعاهای باران مخصوص، که در روز هشتم سوکوت آغاز به خواندن آنها می‌کنند، آب و دیگر امور مربوط به کشاورزی جلوه اساسی‌تری به خود گرفته‌اند. به طور کلی، سوکوت را شادترین جشن سال یهودی می‌دانند و در نمازنامه از آن به "وقت خوشی ما" یاد شده است.

معمولاً در نهمین روز سوکوت دو نفر از اعضای جماعت برگزیده می‌شوند تا یکی با خواندن بخشی از سفر خمس دوره را به آخر برساند و دیگری با خواندن اولین فصل سفر تکوین آن را آغاز کند. آن‌گاه عبادت‌کنندگانی که به کنیسا آمده‌اند در حالی که می‌رقصند و تمامی طومارهای تورا را با حرکت دسته‌جمعی شادمانانه‌ای حمل می‌کنند، و به همراه آنان کودکانی که آواز می‌خوانند و پرچم‌هایشان را می‌چرخانند، حال و هوای کنیسا را



به کلی دگرگون می‌کنند. معمولاً آن دو نفر یادشده مهمانی نمادینی ترتیب می‌دهند که در آن مقدار زیادی مشروبات الکلی مصرف می‌شود تا در نتیجه، بر شور و نشاط مجلس بیفزایند. نمود این رویدادها در این گونه مواقع برای افراد بیرونی و ناآشنا با کنیسه‌های راست‌کیش، عجیب و در واقع دیوانه‌وار است. ساموئل پیپس<sup>۱</sup> که در ۱۴ اکتبر ۱۶۶۳ در لندن در مراسم سیمحت تورا حضور یافته بود، در خاطراتش می‌گوید:

خداوندا، چه بگویم، دیدن شلوغی، خنده، مسخرگی و بی‌توجهی، و بلکه به‌هم‌ریختگی در سرتاسر مراسم عبادی، که بیشتر از حیوانات سرمی زند تا از مردمانی که خداشناس حقیقی‌اند، آدمی را وامی‌دارد که سوگند بخورد دیگر هرگز آنان را نبیند. در واقع نیز دیگر من چیز چندانی از این قبیل ندیدم، و نمی‌توانستم تصورش را هم بکنم که در تمام دنیا دینی وجود داشته باشد که چنین اعمال بی‌معنایی از آن سر بزند.<sup>۲</sup>

### عید گشایش (حنوکا)

تقریباً دو ماه پس از پایان عید سوکوت، جشن هشت‌روزه

۱. Samuel Pepys; در یاسالار انگلیسی (۱۶۳۳-۱۷۰۳ م).

۲. همان، ص ۲۷۸.



"حنوکا" آغاز می‌گردد. این جشن یادآور پیروزی مکابیان بر حاکمان سلوکی فلسطین در حدود سال ۱۶۵ پیش از میلاد است. دعای ویژه‌ای به نام "عَل هَنیسیم"<sup>۱</sup> وجود دارد که ویژه روز حنوکاست و در آخر کتاب نماز آورده می‌شود. این دعا، مضامین اصلی حنوکا را پیروزی، بازگشایی و تقدیس دوباره معبد و ضرورت شکرگزاری خدا معرفی می‌کند.

جنبه آیینی برجسته حنوکا روشن کردن شمع است: یک شمع در روز اول، دو شمع در دومین روز و همین طور هشت شمع در آخرین شب و به دنبال آن خواندن سرود "ماعوز صُور"<sup>۲</sup>. این امر باعث به وجود آمدن اثر هنری و دینی کاملی به نام "منورا"<sup>۳</sup> شده است که شمعدانی هشت‌شاخه است. در اسرائیل منورا به "حنوکیا"<sup>۴</sup> معروف است. باید شمع‌های حنوکا را جلوی در یا کنار پنجره روشن کرد تا عابران بتوانند آنها را ببینند.

حنوکا، عید به معنای واقعی آن نیست، زیرا نه منعی از کارهای دنیایی و غیرمقدس در کار است و نه قدوش یا تقدیسی که عید را با آن آغاز کنند.

1. Al Ha-Nissim.
2. Maoz Tzur.
3. menorah.
4. chanukiyah.



### عید قرعه‌ها (پوریم)

ماه آدار (مطابق با بهمن/اسفند) که در چهاردهم آن جشن "پوریم" قرار می‌گیرد، پرشور و شادترین ماه سال یهودی است، آن‌چنان‌که تلمود می‌گوید: "وقتی که آدار فرا می‌رسد باید بسیار شادمانی کرد". روز پوریم به مناسبت رفع خطر قتل‌عام یهودیان به توطئه هامان، وزیر خشایارشا، عید شده است. شرح مفصل این ماجرا در "کتاب استر" در عهد عتیق آمده است. وجه تسمیه این روز به "عید قرعه‌ها" این است که هامان برای تعیین روز اعلام تصمیم خود به پادشاه، قرعه کشیده بود.

عید مزبور در اواخر زمستان واقع می‌شود. روز پیش از پوریم روزه‌ای می‌گیرند معروف به "تَعْنِیتِ اسْتَر"؛ یعنی روزه استر، که در همه جا در روز سیزدهم آدار و به یادبود روزه‌ای انجام می‌گیرد که پیش از زمان ملاقات استر با پادشاه<sup>۱</sup> از سوی خود استر و دیگر یهودیان به مدت سه روز به جا آورده شده بود.<sup>۲</sup> این روزه خاص در تلمود ذکر نشده است و پیش از دوران گائون‌ها نشانی از آن در دست نیست. پوریم، عید اصیل یا یوم طوو نیست و اگرچه معمولاً از کار کردن در این روز نهی می‌شود، اما

۱. خشایارشای اول هخامنشی. (م)

۲. استر، باب ۴، آیه ۱۵.



کار کردن مجاز است.

امور عمده این روز عبارتند از خواندن "مِگیلا"<sup>۱</sup> (اصطلاحی که از نام طومار دست‌نوشته کتاب/ستر گرفته شده است) یک بار در شامگاه و یک بار نیز در طول روز؛ اضافه کردن دعایی خاص پوریم در نماز؛ خیرات کردن به محتاجان و فرستادن هدایای خوراکی برای یکی از دوستان یا همسایگان؛ و غذای عید که باید آن را در عصر صرف کرد.

به یهودیان توصیه شده است که آن‌قدر مشروبات الکلی مصرف کنند که دیگر برایشان تمایزی میان "دروود بر مردخای" (قهرمان داستان پوریم) و "مرگ بر هامان" (نقش منفی آن داستان) باقی نماند. در مکتوبات هلاخایی و قبلائی به تفصیل شرح داده شده است که مصرف نوشابه‌های الکلی به نشانه آزادی یهودیان در داستان پوریم است، آن‌چنان‌که در جشن‌های نوشانوش مختلفی که پادشاه پارس نیز در آنها شرکت داشته، حکایت از همین قرار بوده است. یهودیان، نقاب و لباس مبدل می‌پوشند و مردان و زنان، با آنکه در حالت عادی ممنوع است، جامه‌های یکدیگر را بر تن می‌کنند. بچه‌ها با لباس‌های مبدل به اجرای نقش‌هایی معمولاً متناسب با محتوای داستان استر

1. Megillah.



می‌پردازند. این کار به "نمایش پوریم"<sup>۱</sup> معروف شده است. دانش‌آموزان برای معلمان خویش هجویه می‌نویسند و از تعالیم یهودی تفسیرهای خنک و خنده‌داری ارائه می‌دهند. هر گاه در خواندن مگیلا از هامان یاد می‌شود، جمعیت حاضر به سر و صدا و پایکوبی پرداخته، برای تحقیر نام هامان تا آنجا که می‌توانند شلوغ می‌کنند.



### پرسش‌ها

۱. از کدام پیامبر بنی‌اسرائیل نمازهای سه‌گانه در روز نقل شده است؟
۲. آیا در یهودیت مقدمات نماز وجود دارد؟ آنها را توضیح دهید.
۳. نمازهای سه‌گانه در دین یهود را نام برده و وقت هر یک را بنویسید.
۴. سروده‌های کدام یک از پیامبران بنی‌اسرائیل، جزء اصلی نمازهای یهودیان است؟
۵. "شِمَع" یا "شِمَع اسرائیل" چیست؟
۶. "عمیدا" را توضیح دهید.
۷. در روز شبات و اعیاد، نماز یهودیان چه تغییراتی می‌کند؟

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. نیایش روزانه یهود، انجمن کلیمیان تهران.
۲. روش زندگی، باشار، هارا، ترجمه: موسی زرگری، بنی تورا، ۱۳۶۴.
۳. باورها و آیین‌های یهودی، الن ترمن، ترجمه: رضا فرزین، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۴. تورات، به ویژه مزامیر داود عليه السلام و تواریخ ایام ۱ و ۲.
۵. یهودیت: بررسی تاریخی، ایزیدور اپستاین، ترجمه: بهزاد سالکی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵.

1. Purim Spiel.



## فصل سوم: مسیحیت

حضرت عیسیٰ مسیح علیه السلام در شهر بیت لحم در فلسطین به دنیا آمد. این شهر در هشت کیلومتری اورشلیم واقع است. داستان تولد عیسی در آغاز دو *انجیل متی* و *لوقا* آمده است. مرقس و یوحنا داستان تولد را نیاورده و از بیت لحم حرفی نمی‌زنند و فقط به ناصره اشاره می‌کنند. ولادت حضرت عیسی علیه السلام به روایت *انجیل متی* چنین است:

اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آنکه با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند. و شوهرش یوسف چون که مردی صالح بود، نخواست او را عبرت نماید؛ پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند. اما چون او در این چیزها تفکر می‌کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: ای یوسف پسر داوود! از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در وی قرار گرفته است، از روح القدس است. و او پسری خواهد زایید و نام او را



"عیسی" خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید." و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام گردد که اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زایید و نام او را "عمانوئیل" خواهند خواند که تفسیرش این است: "خدا با ما." پس چون یوسف از خواب بیدار شد، چنان که فرشته خداوند به او امر کرده بود، به عمل آورد و زن خویش را گرفت. و تا پسر نخستین خود را زایید، او را شناخت. و او را عیسی نام نهاد.<sup>۱</sup>

در قرآن مجید تولد عیسی علیه السلام نقل شده است، ولی حاکی از آن است که مردم حضرت مریم علیها السلام را نکوهش و او را متهم کردند؛ از این رو، به هدایت فرشته الهی روزه سکوت گرفت و رفع تهمت را به خود نوزاد واگذار کرد. نوزاد نیز به قدرت خدای متعال به سخن درآمد.<sup>۲</sup>

در مسیحیت گزارشی از تهمت زدن مردم به آن حضرت وجود ندارد. طبق *انجیل*، حضرت عیسی علیه السلام در دوازده سالگی با مادرش و یوسف نجار از ناصره برای زیارت به اورشلیم رفت و از آن دو جدا شده، با عالمان معبد سلیمان به مباحثه پرداخت و بر

۱. متی، باب ۱، آیات ۱۸-۲۵.

۲. مریم، آیات ۲۶-۳۳.



آنان چیره شد. هم‌چنین ایشان در حدود سی سالگی به دست حضرت یحیی علیه السلام تعمیم یافت.<sup>۱</sup>

مسیحیان از همان ابتدا تلاش کردند تا نشان دهند تولد حضرت عیسی علیه السلام در کتاب‌های دینی یهودیان پیش‌گویی شده بود. نام عیسی بن مریم علیها السلام در تورات نیامده است، پس مسیحیان مجبور به تأویل برخی از آیات تورات شدند.

سال ولادت حضرت عیسی علیه السلام تقریباً مقارن با آغاز تاریخ میلادی است، ولی محاسبات تاریخی نشان می‌دهد که اگر ایشان در زمان پادشاهانی متولد شده باشد که نامشان به همین مناسبت در *اناجیل* آمده است، این تولد می‌بایست چهار تا هشت سال پیش‌تر از مبدأ تاریخ میلادی اتفاق افتاده باشد.

#### رسالت حضرت عیسی علیه السلام

به گفته *اناجیل*، حضرت عیسی علیه السلام پس از شنیدن خبر دستگیری حضرت یحیی علیه السلام به دست هیروودیس، حاکم رومی، شهر خود ناصره در ایالت جلیل را ترک کرد و به شهر کفرناحوم در کنار دریاچه جلیل رفت.

و عیسی در تمام جلیل می‌گشت و در کنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه می‌نمود و هر مرض و هر

۱. مرقس، باب ۱، آیه ۴.



درد قوم را شفا می‌داد و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند و ایشان را شفا بخشید و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اردن در عقب او روانه شدند.<sup>۱</sup>

بسیاری از کسانی که به آن حضرت ایمان می‌آوردند، یقین داشتند که وی به زودی پادشاه بنی‌اسرائیل خواهد شد. رهبران یهود هنگامی با حضرت عیسی علیه السلام به مخالفت برخاستند که مشاهده کردند او نه تنها آرزوی آنان برای قیام مسیح فاتح را برآورده نمی‌کند، بلکه با بدعت‌های عالمان یهود نیز مخالفت می‌کند؛ از این رو، به فکر توطئه علیه آن حضرت افتادند. به گفته *اناجیل*، یکی از دوازده شاگرد برگزیده عیسی علیه السلام به نام "یهودای اسخریوطی" در مقابل پولی که از رؤسای کاهنان یهود گرفته بود، به وی خیانت کرد. از آنجا که خود یهودیان حق نداشتند کسی را اعدام کنند، عیسی علیه السلام را به مقامات رومی اورشلیم سپردند. فرمانروای رومی حاضر نبود عیسی ناصری را مجازات کند، ولی یهودیان بر اعدام او بسیار پافشاری کردند و گفتند که اگر اعدام نشود، شورش خواهند کرد. *اناجیل* می‌گویند:

۱. متی، باب ۴، آیات ۲۳-۲۵.



عیسی علیه السلام مصلوب شد، روی صلیب درگذشت و او را دفن کردند. پس از سه روز، از میان مردگان برخاست. وی مدت چهل روز گاه و بیگاه برای شاگردان خود ظاهر می‌شد و سپس به آسمان رفت. گروهی از یاران وی گفتند: درست است که او درگذشت و به خاک سپرده شد، ولی در روز سوم از قبر خود برخاسته و به آسمان رفت و دوباره برای پادشاهی روی زمین برخواهد گشت. هم‌چنین گفتند: حضرت عیسی علیه السلام برای این کشته شد که فدای گناهان مردم شود و مدّعی شدند که انبیای عهد عتیق درد و رنج و تصلیب او را پیش‌گویی کرده بودند.

طبق اعتقادات مسیحی، پنجاه روز پس از حادثه صلیب، عید گلریزان (پنجاهه) فرا رسید. در آن روز، روح‌القدس در رسولان حلول کرد و پس از ایشان جماعتی را پدید آورد که در طی قرون و اعصار، رسالت عیسی علیه السلام را بر دوش گرفتند. به گفته نویسندگان *انجیل‌همنوا*، این *انجیل‌ها* چند دهه پیش از *انجیل یوحنا* نوشته شده‌اند. *انجیل یوحنا* قریب سال ۱۰۰ نوشته شده است؛ یعنی ۳۰ سال بعد از مرگ پولس، زمانی که افکار وی مسلط بوده است.

با مقایسه محتویات سه *انجیل‌همنوا* از سوی و *انجیل یوحنا* از سوی دیگر معلوم می‌شود که *انجیل‌همنوا* درباره حضرت عیسی علیه السلام چندان غلو نمی‌کنند، اما در *انجیل یوحنا* که دیرتر نیز



نوشته شد، مطالب غلوآمیزی مانند الوهیت عیسی علیه السلام آمده است، مثلاً می‌گوید: علت مخالفت یهودیان با عیسی آن بود که وی خود را خدا می‌خواند.<sup>۱</sup>

حضرت عیسی علیه السلام در موعظه روی کوه، رسالت خود را چنین شرح داد:

گمان مبرید که آمده‌ام تا *تورات* یا صحف انبیا را باطل سازم؛ نیامده‌ام تا باطل بنمایم، بلکه تا تمام کنم، زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه‌ای یا نقطه‌ای از *تورات* هرگز زایل نخواهد شد، تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچک‌ترین [یعنی جزئی‌ترین حکم *تورات*] را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده خواهد شد؛ اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد... شنیده‌اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی، لیکن من به شما می‌گویم با شریب مقاومت مکنید، بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان...<sup>۲</sup>

۱. یوحنا، باب ۱۰، آیات ۳۱-۳۸.

۲. متی، باب ۵، آیات ۱۷-۴۸.





### حواریون یا رسولان مسیح

حضرت عیسیٰ علیه السلام در ضمن تبلیغ دین الهی، یارانی را نیز برای خود انتخاب می‌کرد. *انجیل متی* می‌گوید:

و چون عیسی به کناره دریای جلیل می‌خرامید، دو برادر یعنی شمعون مسمی به "پطرس" و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می‌اندازند، زیرا صیاد بودند. بدیشان گفت: "از عقب من آییند تا شما را صیاد مردم گردانم." در ساعت، دام‌ها را گذارده، از عقب او روانه شدند.<sup>۱</sup>

حضرت عیسی علیه السلام دوازده تن از شاگردان خود را برگزید و آنان را "رسول" نامید.<sup>۲</sup> قرآن مجید رسولان حضرت عیسی علیه السلام را "حواری" می‌نامد. آن حضرت این دوازده تن را برگزید تا در روز معاد که پیروزمندان بر کرسی جلال می‌نشینند، آنان نیز بر دوازده کرسی بنشینند و بر دوازده سبط بنی‌اسرائیل داوری کنند.<sup>۳</sup>

بزرگ‌ترین رسولان "شمعون" است که حضرت عیسی علیه السلام وی را پطرس یعنی "صخره" نامید و او را سنگ زیربنای کلیسا، یعنی امت مسیحی قرار داد:

و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره،

۱. متی، باب ۴، آیات ۱۸-۲۰.

۲. لوقا، باب ۶، آیه ۱۳.

۳. متی، باب ۱۹، آیه ۲۸.



کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم و آنچه در زمین ببندی، در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی، در آسمان گشاده شود.<sup>۱</sup>

پطرس پس از رفتن حضرت عیسی علیه السلام، برای تبلیغ مسیحیت به شهر رم پایتخت ایتالیا عزیمت کرد و در همان شهر به دست نرون شهید شد. آرامگاه این نخستین اسقف شهر رم در تپه واتیکان رُم، موجب رونق و اهمیت آن مکان شده و به همین دلیل، واتیکان از زمان‌های قدیم مرکز مسیحیت کاتولیک بوده است.

### پولس

با آنکه حضرت عیسی علیه السلام پطرس را به جانشینی خود برگزیده بود، رسول دیگری به نام "پولس" عملاً موقعیت بهتری پیدا کرد و معمار مسیحیت کنونی شد. نام این شخص در آغاز "شاؤل" بود که از نام‌های عبری است. او پس از قبول مسیحیت، نام خود را به "پولس" تغییر داد. پولس، یهودی متعصبی بود که پس از حضرت عیسی علیه السلام به آزار مسیحیان مشغول بود، تا اینکه مدعی شد هنگامی که برای دستگیری

۱. متی، باب ۱۶، آیات ۱۸-۱۹ و یوحنا، باب ۲۱، آیات ۱۵-۱۹.



برخی مسیحیان از شهر قدس به دمشق می‌رفته است، در راه، عیسی علیه السلام به صورت نور بر او ظاهر شده و به او دستور داده است که مسیحی شود و به دین عیسی علیه السلام خدمت کند!<sup>۱</sup> به این ترتیب، پولس مدعی رسالت از جانب حضرت عیسی علیه السلام شد و مسیحیت را در میان اقوام مختلف گسترش داد. تفکرات عجیب پولس از همان ابتدا با دیگر رسولان در تضاد بود. او حتی با پطرس، که جانشین واقعی حضرت عیسی بود، مخالفت می‌کرد: "اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را روبه‌رو مخالفت نمودم، زیرا که مستوجب ملامت بود."<sup>۲</sup> هم‌چنین، پولس بقیه رسولان را "برادران کذب" می‌نامد.

### بنیانگذاری کلیسا

جامعه اولیه مسیحیان، به روایت خود/انجیل چنین بود: [تازه‌مسیحیان] در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند. همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می‌گشت. همه ایمان‌داران با هم می‌زیستند و در همه چیز شریک می‌بودند و املاک و اموال خود را فروخته، آنها را به هر کس

۱. اعمال رسولان، باب ۹، آیات ۱-۳۱.

۲. رساله به غلاطیان، باب ۲، آیه ۱۱.



به قدر احتیاجش تقسیم می‌کردند. هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک به خوشی و ساده‌دلی می‌خوردند و خدا را حمد می‌گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می‌گشتند.<sup>۱</sup>

در اورشلیم گروهی از مسیحیان یهودی‌الاصل، به رهبری "یعقوب رسول" پایه‌گذاری شد و به زودی گسترش یافت. رسولانی مانند پولس و برنابا اصرار داشتند تا بشارت عیسی علیه السلام را به اقوام غیریهودی برسانند. بنابراین، کلیسای اولیه با این چالش روبه‌رو شد که: آیا بت‌پرستان تازه‌مسیحی، پیش از آنکه به مسیحیت پذیرفته شوند، باید به دین شریعت یهودی تغییر کیش دهند یا خیر؟ به اعتقاد پولس، مسیحیان به پیروی از شرع یهود ملزم نیستند. به این ترتیب، تعداد بت‌پرستانی که به دین مسیحیت درآمدند، به مراتب بیش از تعداد یهودیان مسیحی شده گردید و طبیعی است که آنها بخشی از فرهنگ و پیشینه بت‌پرستی خود را نیز به مسیحیت انتقال داده باشند.

### گسترش مسیحیت

مسیحیت در نیمه اول قرن چهارم میلادی، دین رسمی امپراتوری روم شد. بدین ترتیب، مسیحیت که دینی ماهیتاً

۱. اعمال رسولان، باب ۲، آیات ۴۲-۴۷.



تبلیغی بود با اعزام هیئت‌های تبلیغی وسیعی به مرور در بخش وسیعی از دنیای آن روز گسترش پیدا کرد. هم‌چنین کلیسا قوت گرفت و به دستگاه مفصلی از نظام روحانیت و ثروت تبدیل شد. "اسقفان"، هر کدام رهبر یکی از کلیساهای محلی بودند و "کشیشان" به معاونت آنان می‌پرداختند. مقام "شماسان" پایین‌تر بود؛ لذا به امور مربوط به بینوایان و خدمات کلیسا می‌پرداختند. خادمان کلیسا منحصر در این سه گروه نبود و در طول تاریخ مسیحیت، افرادی با عناوین گوناگون مانند: مبشران، شبانان، معلمان و رسولان ملهم از روح‌القدس، از مواهب مادی و معنوی کلیسا برخوردار می‌شدند. مراکزی که به مرور زمان از اهمیت و قدرت خاصی برخوردار شدند، عبارتند از: رُم، اورشلیم، اسکندریه و انطاکیه. امور مذهبی این چهار شهر به عهده افرادی به نام "پاتریک" یا "پاتریارک" (جاتلیق) واگذار شده بود.

در قرن چهارم، هنگامی که قسطنطین (متوفای ۳۳۷ م.) پایتخت جدید خود قسطنطنیه (استانبول) را بنا کرد، این شهر نیز به مرکز مهمی در مسیحیت تبدیل شد. نکته مهم این است که کلیساهای بزرگ حق داشتند شکل و ساختار مراسم عبادی خود را به دلخواه و صلاحدید خود طراحی کنند؛ از این رو، هنگامی که جدایی بین کلیساهای شرق و غرب کامل شد، هر یک از آنها مراسم عبادی، فلسفه، الهیات و سنت خاص خود را



شکل دادند. هم‌چنین کلیسای قبطی در مصر، کلیسای سریانی در سوریه و کلیسای نسطوری در عراق و ایران هنوز به سنت‌های قدیمی خود پای‌بندند.

در قرن‌های یازدهم تا سیزدهم، دولت‌های اروپایی جنگ‌های صلیبی را به راه انداختند و بر اثر آن، دشمنی و نفرت بین مسلمانان و مسیحیان به اوج خود رسید. کشتارهایی که مسیحیان در هجوم به قدس (۱۰۹۹ م.) و قسطنطنیه (۱۲۰۴ م.) مرتکب شدند، از ننگین‌ترین صفحات تاریخ مسیحیت است.<sup>۱</sup>

#### پاپ‌ها

درست است که جنگ‌های صلیبی، بسیاری از مسیحیان را به بدبختی و بینوایی کشاند، اما در این میان بر قدرت پاپ، رهبر کلیسای روم افزود و او را قادر ساخت تا ادعای جانشینی انحصاری حضرت عیسی علیه السلام را داشته باشد. عنوان "پدر" که پاپ‌ها برای خود انتخاب کردند تا ریاست خود را بر تمام مسیحیان نشان دهند، برخلاف توصیه صریح حضرت عیسی علیه السلام بود.

از ابتدای تاریخ کلیسا تاکنون بیش از ۲۶۰ پاپ، رهبری مسیحیت کاتولیک را بر عهده داشته‌اند. جالب توجه است که مسیحیان، پاپ‌ها را جانشینان واقعی حضرت عیسی علیه السلام، و مؤید

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۴۹.



به روح‌القدس و دارای مقام عصمت می‌دانند، در حالی که تعدادی از پاپ‌ها به قدری از نظر اخلاقی منحرف و گمراه بودند که لقب "ناپاپ" به آنها داده شد. کلیسا در همین زمینه کتاب‌هایی نوشته و تلاش کرده است تا از نظر کلامی به حل این مسئله پردازد.<sup>۱</sup>

منصب پاپی، مادام‌العمری است. هنگامی که پاپ از دنیا می‌رود، اسقفان برجسته، که "کاردینال" نامیده می‌شوند، برای انتخاب پاپ بعدی در واتیکان گرد هم می‌آیند و به مشورت و رأی‌گیری مشغول می‌شوند.

#### نارضایتی علیه پاپ

به مرور زمان در عالم مسیحیت، نارضایتی علیه پاپ‌ها شدت گرفت. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، قیام "مارتین لوتر" در سال ۱۵۱۷ میلادی بود. او در اقدامات خود از کمک فرمانروایان آلمانی نیز برخوردار بود و به برکت او بود که کشور آلمان از حاکمیت پاپ رهایی یافت. سرانجام در سال ۱۸۰۶ بود که رهبران فرانسه و ایتالیا از طریق فشار نظامی و به ظاهر، با مراجعه به آرای عمومی، بسیاری از زمین‌ها، املاک و قصرهای پاپ را مصادره کرده و رسماً به فرمانروایی سیاسی او خاتمه دادند.

۱. همان، ص ۱۸۹.



در سال ۳۹۵ میلادی امپراتوری روم، به شرقی و غربی تقسیم شده بود. مرکز مسیحیت در روم غربی کلیسای روم و در روم شرقی قسطنطنیه بود. در سال ۱۴۵۳ میلادی سلطان محمد فاتح، شاه عثمانی، قسطنطنیه را به تسخیر خود درآورد و رقیب کلیسای روم را از بین برد. در سال ۱۰۵۴ میلادی نیز کلیسای ارتدکس اعلام استقلال کرد و خود را از کلیسای روم و رهبری پاپ جدا کرد. کلیسای انگلستان نیز سرانجام در سال ۱۵۳۵ به کمک هنری هشتم و برخی اسقفان آن کشور از کلیسای کاتولیک جدا شد و مرکزیت کلیسای "انگلیکن" اعلام شد. در مسیحیت، هر فرقه را "کلیسا" می‌نامند.

امروزه در مسیحیت سه فرقه بزرگ و تعدادی فرقه کوچک وجود دارد. تفاوت بعضی از فرقه‌ها مانند کاتولیک و ارتدکس از نظر اعتقادی با یکدیگر بسیار کم است، ولی برخی از فرقه‌ها مانند کاتولیک و پروتستان، نه تنها از نظر اعتقادی، بلکه از نظر شعائر و عبادات نیز با هم تفاوت بسیاری دارند. به هر یک از سه فرقه اصلی به اجمال اشاره می‌شود.

#### کاتولیک

از میان پنج کانون بزرگ مسیحیت در دوران اولیه، یعنی اورشلیم، اسکندریه، انطاکیه، قسطنطنیه و روم، روم به دلیل



نسبتی که به پطرس داشت، از همه مهم‌تر بود. از نظر تاریخی نیز پولس برای مدتی رهبری آن را به عهده داشته است؛ از این رو، اسقف اعظم کلیسای روم را "پاپ" نامیدند و عملاً نیز در منازعات دینی از رأی کلیسای روم پیروی می‌کردند. واژه "کاتولیک" به معنای "جامع" است.

### ارتدکس

"ارتدکس" در لغت به معنای "راست‌گیش" است. ارتدکس‌ها می‌گویند پاپ تنها رهبر مسیحیان جهان نیست، بلکه او نیز همانند اسقفان کلیساهای دیگر است. ارتدکس‌ها که حدود هزار سال پیش خود را از کلیسای روم مستقل کردند از نظر عقیدتی با فرقه کاتولیک اختلاف زیادی ندارند. امروزه کلیسای ارتدکس شامل پاتریک‌نشین‌های جدید روسیه، صربستان، رومانی، بلغارستان و گرجستان است. هم‌چنین کلیساهای قبرس، یونان، جمهوری چک، جمهوری اسلواکی، لهستان و آلبانی ارتدکس هستند. ارامنه ایران از نظر عقیدتی ارتدکس به شمار می‌روند، ولی در مورد دو طبیعت الهی و انسانی حضرت مسیح علیه السلام و در شیوه عبادت که به زبان ارمنی است، با آنان تفاوت دارند. ارتدکس‌ها معتقدند روح القدس تنها از خدای پدر صادر شده است، در حالی که کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها صدور او را هم از



خدای پدر و هم از خدای پسر می‌دانند.

### پروتستان

"پروتست" به معنای "اعتراض" است و "پروتستنت" به معنای "معترض". حدود پانصد سال پیش مارتین لوتر بر بدعت‌هایی که کلیسای روم در مسیحیت پدید آورده بود، اعتراض کرد. از آن زمان به بعد، فرقه‌های پروتستانی بی‌شماری در مسیحیت پدید آمده‌اند. پروتستان‌ها به رهبری متمرکز عقیده ندارند و برای روحانیت مسیحی ارزش چندانی قائل نیستند. پروتستان‌ها بسیاری از اعتقادات کاتولیک و دیگر فرقه‌ها را نقد می‌کنند و بر مراجعه مستقیم به کتاب مقدس تأکید دارند؛ با وجود این، بسیاری از اعتقادات غیرعقلانی مسیحیت مانند تثلیث و فدا شدن عیسی مسیح برای گناه بشر را می‌پذیرند.<sup>۱</sup>

### کتاب مقدس مسیحیان

مسیحیان به تمام تورات اعتقاد دارند، زیرا مسیحیت را ادامه دین یهود می‌دانند. آنها در سخنان انبیای بنی‌اسرائیل پیش‌گویی ظهور حضرت عیسی علیه السلام را می‌یابند و از این رو، به تورات "عهد عتیق" و به انجیل خود "عهد جدید" می‌گویند. مسیحیان اعتقاد

۱. همان، ص ۱۹۲.



دارند که خدای متعال با بشر دو پیمان دارد. عهد و پیمان عتیق خدا با بشر به وسیله پیامبران پیش از حضرت عیسی علیه السلام انجام شد که در آن نجات از طریق "شریعت" کسب می‌شد، اما با ظهور خدای متجدد، یعنی عیسی علیه السلام، عهد و پیمان جدیدی اتفاق افتاد. در این عهد جدید، نجات از طریق "محبت" حاصل می‌شود و نیازی به شریعت نیست. این "خدای پسر" به شکل انسان مجسم شد تا گناهان بشر را بر خود گیرد و با تحمل رنج صلیب، کفاره گناهان او شود. پس دیگر نیازی به رعایت شریعات نیست و فقط کافی است بگوییم به عیسی علیه السلام ایمان داشته و او را دوست داریم. این مطلب در *انجیل یوحنا* چنین بیان شده است:

زیرا خداوند جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد، زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد.<sup>۱</sup>

عهد جدید در ابتدا به زبان یونانی نوشته شد. چهار *انجیل* در آغاز عهد جدید وجود دارد. کلمه "انجیل" در زبان یونانی به معنای "مژده" است که منظور از آن مژده به فرا رسیدن ملکوت

۱. یوحنا، باب ۳، آیات ۱۶-۱۷.



خداوند و یا مژده به عهد تازه است. همه مسیحیان عهد جدید را می‌پذیرند و به آیات آن اعتقاد دارند و همواره قرائت می‌کنند. عهد جدید دارای ۲۷ کتاب است که از نظر موضوع به چهار قسمت تقسیم می‌شود: ۱. اناجیل، ۲. اعمال رسولان؛ ۳. نامه‌های رسولان و ۴. مکاشفه.

### اناجیل

گروه فراوانی از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام به نوشتن سیره و سخنان آن حضرت اقدام کردند و نوشته‌هایی به وجود آوردند که بعداً "انجیل" خوانده شد. اندک‌اندک چهار انجیل از این انجیل‌ها رسمیت یافت و اناجیل دیگر متروک شد. *انجیل برنابا* که مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است و بشارت‌های فراوانی به ظهور حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله در آن یافت می‌شود، مورد قبول مسیحیان نیست و آن را جعلی می‌دانند. *اناجیل* چهارگانه در ابتدای عهد جدید عبارتند از: ۱. انجیل متی، ۲. انجیل مرقس، ۳. انجیل لوقا و ۴. انجیل یوحنا.

### اعمال رسولان

در نخستین قرن میلادی، کتاب‌های بسیاری درباره سیره رسولان عیسی مسیح علیه السلام نوشته شد، اما تنها یکی از آنها رسمیت یافت؛ از این رو، این بخش تنها مشتمل بر یک کتاب



به همین نام است. کتاب *اعمال رسولان* نوشته لوقا، نویسنده سومین انجیل است.

### نامه‌های رسولان

برخی از رسولان در پاسخ به افراد یا جوامع مختلف تازه‌مسیحی، نامه‌هایی نوشته‌اند. آن نامه‌ها اندک‌اندک اهمیت پیدا کرد و به عهد جدید راه یافت. سیزده نامه فقط از پولس است که در آنها رهنمودها، ادعاها و مشاجرات خود را نوشته است. او حتی یک بار نیز عیسی علیه السلام را ندیده بود.

### مکاشفه

قبل از آمدن حضرت مسیح علیه السلام، مکاشفه‌نامه‌های متعددی میان یهودیان رواج داشت که کتاب *دانیال* در عهد عتیق نمونه‌ای از آنهاست. مسیحیان نیز کتاب‌های مکاشفه‌ای تازه‌ای نوشتند. کتاب *مکاشفه یوحنا* آخرین کتاب عهد جدید است که پیشرفت مسیحیت را در آینده نوید می‌دهد. یوحنا که در زمان حضرت عیسی علیه السلام کم‌سن و سال بود، رؤیاهای سن پیری خود را در این کتاب شرح داده است.

### شعائر و عبادات

مسیحیان نمازهای روزانه‌ای با شرایطی ویژه دارند که به آن



خواهیم پرداخت، اما به نظر می‌رسد که مهم‌ترین شکل عبادت مسیحیان، آیین‌های هفت‌گانه آنان باشد نه نمازهای روزانه. به سخن دیگر، به اعتقاد مسیحیان هنگامی که فرد مسیحی در این آیین‌های هفت‌گانه شرکت می‌کند، مانند آن است که با عیسی زنده و حیّ و حاضر روبه‌رو شده و از فیض او بهره‌مند شده است. در واقع، آنان معتقدند عیسی علیه السلام هنوز زنده و در میان جامعه مسیحیان است و این شعائر، رابط میان مسیح و پیروان اوست.

### هفت آیین مقدس

مسیحیان در واقع دو آیین اصلی دارند که عبارتند از: "تعمید"، و "عشای ربانی". مسیحیان کاتولیک و ارتدکس پنج آیین دیگر نیز بر این‌ها افزودند و در مجموع آیین‌های آنان به هفت عدد رسید. فرقه‌های پروتستان در تعداد آیین‌ها اختلاف دارند، ولی اکثریت قاطع آنان دو آیین تعمید و عشای ربانی را قبول دارند. برخی کلیساهای پروتستان نیز هیچ یک از آیین‌ها را نمی‌پذیرند.

#### ۱. تعمید

طبق گزارش *اناجیل*، حضرت عیسی علیه السلام به دست یحیای تعمیددهنده، تعمید داده شد و این علامت آن بود که او همان مسیحی است که در کتب انبیای بنی‌اسرائیل، آمدنش



پیش‌گویی شده بود. تعمیم در واقع اصلی‌ترین آیین مسیحیت و نشان ورود به جامعه مسیحیت است. تعمیم وسیله‌ای است که از طریق آن، همه آثار زندگی و مرگ عیسی به شخص مؤمن اعطا می‌شود. تعمیم باعث می‌شود که نفس از گناه اولیه پاک شده، فرزند خدا شود و وارث بهشت گردد. در برخی از کلیساها رسم است که با ریختن آب بر سر شخص، وی را تعمیم می‌دهند. در بعضی کلیساهای دیگر شخص چند لحظه تمام بدن خود را به زیر آب می‌برد. دعای هنگام تعمیم که توسط کشیش خوانده می‌شود چنین است: "تو را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمیم می‌دهم."<sup>۱</sup>

#### ۲. تأیید

آیین "تأیید" در واقع تکمیل‌کننده آیین تعمیم است. به گفته کلیسای کاتولیک، تأیید آیینی است که نفس روح‌القدس را در آن دریافت می‌کند تا او را به مسیحی کامل و سربازی برای مسیح تبدیل کند. معمولاً اسقف، مجری این آیین است. او دست خود را بر سر شخص داوطلب گذاشته، با روغن مقدس بر پیشانی او علامت صلیب رسم می‌کند و می‌گوید: "روح‌القدس را بپذیر، تا بتوانی به مسیح شهادت دهی." هم‌چنین اسقف

۱. برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۳۴.



ضربه‌ای بر گونه شخص داوطلب می‌نوازد و این ضربه نماد درد و رنجی است که مسیح در طول زندگی‌اش متحمل شد.<sup>۱</sup>

#### ۳. ازدواج

مسیحیان ازدواج را امری دنیوی نمی‌دانند و معتقدند ازدواج، نشانه محبت خدا به بشر است. مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش بدانند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند.

روحانیون کاتولیک و ارتدکس (به پیروی از حضرت مسیح علیه السلام) به منظور فراغت برای خدمت به دین) نباید ازدواج کنند و میان آیین ازدواج و آیین دست‌گذاری یکی را برمی‌گزینند. در کلیساهای ارتدکس، فردی که ازدواج کرده باشد، می‌تواند کشیش شود، ولی ارتقای وی به درجه اسقفی ممکن نیست. پروتستان‌ها با ازدواج روحانیون مخالف نیستند، زیرا مارتین لوتر، بنیانگذار پروتستان نیز که خود یک کشیش بود، ازدواج کرد و فرزندان زیادی داشت. پروتستان‌ها رهبانیت ندارند، اما فرقه‌های کاتولیک و ارتدکس راهب و راهبه دارند. این افراد برای مقاومت

۱. همان، ص ۱۳۵.





در برابر میل جنسی، به تمرین‌هایی مانند روزه و دعا روی می‌آورند و در قدیم گاهی راهبان خود را اخته می‌کرده‌اند. گفتنی است، تجرد روحانیون کاتولیک یکی از مشکلات آن کلیساست و این مسئله رسوایی‌هایی را نیز به بار آورده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. دست‌گذاری

با آیین دست‌گذاری، انسان حیات خود را وقف خدمت به جامعه مسیحیت و در نتیجه، وقف خدمت به همه بشریت می‌کند. درجات اصلی روحانیت در ذیل بیان شده است:

۱. اسقف: وی نماینده مسیح در قلمرو معینی است که قلمرو اسقف خوانده می‌شود و به نیابت از او تعلیم می‌دهد، رهبری مراسم عبادی را به عهده می‌گیرد و خدمت می‌کند.
۲. کشیش: وی معاون اسقف است و به او در سه وظیفه یادشده، در محدوده یک گروه، کمک می‌کند.
۳. شماس: وی کلام خدا را تبلیغ می‌کند و به مساعدت بینوایان، سال‌خوردگان، بیماران و افراد در حال احتضار می‌پردازد. لقب شماس به معنای "خادم" است.

سایر القاب کلیسایی، مانند: پاپ، پاتریک، سراسقف، کاردینال، ارشمندیت، موسیو و... نشان‌دهنده وظایف معینی است و ربطی

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۸۴.



به آیین‌های هفت‌گانه ندارد. لباس‌های روحانی فرقه‌های مختلف مسیحی با یکدیگر تفاوت دارد و پوشیدن لباس روحانی برای اجرای مراسم واجب است. هم‌چنین روحانیون ارتدکس ریش خود را نمی‌تراشند.<sup>۱</sup>

#### ۵. اعتراف

آیین اعتراف (یا آیین توبه و آشتی)، آیینی است که در آن گناहانی که شخص توبه‌کننده بعد از تعمید مرتکب شده است، آمرزیده می‌شود. آیین توبه در طول تاریخ مسیحیت، شکل‌های گوناگونی داشته است. در قرون نخست تاریخ کلیسا، توبه به صورت علنی انجام می‌گرفت. در قرون بعدی، اعتراف فردی به گناه مرسوم شد. آیین توبه یا اعتراف به این ترتیب انجام می‌شود که شخص توبه‌کننده، وارد اتاق مخصوصی می‌شود و می‌نشیند. سمتی از اتاق پنجره‌ای قرار دارد که کشیشی در سوی دیگر آن نشسته است. توبه‌کننده می‌گوید: "ای پدر! مرا برکت ده، زیرا گناهکارم." کشیش می‌گوید: "خداوند در قلب تو و بر لب‌های تو باشد، به طوری که تو به شایستگی به گناهانت اعتراف کنی." سپس شخص توبه‌کننده شروع به شمردن گناهانش می‌کند و توضیح می‌دهد که این اواخر به چه گناهان

۱. همان، ص ۱۸۴.



کبیره‌ای دست زده است. سپس، کشیش او را نصیحت می‌کند. توبه‌کننده ندامت خود را اعلام می‌کند و کشیش به نام پدر، پسر و روح‌القدس او را از گناهانش تبرئه می‌نماید.<sup>۱</sup>

#### ۶. تدهین محتضر

در *انجیل آمده است:*

هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان جماعت را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند. و دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید و اگر گناه کرده باشد از او آمرزیده خواهد شد. نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد.<sup>۲</sup>

بنابراین، کشیشان به هنگام مرگ محتضر بر سر او حاضر شده و او را با روغن تدهین کرده و برایش دعا می‌خوانند. مسیحیان اعتقاد دارند که خدای پدر، مسیح را برای عیادت بیماران، شفا دادن به ایشان و آماده کردن آنان در لحظات جان دادن می‌فرستد. آیین تدهین بیماران، نشان‌دهنده وجود خدا و

۱. برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۲. رساله یعقوب، آیات ۱۴-۱۵.



محبت اوست و به یاد می‌آورد که خدا انسان‌هایی را که به وسیله بیماری مورد امتحان قرار گرفته‌اند، فراموش نمی‌کند.

#### ۷. عشای ربانی

"عشای ربانی"<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین آیین‌های مقدس است که جای نماز و عبادت را در مسیحیت گرفته است؛ به سخن دیگر، امروزه نماز و عبادت فرد مسیحی این است که هفته‌ای یک مرتبه به کلیسا رفته و در آنجا در مراسم عشای ربانی شرکت می‌کند. جایگاه عشای ربانی در مسیحیت فراتر از یک آیین هفتگی است. این آیین، بازسازی شام آخر عیسی ﷺ با شاگردان خویش در آخرین شب زندگی اوست. در *انجیل کنونی* آمده است که عیسی هنگام شام آخر، نان و شراب را به عنوان گوشت و خون خود به شاگردان داد تا آنها بخورند و بنوشند: "پیاله را بگیرید و بنوشید؛ این است خون من در عهد جدید که در راه شما و بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود." مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می‌کنند، باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می‌شود. گفتنی است، کاتولیک‌ها نان و شراب عشای ربانی را "قربانی" می‌نامند، ولی پروتستان‌ها چنین عقیده‌ای را نمی‌پذیرند.



هر یک از کلیساهای مسیحی در شعائر و آیین‌های برگزاری عشای ربانی ابتکاراتی پدید آورده است، ولی در مجموع، دو عنصر اساسی در همهٔ مراسم ثابت است:

۱. خواندن دو یا سه مقطع از کتاب مقدس (نوعی نماز)؛

۲. خوردن قربانی مقدس (عشای ربانی).

هنگام تبرک نان و شراب، پیشوای مراسم سخنان عیسی علیه السلام در شام آخر را تلاوت می‌کند. در کلیساهای کاتولیک و ارتدکس جز اسقف یا جانشین او یعنی کشیش، کسی نمی‌تواند پیشوای مراسم باشد و علاوه بر خواندن کتاب مقدس و خوردن قربانی، هم‌خوانی و دعای توسل و شکر، همراه با موعظه دربارهٔ آموزه‌های *انجیل* و سرانجام مصافحه انجام می‌شود.

بسیاری از پروتستان‌ها عشای ربانی را بسیار مهم می‌شمارند، به طوری که می‌گویند برای اجرای درست و کامل آن، باید کاملاً از نظر روحی آماده بود و به همین دلیل، آن را تنها سالی چهار بار یا ماهی یک بار برپا می‌کنند. ارتدکس‌ها مراسم عشای ربانی را در روزهای یکشنبه و اعیاد برگزار می‌کنند، ولی کاتولیک‌ها می‌گویند عشای ربانی قلب عبادات روزانه است و به همین دلیل، آن مراسم را هر روز برپا کرده و معادل نماز روزانه می‌شمارند.



### عشای ربانی و انتظار مسیح

کلیسا بر اساس دعا‌های قدیمی، سرّ عشای ربانی را چنین ابراز می‌دارد که: این آیین، برای زندگی آینده به ما تضمین می‌دهد. آیین عشای ربانی نوعی انتظار کشیدن عظمت آسمانی است. هر زمانی که کلیسا آیین عشای ربانی را برگزار می‌کند، این وعده را یادآوری کرده و نگاه خود را "به آن که خواهد آمد" می‌دوزد. کلیسا در دعای خود آمدن او را می‌خواهد: بیا ای خداوند عیسی! "امید که فیض تو سر رسد و این جهان، آخر شود". آیین عشای ربانی را گرامی می‌داریم "در حالی که منتظر آرزویی مبارک و آمدن منجی خود عیسی مسیح هستیم". "می‌خواهیم که در عظمت تو شریک شویم، آن‌گاه که قطرهٔ اشکی ریخته می‌شود. ای خدا ما در آن روز می‌خواهیم تو را آن‌طور که هستی، ببینیم. می‌خواهیم شبیه تو شویم و برای همیشه تو را از طریق مسیح خداوند ما ستایش نماییم."<sup>۱</sup>

### اعیاد مسیحیت

از آنجا که بیشترین صور عبادی، از جمله نمازهای همگانی، در اعیاد مسیحی به اوج خود می‌رسد، به اختصار به برخی از مهم‌ترین اعیاد آنها اشاره می‌شود:

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ جهان، ص ۱۸۷.



کریسمس: به معنای "جشن مسیح" به مناسبت تولد آن حضرت ۲۵ دسامبر (برابر با ۴ دی). هفت روز پس از آن، جشن اول سال میلادی (معروف به جشن شب ژانویه) در اول ژانویه (برابر با ۱۱ دی) برگزار می‌شود. در این مراسم سرودهای مذهبی خوانده می‌شود.

**عید پاک:** مهم‌ترین جشن دینی مسیحیان است که به مناسبت پیروزی حضرت عیسی مسیح علیه السلام بر مرگ و برخاستن وی از مردگان در سومین روز تصلیب، برگزار می‌شود. واژه فرانسوی "پاک" همان کلمه عبری "پسح" (فصح) است که از طریق یونانی و لاتینی به فرانسوی وارد شده و به مرور زمان به این شکل درآمده است. به گفته *اناجیل*، تصلیب و رستاخیز حضرت عیسی علیه السلام مقارن با ایام عید فصح یهودیان بوده است. عید پاک، نخستین یکشنبه پس از نخستین بدر شدن ماه پس از اعتدال ربیعی است و بنابراین، وقوع آن از دوم فروردین تا پنجم اردیبهشت (۲۲ مارس تا ۲۵ آوریل) امکان دارد. شایان ذکر است، عید فصح یهود (یادبود نجات بنی‌اسرائیل) که در طی یک هفته از ۱۶ تا ۲۱ (و در خارج فلسطین تا ۲۲) نisan عبری برگزار می‌شود، در برخی از سال‌ها با عید پاک مسیحیان

۱. Pâques.



مصادف می‌شود.<sup>۱</sup>

برخی از مراسم مسیحیان در عید پاک عبارت است از: شب‌زنده‌داری، تلاوت کتب مقدسه، مناجات و دعا (نماز)، برگزاری مراسم عشای ربانی، جست‌وجوی نمایشی جسد عیسی علیه السلام و اعلام رستاخیز وی، جشن و چراغانی، اهدای تخم-مرغ رنگی و مانند آن. مراسم عید پاک به مراتب از جشن‌های کریسمس و اول ژانویه، دینی‌تر بوده و جنبه عبادی آن پررنگ‌تر است.

#### اصل نماز در عصر عیسی علیه السلام

در *انجیل متی* از قول حضرت عیسی علیه السلام آمده است:

و چون عبادت کنی، مانند ریاکاران مباش! زیرا خوش دارند در کنایس و گوشه‌های کوچه‌ها بایستند و "نماز" گزارند تا مردم ایشان را ببینند. هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را تحصیل نموده‌اند. [یعنی در آخرت اجری نخواهند داشت.] لیکن تو چون عبادت کنی، به حجره خود داخل شو و در را بسته، پدر خود را که در نهان است عبادت نما؛ و پدر نهان در تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد. و چون عبادت کنی، مانند امت‌ها تکرار باطل مکنید، زیرا ایشان [یهود] گمان می‌برند

۱. همان، ص ۱۸۸.



که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند. پس مثل ایشان مباشید، زیرا که پدر شما حاجات شما را می‌داند پیش از آنکه از او سؤال کنید. پس شما این‌طور دعا کنید: "ای پدر ما که در آسمانی! نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود. نان کفاف ما را امروزه به ما بده و قرض‌های ما را ببخش، چنان که ما قرض‌داران خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده، زیرا ملکوت قوت و جلال تا ابدالابد از آن توست. آمین."<sup>۱</sup>

در این فراز از *انجیل متی*، دو نکته قابل توجه است؛ نخست اینکه در زمان ایشان یهودیان نماز می‌خواندند و نماز، شکلی از نیایش کاملاً شناخته‌شده و رایج بوده است. دوم اینکه حضرت عیسی علیه السلام اصل ضرورت نماز را تأیید می‌کند، اما به نماز ریاکارانه یهودیان خرده می‌گیرد و خود، به تعلیم دعا برای نمازی جدید می‌پردازد. دعایی که حضرت عیسی علیه السلام در این فراز از *انجیل* به پیروان خود می‌آموزد، به "نیایش خداوند" معروف است و مهم‌ترین دعایی است که در نمازهای فردی و گروهی مسیحیان از ابتدای مسیحیت تا به حال خوانده می‌شود.

۱. متی، باب ۶، آیه ۵.



پیش‌تر ذکر شد که واژه "prayer" در زبان انگلیسی مشترک لفظی میان "ذکر"، "دعا" و "نماز" است؛ از این رو، در بسیاری از موارد در متون مسیحی، وقتی سخن از "prayer" است، آن را به "دعا" ترجمه می‌کنند، در حالی که قرائن جمله نشان می‌دهد که سخن از نوعی نماز است. این فراز از *انجیل* نیز دقیقاً از همان موارد است.

از گزارش‌های *انجیل* روشن می‌شود که خود حضرت عیسی علیه السلام مانند یهودیان نماز می‌خواند و در عبادت و نیایش "شنبه"، که در نزد یهود مقدس است، با آنها مشارکت می‌کرد. اما چون بعداً مسیحیان مدعی شدند که حضرت عیسی علیه السلام در روز "یکشنبه" از میان مردگان برخاست، پس روز یکشنبه را مقدس و روز عبادت دانستند.

آیات بسیاری در *انجیل* وجود دارد که ثابت می‌کند مخاطب اصلی عیسی علیه السلام، یهودیان بودند و اصلی‌ترین مکان تعالیم او کنیسه‌ها بود. او با نشان دادن معجزات فراوان می‌خواست تا حجت را بر عالمان یهود تمام کند. مرقس در همین زمینه نقل می‌کند:  
و باز عیسی به کنیسه درآمد... و چون دست مردی را که دستش خشک شده بود در روز شنبه شفا داد، فریسیان از این



عمل او ناراحت شدند.<sup>۱</sup>

این مسئله نشان می‌دهد فریسیان او را همانند خودشان، متعلق به شریعت یهود می‌دانستند، وگرنه به ایشان به جهت کار کردن در روز سبت (شنبه) ایراد نمی‌گرفتند.

همچنین در فراز دیگری از انجیل مرقس آمده است:

و چون [عیسی و شاگردانش] وارد کفرناحوم شدند، بی‌تأمل در روز سبت به کنیسه درآمده، به تعلیم دادن شروع کرد.<sup>۲</sup>

این فراز نیز تأییدی بر تعمد عیسی علیه السلام بر تعلیم در کنیسه‌ها و در میان یهودیان است.

در انجیل گوناگون از زبان عیسی علیه السلام، آداب نماز و دعا به صورت مختلف نقل شده است که نشان اهتمام آن حضرت و شاگردان ایشان به دعا و نماز است، برای نمونه، در انجیل لوقا آمده است: و هنگامی که او [عیسی علیه السلام] در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوندا! دعا کردن را به ما تعلیم نما، هم‌چنان که یحیی شاگردان خود را بیاموخت. عیسی علیه السلام بدیشان گفت: هر گاه دعا کنید، بگویید: ای پدر ما که در آسمانی! نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید...<sup>۳</sup>

۱. مرقس، باب ۳، آیه ۱.

۲. مرقس، باب ۱، آیه ۲۱.

۳. لوقا، باب ۱۱، آیه ۱.



همچنین در انجیل مرقس از زبان حضرت عیسی علیه السلام آمده

است:

وقتی که به دعا بایستید، هر گاه کسی به شما خطا کرده باشد، او را ببخشید تا اینکه پدر شما نیز که در آسمان است خطایای شما را معاف دارد.<sup>۱</sup>

### نماز حواریون

در کتاب‌های عهد جدید موارد متعددی وجود دارد که ثابت می‌کند شاگردان عیسی علیه السلام نیز بعد از آن حضرت بر دعاها و نمازها مواظبت می‌کردند؛ برای مثال، در کتاب اعمال رسولان آمده است: "و در ساعت نهم، وقت نماز، پطرس و یوحنا با هم به هیکل رفتند."<sup>۲</sup> و در جای دیگری از آن کتاب آمده است: "پطرس زانو زد و دعا کرد."<sup>۳</sup> هم‌چنین در فراز دیگری می‌گوید: "قریب به ساعت ششم، پطرس به بام خانه برآمد تا دعا کند."<sup>۴</sup> این سه گزارش ثابت می‌کند که عیسی علیه السلام و حواریون آن حضرت بر اساس ساعات و اوقات شرعی دین یهود نماز

۱. مرقس، باب ۱۱، آیه ۲۵.

۲. اعمال رسولان، باب ۳، آیه ۱.

۳. همان، باب ۹، آیه ۴.

۴. همان، باب ۱۰، آیه ۹.



می خوانده‌اند. در آن زمان، روز به دوازده ساعت تقسیم می شد و نصف آن شش بود که میان روز بود. پس "ساعت ششم" که در این فراز به نماز در آن ساعت اشاره شده است، نماز ظهر بوده است. میان ساعت یک تا شش را "ساعت سوم" و نصف دوش را "ساعت هفتم" می گفتند که هر کدام جزو ساعات شرعی بوده است.

### تاریخچه نماز مسیحی

#### جدایی از یهودیان

پیش تر اشاره شد که در ابتدای تاریخ مسیحیت، یهودیانی که مسیحی شده بودند، به طور طبیعی و بدون هیچ تردید خاصی به کنیسه‌های یهودیان می رفتند و در بین آنها و همراه آنها نماز می خواندند. تا اینکه عالمان یهود چنین چیزی را برتافتند و به بخش اصلی نماز روزانه خودشان یعنی "هجده"، براخای دیگری افزودند که محتوای آن لعن و نفرین بر بدعت گذاران بود که منظورشان همان مسیحیان بودند. پس، عالمان مسیحی بر اساس برخی از سخنان و اشارات حضرت عیسی علیه السلام که در *انجیل* آمده بود، به فکر ساختن نمازهایی مخصوص به خود افتادند. در این زمینه از آیاتی مانند آیه اول باب ۱۸ در *انجیل لوقا* سود جستند که در آن حضرت عیسی علیه السلام توصیه می کرد که



پیروانش پیوسته دعا کنند. هم چنین از آنجا که عدد "هفت" در *انجیل* عدد کاملی به شمار می آمد، آنها مصداق عملی "دعای پیوسته" را به "هفت بار نماز در روز" تفسیر کردند.

### نماز مستقل

در مسیحیت می گویند انسان سه دشمن اصلی دارد: شیطان، جسم و دنیا. سه سلاح نیز برای این سه دشمن وجود دارد: نماز علیه شیطان، روزه علیه جسم و راستی علیه دنیا. هم چنین به دلیل اینکه مسیحیان محتوای *تورات* را در مورد نیایش می پذیرند، بسیاری از نیایش‌های آنان برگرفته از *مز/میر داود* علیه السلام و برخی دعاها *عهد عتیق* است. برای مثال، دلیل وجوب دعا یا نماز در مسیحیت، هم از *دستورات تورات* گرفته شده است و هم از *دستورات انجیل*؛ برای مثال در *عهد قدیم* آمده است: "از خدایت بترس و او را عبادت کن."<sup>۱</sup> یا در فراز دیگری از سفر *تثنیه* می گوید: "پس یهوه خدای خود را دوست بدار و ودیعت و فرایض و احکام و اوامر او را در همه وقت نگاه دار."<sup>۲</sup>

مسیحیان، حضرت مریم را از نسل *داود* علیه السلام می دانند. پس اگر در *مز/میر داود* آمده است: "تسبیح بخوانید خدا را، نام خدا

۱. تثنیه، باب ۶، آیه ۱۱.

۲. همان، باب ۱۱، آیه ۱.



را به تسبیح بخوانید" ، این سخن برای مسیحیان نیز الزام آور می‌شود. به همان گونه، عهد جدید از زبان حضرت عیسی علیه السلام سفارش می‌کند: "بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید." <sup>۲</sup> یا اینکه در *انجیل لوقا* می‌گوید: "همیشه باید دعا کرد و کاهلی نوزید." <sup>۳</sup> هم‌چنین در جای دیگری از عهد جدید آمده است: "با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه مقدسین بیدار باشید." <sup>۴</sup> و در جای دیگری این سفارش معروف عیسی علیه السلام را می‌آورد که: "در مصیبت صابر باشید و در دعا [=نماز] مواظبت کنید." <sup>۵</sup> از قرینه‌هایی که در این آیات وجود دارد، می‌توان تشخیص داد که منظور از "دعا" در آنها، نماز است که با آداب خاصی همراه است.

در برخی مدارک و اسناد باستانی مربوط به قرن هشتم آمده است که مسیحیان نماز خود را رو به مشرق می‌خوانده‌اند: مسیحیان... روی خود را به سوی شرق برمی‌گردانند (قبله)

۱. مزامیر، مزمور ۴۷، آیه ۶.
۲. متی، باب ۲۶، آیه ۴۱.
۳. لوقا، باب ۱۸، آیه ۱.
۴. افسس، باب ۶، آیه ۱۸.
۵. رومیان، باب ۱۲، آیه ۱۲.



آنان رو به مشرق است)، در راه‌های زندگانی و شکوه به پیش می‌تازند. محاسن می‌گذارند تا نشان دهند که مرد عملند و اما فرق سر را می‌تراشند تا به خود یادآوری کنند که عاری از هر گونه گرایش به خودخواهی‌اند." <sup>۱</sup>

بر این اساس، مسیحیان نیز بر اساس الگوی یهودیان به ابداع نمازهایی روزانه مخصوص خودشان اقدام کردند. این نمازهای روزانه، نام‌های بسیار گوناگونی در فرقه‌های مختلف مسیحی دارد. مسیحیان می‌گویند که این رسم تقدیس ساعات حتی در صدر مسیحیت نیز وجود داشته است. با وجود این، راهبان صومعه‌ها در ایجاد و شکل‌گیری قطعی آنها سهم عمده‌ای داشته‌اند؛ به ویژه آنان در آیین نیایش مشترک کلیساهای گوناگون، برپایی یک آیین شبانه و سه آیین برای سه وقت اصلی روز را وارد کردند؛ یعنی ساعت‌های سوم <sup>۲</sup> (ساعت ۹)، ششم (ظهر) و نهم (ساعت ۱۵). اما این نمازهای سه‌گانه باید دلیل و توجیه مسیحی داشته باشند که به مرور زمان برای آنها ترتیب داده شد؛ بدین قرار که فرا رسیدن روح‌القدس در ساعت سوم <sup>۳</sup>، نیایش و الهام پطرس مقدس در ساعت ششم <sup>۱</sup>، و نیایش

۱. کانون یوحنا رسول، اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، ص ۱۲۲.

2. Tierce.

۳. اعمال رسولان، باب ۲، آیه ۱۵.





پطرس و یوحنا در ساعت نهم<sup>۳۲</sup>.

سنت رسالتی آن را به لحظات اساسی رنج مسیح پیوند می‌دهد: تصلیب به سومین ساعت، ظلمات حاکم بر جهان به ششمین ساعت و مرگ عیسی به نهمین ساعت. اثر این تعبیر در اغلب آیین‌های شرقی هم دیده می‌شود.

البته دو وقت از نمازها مهم‌تر از سایر اوقات است؛ یکی بامداد و دیگری شامگاه (غروب). از دید مسیحیان نیایش، حمد و ثنا (ستایش) به هنگام دمیدن خورشید در واقع بزرگداشت رستاخیز شکوهمند مسیح است، در حالی که نیایش شامگاهی به هنگام غروب، یادآور پایین کشیدن صلیب و خاک‌سپاری برای آرامش هفته‌ی خداوند است که هر مسیحی در آن مرگ شریک است. برای همین است که در آیین کلدانی هر روز در این لحظه، سرودهای طویل با ترجیع‌بندهایی را به افتخار شهدا می‌خوانند.

### عبادت هفتگی

در سال ۱۵۵ میلادی، قدیس ژوستین به امپراتور مشرک

→

۱. همان، باب ۱۰، آیه ۹.

۲. همان، باب ۳، آیه ۱.

۳. کانون یوحنا، اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، ص ۱۴۱.



آنتونیوس پیوس (۱۳۸-۱۶۱) نامه‌ای نوشت و آنچه مسیحیان انجام می‌دادند، شرح داد:

در روزی که ما آن را روز خورشید می‌نامیم، همه ساکنان شهر یا روستا در مکان واحدی گرد هم می‌آیند. زندگی‌نامه‌های رسولان و نوشته‌های انبیا را تا آنجا که وقت اجازه دهد، می‌خوانند. وقتی که خواننده [متون] خواندن را به پایان برد، شخصی که عهده‌دار اداره جمعیت است، ایشان را تذکر می‌دهد و آنها را وامی‌دارد که از این رفتار زیبا پیروی کنند. سپس ما با همدیگر به پا می‌خیزیم و برای خود و دیگران، هر جا که باشند، دعا می‌کنیم... تا اینکه زندگی و اعمال ما نیکو شود و به دستورات پای‌بند باشیم و بدین ترتیب، به سعادت جاودانه برسیم. وقتی دعا تمام شد، یکدیگر را می‌بوسیم. آن‌گاه مجری، نان و جامی از آب و شراب می‌آورد و به کسی که ریاست برادران را به عهده دارد، می‌دهد. او آن را می‌گیرد و پدر عالم را به نام پسر و روح‌القدس تحسین و تعظیم می‌کند و برای این عطایای ارزشمندی که به ما داده است، شکرگزاری می‌کند. وقتی که او دعاها و شکرگزاری را به پایان برد، همه حضار با گفتن "آمین" ابراز احساسات می‌کنند. بعد از شکرگزاری توسط مجری و پاسخ پرشور مردم، کسانی که ما آنها را شماس می‌نامیم، به حضار نان و شراب و آب‌عشای ربانی می‌دهند و



برای کسانی که غایبند، نگه می‌دارند.<sup>۱</sup>

### اجرای عشای ربانی

آیین عبادی "عشای ربانی" طبق ساختاری اساسی که در همه سده‌ها تا زمان ما حفظ شده است، اجرا می‌شود. این آیین از دو بخش مهم که با هم وحدت اساسی دارند، تشکیل می‌شود:

۱. آیین عبادی کلمه (گردهم‌آیی): با خواندن [متون]، موعظه و شفاعت‌های عمومی.

۲. آیین عبادی عشای ربانی: با تقدیم نان و شراب، شکرگزاری و اتحاد.

آیین عبادی کلمه و آیین عبادی عشای ربانی با هم "عمل عبادی واحدی" را شکل می‌دهند؛ سفره عشای ربانی که برای ما مسیحیان پهن می‌شود، سفره کلمه خدا و جسم خداوند است.

### نمازهای روزانه مسیحیان

مسیحیان هشت نماز روزانه دارند که عبارتند از:

۱. متینز (Matins): این نماز را در طول شب، پس از بیداری از خواب می‌توان خواند و می‌توان آن را نماز پیش از صبح دانست.



این نماز در فرقه‌های مختلف مسیحی، نام‌های دیگری مانند: "Vigils" و "Nocturns" دارد.

۲. لوژر (Lauds): یا نماز فجر که حدود ساعت ۳ صبح خوانده می‌شود.

۳. پرایم (Prime): نماز اول صبح که حدود ساعت ۶ بامداد (ساعت اول) خوانده می‌شود.

۴. ترسیه (Terce): نماز ساعت سوم که حدود ۹ صبح خوانده می‌شود.

۵. سیکت (Sext): نماز ظهر که حدود ۱۲ ظهر خوانده می‌شود.

۶. نون (None): نماز بعدازظهر که حدود ۳ بعدازظهر خوانده می‌شود.

۷. وِسپرز (Vespers): نماز مغرب که حدود ۶ بعدازظهر هنگامی که هوا به تاریکی می‌گراید، خوانده می‌شود.

۸. کامپلین (Compline): نماز شامگاه که پیش از خواب حدود ۹ شب خوانده می‌شود.

این نظام در نمازهای روزانه مسیحی را به بندیکت مقدس (قرن ششم) نسبت می‌دهند، اما ایشان نیز مطالب خود درباره نمازهای روزانه را از اعمال رهبانی آبای بیابان که در مصر زندگی می‌کردند، گرفته است.<sup>۱</sup>

1. Rockford, *The Life of St Benedict, by St. Gregory the Great, IL*, PP 60-62.

1. David Roke'ah, Justin martyr and the Jews, P.2.



در توضیح باید گفت که پس از شورای دوم واتیکان، پاپ پل ششم در ۱۹۶۴ میلادی نسخه جدیدی از نمازهای روزانه مسیحی را منتشر کرد که به آن "نیایش ساعات"<sup>۱</sup> گفته می‌شد که در آن ساختار نمازها، توزیع من/میر در نماز و خود نمازها جرح و تعدیل شده بودند. سومین نماز به طور کامل حذف شده بود و در مجموع، از مقدار محتوای نمازها کاسته شده بود. در نسخه پاپ پل ششم، دو نوع نماز معرفی شد: اصلی و فرعی. نمازهای: متینز، لودز، وسپرز و کامپلین نمازهای اصلی شمرده شدند و نمازهای: ترسه، سکت و نون نمازهای فرعی. راهبان می‌بایست نمازهای اصلی را انجام دهند، اما از نمازهای فرعی فقط انجام یک نماز واجب است و می‌توانند آن یک نماز را به دلخواه خود انتخاب کنند. البته می‌توانند همه را به جا آورند، اما فقط ادای یکی از آنها واجب است. به این ترتیب، با اصلاح پاپ پل ششم، عملاً نمازهای هشت‌گانه به پنج نماز تقلیل پیدا کرد.

### نیاز متینز (نماز صبح)

این نماز یکی از دو نماز اصلی در کلیساها، و از جمله کلیسای انگلیکن است که در نسخه‌های متعددی در کتاب عمومی نماز آورده شده است. این نماز را در سنت انگلیکن می‌توان بدون

۱. Liturgy of hours.



حضور کشیش و به صورت انفرادی نیز اجرا کرد. طبق نمازنامه کلیسای انگلیکن، اعمالی که در نماز متینز باید انجام شود، به ترتیب ذیل است:

### بخش اول نماز:

#### ۱. ورسیکل آغازین؛

ورسیکل آغازین کلیساهای انگلیکن در نمازهای صبح و مغرب، این دعای کشیش به همراه پاسخ نمازگزاران به آن است:

"کشیش می‌خواند: خداوندا، لب‌های ما را بگشا!

جماعت پاسخ می‌دهند: و دهان‌های ما حمد تو را خواهد خواند.

کشیش: خدایا، در حفظ ما تعجیل فرما!

جماعت: خداوندا، در کمک به ما بشتاب!

کشیش: شکوه و جلال از آن پدر، پسر و روح‌القدس باد!"

#### ۲. دعای شکرگزاری؛

۳. یک سرود مذهبی مناسب (به انتخاب کشیش، که از کتاب

سرودها انتخاب می‌شود)؛

#### ۴. کنتیکل<sup>۱</sup> آغازین؛

۱. Canticle.



"کنتیکل" در فرهنگ مسیحی سرود یا مزمور دینی است، اما در اصطلاح، هفت سرود برگزیده از *تورات* و سه دعای برگزیده از عهد جدید است که کلیسای کاتولیک رومی، از کتابچه راهنمای دعای خود انتخاب کرده است. کنتیکل‌های مربوط به روزهای هفته عبارتند از:

- در یکشنبه‌ها و جشن‌ها، "کنتیکل سه کودک" (*دانیال* ۳: ۵۷).

- در دوشنبه‌ها، "کنتیکل اشعیای نبی" (باب ۱۲).

- در سه‌شنبه‌ها، "کنتیکل حزقی" (*اشعی* ۳۸: ۱۰ - ۲۰).

- در چهارشنبه‌ها، "کنتیکل حنا" (*سموئیل*، اول ۲: ۱ - ۱۰).

- در پنجشنبه‌ها، "کنتیکل موسی" (*خروج* ۱۵: ۱ - ۱۹).

- در جمعه‌ها، "کنتیکل حبقوق" (*حبقوق* ۳: ۱ - ۱۳).

- در شنبه‌ها، "کنتیکل موسی" (*تثنیه* ۳۲: ۱ - ۴۳).

این سرودها جای چهارمین مزمور را در نماز پیش از صبح (لودز) گرفته است. از عهد جدید نیز دعاهایی انتخاب شده‌اند که در کنتیکل نمازهای روزانه استفاده می‌شوند که عبارتند از:

- در نماز اول، پیش از نماز لودز: سرود زکریا (*لوقا* ۱: ۶۸ - ۷۹) خوانده می‌شود.

- در نماز هفتم، مغرب (وسپرز): سرود مریم باکره (*لوقا* ۱: ۴۶ - ۵۵) خوانده می‌شود.



- در نماز هشتم، شامگاه (کامپلین): سرود شمعون (*لوقا* ۲: ۲۹ - ۳۲) خوانده می‌شود.

گاهی به این سه سرود، "سرودهای اوانجیلی" نیز می‌گویند، زیرا از *انجیل لوقا* گرفته شده‌اند. کنتیکل‌هایی که از *انجیل* گرفته شده، هر روز خوانده می‌شوند؛ برخلاف کنتیکل‌هایی که از *تورات* گرفته شده‌اند، زیرا همان‌گونه که ذکر شد، آنها هفته‌ای یک بار خوانده می‌شوند. این سه کنتیکل انجیلی را در بین *مزامیر* داود نمی‌توان خواند، زیرا میان قرائت *مزامیر* وقفه حاصل می‌شود، اما کنتیکل‌های هفت‌گانه‌ای را که از *تورات* گرفته‌اند، می‌توان در بین *مزامیر* خواند.

۵. پس از کنتیکل آغازین، دعایی به نام "دعای آغازین" خوانده می‌شود.

#### بخش دوم نماز:

۱. در بخش دوم نماز "متینز"، برخی از *مزامیر* به صورت آنتیفون خوانده می‌شوند؛

"آنتیفون" به آن دعاهایی گفته می‌شود که در مراسم‌های مسیحی، کشیش آن‌ها را می‌خواند و جماعت نمازگزار یا گروه سرودخوانان کلیسا با پاسخ‌هایی که در کتاب‌های نماز مشخص شده، به آن پاسخ می‌دهند.

۲. کنتیکلی از عهد قدیم قرائت می‌شود؛



بر همه مشکلات فایق آییم.<sup>۱</sup>"

۳. نیایش خداوند.

**بخش چهارم نماز:**

۱. سرود برکت؛

۲. دعای پایانی.

### نماز لودز

در نخستین ساعات صبح برگزار می‌شود. در کلیسای شرقی نماز متینز را به این نماز متصل می‌کنند. محتوای این نماز، مزمور ۱۵۰ است. البته محتوای آن طبق دستورات بندیکتی، مزمور ۱۴۸ تا مزمور ۱۵۰ و یک ورسیکل است.

### نماز پرایم

این نماز در واقع بخشی از نماز لودز بوده و در قرن چهارم در دستورالعملی از سوی کلیسا از آن جدا شده است. این نماز شامل سه مزمور ثابت، یعنی مزامیر ۱، ۵۷ و ۸۹ است، اما در برخی مناسبت‌ها مانند "روز لنت"، تغییراتی در آن داده می‌شود.

۱. برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۵۳.



۳. مزمور ۱۱۷ در روزهای یکشنبه، مزمور ۱۴۶ در روزهای دوشنبه،

نصف مزمور ۱۴۷ در روزهای سه‌شنبه، نصف دیگر آن در

روزهای چهارشنبه، مزمور ۱۴۸ در روزهای پنجشنبه، مزمور ۱۴۹

در روزهای جمعه و مزمور ۱۵۰ در روزهای شنبه قرائت می‌گردد؛

۴. قرائت از روی کتاب مقدس؛

۵. یک دعای برگردان (که همراه با جواب جماعت است) به اختیار

کشیش؛

۶. یک کنٹیکل از انجیل.

**بخش سوم نماز:**

۱. شکرگزاری؛

۲. کالکت، یا دعای مخصوص آن روز هفته؛

"کالکت"<sup>۱</sup> دعای کوتاهی است که در ایام خاصی خوانده

می‌شود و در آن کشیش می‌گوید: "خداوند با تو باد!" نمازگزاران

پاسخ می‌دهند: "و با روح تو". کشیش می‌گوید: "خدای ازلی و

قادر مطلق در پرتو اعتراف به ایمان واقعی، به خدمتکاران تو

فیض را عطا فرمود تا جلال تثلیث ابدی را تصدیق کنند و در

پرتو قدرت سلطنت تو، احدیت را عبادت کنند و با ثبات قدم در

همین ایمان تضمین کرد که به واسطه خداوند، ما برای همیشه

۱. The Collect.



### نماز ترسه

"ترسه" یعنی ساعت سوم، یکی از اوقات ثابت نماز در آیین ستایش الهی است که همه فرقه‌های مسیحی آن را قبول دارند. عمده این نماز، خواندن *مزامیر* است و تقریباً در ساعت ۹ صبح برگزار می‌شود. در فرهنگ مسیحیت آمده است که حضرت عیسی علیه السلام در این ساعت محکوم به مرگ شد. در کتاب *اعمال رسولان* (۲: ۱۵) ذکر شده است که حواریون، نماز را در این ساعت اقامه می‌کرد. در مرامنامه بندیکتی، این نماز شامل *مزامیر*: ۱۱۹، ۱۲۰ و ۱۲۱ همراه با مختصری از یک فصل، آیه، شکرگزاری (خدا را شکر کن، به خاطر خوبی‌اش) و "سرود رحمت"<sup>۱</sup> است.

سرود رحمت چنین است که کشیش می‌خواند: "خدایا به ما رحم کن!" جواب نماز گزاران: خدایا به ما رحم کن!

کشیش: ای مسیح، به ما رحم کن!

جواب نماز گزاران: ای مسیح به ما رحم کن!

کشیش: خداوندا به ما رحم کن!

جواب نماز گزاران: خداوندا به ما رحم کن!<sup>۲</sup>

در روزهای یکشنبه و دوشنبه به جای *مزامیری* که گفته شد، هشت آیه از *مزمور* ۱۱۸ خوانده می‌شود.

۱. Kyrie.

۲. برنتل، جورج، آیین کاتولیک، ص ۱۵۱.



### نماز سبکت

در لغت به معنای "شش" است و منظور از آن، نماز ششمین ساعت است. این نماز در ظهر خوانده می‌شود و عمده محتوای آن، *مزامیر* است. در کتاب *اعمال رسولان* (۱۰: ۹) آمده که پطرس به بالای خانه‌ای می‌رود تا این نماز را بخواند. می‌گویند در این ساعت بود که ابراهیم علیه السلام از فرشتگان سه‌گانه (تنها نماد مؤید تثلیث در مسیحیت)، پذیرایی کرد. در این ساعت بود که آدم و حوا سیب ممنوعه را خوردند. این نماز علی‌رغم قدمتی که دارد، هرگز اهمیت نمازهایی مانند "متینز" را پیدا نکرد. این نماز نباید خیلی طول بکشد. آنچه باید در این نماز خواند، بسیار اختلافی است و هر فرقه‌ای سخنی دارد. کاتولیک‌های یونانی و ارتدکس‌های شرقی در این نماز *مزمورهای* ۵۳، ۵۴ و ۹۰ را می‌خوانند.

### نماز نون

در لغت به معنای "ظهر" است، اما به ساعت نهم از تقسیم‌بندی یونانی روزها اشاره دارد که حدود ۳ بعد از ظهر ساعات کنونی است.



۱. این نماز با این عبارت شروع می‌شود: "خدایا، برای نجات من بشتاب! خداوند! به کمک من تعجیل فرما!"<sup>۱</sup>
۲. مزامیر ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۷؛ البته به غیر از یکشنبه‌ها و دوشنبه‌ها که مزمو ۱۱۸ به جای آن خوانده می‌شود.
۳. سپس "ورسیکل"، "سرود رحمت" و دعای "نیایش خداوند" خوانده می‌شود.

### نماز و سپرز

۱. این نماز مغرب است که با این دعا شروع می‌شود: "خدایا به یاری‌ام بیا! خدایا به کمکم بشتاب! با شکوه و جلال است پدر، پسر و روح‌القدس. هم‌چنان که در آغاز چنان بود، اکنون و تا باد چنین خواهد بود تا ابد بی هیچ پایانی. آمین. هلولویا."
  ۲. چند سرود مذهبی از کتاب *سرودهای کلیسایی* خوانده می‌شود.
  ۳. دو مزمو از *مزامیر داود* به همراه یک "دوکسولوژی" و "سرود تجلیل" و یک کنتیکل از عهد جدید و یک "آنتیفون" خوانده می‌شود.
- "دوکسولوژی" سرودی کوتاه در ستایش خداوند است که در مراسم‌های مختلف مسیحی خوانده می‌شود و معمولاً به آخر کنتیکل‌ها، *مزامیر* و سرودهای مذهبی (hymn) افزوده

۱. مزامیر، مزمو ۷۰، آیه ۱.



می‌گردد. دوکسولوژی را مسیحیان به تقلید از قدیش یهودیان ساخته‌اند که در کنیساها به هنگام نماز می‌خوانند. معمولاً قدیش یهودیان نشان از پایان هر یک از رکعات نماز است. "سرود تجلیل" سرودی مذهبی است که کشیش هنگام نماز آن را می‌خواند و محتوای آن چنین است:

عالی‌ترین تجلیل مخصوص خدا باد! ما تو را حمد می‌کنیم و سپاس می‌گوییم. ما تو را می‌پرستیم و تجلیل می‌نماییم و به خاطر جلال باشکوهت سپاس می‌گوییم. ای خداوند، ای خدا، پادشاه آسمانی، خدای پدر قادر مطلق، ای خداوند، ای تنها پسر به دنیا آمده، عیسی مسیح. ای خداوند خدا، برهٔ قربانی، پسر پدر. تو آن کسی هستی که گناهان عالم را می‌آمرزی، بر ما ترحم فرما! تو آن کسی هستی که گناهان عالم را می‌آمرزی، دعای ما را بشنو! تو که در سمت راست پدر نشسته‌ای، بر ما ترحم فرما! قداست مخصوص توست. فقط تو خداوند هستی. ای عیسی مسیح، فقط تو عالی‌ترین هستی. با روح‌القدس در جلال خدای پدر. آمین.

۴. سپس، قسمتی از کتاب مقدس قرائت می‌شود و پس از آن، جماعت نمازگزار پاسخ می‌دهند: "شکوه و جلال بر پدر، پسر و روح‌القدس".

۱. The Gloria.



۵. سپس شرکت کنندگان، مانیفیکا یا کنتیکل مریم مقدس را از *انجیل لوقا*<sup>۱</sup> می‌خوانند که ابتدای آن چنین است: "پس مریم گفت: جان من خداوند را تمجید می‌کند، و روح من به رهاننده من خدا، به وجد آمد، زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکند...". که با پاسخ جماعت همراه است.

۶. سپس دعاهایی با عنوان "پروسس" خوانده می‌شود و به دنبال آن نیایش خداوند و سپس دعای پایانی است که چنین است:

جماعت: همان‌گونه که در آغاز بود، اکنون چنین است، و همیشه خواهد بود، در جهان بدون هیچ پایانی. آمین.

کشیش: خداوند، ستایش از آن توست.

جماعت: نام خداوند ستوده باد!

در نماز مغرب، اگر کلیسایی دارای گروه کر است، معمولاً دعاها و نیایش را از روی کتاب *Common Worship* یعنی "پرستش همگانی" می‌خوانند و نماز را اجرا می‌کنند. برخلاف عشای ربانی که حتماً باید کشیش آن را اداره کند، این نماز به رهبری کشیش نیاز ندارد. ساختار این نماز شبیه نماز متینز است.

۱. لوقا، باب ۱، آیات ۴۶-۵۵.



### نماز کامپلاین

این نماز شامگاه است که پیش از خواب (حدوداً شب) خوانده می‌شود. اعمالی که در نماز کامپلاین باید انجام شود، بدین ترتیب است:

۱. دعای دعوت؛

۲. دعای طلب مغفرت؛

۳. سرودی مذهبی از سرودهای سنتی مسیحی (hymn)؛

۴. قرائت بخشی از *مزمیر* به همراهی آنتیفون (یعنی جواب جماعت)؛

۵. قرائت بخشی از کتاب مقدس؛

۶. دعای برگردان؛

۷. کنتیکل شمعون؛

۸. دعای پایانی؛

۹. دعای برکت؛

آنتیفون پایانی برای مریم مقدس باکره (سرود مریم باکره)، بخش اصلی این نماز است.

این نماز بخش‌هایی دارد که گروه‌گر آن‌ها را می‌خوانند و در طول لنت (ایام روزه مسیحی)، دعای "افرائیم مقدس" در حالت سجده خوانده می‌شود. در کلیسای انگلیکن این نماز را با نماز وسپرز به هم می‌چسبانند. نوع انگلیکنی‌اش چنین است:





۱. جملات آغازین، دعای دعوت؛

۲. اعتراف به گناهان؛

۳. برخی مزامیر و درس‌هایی از کتاب مقدس (به صورت موعظه)؛

۴. کنتیکل شمعون؛

۵. دعای پایانی.

### تحلیل محتوای نمازها

همه نمازها با گزیده‌ای از *مزامیر داود* آغاز می‌شود؛ یعنی *مزمور ۶۹، آیه ۲* (در همه نمازها به جز نماز فجر (لودز) و نماز پیش از خواب (پرایم) این گونه عمل می‌شود). ابتدای *مزمور* این است: "خدایا به نجات من بشتاب! خداوند! به اعانت من تعجیل فرما! ...". سپس به دنبال آن "داکسولوجی"<sup>۱</sup> خوانده می‌شود. البته اگر نماز با دعوت<sup>۲</sup> و قرائت *انجیل* آغاز شود، قرائت *مزمور* حذف می‌شود. دعوت، معرفی نخستین ساعت است که در آن روز جاری گفته می‌شود، چه آیین قرائت‌ها باشد، چه نماز صبح. آغاز آن با سرود مذهبی از کتاب *سرودهای کلیسایی* است. پس از سرود، *مزامیر* خوانده می‌شود. پس از خواندن *مزامیر*، کتاب مقدس قرائت می‌شود. قرائت کتاب مقدس یا اگر کوتاه باشد،

1. Doxology.

2. Invitatory.



"فصل"<sup>۱</sup> و اگر طولانی باشد "درس" می‌گویند. پس از قرائت، قطعه‌خوانی<sup>۲</sup> است. پایان نماز با سخنرانی به اتمام می‌رسد. اجزای دیگر نماز، به مناسبت‌ها و نوع خاص نماز بستگی دارد. در هر نوبت از آیین نماز، *مزامیر* و کنتیکل خوانده می‌شود که این کنتیکل تشکیل شده از آنتیفون یا سرود برگردان، که هر یک با داکسولوژی ویژه کلیسای کاتولیک به پایان می‌رسد.

دلیل اینکه مسیحیان (در اصل) هفت نماز برای خود تعریف کردند این بود که از حضرت داود علیه السلام نقل است که به خداوند عرضه می‌دارد: "هر روز تو را هفت مرتبه ستایش می‌کنم، به خاطر داوری‌های عادلانه‌ات."<sup>۳</sup> و نیز عیسی علیه السلام فرمود: "بی وقفه دعا کنید."<sup>۴</sup> به عقیده مسیحیان، مضمون این دو فقره از *تورات* و *انجیل* یک چیز است و آن اینکه، باید هر روز هفت مرتبه به درگاه خداوند نماز برد، زیرا عدد هفت عدد کامل است؛ پس اگر روزانه هفت مرتبه نماز خوانده شود، مصداق دعای "بی‌وقفه" تلقی خواهد شد.

1. Capitula.

2. Versicle.

۳. مزامیر، *مزمور ۱۱۹*، آیه ۱۶۴.

۴. تسالوکیان، باب ۵، آیه ۱۷.



## آیین نیایش سریانی شرق

در قرن هفتم پاتریارک ایشوعیاب سوم، آیین نیایش کلیسای سریانی شرق را تثبیت کرد. سال کلیسایی که بر محور عید رستاخیز و در درجه دوم، عید میلاد و تعمید مسیح برنامه‌ریزی شده است، به هفت دوره (شبوعه - سبوع) تقسیم می‌شود که هر دوره اصلی، معمولاً شامل هفت یکشنبه است و یک دوره چهارهفته‌ای قبل از آن و یک دوره چهارهفته‌ای بعد از آن قرار دارند. این دوره‌ها عبارتند از: ۱. بشارت به مریم (سوبارا)، ۲. ظهور و تعمید مسیح (دنخا)، ۳. روزه (صوما)، ۴. رستاخیز (قیامتا)، ۵. رسولان (شلیخه)، ۶. تابستان (قیطا)، ۷. الیاس (ایلیا)، ۸. موسی (موشیه) و ۹. تقدیس کلیسا (قودش عیتا).

نماز روزانه کامل نیز شامل: نماز صبح (صاپرا)، دعای بعدازظهر (رامشا)، دعای عصر (سوباعا)، دعای بیداری (شهرها) و دعای شب (لیلیا) می‌باشد. البته باید توجه داشت که در عمل، فقط دو دعای او، یعنی نماز صبح و نماز بعدازظهر در کلیساها خوانده می‌شوند.

از عید صعود مسیح به آسمان (سولاقا)، نمازها در حیات کلیسا (بیت صلوته) برگزار می‌شوند و از اولین یکشنبه تقدیس کلیسا (قودش عیتا)، دوباره نمازها در داخل کلیسا خوانده می‌شوند. در داخل کلیسا دعاها در محلی به نام "بمه" برگزار



می‌گردد. هم‌چنین سه آیین مقدس برای نماز قربانی مقدس به کار برده می‌شوند:

۱. آیین حضرت آدای و ماری، رسولان مشرق، در روزهای عادی؛
۲. آیین حضرت تئودور موپسوستیا در یکشنبه‌ها و اعیاد مزده به حضرت مریم علیها السلام و ۳. یکشنبه نخل (وشعنا).<sup>۱</sup>

## نمونه‌ای از نماز ساده شده مسیحیان

گاهی دیده می‌شود که برخی از فرقه‌های مسیحی، نمازهای روزانه را ساده‌تر کردند. نمونه زیر یکی از این نمازهای ساده‌شده است:

۱. نماز ساعت اول (۶ بامداد)، (Matins)، (Lauds)، (Orthros)، که در آن دعایی به نام "زره پاتریک مقدس" به همراه مزمور پنجم از مزمور داود علیه السلام خوانده می‌شود.
۲. نماز ساعت سوم (۹ صبح)، (Trece)، که در آن دعای "دعای خداوند" خوانده می‌شود.

۳. نماز ساعت ششم (۱۲ ظهر)، (Sext)، که در آن مزمور ۲۳ خوانده می‌شود.

۴. نماز ساعت نهم (۳ بعد از ظهر)، (None)، که در آن مزمور ۱۷ خوانده می‌شود.

۱. کانون یوحنا رسول، تاریخ کلیسای شرق، ص ۴۶.



ارتدکس و روحانیون برخی از فرقه‌های پروتستان، استفاده از لباس ویژه روحانیت را برای اجرای آیین‌های مسیحیت واجب می‌دانند.

درباره پاکیزگی و نظافت پیش از نماز نیز، به نظر می‌رسد که حکم خاصی مانند وضو یا غسل در مسیحیت وجود ندارد و فقط به نظافت ظاهری کلیسا و زیبایی محل نیایش اکتفا می‌کنند.



۵. نماز مغرب (۶ بعد از ظهر)، (Eveningsong)، (Vespers)، که در آن مزمور ۱۵۰ خوانده می‌شود.  
۶. نماز شامگاه (پیش از خواب)، (Compline)، که در آن "دعای ابزار صلح" و مزمور ۴ خوانده می‌شود.  
۷. نماز نیمه‌شب که در آن آیه ۶۲ از مزمور ۱۱۹ و همه مزمور ۱۳۴ خوانده می‌شود.<sup>۱</sup>

### آداب نماز در مسیحیت

پولس رسول می‌گوید:

آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟! آیا خود طبیعت شما را نمی‌آموزد که اگر مردی موی دراز دارد، او را عار می‌باشد و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است؟!<sup>۲</sup>

زنان مسیحی نیز تا چند دهه پیش موی خود را می‌پوشانده‌اند و همه تابلوها و مجسمه‌های حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام و قدیسه‌های مسیحیت با حجاب تهیه شده است. راهبه‌های مسیحی نیز موی خود را می‌پوشانند و رنگ مقنعه ایشان (مانند کلاه راهبان) معمولاً نظام رهبانی آنان را نشان می‌دهد. روحانیون کاتولیک و

1. Kathryn Tsai, *A Timeline of Eastern Church History*, P. 336.

۲. رساله اول به قرن‌تین، باب ۱۱، آیات ۳-۱۶.



## پرسش‌ها

۱. نخستین یهودیان مسیحی شده چگونه نماز می‌خواندند؟
۲. آیا حضرت عیسی علیه السلام برای پیروان خود نماز ویژه‌ای را وضع کرد؟
۳. نمازهای هشت‌گانه مسیحیان را نام برده و وقت آنها را ذکر کنید.
۴. اصلی‌ترین محتوای نمازهای مسیحیان چیست؟
۵. "کتیکل" به چه معناست؟

## منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. *اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرقی*، کانون یوحنا، رسول، تهران، ۱۳۸۸.
۲. *عیسی: اسطوره یا تاریخ*، آرچیبالد رابرتسون، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.
۳. *تاریخ کلیسای کاتولیک*، هانس کونگ، ترجمه: حسن قنبری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
۴. *سیری در ادیان زنده جهان*، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، آیت عشق، ۱۳۸۳.
۵. *مسیحیت و ادیان جهان*، آرنولد توینی، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲.



## فصل چهارم: آیین زردشت

اسناد تاریخی بسیاری وجود دارد که ثابت می‌کند هنگامی که ایران در صدر اسلام به دست مسلمانان فتح شد، ساکنان آن، که "مجوس" نامیده می‌شدند، اهل کتاب شمرده می‌شدند و از آنان جزیه گرفته می‌شد؛ به عبارت دیگر، آنان در شمار مشرکان نبوده و آتش پرست شمرده نمی‌شدند.

قرآن کریم، "مجوس" را در کنار اهل کتاب ذکر کرده است. واژه "مجوس" در آیه ۱۷ سوره "حج" پس از ذکر چند دین توحیدی و پیش از اشاره به مشرکان آمده است. منظور از "مجوس"، طبقه مغان یا روحانیان زردشتی است که آموزه‌های زردشت را تبلیغ می‌کردند. به این ترتیب، طبق نظر اسلام، زردشتیان امروز که بازماندگان همان مجوس هستند، اهل کتاب بوده و در اصل، دینی آسمانی داشته‌اند. واژه "گبر" که درباره مجوس به کار می‌رود و در زبان سریانی به معنای "کافر" است، از جانب دیگران به آنان اطلاق شده است.



آیین زردشت یکی از مذاهب دین مزداپرستی است و چنین نیست که همهٔ مزداپرستان، زردشتی بوده باشند. جالب توجه است که نام "اهورامزدا" در کتیبه‌های مختلف عصر هخامنشی (متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد) آمده است و قطعاً برخی از آنها مانند داریوش، مزداپرست بوده‌اند، اما زردشتی بودن آنها قطعی نیست، زیرا نامی از زردشت در آن کتیبه‌ها و هیچ سند دیگر مربوط به عصر هخامنشی دیده نمی‌شود. فقط در مورد ساسانیان است که اسناد نشان می‌دهند هم مزداپرست بوده‌اند و هم زردشتی.

امروزه بیش از یک میلیون نفر زردشتی در دنیا زندگی می‌کنند که اکثر آنها مقیم ناحیهٔ گجرات و شهر بمبئی هندوستان بوده و به نام "پارسیان" شهرت دارند. در ایران حدود پانزده هزار زردشتی زندگی می‌کنند که اکثر آنها مقیم شهر تهران هستند.

### سرگذشت زردشت

نام "زردشت" نخستین بار در *اوستا* به صورت "زَرَثُوشْتَرَه" <sup>۱</sup> آمده است که به "دارندهٔ شتران زرد" ترجمه می‌شود. پدرش پوروشَسَب (دارندهٔ اسبان پیر) و مادرش دُغْدو (دوشندهٔ گاو) نام

۱. Zarathushtra.



داشت و از خاندان سَپیتَمان (سپیدنژاد) بودند. زردشت میان سه‌هزار تا سه هزار و دویست سال پیش در ناحیهٔ خوارزم به دنیا آمده و زندگی کرده است و زبانش به لهجهٔ خوارزم باستانی شباهت دارد. ده سال در زادگاه خود تبلیغ کرد و چون موفق نشد، به دیار بلخ رفت و با نشان دادن معجزاتی موفق شد گشتاسب، پادشاه بلخ و همسرش آتوسا را به دین خود درآورد. گشتاسب در گسترش آیین زردشت، نقشی اساسی ایفا کرد و در این راه مجبور شد با شاهان مجاور خود نبرد کند.

در *شاهنامه* آمده است که ایران در عصر گشتاسب، خراجگزار تورانیان بود و زردشت به پادشاه دستور داد که از باج دادن به بیگانگان خودداری کند و او هم پذیرفت و همین اقدام گشتاسب بود که موجب خشم تورانیان شد و آنها نیز به ایران لشکرکشی کردند و خود زردشت نیز در همین جنگ‌ها در بلخ کشته شد.<sup>۱</sup> اما در نهایت گشتاسب بر مهاجمان پیروز شده و به ترویج آیین زردشت ادامه داد و فرزندش اسفندیار را برای گسترش این آیین به هر سو اعزام کرد. جالب توجه است که همین اسفندیار، دشمن رستم، قهرمان اصلی *شاهنامه* است که پهلوان "ایران" است؛ به عبارت دیگر، قهرمان داستان فردوسی به نوعی در

۱. شاهنامه، ص ۲۹۵.



مقابل مبلغان آیین زردشت قرار دارد و روی خوش به کیش زردشت نشان نمی‌دهد.

### تعالیم زردشت

"گاهان" یا "گاهاها" تنها بخشی از *اوستا* است که سروده خود زردشت است. زردشت در *گاهان* با اهورامزدا مناجات می‌کند و می‌گوید تا توان دارد به مردم راه راستی یا "آشه" را خواهد آموخت. "آشه" به معانی مختلفی از جمله: راستی، حق، عدالت و مانند آن آمده است. سه اصل "گفتار نیک"، "پندار نیک" و "کردار نیک"، به طور مستقیم از تعلیمات زردشت نیست، بلکه تفسیر عالمان بعدی از همان اصل "آشه" است.

زردشت "اهورامزدا" را خدای بزرگ معرفی کرد و دیوها (دئوها یا خدایان هندو-ایرانی) را خدایان باطل نامید و مردم را از پرستش آنها منع کرد. در فرهنگ هندو-ایرانی دو واژه به معنای "خدا" به کار می‌رود؛ یکی "دئوه" (معادل دیو فارسی) و دیگری "اهورا" یا "اسورا" که اهورامزدا یکی از این اهوراها بوده و خدای دانش (مزدا) است. زردشت، اهورامزدا را خدای بزرگ نامید و همه دئوها را خدایان تبه‌کار خواند و آنها را نفی کرد. او گفت: این خدایان، به پیروان خویش می‌آموزند تا به دیگران آسیب برسانند. هندوها در کشور هندوستان تا به امروز



دئوهایی مانند "ایندرا" و "خدای جنگ" را که زردشت مخالف پرستش آنها بود، می‌پرستند.

### امشاسپندان

در آیین زردشت خداوند، قادر مطلق نیست. در ابتدای آفرینش، اهورامزدا جفتی به نام "انگره مینو" یا اهریمن دارد که به آفریدن موجودات شرور می‌پردازد. اهورامزدا و اهریمن تا پایان این دوره دنیا با یکدیگر در نبرد خواهند بود و سرانجام در آخرالزمان با شکست خوردن پیروان اهریمن، اهورامزدا سرور و خدای مطلق خواهد شد.

همچنین، اهورامزدا برای آفرینش موجودات نیک نیز به دستیار نیاز دارد؛ از این رو، او شش "امشاسپند"، یعنی "نامیرای فزونی‌بخش" آفرید تا او را در امر آفرینش یاری کنند. امشاسپندان به منزله فرشتگان مقرب در ادیان ابراهیمی هستند. "سپننه مینو" نیز به منزله نخستین تجلی اهورامزدا و از این رو، عین اهورامزداست. پس، سپننه مینو و شش امشاسپندی که اهورامزدا آفرید، "هفت‌گانه مقدس" آیین زردشت را می‌سازند. آن شش امشاسپند عبارتند از:

۱. وهومن (بهمن)، ۲. آشه وهیشته (اردیبهشت)، ۳. خشتره وکیریه (شهریور)، ۴. سپننه ارمئیتی (اسفندارمذ)، ۵. هئورتات



(خرداد) و ۶ امرتات (مرداد).

زردشتیان به جاودانگی روح عقیده دارند و می‌گویند که روان انسان متوفی، پس از اینکه جسم را ترک کرد تا روز رستاخیز در عالم برزخ می‌ماند و بهشت یا دوزخ موقت دارد. در پایان عالم که قیامت (فراشکرت) اتفاق می‌افتد، معاد جسمانی و رستاخیز اتفاق می‌افتد. انسان‌ها پس از اینکه به عقوبت اعمال زشت خود رسیدند، در همین دنیا جاودانه به حیات خویش ادامه خواهند داد.<sup>۱</sup>

#### اوستا

کتاب آسمانی زردشتیان/اوستا نام دارد که به معنای "کلام معتبر" است. این کتاب که به خط و زبان اوستایی نوشته شده است، با زبان سنسکریت هم‌ریشه است. به عقیده بسیاری از محققان، خط اوستایی در دوره ساسانیان (۲۲۶-۶۴۱ م.) پدید آمد و اوستا که قبلاً در سینه‌ها بود، به آن خط نوشته شد. می‌گویند/اوستای اصلی در زمان ساسانیان ۲۱ نسک (بخش) و هزار باب داشته است، اما امروزه بخش اندکی از آن به دست ما رسیده است. پنج بخش/اوستای امروزی عبارتند از:

۱. بویس، مری، زردشتیان، باورها و عقاید، ص ۵۶.



۱. یسنه‌ها؛ به معنای "پرستش" است. هفده سرود از این یسنه‌ها "گاتها" یا "گاهان" نامیده می‌شود که به گفته محققان غربی تنها قسمتی از/اوستاست که می‌تواند سروده خود زردشت باشد؛ از این رو، این بخش بیشترین اهمیت را در/اوستا برای زردشتیان دارد. سایر بخش‌های/اوستا افزوده‌های علمای بعدی و به ویژه مغان (مجوس) است.

۲. یشت‌ها؛ به معنای "پرستش" و "قربانی کردن" است. سرودهایی در ستایش مظاهر طبیعت و نیز دعاهایی حرزگونه است.

۳. ویسپرد؛ به معنای "دستورالعمل ردان (دین‌آگاهان)" است. این بخشش، مجموعه‌ای از سرودهای دینی است.

۴. خُرده اوستا یا اوستای کوچک؛ آن بخشی از سرودهای اوستاست که در جشن‌ها و مراسم مذهبی خوانده می‌شود. آنچه در نمازها باید خوانده شود، در این قسمت آمده است.

۵. وندیداد؛ به معنای "قانون ضد دیو" است. مجموعه‌ای از احکام اولیه و اساسی دین زردشت، به همراه فلسفه برخی از آنهاست. زردشتیان، علاوه بر/اوستا، متونی به زبان پهلوی دارند که مهم‌ترین آنها دینکرد و بندهش است.



## نماز در آیین زردشت

پروفیسور بویس معتقد است که ایرانیان پیش از زردشت با نمازهای سه گاه یا سه وقت اصلی، یعنی بامداد، نیمروز و شامگاه آشنا بودند و بدانها اهمیت می دادند. آنان این سه گاه را به دو بخش تقسیم می کردند: یکی صبحگاه یا "هاونی" که ایزد "مهر" بر آن نظارت داشت و دیگری، بعدازظهر یا "اوزیره" که ایزدی به نام "اپام نپات" حامی و مسئول آن بود. گاه شب، یعنی سومین قسمت نیز به نام "ایوسروثره" بر آنها افزوده شد که این وقت، از آن "فروشی‌ها" یا همان روان‌های مردگان بود. به عقیده این محقق، زردشت در سه هزار سال پیش، دو نوبت نماز بر سه نوبت اصلی نماز افزود و در مجموع، پنج نوبت نماز را بر پیروان خود واجب کرد. یکی از این نوبت‌های جدید، نماز "رپیتوه" نام داشت که از هنگام نیمروز، یعنی ظهر شرعی آغاز می شد و تا وقت عصر (اوزیره) فرصت داشت و دیگری نماز نیمه‌شب بود که وقت آن از نیمه شب تا صبح بود و این نماز با ایزد سروش، سرور نماز و نیایش ارتباط داشت.<sup>۱</sup> در مجموع، زردشتیان سه گونه ستایش و نیایش برگزار می کنند که نمازهای روزانه یکی از آنهاست.

۱. همان، ص ۵۷.



## ۱. نماز و نیایش همگانی

زردشتیان می گویند:

برای آنکه نیایش‌های همه‌گانی خود را برگزار کنیم، در جاهایی مانند "آدریان" و "شاهورهرام ایزد" و "درمهر" گرد هم می‌آییم. ما به نیایش‌گاه‌های همه‌گانی خود "جشن‌گاه" می‌گوییم. ما سدره و کشتی بر تن به جشن‌گاه وارد می‌شویم. در جشن‌گاه ایستاده رو به سوی روشنایی به "دادار اورمزد" نماز می‌بریم. گذشته از نیایش‌های همه‌گانی یا جشن‌ها، هر یک از ما روزی پنج بار نماز روزانه می‌خوانیم.<sup>۱</sup> ما زرتشتیان به جاودانگی روان اعتقاد و باور داریم. اعتقاد داشتن به جاودانگی روان، از پایه‌های دین زرتشتی است... پس از مرگ، روان مردمان بدکار، اسیر "گنمینو" یا "اهریمن" می‌شود. جای روان بدکاران "سرای بدی" است. در دین، "سرای بدی" را "دوزخ" می‌نامند. کسانی که در زندگی اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک داشته باشند، پس از مرگ به "بهترین جا" یا "بهشت" خواهند رفت. نام "بهشت" در "گات‌ها" "خانه سرود" است. "خانه سرود" جای آرامش و رامش و خرسندی روان زن و مرد پارسا است.<sup>۲</sup>

۱. مرادیان، بهمن، سدره‌پوشی، فصل ۳، ص ۲.

۲. همان، ص ۸.





## ۲. جشن‌های ماهانه

دومین نوع نیایش و ستایش زردشتیان، گردهم‌آبی‌های ماهانه آنان است که می‌توان هر یک را نوعی نماز ماهانه به شمار آورد. این توضیح لازم است که اساس جشن‌های ماهانه زردشتیان به این صورت است که هر یک از سی روز ماه در تقویم زردشتی، نام ویژه‌ای دارد. نام ماه‌های زرتشتی نیز همان است که امروزه در ایران نام‌بردار است. در فرهنگ زرتشتی هرگاه نام روز با نام ماه یکسان باشد، در آن روز آیین نیایش و ستایش اورمزد برگزار می‌شود. برای مثال، در روز نوزدهم ماه فروردین جشن "فروردین‌گان" برگزار می‌شود. جشن "تیرگان" در روز سیزدهم تیرماه و جشن "مهرگان" در روز شانزدهم ماه مهر برگزار می‌شود. این روزهای جشن و مراسم مربوط به آن چنینند:

- در دی‌گان، جشن‌های گاهان‌سرایی برگزار می‌شود.

- در بهمن‌گان، نیایش همگانی برای سپاس از دادار اورمزد برگزار می‌شود، چون جهان استومند را آفرید و برای گیتی پدري کرد.

- در اسفندگان، نیایش همگانی برای سپاس از دادار اورمزد برگزار می‌شود، چون جهان مینوی را آفرید و برای جهان مادری کرد.

- در آبان‌گان، آبان ایزد که یار و همکار اسفندارمذ امشاسپند است، ستایش می‌شود.



- در فروردین‌گان، نیایش برای بزرگداشت روان جان‌باختگان راه آزادی و سربلندی ایران زمین و نیز جان‌باختگان در راه حقیقت و عدالت برگزار می‌شود.

- در اردیبهشت‌گان، دادار اورمزد را سپاس می‌گوییم، چون که آتش را آفرید و ما [زردشتیان]، توانستیم با کمک آتش، فرهنگ مادی یا تمدن پی‌ریزی کنیم.

- آذر ایزد که یاور و همکار اردیبهشت امشاسپند است، در آذرگان ستایش می‌شود.

- در خوردادگان و آمدادگان، دادار اورمزد ستایش می‌شود، چون آب و گیاه را آفرید.

- در تیرگان، یادِ آرش، پهلوان اسطوره‌ای زرتشتی گرامی داشته می‌شود.

- شهریورگان، جشن بزرگداشت فرمان‌روایان دادگر است.

- در مهرگان، مهر ایزد را می‌ستایند که یار و همکار شهریور امشاسپند است. در مهرگان یادواره جشن شهریورگان برگزار می‌شود.

## ۳. گاهان بارها

سومین نوع نیایش و ستایش‌ها، "گاهان‌بارها" هستند که به این شرح می‌باشند:



- "مدیوزرم" به معنای "میان بهار" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می‌شود، چون آسمان را آفرید.
- "مدیوشم" به معنای "میان تابستان" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می‌شود، چون آب را آفرید.
- "پدیش هه" به معنای "گردآوری غله" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می‌شود، چون زمین را آفرید.
- "ایاسریم" به معنای "بازگشت به خانه" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می‌شود، چون گیاه را آفرید.
- "مدیاریم" به معنای "میان سال" است. در این گاهان بار، دادار اورمزد ستایش می‌شود، چون جانوران سودمند مانند گاو و گوسفند را آفرید.
- "همس په‌مدیم" به معنای "حرکت همه سپاه" است. این گاهان بار جشن بزرگداشت فروهر درگذشتگان است. در این گاهان بار، دادار اورمزد را سپاس می‌گویند، چون مردمان را آفرید. در این شش جشن، موبدان زرتشتی به مدت پنج روز هر روز یک سرود از پنج سرود گاهانی را به صورت گروهی می‌خوانند.<sup>۱</sup> در نظر زرتشتیان، این نیایش‌های همگانی ارزش و

۱. همان، فصل ۴، ص ۶۰.



ارجی برابر نماز روزانه دارند.<sup>۱</sup> مری بویس می‌نویسد: "تا پیش از قرن بیستم، جشن‌های گاهنبار به کلی مردانه بودند."<sup>۲</sup>

### جشن گاه

مکانی که در آن آیین‌های دینی برگزار می‌شود "نیایش گاه" یا "جشن گاه" نام دارد. به جایی که گردهم‌آیی‌های دینی در آن برگزار می‌شود نیز "نیایش گاه" می‌گویند. امروزه نیایش‌گاه‌های زرتشتیان چهار گونه هستند: ۱. پیرها، ۲. سفره‌های مقدس، ۳. نیایش‌گاه‌های ویژه ایزدان و ۴. آتشکده‌ها. زردشتیان می‌گویند از این چهار گونه نیایش گاه، تنها آتشکده‌ها اصل و بنیاد زرتشتی دارند. پیرها و سفره‌های مقدس و نیایش‌گاه‌های ویژه ایزدان، همگی بازمانده فرهنگ‌های کهن غیرزرتشتی هستند. سه گونه نیایش گاه با بن غیرزرتشتی که امروزه در فرهنگ زرتشتیان، هنوز زنده و پابرجا هستند، جاهای دل‌نشینی‌اند که زرتشتیان، در آن آیین‌های خود را برگزار می‌کنند. آشو<sup>۳</sup> زرتشت گفته است: "از آیین‌های کهن، آن‌هایی را که زیبا و خوش آیند زمانه هستند، برگزار کنید. ... زرتشتیان

۱. همان، فصل ۵، ص ۲۱.

۲. بویس، مری، زردشتیان، باورها و عقاید، ص ۲۴۳.

۳. «آشو» لقبی زرتشتی به معنای «درستکار» است.



آگاهند که پیرها و سفره‌های مقدس و نیایش‌گاه‌های ویژه ایزدان، بازمانده فرهنگ ایران باستان هستند،<sup>۱</sup> اما این نیایش‌گاه‌ها را چون گنجی می‌انگارند که باید از آن نگه‌داری کنند تا سودش را ببرند.<sup>۲</sup>

### آمادگی برای نماز

در کتاب‌های روایی زردشتیان توصیه شده است که پیش از نماز باید تن و جامه نماز و جای نماز را از آلودگی‌ها پاک کرد.<sup>۳</sup> معمولاً زردشتیان پیش از نماز، به غیر از تمام قرص صورت، دست‌ها را تا آرنج و پاها را تا قوزک پا سه بار شست‌وشو می‌دهند. در این هنگام دعای "سروش باج" را می‌خوانند. اگر آب نبود، سه بار دست را بر خاک تمیز می‌زنند و سپس به صورت و پشت دست می‌کشند. در زبان پهلوی وضو و تیمم را "پادیاب" و نیز "دست‌نماز" (دستم‌نماز) می‌گویند. سپس لباس سفید ساده‌ای به نام "سدره" می‌پوشند و پس از آن، به بستن کمر بند مقدس، یعنی "کُشتی" (کُستی)، اقدام می‌کنند. در

۱. پیرها مانند «پیر سبز»، سفره‌های مقدس مانند «سفره وهمن امشاسپند» و جشن‌گاه ویژه ایزدان مانند «شاهوژهرام».  
 ۲. مرادیان، بهمن، سدره‌پوشی، فصل ۵، ص ۲۳.  
 ۳. همان، ص ۱۸.



هنگام بستن همین کمر بند است که اذکار اصلی نماز را می‌خوانند.

نماز باید رو به روشنایی باشد. روشنایی "قبله" نماز زردشتیان است و نه معبود زردشتیان.<sup>۱</sup> این روشنایی می‌تواند روشنایی خورشید، آتش و یا چراغی روشن باشد. نماز را در ساعات قبل از ظهر رو به خاور که خورشید از آنجا طلوع می‌کند و در بعد از نیم‌روز به سوی باختر می‌خوانند و در دل شب تار در برابر چراغ یا آتش افروخته به نماز می‌ایستند. هنگامی که فرد زرتشتی نماز می‌خواند، کشتی را از دور کمرش باز کرده، آن را با دو دست تا می‌کند و بالا می‌برد و به پیشانی و چشم‌های خود می‌مالد و ممکن است حرکتهای دیگری هم مانند زدن ضربه به شکل شلاق برای دفع اهریمن انجام دهد.

### نماز روزانه

در کتاب درسی زردشتیان درباره نمازهای روزانه چنین آمده است: ما زرتشتیان به نشانه سپاس‌گزاری از آفرینش‌های اهورامزدا، روزی پنج بار به درگاه او نماز می‌بریم. به زمانی که در آن ساعت باید نماز بخوانیم "گاه" نماز می‌گوییم. گاه‌های نماز در دین زرتشتی، هر یک نامی ویژه دارند:

۱. منوچهرپور، منوچهر، بدانیم و سربلند باشیم، ص ۴۸.



۱. گاهِ هاوَن: از برآمدن آفتاب تا نیمروز. واژه "هاون" همان کلمه "هاون" امروزی است و از ریشه اوستایی به معنی "فشردن" آمده است، چون بامدادان و هنگام برآمدن آفتاب، موبدان گیاه هوم را می‌کوبیدند و با آدابی ویژه از آن شربتی مقدس فراهم می‌کردند که با نوشیدن آن، به حالت خلسه رفته و "منتره" یا کلام مقدس، در ستایش خدا یا خدایان بر زبان جاری می‌ساختند.

۲. گاهِ رَیْتُون: از نیمروز تا سه ساعت از نیمروز گذشته. از روز اورمزد و آبان ماه یعنی آغاز زمستان بزرگ (بیست و پنجم مهرماه تقویم رسمی) تا پایان سال "گلدربیتون" وجود ندارد و خواندن این نماز جایز نیست. گاهِ هاون در این روزها از برآمدن آفتاب تا سه ساعت پس از نیمروز می‌باشد؛ یعنی با کوتاه شدن طول روز، گاهِ هاون جای‌گزین گاهِ ریبتون می‌شود. در یکم فروردین، گاهِ ریبتون به جای خود باز می‌گردد.

۳. گاهِ اُزیرِن: سه ساعت از نیمروز گذشته تا رفتن آفتاب. "اوز" به معنی "آن سوی" و "ایرن" به معنی "روز" است و ازیرن به معنی "پسین یا آن سوی روز" است.

۴. گاهِ ائِیوسِرَوثرِم: از آغاز تاریکی شب تا پیش از سپیده‌دم. در کتاب بندهش در توضیح این گاه چنین آمده است: "هنگامی که ستاره موجود در آسمان آشکار شد تا نیمه‌شب."



۵. گاهِ اُشَهین: از سپیده‌دم تا برآمدن آفتاب.<sup>۱</sup> واژه "اوشهین" از واژه "اوشاه" به معنای "سپیده‌دم" گرفته شده است. گاهِ اُشَهین به نام روز قبل خوانده می‌شود. گروهی از دین‌دستوران می‌گویند: در گذشته‌های دور، به‌دینان در هر گاه نماز، یکی از پنج سرودگاهان را می‌سرودند، اما امروزه در هر گاه نماز "اوستای بایسته" خوانده می‌شود. نام نیایش‌های اوستای بایسته چنین است: اشم و هُو، یتا اهو، سروش باج، اوستای کُشتی، اوستای تن‌درستی، پیمان دین، ستایش خدا، صد و یک نام خداوند و پَرَساد.

### آغاز و انجام نماز

جملات آغازین نماز زردشتی چنین است:

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. خشنود گردانم، اهورامزدا! باور دارم دین مزداپرستی را که آورده زرتشت است. پیرو آموزش‌های اهورایی هستم که از دیو (دروغ) و دوگانه‌پرستی به دور است...

پس از این زمزمه‌ها، نماز ویژهٔ هر گاه خوانده می‌شود که دوبخشی است. در بخش نخست فرشتهٔ مربوط به آن گاه، و در

۱. مرادیان، بهمن، سدره‌پوشی، فصل ۲، ص ۴۷.



بخش دوم همتای دنیایی او ستایش می‌شود.<sup>۱</sup>

در پایان نماز نیز به هنگام خواندن "برساد" لازم است تا نام روز، ماه و گاه به جای آوردن نماز را بگویند. بنابراین، نمازگزار باید نام روز و ماه را دانسته تا در پایان نماز، برساد را به نام گاه مورد نظر بخواند.<sup>۲</sup>

### طهارت آیینی

به جشن گاه باید تن پاک وارد شد. "پاک بودن" به چه معناست؟ دین می‌گوید: هر بهدین باید از "هدر" و "نسا" پرهیز کند. به ناخن و خون و چرک و مانند این‌ها در دین "هدر" گفته می‌شود. به تن مرده در دین "نسا" گفته می‌شود. هر کس با نسا یا هدر آلوده شده باشد، باید به آیین شست‌وشوی کند. "برش‌نوم" گونه‌ای شست‌وشوی آیینی است که برش‌نوم شونده چهل روز پس از برگزاری برش‌نوم، باید جدا از دیگران زندگی کرده، در خورد و خوراک خویش پرهیزهای دینی را رعایت کند. آیین‌های برش‌نوم هنوز هم برگزار می‌شود و یکی از روش‌های کهن آیینی برای پاکیزگی است.<sup>۳</sup> هم‌چنین شخص زرتشتی در

۱. منوچهریور، منوچهر، بدانیم و سربلند باشیم، ص ۱۲.

۲. خورشیدیان، اردشیر، پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان، ص

۳. مرادیان، بهمن، سدره‌پوشی، فصل ۵، ص ۲۹.



هنگام نماز باید سرش را با کلاه یا روسری بپوشاند.

### سدره و کشتی

"سدره" پیراهن سفیدی است از جنس پنبه، گشاد با آستین کوتاه و بدون یقه که کیسه کوچکی جلو یقه آن دوخته شده است. سدره باید زیر پیراهن و چسبیده به تن پوشیده شود.<sup>۱</sup> "کشتی"، کمر بند سفید و پشمین است که نخستین بار موبد آن را به کمر هر زرتشتی می‌بندد. در کتاب‌های زرتشتیان آمده است:

ما زرتشتیان کشتی را به نشانه صلح‌خواهی به کمر خود می‌بندیم. کشتی از هفتاد و دو نخ بافته شده است، که نشانه هفتاد و دو بخش یسناست.<sup>۲</sup>

### دعای بستن کمر بند مقدس

بستن کمر بند مقدس، نخستین قسمت نماز است. این عمل با خواندن اوستای ویژه‌ای به نام "اوستای کشتی" همراه است. مقدمه اوستای کشتی به فارسی زرتشتی است. در آغاز اوستای کشتی نمازگزار زردشتی خواهان کامیابی دین زرتشتی می‌شود.

۱. همان، فصل ۳، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۵.



سپس قطعۀ کوتاهی از "اورمزد یشت" را می‌خواند و با خدای خود پیمان می‌بندد که تا توان دارد برای هم‌آهنگی با اشه کوشش کند و برای خشنودی اهورامزدا به کار و سازندگی و داد و دهش بپردازد، تا جهان نو نگاه داشته شود. سپس به سرودن دو دعای "اَشَمَّ وَهُو" و "یَئَا اَهُو" می‌پردازد. در دین، اشم و هو و یئا اهو را با هم "فرامون یشت" می‌نامند. زردشتیان در نماز یشت چنین است: "اَشَه، سر و سامان جهان و آیین آفرینش است. از روی اشه است که ما به هستی خداوند پی می‌بریم." پس از نو کردن کُشتی، سرود مَزْدِیسَنو اَهمی را می‌خوانند که بخش اصلی پیمان دین زرتشتی است. در پایان اوستای کشتی، قطعۀ "همازور" را می‌سرایند.<sup>۱</sup>

بخشی از اعتقادنامه زردشتی یا "فرورانه" که در نمازها خوانده می‌شود، با این عبارات شروع می‌شود:

"می‌ستایم دین نیک مزدیسنی را که با جنگ و خون‌ریزی دشمن است و جنگ‌افزار را از ما دور می‌کند و مردمان را به یکدیگر پیوند می‌دهد و پاک است. <sup>۲</sup>هم‌چنین یکی دیگر از

۱. همان، فصل ۵، ص ۷۵.

۲. همان، فصل ۲، ص ۵۲.



سرودها (یا دعاها)یی که هر زرتشتی در نماز روزانه می‌خواند، دعای "تن‌درستی" نام دارد. در این سرود از اهورامزدا چنین خواسته می‌شود: "در پناه یزدان باشیم، تا دیرزمان به شادی زیست نماییم."<sup>۱</sup>

### ترتیب نماز

پس از سرودن اشم و هو و یئا اهو، /وستا خواندن را باید با دعای "سروش باج" آغاز کنیم. پیش از آغاز اوستای کشتی، کشتی را از کمر خود باز می‌کنیم. میان کشتی را روی انگشت بزرگ دست چپ قرار می‌دهیم و دو گره کشتی را در دو سوی انگشت بزرگ دست راست جای می‌دهیم. موقع خواندن اوستای کشتی، به "شکست اهریمن باد" که رسیدیم، سه بار کشتی را با دست راست به سوی دست چپ تکان می‌دهیم. هنگامی که به "هیتیاورشتام" رسیدیم، بستن کشتی به دور کمر را آغاز می‌کنیم. کشتی سه بار به دور کمر می‌گردد. چهار گره باید به کشتی بزنیم؛ دو گره در پیش و دو گره در پشت سر. نخستین گره کشتی، زمان گفتن "شیوه تنه نام" از نخستین "یئا اهو" با دست راست زده می‌شود. سومین گره باید در پشت سر زده شود. این گره هنگام خواندن "اشم‌وهو" در "اوشتاآستی" و با دست

۱. همان، ص ۶۰.



راست زده می‌شود. چهارمین گره در "اوستا‌آهمائی" و با دست چپ زده می‌شود... سه بار چرخش کشتی به دور کمر نمادِ هومت (پندار نیک)، هوخت (گفتار نیک) و هوَرشت (کردار نیک) است که باید ما را در همهٔ زندگانی در بر بگیرند. چهار گره کشتی نشانهٔ چهارگوه‌ران است، زیرا پاک نگه‌داشتن آب و آتش و باد و خاک از دستوره‌های دین زرتشتی است. در نخستین گره ما [زرتشتیان]، گواهی می‌دهیم که آفریدگار همه چیز و همه کس اهورامزداست. در دومین گره، ما [زرتشتیان]، گواهی می‌دهیم که دین زرتشتی را اهورامزدا برای ما فرستاده است... در سومین گره گواهی می‌دهیم که "آشوزرتشت" پیغمبر خداست. در چهارمین گره گواهی می‌دهیم که در جنگ با بدی به کار بستن اندیشهٔ نیک، گفتار نیک و کردار نیک، خویش‌کاری هر زرتشتی است.<sup>۱</sup>

#### دعای آمدن منجی موعود در نماز

در دین زردشتی آمده است:

زمانی که جهان را بدی آشفته سازد، نه آموزگاری باشد و نه راهبری و نه سروری برای بی‌سروران، و همه از یزدان و فرمان‌های او بی‌خبر باشند و جهان بر کام دیو فریب‌کار و دیو آز

۱. همان، فصل ۳، ص ۲۷ - ۳۰.



باشد، سرانجام دادار اورمزدِ فیروزگر، بر مردمان بخشایش آرد و کسی را فرستد که گره‌گشای همهٔ بندهای جهان گردد. پیروان دین زرتشت هم‌چنین می‌گویند: ما در نماز روزانه به فروهر فرستادهٔ یزدان، که جهان را تازه به تازه می‌گرداند، درود می‌فرستیم. ما، زرتشتیان، همهٔ جان‌باختگان راه آزادی و سربلندی ایران و جان‌باختگان برای دفاع از حقیقت و دفاع از عدالت را همراه و همکار کیخسرو پادشاه [=همکار سوشیانت] می‌دانیم و در نماز روزانه به فروهر آنان درود می‌فرستیم.<sup>۱</sup>

#### پیمان دین (کلمهٔ شهادت)

هر زرتشتی در انجمن "وَه مازدیسنان" و به راهنمایی موبد، این سخنان را که به "پیمان دین" یا "کلمهٔ شهادت" معروف است، بر زبان می‌آورد و آن‌گاه به گروه "بسته کُشتیان" و نیکان و وُهان هفت کشور زمین می‌پیوندد:

بر زبان می‌آورم و استوارم به دین مزدیسنی که آورده زرتشت است، جدا از دروغ‌پرستی است. دین اهورایی است. من مزدایرست هستم، با ستایش‌ها و باورها، برمی‌گزینم که مزدایرست زرتشتی باشم. اندیشهٔ نیک را می‌ستایم. گفتار نیک را می‌ستایم. کردار نیک را می‌ستایم. دین بهی

۱. همان، فصل ۴، ص ۲۹.



مزدپرستی را می‌ستایم، که یوغ بردگی را برمی‌اندازد و جنگ‌افزار را فرو می‌نهد. که آزادی‌بخش و راستین است، که از دین‌هایی که هستند و خواهند بود، بالارزش‌ترین و بهترین و زیباترین است، که خدایی است و زرتشتی. خدای دانا را سزاوار همه خوبی‌ها می‌دانم. این است ستایش دین مزدپرستی. راست‌ترین دانش خداداده دین پاک و نیک مزدیسنی است. همه گونه ستایش و نیایش و پرستش سزاوار اورمزد رایومند خُره‌مند است. همه گونه ستایش و نیایش و پرستش بر همه امشاسپندان باد، که خود نیز بخشی از هستی یکتا و بی‌کرانه اورمزد هستند. شاه شاهان شاهورهرام ایزد، که نابودکننده دروغ و درفش‌دار نبرد با بدی است؛ ما را یاری دهد.<sup>۱</sup>

### نماز در آتشکده

در گذشته آتشکده‌ها مجتمعی دینی، فرهنگی، آموزشی و نظامی بوده و همواره نیایشگاهی نیز داشته است. در این نیایش‌گاه یا جشن‌گاه، زرتشتیان برای نیایش همگانی گرد هم می‌آمده‌اند. امروزه در سه گونه از نیایش‌گاه‌ها آتش همیشه روشن نگاه‌داری می‌شود: نخست، آتش "وَرَه‌رام" که ارج بسیاری دارد؛ دوم،

۱. همان، فصل ۳، ص ۳۶.



آتش "اَدُران" یا "اَدُرِیان" که در همه شهرهای زرتشتی‌نشین وجود دارد و در آنها جشن‌های گروهی زرتشتی برپا می‌شود؛ سوم، آتش "دادگاه" یا "درمهر" که معمولاً در ده‌ها برپاست. در ایران باستان برترین آتشکده‌ها عبارت بودند از: آتشکده آدرفرنیغ (از آن موبدان)، آتشکده آذرگشسب (از آن نظامیان) و آتشکده آذر بُرزین مهر (از آن کشاورزان و افزارمندان).<sup>۱</sup>

در آتشکده کانون ویژه‌ای برای افروختن آتش وجود دارد که جز آتربان یا موبد نگهبان آتش، کسی دیگر حق ورود به آن مکان را ندارد. آتربانان که به طرف آتش می‌روند، باید "پنام" یعنی دهان‌بند ببندند تا دم آنان آتش مقدس را نیالاید. در سمت راست آتش‌گاه اتاقی وسیع و چهارگوش قرار دارد که به قسمت‌های متعدد و مساوی تقسیم شده است و هر یک را برای کار خاصی در نظر گرفته‌اند. این اتاق را "یزشن‌گاه" یعنی مکان تشریفات عبادت می‌گویند. پیش از ورود به یزشن‌گاه، دست و روی خود را با آب شسته و قسمتی از *اوستا* را تلاوت می‌کنند. سپس کفش‌ها را از پا بیرون آورده و به اتاق اصلی داخل می‌شوند و در برابر آتش‌دان مقدس نماز برده و هدیه و نیازی با مقداری چوب صندل به موبد تقدیم می‌دارند و در برابر،

۱. همان، فصل ۴، ص ۹.





چمچه‌ای از خاکستر مقدس از دست او می‌ستانند. آن خاکستر را به نیت کسب فیض و برکت به صورت و چشم خود می‌مالند. سپس به سوی آتش به تعظیم خم شده و نماز و دعا می‌خوانند و در همه حال آن آتش را رمز و نشانهٔ ملکوت الهی می‌دانند، نه عین ذات ربوبی. آن‌گاه آهسته رو به قهقرا رفته، به کفش کن می‌رسند و به خانهٔ خود باز می‌گردند. گفتنی است، مهم‌ترین زیارت آتشکده در روز نوروز است.



### پرسش‌ها

۱. بخش‌های مختلف *اوستا* را معرفی کنید.
۲. "سدره" و "کشتی" را توضیح دهید.
۳. نماز زردشتیان را به طور خلاصه توصیف کنید.

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. طلوع و غروب زرتشتی‌گری، آر. سی. زرنر، ترجمهٔ تیمور قادری، فکر روز، ۱۳۷۵.
۲. *قانون مدنی زرتشتیان*، رستم شهزادی، مؤسسه فرهنگی-انتشاراتی فروهر، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۳. *زردشت و تعالیم او*، هاشم رضی، فروهر، ۱۳۶۰.
۴. *زردشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها*، مری بویس، ترجمهٔ عسکر بهرامی، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.



## فصل پنجم: صابیان

### آیین صابئی

آیین "صابئی" از آیین‌های ایران باستان و آیینی توحیدی است. پیروان این آیین، که خود را پیرو حضرت یحیی بن زکریا می‌دانند، دو دسته‌اند: "حرّانیان" و "مندائیان". امروزه، قریب به ۷۲ هزار نفر از آنان در عراق در کنار دجله و فرات و نزدیک به ۲۵ هزار نفرشان در کنار رود کارون در خوزستان ایران زندگی می‌کنند. برخی از آن‌ها نیز به استرالیا مهاجرت کرده و در کنار رودخانه‌های پرآب آن‌جا ساکن شده‌اند. اینان برای انجام مراسم دینی‌شان عبادتگاهی به نام "مندی" یا "مشکنه" دارند که همیشه در کنار آب جاری قرار دارد و از نی و گل ساخته می‌شود و کسی غیر از "گنجوران"، روحانیون آن‌ها، حق ورود به آنجا را ندارد. افزون بر این، چندین کتاب مقدس دارند که مهم‌ترین آن‌ها *گنزاریا* یا *گنج عظیم* است. گفتنی است، صابیان عصر ما خود را پیرو حضرت یحیی علیه السلام می‌دانند، ولی رهبانیت ندارند.



صابیان اعتقاد دارند که پس از قیام حضرت یحیی علیه السلام، مورد خشم یهودیان اورشلیم قرار گرفته‌اند و به اجبار از آن شهر مهاجرت کرده و در شهر "حرّان"<sup>۱</sup> مقیم شده‌اند. پس از مدتی، گروهی از آنان به مناطقی در جنوب عراق و خوزستان ایران کوچ کرده‌اند. صابیان روزی سه بار در صبح، ظهر و عصر نماز می‌خوانند و سالی ۳۶ روز امساک می‌کنند. آنان خدای متعال را "حیی" یعنی "حیات" می‌نامند و او را خالق نور می‌شمارند. خالق ظلمت "روحا" نامیده می‌شود. این دو خالق با یکدیگر نزاع می‌کنند و پیروزی نهایی از آن نور است.

روحانی صابیان یعنی "گنجور" موظف است صابیان را هر روز یکشنبه "تعمید" بدهد. هنگام تعمید، هر یک از تعمیددهنده و تعمیدشونده باید پنج تکه لباس بر تن داشته باشند. تعمیددهنده عصا و لوازم دیگری همراه دارد و پیش از تعمید شاخه‌ای از درخت یاس را برمی‌دارد و مراسمی انجام می‌دهد و دعاهایی می‌خواند. برای مناسبت‌های مختلف و برای کفاره شدن گناهان نیز تعمید مقرر شده است. صابیان به فتوای مقام معظم رهبری از اهل کتاب به شمار می‌روند.<sup>۲</sup>

۱. «حرّان» در جنوب ترکیه و در مرز سوریه است.

۲. فروزنده، صابئین ایران زمین، ص ۸.



## نماز صابیان

نماز صابیان "برآخه" نامیده می‌شود. صابیان روزی سه نوبت نماز اصلی و دو وعده نماز فرعی دارند که عبارتند از:

۱. هنگام طلوع خورشید؛

۲. قبل از زوال خورشید از وسط آسمان؛

۳. هنگام غروب آفتاب؛

۴. یک ساعت پس از غروب آفتاب؛

۵. هنگام خواب.

آنان نمازشان را در هر مکانی که مقدور باشد، به طرف ستاره جُدی در شمال، به جای می‌آورند و برای اقامه نماز مقدماتی مانند وضو (رُشامه) و غسل جنابت لازم است. نماز صابیان دارای قیام و قعود و رکوع است و سجده ندارد. هم‌چنین دارای هفت قرائت است که نخستین آن، قرائت آیه‌ای است که محتوای آن توحید خداوند است. شایان ذکر است که صابیان دو نماز دیگر نیز دارند که در شب خوانده می‌شود و برای این دو نماز، وضو (رُشامه) واجب نیست.<sup>۱</sup>

۱. مسعود فروزنده و دیگران، صابئین ایران زمین، ص ۸.



## پرسش

۱. نماز صابیان به چه صورت است؟

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. آشنایی با ادیان بزرگ جهان، حسین توفیقی، سمت، ۱۳۸۴.

۲. صابئین ایران زمین، مسعود فروزنده و دیگران، کلید، ۱۳۸۱.



## فصل هشتم:

### آیین هندو

حدود ۳۵۰۰ سال پیش، بخشی از اقوام آریایی از راه خوارزم به هند و ایران مهاجرت کردند. این قوم که بعداً "هندو ایرانی" نامیده شدند، در هند آیین "ودایی" و در ایران آیین "زردشت" را پایه‌ریزی کردند. منظور از آیین ودایی دینی است که از متون مقدس *ودها* که امروزه نیز مهم‌ترین متون دینی هند است، برمی‌آید. بعداً "آیین هندو" از دل آیین ودایی به وجود آمد. آیین هندو دین و مجموعه‌ای واحدی از آموزه‌ها نیست، بلکه مجموعه‌ای از مذاهب، آداب و رسوم و آموزه‌های مرتاضان و متفکران در طول تاریخ چند هزار ساله هند است که بسیاری از آنها ناشناخته‌اند و به همین دلیل است که کسی نمی‌تواند برای آیین هندو مبدأ و بنیانگذار خاصی را مشخص کند. این آیین گونه‌ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان، نقش بزرگی داشته است.

## بخش دوم

# نماز در ادیان غیرالهی





### کتاب‌های مقدس

متون مقدس آیین هندو به دو بخش تقسیم می‌شوند: متون وحیانی و متون غیروحیانی. متون وحیانی شامل: ود/های چهارگانه، بر/همنه‌ها، متون جنگلی و اوپانیشادهاست. متون غیروحیانی شامل: متون حماسی، متون تنتری، منوسمرتی، پورانه‌ها و سوتره‌هاست.

ود/های چهارگانه چنینند:

۱. ریگ‌ود<sup>۱</sup> یعنی دانش ستایش خدایان؛

۲. یَجورود<sup>۲</sup> یعنی دانش انجام قربانی؛

۳. سامَود<sup>۳</sup> یعنی دانش درست کردن شراب سوما؛

۴. اَتَهرومود<sup>۴</sup> یعنی ودای اَتَهروان (نام نویسنده این ود).

عبارت‌های ود/ها را که وحیانی شمرده می‌شوند "منتره"<sup>۵</sup> (کلام مقدس) می‌خوانند. منتره‌ها سرودهایی در ستایش خدایان گوناگون اقوام هندو ایرانی هستند. منتره‌ها اشعار و جملاتی بودند که برهمنان و رشی‌ها (حکیمان هند باستان) در حالت

1. Rig-veda.
2. Yajur-veda.
3. Sāma- veda.
4. Atharva-veda.
5. Mantaras.



خلسه و مانند آن در ستایش ایزدان بر زبان جاری کرده و شاگردان آن‌ها را به عنوان کلام مقدس حفظ می‌کردند؛ شبیه آنچه از مولوی نقل می‌کنند که به حالت سماع می‌رفته و هنگامی که از خود بی‌خود می‌شده، اشعاری را می‌سروده است. در زمان‌های بعد برهمنان (یعنی روحانیون) شرح و تفسیرهایی بر ود/ها نوشتند به نام بر/همنه‌ها که مناسبت‌های آن اوراد را تعیین می‌کند. پژوهش‌گران به همین مناسبت سال‌های ۸۰۰ تا ۵۰۰ قبل از میلاد را "دوره برهمنی" می‌نامند. بعدها تفاسیری عرفانی در دو مرحله بر ود/ها و بر/همنه‌ها نوشته شد که اولی متون جنگلی و دومی اوپانیشادها بودند.

از میان متون غیروحیانی، کتاب‌های مهابهاراته و رامایانه با محتوای تاریخ اسطوره‌ای هند باستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. کتاب بسیار معروف و جذاب بَهگودگیتا<sup>۱</sup> یعنی "سرود خدای مجید"، در اصل بخشی از مهابهاراته است. علت اهمیت بَهگودگیتا در این است که در قالب داستانی شیرین، گفت‌وگوی شاهزاده‌ای به نام "ارجونه" و ارابه‌رانس به نام "کریشنا" را آورده که بعداً مشخص می‌شود کریشنا تجلی "ویشنو" خدای بزرگ هندوان است. کریشنا در ضمن راهنمایی‌های خود، سه

۱. Bhagavad- gītā.



راه رسیدن به حقیقت (خدا) را به ارجونه می‌آموزد؛ راه معرفت، راه ریاضت (یا عمل) و راه اخلاص (یا محبت). سپس کریشنا تأکید می‌کند که راه اخلاص یا محبت نزدیک‌ترین راه به خداست. در این راه نیاز نیست خیلی به شریعت پای‌بند بود و فقط کافی است با خواندن اشعار عرفانی به راز و نیاز عاشقانه با معبود پرداخت.

#### اوپانیساده‌ها

هر اندازه که ود/ها بر انجام قربانی و شعائر ظاهری تأکید داشتند، اوپانیساده‌ها بر مهار نفس و قربانی کردن هواها و مانند آن تأکید ورزیده و مطالب ود/ها را تأویل می‌کردند و از این رو، در صدد اصلاح دین ودایی بودند. اهمیت اوپانیساده‌ها از آن جهت نیز مهم است که نوعی توحید محض در آنها مطرح است. این کتاب را برای نخستین بار "داراشکوه" فرزند شاه جهان، پادشاه مسلمان هندوستان، به انگیزه نشان دادن نقاط مشترک عرفان اسلامی و هندویی در ۱۰۶۷ هجری قمری به زبان فارسی ترجمه کرد و آن را "سر اکبر" نامید. نخستین آشنایی غربیان با اوپانیساده‌ها نیز از طریق همین ترجمه بود. اوپانیساده‌ها می‌گویند راه نجات در این است که از طریق معرفت شهودی به این حقیقت برسی که "آتمن" یا روح تو با "برهمن" یعنی خدا



یکی است. هم‌چنین نظریه "تناسخ" نیز نخستین بار در اوپانیساده‌ها مطرح می‌شود.

#### اعتقادات اصلی

اصول دین هندو عبارت از اعتقاد به متون وحیانی و رعایت نظام طبقاتی است. امروزه اعتقاد به خدایان سه‌گانه، تناسخ، قانون کرمه و برخی مفاهیم دیگر، از اصول آیین هندو به شمار می‌روند. البته اصول نانوشته دیگری نیز وجود دارند که هندوان آنها را رعایت می‌کنند؛ برای مثال، "گاو" را مقدس‌ترین حیوان می‌دانند و مجسمه آن را در منازل، معابد و میادین شهرها نصب می‌کنند. بعضی از دانشمندان معتقدند، علت تقدس گاو در میان هندوان و سگ و آتش در میان زردشتیان ایران باستان این بود که وجود این سه عامل جهت نجات زندگی شخص هندو ایرانی باستان در عصری که از آن به "زمستان بزرگ" یاد می‌شود، ضرورت داشت و مساوی با ادامه زندگی او بود. پس به مرور زمان حالت تقدس به خود گرفتند. احترام به گاو و سایر حیوانات نیز گسترش یافته و به اصلی به نام "اهیمسا" یا اصل "عدم آزار جانوران" معروف شده است. البته در مناطقی از هندوستان که همه مردم غیرهندو هستند، گاو ذبح می‌شود و در مناطقی که اقلیتی از هندوان زندگی می‌کنند، سعی می‌شود که ذبح و عرضه گوشت گاو علنی نباشد.



### خدایان سه‌گانه

هندوها از میان هزاران خدای خود، سه خدا را اصلی می‌دانند که آن را "تثلیث هندویی" می‌گویند:

۱. برهما، خدای آفریننده؛

۲. ویشنو، خدای محافظ؛

۳. شیوه، خدای نابودگر.

شیوه‌پرستان، آلت شیوه را که نماد زاینده‌گی و برکت است، می‌پرستند و آن نربینه را "لینگا"<sup>۱</sup> می‌نامند. مجسمه‌های لینگا و معابد آن فراوان است. آلت‌پرستان به مجسمه‌های یادشده تبرک می‌جویند و شرم و حیایی که انسان‌ها در این مورد از زمان‌های دور داشته‌اند، نزد آنان نیست. به نقل ویل دورانت، گاندی از اینکه مسیونرهای غربی از زشتی عورت‌پرستی با هندوان سخن گفته‌اند، گله‌مند بوده است.<sup>۲</sup>

### قانون کرمه و تناسخ

"کرمه" به معنای "کردار" است و قانون کرمه می‌گوید: هر عملی نتیجه خاص خود را دارد و آدمی نتیجه اعمال خود را در دوره‌های بازگشت مجدد خود به این جهان خواهد دید. کسانی

1. Linga.

۲. تاریخ تمدن، ص ۵۹۱.



که کار نیک انجام داده‌اند در مرحله بعد، زندگی مرفه و خوشی را در طبقه اجتماعی بالاتری خواهند داشت و آنان که کار بد می‌کنند در زندگی بعدی، با بدبختی دست به‌گریبان خواهند شد و چه بسا به شکل حیوان بازگشت کنند. "تناسخ" در زبان سنسکریت "سَمساره" به معنای "سیر و سفر" یا "سرگردانی و آوارگی و گیجی" است. طبق دو اصل "سَمساره" و "کرمه"، همین آثار کرمه‌ای سبب می‌شود تا انسان پس از سپری کردن دوره‌ای در فضایی بهشت‌گون یا جهنمی، به بازگشت مکرر به این دنیا مجبور گردد، و نیز سبب می‌شود تا در هر زندگی، متناسب با نوع و میزان کرمه‌ای که در روح دارد، زندگی متفاوت داشته باشد. بنابراین، هر زندگی در عین حال که خود ثمره زندگانی‌های پیشین است، تعیین‌کننده نوع و کیفیت زندگانی‌های بعدی نیز خواهد بود. هندوان معتقدند، تنها راه رهایی انسان از گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر از رنج و بلا، رسیدن به "موکشه" یعنی "رهایی" است که از سه طریق معرفت، ریاضت و بهکتی به دست می‌آید.

### طبقات اجتماعی

اساس آیین هندو رعایت نظام طبقات اجتماعی است. هر کس در این آیین در طبقه‌ای به دنیا می‌آید که سرنوشت محتوم



اوست. وظیفه دینی او این است که تا پایان عمر به وظایف آن طبقه پای‌بند باشد تا در زندگی بعدی‌اش (بر اساس باور به تناسخ)، در طبقه بالاتری به دنیا بیاید و این تنها راه نجات است. مدت ۲۵۰۰ سال است که مردم هند از این نظام شدید طبقاتی رنج می‌برند. این نظام طبقاتی را پژوهش‌گران غربی کاست<sup>۱</sup> می‌نامند که واژه‌ای پرتغالی و به معنای "نژاد" است. در این نظام چهار کاست اصلی وجود دارد:

۱. برهمنان: طبقه روحانیون؛
۲. کشتریه‌ها<sup>۲</sup>: طبقه شاهان، شاهزادگان و جنگاوران؛
۳. ویشیه‌ها<sup>۳</sup>: طبقه بازرگانان؛
۴. شودره‌ها<sup>۴</sup>: طبقه کارگران.

معاشرت افراد طبقه‌ای با طبقات دیگر شرعاً و عرفاً ممنوع بود؛ به خصوص طبقه اخیر که هر گونه تماس، حتی نگاه کردن افراد طبقه بالا به این گروه، گناه کبیره شمرده می‌شد. فروتر از این چهار طبقه، بومیان غیرآریایی هندوستان بودند که "دالیت" یا "نجس‌ها" نامیده می‌شدند. افراد این طبقه به

1. Cast.
2. Kshatria.
3. Vaiśya.
4. Śūdra.



هیچ وجه حق نداشتند در محله‌های آن طبقات چهارگانه تردد کنند و هر گاه از باب ضرورت برای حمل زباله و مانند آن به اماکن آنها می‌رفتند، موظف بودند با صدای بلند حضور خود را اعلام کنند که مبدا نگاه افراد طبقات بالا به این گروه بیفتد. شگفت آنکه افراد طبقات پایین جامعه هند، این نظام را حقیقی می‌پندارند و در کل عمر خود، ظلم طبقات بالاتر را تحمل می‌کنند، به امید آنکه در زندگی بعدی در خانواده‌ای ثروتمند از طبقات بالاتر به دنیا بیایند!

#### ثنویت هستی‌شناختی

برخی از حکیمان هندو می‌گویند: همه خدایان بی‌شمار آن دین، مظاهر خدای واحد بزرگند و تمام موجودات، بخش‌هایی از کالبد عظیم الوهیت به شمار می‌روند. از دیدگاه آنان، این جهان و همه اجزای آن در حقیقت خیالی بیش نیست. این خیال را "مایا" یعنی "فریب و وهم" می‌نامند. البته همه عارفان هند چنین عقیده‌ای ندارند. "شانکاره" این دنیا و همه اجزای آن را خیال می‌دانست و مکتب او "غیرثنوی" نام گرفت؛ یعنی میان دنیا و حقیقت هیچ دویی نیست و دنیایی در کار نیست و هر چه هست فقط حقیقتی است که در پس این جلوه وهمی دنیا قرار دارد. عارف بزرگ دیگری پس از شانکاره به نام "رامانوجا"، این





عقیده او را تعدیل کرد و برای این جهان نیز حصه‌ای از حقیقت قائل شد و گفت که فقط هنگام مکاشفه است که حقیقت دنیا که وهم است، بر عارف منکشف می‌شود. عقیده او را "ثنویت مشروط" نامیدند. عارف دیگری به نام "مدهوه" این عقیده را کاملاً رد کرد و برای هر دو عالم؛ حقیقت یکسانی قائل شد. پس نظریه او را "ثنویت مطلق" نامیدند. به عقیده آنان تمام این صورت‌های وهمی، سرانجام نابود می‌شوند و تنها "برهما" که ثابت و پایدار است، باقی می‌ماند.

### یوگا و عبادت

"یوگا" یکی از شش مکتب فلسفی هند است. یوگا می‌گوید برای دست‌یابی به حقیقت یا اتحاد با خدا، باید روان و کالبد را به اختیار و فرمان خود درآورده و در نتیجه نیروی موجود در بدن را برانگیزی. از این رو، یوگا دو ساحت دارد: تن و روان. یوگای تن یا "هاتهایوگا"، حرکات نرمشی و ورزشی ویژه‌ای را به شما می‌آموزد که می‌توانید تن خود را مهار کنید. امروزه در همه کشورهای جهان کلاس‌های یوگا وجود دارد که همین نرمش‌ها را به مردم می‌آموزند. بخش دوم یوگا، که در مهار روان است، خود دو قسم است: "راجا یوگا" (یوگای روان) و "کندالینی یوگا". کندالینی یوگا می‌گوید که کانونی از انرژی در آخرین



مهره ستون فقرات انسان وجود دارد که با نشستن به حالت مدی‌تیشن و تمرکز بر مراکز خاصی به نام "چاکراها" می‌توان آن انرژی را به فعلیت درآورد. هنگامی که آن انرژی از ستون مهره‌ها گذشت و به ناحیه سر رسید، باعث می‌شود تا چشم سوم انسان باز شود. با باز شدن چشم سوم، حقیقت جهان را خواهی شناخت و همین معرفت است که تو را به موکشه و رهایی از چرخه تناسخ می‌رساند.

یوگاکار سال‌ها با تمرین نشستن آرام و پیوسته به شکل چهارزانو و تأمل در موضوعاتی که در دانش یوگا مطرح است به نتایجی می‌رسد. یوگا برای بسیاری از هندوها حکم نماز روزانه را دارد. یوگا و مدی‌تیشن در نشستن آرام و تأمل بر موضوعاتی مانند تنفس، با یکدیگر اشتراک دارند. پس یوگا را نیز مانند مدی‌تیشن می‌توان "نماز صامت" نامید. راجا یوگا نیز همانند کندالینی یوگا از طریق پرورش برخی وجوه تفکر قصد ورود به عالم معنا را دارد و معمولاً بر تنظیم تنفس تأکید می‌ورزد.

بنیانگذار رسمی و مشخص مکتب یوگا، شخصی به نام "پتنجلی" (قرن دوم قبل از میلاد) است. بر اساس نظریه نجات یوگا، معرفت متمایزکننده، یعنی معرفت به تمایز خود حقیقی از غیر خود، تنها با خاموشی اندیشه و فرونشستن جنبش افکار، محقق خواهد شد. یوگا برخلاف مکتب سانکهایه، نقش خدا را در



نظام جهان‌شناختی خود ضروری می‌انگارد. یوگا می‌کوشد تا ذهن یوگاکار را از وضعیتی ناآرام و مخلّ درک حقیقت، به وضعیتی مناسب برای درک حقیقتِ نجات‌بخش متحول کرده و در آن وضعیت تثبیت کند.

بدیهی است که هر گونه ریاضت بدنی و فکری، آثار وضعی مربوط به خود را دارد که ارتباطی به مؤمن بودن و یا مشرک بودن فرد مرتاض ندارد. تفاوت کسی که ریاضت‌های شرعی (عبادات مستحبه و مانند آن) را متحمل می‌شود و به درجاتی از معنویت می‌رسد، با کسی که ریاضت‌های غیرشرعی و گاه ممزوج با گناه دارد، در این است که شخص مؤمن به دنبال کسب توحید برای زندگی جاودانه آخرت است، اما مرتاض هندی، بیش از این که به مقامات معنوی و توحید بیندیشد، به مهار انرژی‌های درونی جهت انجام کارهای محیرالعقول علاقه دارد.

### عبادت در آیین هندو

عبادت هندویی (پوجا) بر سه نوع است: عبادت معبدی، عبادت خانگی و عبادت دسته‌جمعی.

#### ۱. عبادت معبدی

در معابد هندوان معمولاً بت‌یکی از خدایان یا اوتاره (یعنی



تجسد)های آنان قرار دارد. گاهی نیز لینگام شیوه یا مجسمه گاو یا حیوان دیگری قرار دارد. گاهی نیز فقط تکه‌سنگی در وسط معبد وجود دارد که افسانه‌ای محلی آن را مقدس ساخته است. معبد ممکن است معبد همسر خدایان باشد. ویشنو و اوتاره‌های او و بیشتر از همه راما و کریشنا معبد دارند. راهبان معبد که "پوجاری" نامیده می‌شوند، در خدمت خدای معبد به سر می‌برند و با خدای معبد مانند پادشاه گران‌قدر رفتار می‌کنند. آنان در ساعات معینی از روز برنامه عبادی و شرفیابی انجام می‌دهند که شروع آن پیش از سحرگاهان است؛ خدا را بیدار می‌کنند، شست‌وشو می‌دهند، به صورت نمادین به آن غذا می‌دهند، روغن مالی‌اش می‌کنند، تزئینش می‌نمایند و سپس به زائران بارعام داده می‌شود. سرانجام نیز برای خواب شبانگاه به بستر برده می‌شود. این برنامه با مراسم گوناگونی مانند: آرتی (به جنبش درآوردن قندیل‌ها)، به صدا درآوردن زنگ‌ها، اجرای موسیقی، سرودخوانی، نیایش‌ها، اهدای گل، میوه، غلات و غذا به تندیس، سوزاندن بخور و دیگر گونه‌های عبادات و توسلات همراه است. در روزهای برپایی جشنواره مربوط به هر خدا، اغلب مراسم و برنامه‌های گروهی تماشایی اجرا می‌شود که مردم از دور و نزدیک جمع می‌شوند. رفتن به معبد برای هیچ هندویی الزامی نیست، ولی آنها به طور سنتی، رفتن به معبد را ترک نمی‌کنند و



عبادت آنها در معبد به صورت فردی است. هندوان بدان امید به معبد می‌روند که درشنه‌ای (دیدار یا کشفی) از طرف خدا بر آنان ارزانی شود، یا برای این که به درگاه خدای خود هدیه‌ای را پیشکش کنند و از او درخواستی نمایند و یا نذر و نیازی کرده و عهده‌ی ببندند.<sup>۱</sup>

## ۲. عبادت خانگی

عبادت خانگی در بیشتر خانه‌ها اجرا می‌شود، ولی به ندرت طول و تفصیل برنامه روزمره در معابد را دارد. در بیشتر خانه‌ها فضایی را به عبادت اختصاص داده و طهارت آیینی‌اش را نگاه می‌دارند. در آنجا "ایشته دئوه" یعنی خدای منتخب اهل خانه، در قالب بت و به همراه برخی نمادهای مربوط به آن وجود دارد. معمولاً بانوی خانه است که به خدا رسیدگی و آیین‌های گوناگون را اجرا می‌کند. این آیین‌ها می‌تواند شامل: آرتی، پیشکش‌گزاری، نیایش و توسل باشد. گاهی تصاویر هندسی ویژه‌ای به نام "ینتره" و "مندله" را همچون نمادهایی برای عبادت به کار می‌برند. این تصاویر را به وسیله پودرهای رنگی در سطح زمین رسم می‌کنند و اعتقاد دارند که نوعی خوش‌آمدگویی به خدایان

۱. هیوم، رابرت، ص ۱۲۶.



است.<sup>۱</sup> عبادت خانگی برای هندوان حکم نماز روزانه را دارد، زیرا هر روز باید به خدا رسیدگی و احترام کرده و او را با خواندن اوراد مقدس ستایش کنند.

## ۳. عبادت دسته‌جمعی

در عبادت دسته‌جمعی سرودهای مذهبی خوانده می‌شود. کسانی که به قصد عبادت به روش ترنم سرودهای مذهبی گرد هم می‌آیند، معمولاً به گروه خاصی ملحق می‌شوند. موسیقی شدید و فضای پرحرارت و آوازهای شورانگیز سبب می‌شود که برخی از شرکت‌کنندگان به حالت خلسه بروند. در این گردهم‌آیی‌ها گاهی نیز مراسم آرتی و توزیع "پرساده" یعنی غذای متبرک صورت می‌گیرد. گروه‌هایی که به این طریق گرد هم می‌آیند تا با سرودخوانی به عبادت بپردازند، در سرتاسر هند و در بیشتر سطوح اجتماعی یافت می‌شوند.

نوع دیگر از عبادت جمعی، "نقالی" است که در آن بخشی از متون مقدس آیین هندو خوانده می‌شود. چنین مراسم نقالی برای بانوی‌اش فضیلتی بزرگ در بر دارد. اجرای آن را بر عهده برهمن می‌گذارند و جمعی را نیز برای حضور در مراسم دعوت می‌کنند. معمولاً هر متنی در قالب خاصی به دقت بیان می‌کند

۱. همان، ص ۱۲۶.



که چه برکاتی را عاید کسانی که گوش به آن می‌سپارند و آنان که بانی این مراسم می‌شوند، می‌گرداند.

عمل دینی دیگری که فضیلت بسیاری در آیین هندو دارد "زیارت" است. در سرتاسر هند روزانه سفرهای زیارتی در هر سطح و در هر منطقه‌ای صورت می‌گیرد. برای بسیاری از زیارت‌گاه‌ها خواص مخصوصی در طول زمان تعریف کرده‌اند؛ مثلاً برخی از زیارت‌گاه‌های منطقه‌ای هستند که به داد نایبانیان و بی‌فرزندان یا کسانی که عارضهٔ پوستی دارند، می‌رسند. شهرهای "بنارس" و "کیا" به ویژه برای طلب رستگاری بخشایش گناه و هدیه دادن به نیاکان مورد توجه هستند. اهداف زیارت عبارتند از: بخشایش گناهان، عبادت یا شهود خداوند، خشنودی نیاکان، رضایت خدایان خشمگین، رهایی از بیماری یا بدبختی و تقدیر شوم، تأمین خوشبختی و برکت.<sup>۱</sup>

#### نماز در آیین هندو

به غیر از شست‌وشو دادن بت‌های خانگی با آب و شیر و روشن کردن چراغ و سوزاندن بخور برای آنان، هندوها نماز یا عبادات روزانه‌ای نیز دارند که یکی از بخش‌های اساسی آیین آنان است. زمره کردن "منتره"ها، به ویژه از روی متون ودایی، رایج‌ترین

۱. همان.



شکل عبادت در میان هندوان است. یوگا و مدی‌تیشن نیز شکلی از عبادت روزانه تلقی می‌شود. هندوها ذکر "اوم" را تکرار می‌کنند که به منزلهٔ اسم اعظم الهی است. متون ودایی مخزن نمازهای هندوان، یعنی منتره‌ها و سرودهای معنوی است. جنبش‌های بهکتی بر تکرار نمازها تأکید دارند.

گفتنی است، برهمن شکل غیرشخصی خداست و سه خدای برتر هندوها از برهمن ساطع شده‌اند و اکثر عبادات و نمازهای هندوها بر تثلیث هندویی و اوتاره‌های ویشنو متمرکزند.

#### منتره‌های روزانه

هنگامی که هندو در معبد است و یا در عبادتگاه خانگی خود نماز می‌خواند، در واقع در حالی که در برابر بت‌ها سجده کرده و دست‌ها را در برابر سینه به هم جفت می‌کند، منتره‌های مختلف را می‌خواند و تکرار می‌کند. پس محتوای نماز هندوان چیزی به غیر از منتره‌ها نیست.

"شانتی منتره"ها یا منتره‌های آرامش، دعاهایی برای آرامش (شانتی) درون هستند که از متون ودایی گرفته شده‌اند. عموماً این‌ها را در آغاز و پایان مناسک و عبادات دینی و سخنرانی‌های مذهبی می‌خوانند. شانتی منتره‌ها در ابتدای برخی از عناوین /*اوپانی‌شاد* به عنوان "دعا" آمده‌اند. عقیده بر آن است که این‌ها



ذهن قرائت‌کننده و محیط اطراف او را آرام می‌کنند. هم‌چنین گفته می‌شود قرائت این‌ها هر گونه مانع را در ابتدای انجام وظیفه از پیش رو برمی‌دارد.

شانتی منترها همیشه با سه بار تکرار عبارت "شانتی" یعنی "آرامش" به پایان می‌رسد. علت سه بار تکرار این عبارت این است که می‌خواهند موانع را در سه بُعد از پیش رو بردارد: در بعد مادی<sup>۱</sup>، ملکوتی<sup>۲</sup> و انفسی<sup>۳</sup>. طبق متون مقدس هندویی منبع موانع و مشکلات بشر، در این سه قلمرو هستند. قلمرو ماده می‌تواند منبعی برای موانع یا مشکلاتی باشند که از دنیای خارج می‌آیند؛ مانند آنچه از جانوران وحشی، مردم، حوادث طبیعی و مانند آن پدید می‌آیند. قلمرو ملکوتی می‌تواند منبع مشکلات و موانعی باشد که از جهان فوق حسی خارج می‌شوند؛ مانند ارواح، اشباح، خدایان، نیمه‌خدایان (فرشتگان) و مانند آن‌ها. قلمرو انفسی منبع مشکلات و موانعی است که از کالبد و جان خود شخص بیرون می‌تراوند؛ مانند درد، بیماری‌ها، کسالت، حواس-پرتی و مانند آن. این‌ها را تاپا-تریا<sup>۴</sup> یا سه طبقه مشکلات

1. Adhi-Bhautika.
2. Adhi-Daivika.
3. Adhyaatmika.
4. Tapa-Traya.



می‌نامند. هندوها معتقدند، هنگامی که منترهای شانتی را می‌خوانند، به عبارت دیگر نمازی که می‌خوانند، باعث می‌شود همه موانع از این سه قلمرو پاک گردند. یک نمونه از شانتی منتره چنین است:

اوم، پورنامادا، پورنامیدام پورنات پورناموداچیات/ پورناسیا پورنامادایا پورنامیواوْشیشیاته/ اوم، شانتی، شانتی، شانتی؛ (یعنی: اوم! آن (خداوند "برهمن") بی‌کران است، و این (هستی)، بی‌کران است. این بی‌کران از آن بی‌کران پیدا شده است. (سپس) با گرفتن بی‌کرانی هستی بی‌کران، فقط خداست که تنها بی‌کران باقی می‌ماند. اوم! آرام، آرام، آرام.

نمونه دیگری از شانتی منتره از تای تیریه/وپانیشاد:

اوم! باشد که میترا مرا خوشبخت کند. باشد که ورونه مرا خوشبخت کند. باشد که اریامن مرا خوشبخت کند. باشد که ایندرا و بریهاسپتی مرا خوشبخت کنند. باشد که ویشنو، دارنده گام‌های بلند، مرا خوشبخت کند. درود بر برهمن (= خدا). درود بر تو ای وایو. تو به راستی، برهمن بی‌درنگی. من تو را به تنهایی برهمن بی‌واسطه خواهم خواند. من تو را درستکاری خواهم خواند. من تو را حقیقت خواهم خواند. باشد که (برهمن/خداوند) مرا حفظ کند. باشد که (خداوند/برهمن) خواننده این نماز را حفظ کند. باشد که "او" مرا حفظ کند. باشد



که قرائت‌کننده این نماز را حفظ کند. اوم! آرامش، آرامش، آرامش.

### گیاتری منتره

به غیر از شانتی منتره‌ها، منتره‌های دیگری نیز وجود دارند که از اهمیت بسیاری برخوردارند. یکی از مهم‌ترین آنها "گیاتری منتره"<sup>۱</sup> است که هندوان هر روز آن را به عنوان نماز روزانه می‌خوانند. پیش‌تر زنان حق نداشتند این منتره را بخوانند. هنگامی که این دعا را می‌خوانند، بر معنای آن تمرکز می‌کنند و صدای آن را جذب درون خویش می‌سازند تا از معنای روحانی آن سرشار شوند؛ به همین خاطر در هر نیایشی خوانده می‌شود. گیاتری منتره نخستین بار در ریگ ودا آمده است؛<sup>۲</sup> از این رو قدمت و اهمیت بسیاری دارد. ترجمه این دعا چنین است:

اوم، بر حقیقت مطلق و مستوای آن، بر آن نیکوترین نور معنوی، تفکر می‌کنیم، که برطرف‌کننده موانع است. باشد که ما را به الهام و اشراق رساند!<sup>۳</sup>

1. Gayatri mantra.

2. iii,62,10.

3. Vivekananda, Swami, *The Complete Works of Swami Vivekananda*, Advaita Ashram. P. 211.



نمونه دیگری از منتره‌های رایج نیز چنین است: خدایا! ما را از ناراستی به سوی راستی، از ظلمت به سوی نور، از مرگ به جاودانگی هدایت فرما. همه را خوشبخت کن! همه را از مریضی دور کن! بگذار همه حقیقت را ببینند و هیچ کس رنج نبیند.

این دعا، واژه "ساویترا" را برای خدا به کار برده که به معنای "خورشید" است. در سنت برهمنی مخاطب این دعا خدایی است که بخشنده زندگی است، اما سمبل آن ساویترا یا خورشید است؛ از این رو، این دعا هر روز هنگام طلوع و غروب خورشید و به سوی خورشید خوانده می‌شود و جزو نمازهای روزانه است. برهمنان می‌گویند: خواندن این دعا بر خرد و نورانیت باطن می‌افزاید.<sup>۲۱</sup>

### سahasranama

sahasranama<sup>۳</sup> به معنای "هزار نام"، نام متونی است که در بردارنده هزار نام از خداوند و ستایش آن هزار نام است. قرائت

1. Radhakrishnan, Sarvepalli, *Religion and Society*, P 135.

2. Panikkar, Raimundo, *The Vedic Experience: Mantramajjarā*. Motilal Banarsidass Publ, P 42.

3. Sahasranama.



و مطالعه این‌ها اغلب بخشی از پرستش روزانه هندوان را هم در معبد و هم در خانه تشکیل می‌دهد. معروف‌ترین ساهاسراناماها عبارتند از: ساهاسرانامای ویشنو که در مه‌بهاراته آمده است؛ هم‌چنین شیوه ساهاسراناما که خود هشت نوع مختلف دارد؛ و نیز "لالیتا ساهاسراناما" که بخشی از براهمنه پورانه‌هاست؛ و سرانجام گنشه "سهاسراناما".<sup>۱</sup>

تقریباً همه هندوها ساهاسراناماهای ویشنو و شیوه را می‌خوانند، اما لایته ساهاسراناما را بیشتر در جنوب هند می‌خوانند. از میان "نه بیان بهکتی"، یعنی نه گونه مدح و ستایش عاشقانه خداوند، که عبادت نیز شمرده می‌شود، چهار گونه آن استفاده از ساهاسراناماها است که عبارتند از: الف) شراواتا: گوش کردن به قرائت نام‌ها و ستایش‌های الهی. ب) ناما- سنکرتانا: قرائت نام خدا، چه به همراه موسیقی و چه بدون آن. ج) اسماراناک: ذکر افعال الهی و یاد دادن افعال الهی. د) ارچانا: پرستش خدا با مراسم خاص و تکرار نام خدا.

1. Swami Vimalananda. Sri Vishnu Sahasranama Stotram. With Namavali, Introduction, English. Rendering and Index. Fourth Edition. Sri Ramakrishna Tapovanam: 198.P.5.



### لکشارچنا

یکی دیگر از عبادات هندوان که بسیار شبیه نماز است "لکشارچنا"<sup>۱</sup> نام دارد. لکشارچنا یعنی "تکرار نام خداوند به تعداد یکصد هزار مرتبه". برای رسیدن به این هدف، گروهی از متدینان (مرتاضان) با یکدیگر می‌نشینند و به صورت دسته‌جمعی نام خدای مورد نظر خود را تکرار می‌کنند. گاهی این مراسم چند روز طول می‌کشد. گاهی صد بار لکشارچنا تکرار می‌شود؛ یعنی نام خدا را ده میلیون بار تکرار می‌کنند. این‌گونه مراسمات به مکان مناسب، مانند معبد و بانی خاصی نیاز دارد که در طول مدت اجرای آن میزبانی را بر عهده بگیرد. هندوان گاهی برای شمردن اذکار، از تسبیح‌های هزارتایی استفاده می‌کنند که در میان دراویش نیز کاربرد دارد.

### موضوع نماز در آیین هندو

در کتاب به‌گودگیتا آمده است که "یوگا" راه محبت و دلدادگی است. در اینجا "یوگا" به معنای لغوی آن یعنی "عمل" به کار رفته است. کریشنا (تجسد ویشنو) درباره بهکتی یوگا می‌گوید: ای ارچونه! ... کسی که به خاطر من خواسته‌ای را ترک کند، مرا بزرگ انگاشته و مرا پرستیده است. اندیشه چنین کسانی به من

۱. Laksharchana.



متصل خواهد شد. منم که به زودی آنها را از دریای مرگ و تناسخ نجات خواهم داد. فقط به من بیندیش و تمرکز کن! پس اگر چنین کنی، پس از مرگ در من ساکن خواهی شد.<sup>۱</sup>

این عبارات به‌گودگیتا هندوان را مجاز می‌کند تا هر چه به ذهنشان می‌آید که مورد پسند کریشنا باشد، انجام دهند. سرانجام نیز همین دلدادگی و پرستش عاشقانه به انحراف کشیده شد و به بت‌پرستی انجامید. عالمان هندویی این عبارت کریشنا را چنین تفسیر می‌کنند که عبادت روزانه و اندیشیدن به خداوند در هر روزی (معادل نماز روزانه)، چه در معبد باشد و چه در خانه، اهمیتی اساسی در رسیدن به موکشه دارد، زیرا "سکونت" در خدا، که کریشنا به آن اشاره کرده است، کلید رسیدن به روشن‌شدگی است.

در نماز باید بر خدایان سه‌گانه یا تجلیات آنها متمرکز شد. برخی دیگر از خدایان معروف هندوان، کریشنا، راما، کالی (دورگا و شکتی نیز نامیده می‌شود) و گنشه (خدایی با سر فیل) هستند. گاهی نیز به "هانومان" ارادت می‌ورزند که شاه میمون‌هاست و به راما کمک کرد تا زنش سیتا را که موجودات شرور دزدیده بودند، پیدا کند. هانومان، خدایی با سر میمون است.

1. B.G., Chapter 12, Verses 6-8.



### پرسش‌ها

۱. کتاب‌های مقدس آیین هندو کدامند؟
۲. خدایان سه‌گانه هندوان را نام ببرید.
۳. انواع عبادت در آیین هندو را توضیح دهید.
۴. یوگا چیست و آیا می‌تواند نماز صامت نامیده شود؟
۵. منتره را توضیح دهید.

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. درسنامه ادیان شرقی، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.
۲. هندوئیسم، ک.م. سن، ترجمه: ع. پاشایی، فکر روز، ۱۳۷۵.
۳. ادیان زنده شرقی، ویراسته: جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمان، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.
۴. بهاگوادگیتا همانگونه که هست، پرابهوپادا، آ.ج. بهاکتی و دانتا سوامی، مترجمان: فرهاد سیاهپوش، بزرگمهر گل‌بیدی و الهه فرمانی، دانش جاودان، ۱۳۸۳.





"بودا"<sup>۱</sup> شد. بودا به معنای کسی است که به "بیداری" درونی رسیده است.

در زمان بودا دغدغه اصلی فلسفه هندو، گرفتاری موجودات در چرخه هستی یا سنساره (=تناسخ) بود که به معنای زاد و مرگ‌های مکرر موجودات در درون این چرخه بی‌پایان است. پس بودا این گرفتاری را "رنج" نامید و در پی یافتن راهی به رهایی از رنج تلاش کرد. او پاسخ را در چهار حقیقت که هسته اصلی تعالیم او را تشکیل می‌دهد، توضیح داد و وصول به مرحله‌ای عرفانی به نام "نیروانه" را پایان سنساره دانست. طبق نظر بودا زندگی پاینده نیست، بی‌ذات است و رنج، ویژگی جدایی‌ناپذیر آن است. ادراک این سه ویژگی عالم هستی، آغاز راه بودایی است. ویژگی رنج‌آمیز هستی، مشروط به آز و نادانی است و تنها با خروج از سنساره می‌توان از آن دو رهایی یافت.<sup>۲</sup>

حقیقت رنج، حقیقت ریشه رنج، حقیقت پایان‌پذیری رنج و حقیقت راهی که به توقف رنج می‌انجامد، چهار حقیقت شریف آیین بودا را تشکیل می‌دهند. حقیقت راهی که به توقف رنج منتهی می‌شود، خود راهی است که هشت قسمت دارد که

1. Buddha.
2. Schumacher, 1994, P.53.



## فصل هفتم:

### آیین بودا

#### آیین بودا

آیین بودا، حدود ۲۵۰۰ سال پیش، بر اساس تعالیم شاهزاده‌ای متعلق به هند شمالی (نیپال امروزی) به نام "سیدارته گُتمه"<sup>۱</sup> شکل گرفت. سیدارته، در جوانی در جست‌وجوی حقیقت زندگی، قصر پدر را ترک گفت و به گروهی مرتاض پیوست. چند سال گذشت و گُتمه که از ریاضت با مرتاضان طرفی نبسته بود، خود به مراقبه<sup>۲</sup> نشست و سرانجام راهی به رهایی از چرخه تناسخ یافت. راه او متعادل‌تر از ریاضت شدید بود؛ لذا راه خود را "شریف" نامید. سیدارته هم‌زمان با کشف این راه، به بیداری درون، روشن‌شدگی<sup>۳</sup> و نیروانه<sup>۴</sup> رسید، و از این رو، ملقب به

1. Siddhartha Gautama.
2. meditation(jhāna).
3. enlightenment (bodhi).
4. Nibbāna.



عبارت است از: بینش درست، توجه درست، گفتار درست، رفتار درست، معاش درست، تلاش درست، یکسان‌دلی درست و تمرکز درست، که هر یک از این اصطلاحات باید مطابق با آنچه در آیین بودا تعریف شده، توضیح داده شوند.<sup>۱</sup>

آیین بودا در هند متولد شد و با وجود اینکه کَرَمَه<sup>۲</sup> (=قانون طبیعی نتیجه‌کردارها) و تناسخ را از فضای اعتقادی آن جذب کرد و پذیرفت، اما حجیت ود/ها، وجود آتمن یا روح، حجیت شعائر قربانی و نظام طبقات اجتماعی را نپذیرفت و به همین دلیل، نوعی بدعت قلمداد گردید. این آیین که از حدود قرن دوم و سوم میلادی در حال گسترش به بیرون مرزهای هند بود، از قرن هشتم در خود هند رو به افول گذاشت، ولی در بیرون از مرزهای هند، به ویژه در شرق دور رشد کرد.

امروزه، آیین بودا دو مکتب اصلی به نام‌های "هینه‌یانه"<sup>۳</sup> و "مهایانه"<sup>۴</sup> دارد که هر یک از آنها نیز به فرقه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. مکتب هینه‌یانه که نماینده اصلی آن آیین بودای

1. Anderson, 2004, p.296.
2. karma.
3. Hinayāna.
4. Mahāyāna.



"تیره‌واده"<sup>۱</sup> است، در سری لانکا، تایلند، برمه، لائوس و کامبوج جریان دارد. آیین بودای مهاییانه، خود دو نوع کلی دارد؛ یعنی مهاییانه شرق آسیا که در چین، ژاپن، ویتنام و کره جریان دارد و نوعی آیین بودای خاص‌فهم به نام "وجره‌یانه"<sup>۲</sup> در تبت، مغولستان، نپال و بخشی از نواحی چین و کشورهای آسیای مرکزی. آیین بودای تبتی در اصل از آیین بودای مهاییانه منشعب شده و اندیشه بوداسفی را پذیرفته، اما با عقاید بومی تبت درآمیخته و ماهیت ویژه‌ای پیدا کرده است. آیین بودا به هر سرزمینی که وارد شده است، با ادیان بومی، فرهنگ و آیین‌های محلی آن سرزمین درآمیخته و با برخی از آنها مانند احترام به ارواح نیاکان و یا عقیده به خدایان (دئوها) به سازگاری رسیده است. امروزه حدود ششصد میلیون نفر بودایی وجود دارد، اما تعداد کسانی که به مدی‌تیشن بودایی و یا فلسفه بودا علاقه‌مندند، بسیار بیشترند.

### آیین بودای هینه‌یانه (تیره‌واده)

به لحاظ تاریخی، آیین بودای هینه‌یانه به زمان زندگی گتمه نزدیک‌تر از مکاتب دیگر است. هینه‌یانه از آن جهت اهمیت دارد

1. Theravāda.
2. Vajrayāna.



که میراث‌دار ادبیاتی غنی از سنت شفاهی آیین بوداست. آموزه‌های این مکتب، ریشه در مفاهیم بنیادین آیین "بودای اولیه"<sup>۱</sup> دارد و از آرمان ارهتی دفاع می‌کند. "ارهت"<sup>۲</sup> کسی است که از آموزه‌های بودا پیروی کرده و خود به نیروانه رسیده است و تنها فرقی که با گتمه، بودای تاریخی دارد، در تقدم و تأخر تاریخی و زمانی است.<sup>۳</sup>

در هینه‌یانه، نیروانه و رهایی از سنساره، هدف نهایی رهروان است. "نیروانه" در اصل به معنای "خاموشی آتش آز و نادانی" است و رهرو با نیل به نیروانه، این دو آتش را خاموش کرده و از چرخهٔ زاد و مرگ رهایی پیدا می‌کند. "هینه‌یانه" در اصل عنوانی تحقیرآمیز به معنای "چرخ کوچک" است (در مقابل مهاییانه که به معنای "چرخ بزرگ" است)، که از سوی نمایندگان مکتب مهاییانه به پیروان این مکتب داده شده است تا فردگرایی و محدودیت آن را محکوم کند. هینه‌یانی‌ها خود را "تیره‌وادن" می‌خوانند؛ یعنی پیرو "مکتب پیران". مکتب هینه‌یانه از هنگام درگذشت بودا تا آخر قرن نخست پیش از میلاد در اوج بود. پیروان این مکتب مدعی‌اند که مکتبشان

1. Early Buddhism.
2. Arhat.
3. Schumacher, 1994, p.50.



تعالیم ناب و اصیلی را که بودا تعلیم داد، در بردارد. سنگ بنای آموزه‌های هینه‌یانه، محتوای سوته (= سخنان بودا، به سنسکریت: سوتره)ی کانون پالی است. کانون پالی سخنانی از بودا را به چند صورت بلند، متوسط و مختصر ذکر کرده و دستوراتی برای نظام دیرنشینی از بودا نقل می‌کند. بخش سوم کانون پالی "ابی‌دمه"<sup>۱</sup> نام دارد که در آن رهروان بعد از بودا آموزه‌های سوته‌ها را به صورت تحلیلی و نظام‌مند درآورده‌اند.

نخستین دغدغهٔ هینه‌یانه، آموزش راه رهایی است. در این راه، میزان عمل، کیفیت و کمیت تمرین (به ویژه عمل مراقبه) است که اصالت دارد و گمانه‌زنی‌های فلسفی، نه تنها اهمیتی ندارد، بلکه عاملی بازدارنده در رسیدن به رهایی شمرده می‌شود. هدف از آموزه‌های هینه‌یانه به دست دادن روش‌هایی است بر پایهٔ تحلیلی خاص از سرشت هستی و موقعیت انسان در آن، که به رهایی شخص از رنج می‌انجامد. اشتراک همهٔ مکاتب هینه‌یانه در این نکته بوده است که باید نگاهی واقع‌گرایانه به عالم هستی داشته باشیم. رنجی که باید از آن خلاص شویم، امری ذهنی نیست، بلکه واقعیتی خارجی و عینی است؛ از این رو، هر کسی باید خود تلاش کند از رنج رهایی یابد. چنین نیست که

1. Abhidamma.



دیگری بتواند بار رهایی انسان را به دوش بکشد. به همین دلیل است که عقیده به کمک و یاری موجوداتی به نام "بوداسف"<sup>۱</sup> برای رهایی انسان‌هایی که تلاش کامل نکرده‌اند، در هینه‌یانه پذیرفته نیست. منظور از رهایی در هینه‌یانه، رهایی از چرخهٔ رنج‌سرشت تناسخ است. این رهایی، مقارن با حصول به نیروانه است. نیروانه‌ای شدن، عملی شخصی و فردی است و به میزان تلاش خود انسان بستگی دارد. ترک دنیا و غلبه بر امیال و تعلقات دنیایی است که انسان را به رهایی می‌رساند؛ از این رو، انسان بدون گذراندن دورهٔ بی‌خانمانی و دیرنشینی، نمی‌تواند به نیروانه دست یابد.

ارहत، همانند خود بودای شاکیه مونی که از طریق تلاش خویش به نیروانه رسیده است، به نیروانه نایل می‌شود. هینه‌یانه در مسیر نیروانه، تنها برای تجربهٔ عینی بیداری درون، ارزش قائل است و می‌گوید این بیداری با معرفت به "نبود خود" (نه‌خود= اناتمن<sup>۲</sup>) و متعلقات آن همراه است. پس طبق آموزه‌های این مکتب، بودا شخصیتی تاریخی و زمینی است و فقط معلمی تیزبین و فرزانه بوده است که راه رهایی را بهتر از

1. Boddhisattva.
2. Anātman.



دیگران ادراک کرده و آموخته است. او موجودی متعالی و الوهی و فوق بشری نبوده که در ذات خود با تمام موجودات متفاوت باشد. اساس تعالیم نظری هینه‌یانه، چهار حقیقت شریف، وجود وابسته، اناتمن (نفی وجود روح) و قانون کرمه است. اساس تعالیم عملی آن نیز راه هشت‌گانه است که به نیروانه می‌انجامد. مهاییانی‌ها، هینه‌یانه را بخش ابتدایی و عامیانهٔ آموزه‌های بودا تلقی می‌کنند و می‌گویند بعد از این تعالیم عامیانه بود که بودا آموزهٔ برتر خویش را که مهاییانه باشد، آموخت.<sup>۱</sup>

طبق آموزه‌های هینه‌یانه، هر کسی که می‌خواهد به نیروانه برسد، ناگزیر باید بی‌خانمانی و زندگی دیری را انتخاب کند. برای غیر رهروان، نیل به نیروانه ممکن نیست. در هینه‌یانه تأکید بر نیروانه و رهایی است، ولی در مهاییانه تأکید بر توسل به بوداسف‌ها و دلسوزی به دیگران است؛ از این رو، در مهاییانه عمل اشخاص، تنها بخشی از لازمهٔ رسیدن به نیروانه است و خود نیروانه هم اهمیت ثانوی دارد. هینه‌یانه بر چیزی غیر از هدف نهایی تلاش‌های معنوی تأکید نمی‌کند. حقیقت تجربی روشن‌شدگی، ملازم است با اطفای توهم "خود" درونی و ملازمات آن. بدین ترتیب، هینه‌یانه با مهاییانه، تفاوت‌های اساسی دارند.

1. Schuhmacher, *Eastern Encyclopedia*; P. 129&30.



## آیین بودای مه‌ایانه

"مه‌ایانه" که در لغت به معنای "چرخ بزرگ" است، حدود قرن اول میلادی ماهیتی متمایز از هینه‌یانه پیدا کرد. مه‌ایانه نه تنها معتقد بود که شخص رهرو راه بودایی می‌تواند به روشن‌شدگی برسد، بلکه همهٔ موجودات قابلیت رهایی و رسیدن به نیروانه را دارند. هینه‌یانه و مه‌ایانه، هر دو ریشه در آموزه‌های شاکیه مونی بودای تاریخی داشتند، اما هینه‌یانه - همان‌طور که گفته شد - در جست‌وجوی نیروانه و رهایی فردی است، ولی پیروان مه‌ایانه در جست‌وجوی رسیدن به روشن‌شدگی جهت سودرسانی به دیگر موجوداتند. این ویژگی مه‌ایانه در آرمان بوداسفی تجلی یافته است که ویژگی بارز آن، صفت دلسوزی (کرونه<sup>۱</sup>) است. در مکتب مه‌ایانه، واژهٔ "بوداسف" به موجوداتی اشاره دارد که از راه پایان دادن به آرز، کینه و فریب به رستگاری رسیده‌اند، اما به خاطر همدردی و دلسوزی شدیدی که به رهایی‌نیافتگان دارند، فقط نیروانهٔ پویا را می‌پذیرند که حالتی از رهایی است و آنان را توانایی می‌بخشد که کارشان را در راه نیکی جهان دنبال کنند و تا هنگامی که همهٔ موجودات از رنج آزاد نشده‌اند، آنان به نیروانهٔ

1. Karuna.



کامل یا "پری‌نیروانه"<sup>۱</sup> نمی‌روند، زیرا در پری‌نیروانه، نمی‌توانند به موجودات دیگر خدمت کنند.<sup>۲</sup>

در سومین شورای رهروان بودایی در ۲۸۰ قبل از میلاد بود که نخستین انشقاق رسمی پیدا شد و جماعت اولیهٔ بودایی به دو فرقهٔ "ستاویره"<sup>۳</sup> و "مه‌اسنگیکه"<sup>۴</sup> تقسیم شدند. مه‌ایانه از مکاتب هینه‌یانه‌ای مه‌اسنگیکه و سرواستی‌واده<sup>۵</sup> به وجود آمد که مهم‌ترین جنبه‌های آموزه‌ای مه‌ایانه را در خود دارند. سرشت برتر بودا و آرمان بوداسفی و عقیده به "تهییت"<sup>۶</sup> از طریق همین مکتب مه‌اسنگیکه بود که وارد مه‌ایانه شد و بذره‌های آموزهٔ سه کالبد<sup>۷</sup> را نیز می‌توان در آموزه‌های سرواستی وادن‌ها یافت. ارزش دیرنشینی در مه‌ایانه بسیار کمتر از هینه‌یانه است و درست برخلاف آموزه‌های هینه‌یانه، در مه‌ایانه افراد غیررهرو و پیروان عادی آیین بودا نیز می‌توانند به نیروانه برسند. در این گونه تلاش، شخص می‌تواند به یاری بسیار مؤثر بوداها و

1. Parinirvana.

۲. شومان، هانس وولفگانگ، طرح تعالیم آیین بودا، ترجمه: ع. پاشایی، ص ۱۲۲.

3. Sthavira.

4. Mhāsangika.

5. Sarvāstivāda.

6. Shūnyata.

7. Trikāya.



بوداسف‌ها چشم بدوزد. در چنین رهیافتی به آیین بودا، نیروانه فقط به معنای رهایی از زندان سنساره نیست، بلکه فراتر از آن، نیروانه به معنای رهایی شخص از سرشت شخصی خود و اتحاد آن با "مطلق" است. بدین ترتیب، سرشت بودا یا اصل بودایی موجودات، که در سرشت همه موجودات وجود دارد، مهم‌تر از خود شاکیه مونی، بودای تاریخی است.

بوداسف در مه‌ایانه، معادل ارهت در هینه‌یانه، الگوی انسان کامل یا انسان نزدیک به کمال است و منظور از "روشن‌شدگی" که هدف آیین بودای مه‌ایانه است در واقع، اصطلاح سنسکریتی "بودهی" است که در لغت به معنای "بیدار شده" است. روشن‌شدگی، مقامی معنوی است که از پرجنیا (معرفت) و کرونا (دلسوزی) حاصل می‌شود. در این حالت که بالاترین حالت سمادی (یکدلی در اثر توقف وهمیات) است، جان سالک به بیداری و تنویر می‌رسد.<sup>۲</sup> روشن‌شدگی، رهرو را به تحقق این-زمانی تهیت آگاه می‌کند؛ یعنی اینکه خود درون او و حتی همه جهان تهی است. این حقیقت به تنهایی او را قادر می‌سازد تا سرشت حقیقی اشیا را درک کند. تهیتی که در اینجا تجربه

1. Bodhi.

2. Humphreys, *A Popular Dictionary of Buddhism*, P.29.



می‌شود، تهیت نیست‌انگارانه و پوچ‌گرا نیست، بلکه معرفتی غیر قابل درک با تفکر معمولی و خارج از حیطه حس و فراسوی بود و نبود است.

### آیین بودای وجره‌یانه

هم‌چنان که اشاره شد، وجره‌یانه زیرمجموعه مه‌ایانه شمرده می‌شود، اما به دلیل اهمیتی که امروزه پیدا کرده است، در عنوانی جداگانه به آن می‌پردازند. به موازات گسترش نهضتی موسوم به "تنتره" در آیین هندو، مکتبی بودایی در تبت به وجود آمد که گرچه اندیشه‌های بنیادین مه‌ایانه را پذیرفته بود، اما به سحر و جادوگری و شمنیسم بومی تبت مایل بود و به نام "وجره‌یانه"<sup>۱</sup> معروف شد. وجره‌یانه، شکلی ویژه از آموزه‌های بودایی است که تا اواسط قرن بیستم، دین غالب مردم تبت و برخی نواحی مجاور آن را تشکیل می‌داد و از آن به بعد، به برخی نواحی دوردست نیز گسترش پیدا کرد. معنای مشهور وجره‌یانه، "راه الماس" است؛ بدین معنا که این راه، همانند الماسی سخت، موانع نجات و رهایی را از پیش روی رهرو بودایی برمی‌دارد. آیین بودای تبت به دنبال رهایی از چرخه سنساره یا تناسخ از دو راه "مناسک" و "انجام مراقبه" است و

1. Vajrayāna.



کرمه‌های بد را دلیل گرفتاری بشر در چرخهٔ سنساره می‌داند. آنچه رهرو دین بودایی را به رهایی می‌رساند، خلوص و صفای باطن است. بوداییانِ وجره‌یانی، گرچه خود را پیرو بودای تاریخی، سیدارته گُتته می‌دانند، اما عقاید و مناسک آنان تفاوت‌های آشکاری با آموزه‌های اولیهٔ بودا و دیگر سنت‌های بودایی دارد. در آیین بودای اولیه، اعتقاد به خدا مطرح نیست، اما در وجره‌یانه انبوهی از خدایان، بوداها و بوداسف‌ها پرستش می‌شوند. بودای تاریخی، وجود روح و خود (آتمن) را نفی کرد، ولی وجره‌یانه به وجود روح و ارواح نیاکان اعتقاد کامل داشته و به آنان احترام می‌گذارد و در روزهای جشن پیشکش‌هایی را به ارواح نیاکان تقدیم می‌کنند. در وجره‌یانه ارزش مناسک و شعائر دینی معادل عمل مراقبه (مدی‌تیشن) است و هم‌چنین در این آیین، متن مقدس و گورو (استاد)، هر دو، اهمیت یکسانی دارند و حتی اهمیت تجربهٔ استاد بیش از تصریحات متن مقدس است و از این رو، شجره‌نامهٔ انتساب استادان به بودا اهمیت ویژه‌ای دارد. وجره‌یانه پس از اشغال تبت به دست چین کمونیست، در اواسط قرن بیستم و مهاجرت دالایی لامای چهاردهم به هند، به خوبی به غربیان معرفی و به نام "لامائیسم"<sup>۱</sup> معروف شد.

۱. Lamaism.



### کتاب مقدس بودایی

سه سبد کانون پالی یا تی پیتکه، کهن‌ترین مجموعهٔ کتاب‌های مقدس بودایی است که متعلق به سنت هینه‌یانه است. از نظر تاریخی تنها کانون پالی است که به طور کامل حفظ شده است و از متن‌های دیگر، تنها بخش‌های بسیار اندکی را می‌توان به آموزه‌های آغازین شاکیه مونی نسبت داد.<sup>۱</sup> این سخن اگرچه طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد و شواهد تاریخی آن را اثبات می‌کند، ولی پیروان مکتب‌های مهاییانی آن را نمی‌پذیرند و سوتره‌های متأخر خود، مانند متون پرجنیاپارمیتا و سوترهٔ گل نیلوفر را، که حداقل تا ششصد سال پس از درگذشت بودا از آنها خبری نبود<sup>۲</sup>، به خود بودا نسبت می‌دهند. به این ترتیب، از نظر تاریخی، ادبیات آیین بودای آغازین را تنها در متن‌های پالی و در ترجمه‌های چینی متون هینه‌یانه و نیز به طور پراکنده به سنسکریت می‌توان پیدا کرد. این مجموعه را محققان غربی "کانون پالی" نیز می‌نامند. هر سه سبد کانون پالی شامل کتاب‌هایی است که به اعتبار عنوانشان به یکدیگر وابسته‌اند. نخستین سبد، وینیه پیتکه<sup>۳</sup> نام دارد که شامل قوانین انضباط

۱. شومان، طرح تعالیم آیین بودا، ص ۳۴.

۲. سوزوکی، راه بودا، ترجمهٔ: ع. پاشایی، ص ۴۰.

۳. Vinaya- pitaka.



رهروان است. دومین سبد، سوته پیتکه است که گفتارهای بودا و رهروانش را در بر دارد. این سبد خود به پنج مجموعه (نیکایه) تقسیم می‌شود: "دیگه نیکایه"<sup>۱</sup> مجموعه گفتارهای بلند (طولانی)، "مجمه نیکایه"<sup>۲</sup> مجموعه گفتارهای متوسط، "سم‌یوتَه نیکایه"<sup>۳</sup> مجموعه گفتارهایی که بر طبق موضوع دسته‌بندی شده‌اند و "انگوتره نیکایه"<sup>۴</sup>، مجموعه گفتارهایی که به نظم تدریجی و شماره موضوعات بررسی شده‌اند و سرانجام، "کودکه نیکایه"<sup>۵</sup>، مجموعه متن‌های کوچک. سومین سبد، *ابی‌درمه پیتکه* (پالی: ابی‌ذمه پیتکه) است که آموزه‌های بودایی را به صورتی منظم و به زبانی فلسفی بازگو می‌کند.<sup>۶</sup>

### عبادت بودایی‌ها

در هر خانه بودایی معبد کوچکی وجود دارد، که در آن پیکره بودا یا یکی از بوداسفان را گذاشته‌اند. در خانه بوداییان مهاییانی الواح یادبود درگذشتگان آن خانواده را نیز می‌توان یافت. هر روز

1. Dīgha-nikāya.
2. Majjhima- nikāya.
3. Samyutta- nikāya.
4. Anguttara- nikāya.
5. Khudaka- nikāya.

۶. شومان، طرح تعالیم آیین بودا، ص ۳۵-۳۷.



گل و بخور و چای و شیرینی به این معبد هدیه می‌کنند و در خانه پرهیزکاران هر بام و شام سوتره کوتاهی را به قصد ثواب (تحصیل کرمه نیک) می‌خوانند.

مهاییانی‌ها علاوه بر آن که این اعمال دینی را روزانه در معبد خانوادگی به جای می‌آورند، بارها به زیارت معابد نیز می‌روند. مناسبت‌های خاصی وجود دارد که بوداییان مؤمن حتماً در آنها شرکت می‌کنند. مؤمنان فرقه "تین دائی" در ژاپن به زیارت معبد "انریاکوجی" در کوهی نزدیک کیوتو می‌روند. پیروان مکتب "شین‌گون" به معبد "کویاسان" می‌روند و یا از ۸۸ معبد "کوبودایشی" در شیکوکو دیدن می‌کنند. زائران بودایی اغلب لباس مخصوصی می‌پوشند که نیم‌تنه‌ای بی‌آستین است و کلاه حصیری بزرگی هم به سر می‌گذارند که روی آنها کلمات مقدسی نوشته‌اند. تسبیحی دارند که به خلاف وقت‌های دیگر که به مچ دست می‌اندازند، آن را به گردن می‌آویزند. زنگ و چوبدستی بلندی هم دارند.

بسیاری از بوداییان که رهرو نیستند، سوتره‌ها را برای خواندن و زمزمه کردن می‌آموزند. سوتره‌خوانی روزانه به طریقی جانشین نماز آنان شده است. مهم‌ترین سوتره‌ای که هر بودایی ماهاییانی می‌خواند، سوتره *گل نیلوفر* است. سوتره-نویسی نیز کاری مؤمنانه است. پیش‌تر که هنوز صنعت چاپ





اختراع نشده بود، استنساخ تنها روش حفظ و رواج متن‌های مقدس بود. بعداً، این کار معنای دیگری پیدا کرد؛ یعنی کمکی به تمرکز بود و اجر معنوی حاصل از این کار مؤمنانه به روان موجودات پیشکش می‌شد.

### عبادات روزانه

عبادات روزانه در اینجا شاید بتواند معادل نماز قلمداد شود. منظور از نماز بودایی، گونه‌ای از عبادات است که همهٔ انجمن‌های چهارگانهٔ بوداییان و تقریباً همهٔ فرقه‌های بودایی در آیین بودا آن را اجرا می‌کنند. این عبادت گاهی یک بار و گاهی چند بار در روز اجرا می‌گردد و صور گوناگونی در میان فرقه‌های تروهاده، مه‌ایانه و وجره‌یانه دارد.

بخش‌های اصلی این نماز شامل خواندن سوتره یا بخش‌هایی از یک سوتره، تکرار منتره (به ویژه در وجره‌یانه) و قرائت تعدادی گاتا می‌شود. این نماز بسته به نوع کاری که شخص می‌خواهد عهده‌دار شود، در معبد یا در خانه برگزار می‌شود. نماز شخص بودایی معمولاً در مقابل یک یا چند شیء مقدس برگزار می‌شود و با پیشکش کردن چراغ، بخور و غذا همراه است. نماز صبح و مغرب در سنت آیین بودای چینی، در مکاتب چن و پاک بوم، شامل ذکر منتره‌ها، ذکر نام بودا و تمرینات بدنی و ذهنی،



مانند: تعظیم کردن، مدی‌تیشن در حال راه رفتن و عهد بستن است. نشستن به حالت مدی‌تیشن گاهی پیش از نماز و گاهی پس از نماز انجام می‌شود.

### گونگیو

در ژاپن، "گونگیو"<sup>۱</sup> یا نماز را گاهی "او-تسوتومه"<sup>۲</sup> یا "شوجین"<sup>۳</sup> می‌نامند. این سه اصطلاح ژاپنی برای نماز، کلی هستند و به مکتب و فرقهٔ خاصی اختصاص ندارند. کلمهٔ "گونگیو" ریشهٔ چینی باستانی دارد، ولی امروزه اغلب در آیین بودای ژاپن استفاده می‌شود. در واقع، نخستین بار این کلمه در کتاب کلاسیک مکتب تائو یعنی کتاب *زوانگ زی* آمده است. معنای اصلی آن "تمرین بسیار سخت و مکرر" است. *زوانگ زی* فیلسوف، این کلمه را از کتابی قدیمی‌تر یعنی *دائو در جینگ*، کتاب معروف *لائوتزه*، گرفته و اصلاح کرده است. در آن کتاب، این اصطلاح به معنای تلاش کردن و تمرین کردن است. بعداً به ویژه در سلسله‌های سوی<sup>۴</sup> و تانگ<sup>۵</sup>، فلسفهٔ آیین بودا به

1. Gongyō.
2. O-tsutome.
3. Shōjin.
4. Sui.
5. Tang.



صورت هیجان‌آوری در چین مرکزی رشد کرد و از تفکرات دائوی تأثیر پذیرفت. فیلسوفان بودایی چینی این کلمه را از متون دائویی عاریه گرفتند و بدین گونه در کره، ژاپن و ویتنام همراه با آیین بودا گسترش یافت. در اینجا چند نمونه از گونگیوهای فرقه‌های مختلف بودایی را ذکر می‌کنیم.

### پاک بوم

محور اصلی گونگیو یا نماز روزانه در مکتب‌های پاک بوم، تکرار نام "آمیدا بودا"ست که به آن "نم بوتسو" می‌گویند، اما در عبادت روزانه، تمرین گر پاک بومی گلچینی از سوتره بزرگ "زندگی بیکران" را می‌خواند و در برخی از معابد نیز ممکن است یک بار در روز همه سوتره کوچک "زندگی بیکران" قرائت شود. در معابد بزرگ پاک بوم<sup>۱</sup>، آیین‌های روزانه را راهبان یا خادمان معبد انجام می‌دهند و مردم غیرروحانی می‌توانند به طور داوطلبانه حاضر شوند و در قرائت با آنها همراهی کنند. زمان برگزاری این آیین‌ها به فرقه و معبدی بستگی دارد که در آن حاضر می‌شوند.

۱. «پاک بوم» نام فرقه‌ای بودایی است که «آمیدابودا» یکی از بوداسف‌های معروف را می‌پرستند.



### جودو شینشو و جودوشو

در آیین بودای جودو شینشو، تمرین‌کنندگان غیرروحانی ادعیه‌ای را که به نام "شوشینگ" را قرائت می‌کنند، که به خودی خود سوتره به حساب نمی‌آید، اما عقاید این فرقه را در خود دارد. در سرودی کوتاه‌تر، دوازده ستایش آمیدا را نیز می‌توانند بخوانند. در جودوشو، ذکر "نم بوتسو" اغلب به صورت ویژه‌ای خوانده می‌شود؛ در نوعی از آن، ذکر نم بوتسو هشت مرتبه و یک نفس خوانده می‌شود و ده بار قرائت کامل می‌گردد. در نوع دیگر آن، نام آمیدا را سه مرتبه به صورتی طولانی و کشیده می‌خوانند و پس از آن، نمازگزار به درگاه آمیدا تعظیم می‌کند. این روند در هر نُه بار قرائت، دو بار تکرار می‌شود.

### شینگون

گونگیو در آیین بودای شینگون، در میان فرقه‌هایی که از آن منشعب شده‌اند تفاوت می‌کند، اما بیشتر آنها در نمازهای روزانه، سوتره‌ای به نام "سوتره دل" را قرائت می‌کنند. انجام گونگیو برای بوداییان غیرروحانی مکتب شینگون مهم است، زیرا این تمرین بر انجام مدی‌تیشن و تمرکز بر تن، سخن و ذهن بودا تأکید می‌کند.



### نیچیرن

در مکتب نیچیرن شکلی از گونگیو اجرا می‌شود که شامل قرائت بخش‌های خاصی از سوتره نیلوفر و ذکر "دایموکو"ست. همان‌گونه که گفته شد، شکل گونگیو در هر فرقه‌ای متفاوت است. گاهی این تنوعات منشأ برخی منازعات فرقه‌ای شده است و همانند فرقه‌های مسیحی هر کدام اهل نجات بودن دیگری را انکار می‌کنند و در اهمیت برخی بخش‌های تمرینات دینی عبادتشان با یکدیگر دعوا دارند.

### نیچیرن دایشونین

دستورالعمل نماز در این فرقه چنین است: در مقابل گونزون می‌نشیند، چنان‌که دید کامل به آن داشته باشی، کسی زنگ را به صدا درمی‌آورد و دایموکو را کشیده زمزمه می‌کند و به دنبال آن سه مرتبه می‌گوید: "نام- میوهو- رنکه- کیو". سپس گونگیو آغاز می‌شود. توصیه می‌کنیم ریتم قرائت تو پرطنین و نیرومند مانند چهارنعل تاختن اسب باشد... اگر صبح باشد، شخص باید دایموکو را سه بار بیشتر بخواند. و سپس نخستین نماز سکوت را آغاز کند. این نماز به احترام نیروهای حامی زندگی (به نام شوتن زنجین) است. سپس زنگ را به صدا درمی‌آورند و فصل "ابزار نیک" [از سوتره نیلوفر] خوانده



می‌شود. نکته قابل ذکر دیگر این است که اگر کسی دارد با گروه هم‌خوانی می‌کند، فقط پیش‌نماز می‌تواند عنوان فصل را بلند بخواند. سپس بار دیگر کسی زنگ را به صدا درمی‌آورد و این بار فصل "گردش زندگی" از سوتره نیلوفر قرائت می‌شود. در خاتمه کسی زنگ را به صدا درمی‌آورد.

هیچ حکمی برای اینکه شخص چه مدت باید دایموکو را در طول گونگیو بخواند، وجود ندارد. برخی فقط چند دقیقه می‌خوانند و برخی یک ساعت یا حتی بیشتر. سطح رضایت در این باره به افراد بستگی دارد. وقتی شخص احساس می‌کند دایموکوی کافی خوانده است، زنگ را به صدا درمی‌آورد و سه بار دیگر آن را تکرار می‌کند. سپس دومین نماز را به جا می‌آورد که در احترام به گونزون است. سومین نماز برای رسیدن به مقام معنوی و چهارمین نماز، نمازی شخصی و برای درگذشتگان است (و نواختن زنگ ادامه دارد). سرانجام در پایان نماز برای صلح و سعادت همه در سراسر جهان دعا می‌کنند. در پایان هر نماز صامت، سه بار دایموکو را می‌خوانند. در آیین بودای نیچیرن دایشونین، گونگیو به معنای خواندن فصل دوم و شانزدهم از سوتره نیلوفر در مقابل معبد یا بت بوداست. این عبادت با ذکر خاصی همراه است و هر صبح و شام اجرا می‌شود.



### نیچیرن شو

نیچیرن شو انواع گوناگونی از گونگیو را دارد که شخص می‌تواند برگزار کند.<sup>۱</sup> دستورالعمل یکی از انواع نمازهایی که خانوادگی برگزار می‌شود، چنین است: احضار و دعوت بودا، پناه به درمه و سنگهه، کیاکیو-گه یا کانون آغازین، قرائت فصل دوم و شانزدهم از سوتره نیلوفر، زمزمه "اودایکونامو میوهو رنگه کیو"، قرائت آخرین بخش از فصل یازده سوتره نیلوفر و چند سوگند یا عهد بزرگ.

### آیین‌های به یاد داشتن مردگان

نماز برای مردگان جای مهمی در آیین بودایی مه‌ایانه دارد. البته نماز به معنای کلی آن منظور است؛ یعنی خواندن دعا به همراه زانوزدن، سجده، تعظیم و مانند آن. در همه فرقه‌های بودایی از این نمازها هست و یکی از وظایف مهم همه راهبان معابد، انجام چنین آدابی است. این‌گونه نمازها را که "هوجی" می‌نامند، برای مردان مهمی چون امپراتور، یا بنیانگذار مقدس فرقه‌ای خاص، یا بانی معبدی و یا آموزگار نام‌آوری به جا می‌آورند. نمازهای ساده‌تری نیز برای نیاکان یا تازه‌درگذشتگان از خانواده و فامیل وجود دارد که در خانه برگزار می‌شود. این

۱. Ryusho Jeffus, Nichiren-Shu Service p.10-20.



آداب را با سوتره‌خوانی و پیشکش غذا و بخور در برابر الواح یادبود به جا می‌آورند. در ژاپن به جای زادروز، سالگرد مرگ عزیزان را گرامی می‌دارند، و اگر در سالگرد مرگ کسی، با نوعی نماز از او یاد نکنند او را به راستی مرده‌ای از یادرفته می‌پندارند. در سال‌روز مرگ بودا (بیست‌وششم بهمن)، همه جا نماز می‌گزارند. در ژاپن می‌گویند: "مرده هرگز نمرده است". این حرمت نهادن به مردگان خرافات شمرده نمی‌شود، بلکه بخش حیاتی آیین بودای ژاپنی است. غربیان این دعا برای مردگان را نمی‌فهمند، اما این مراسم دعاخوانی در آیین بودای مه‌ایانه تجلی ایمان دینی است.<sup>۱</sup>

### دیانه بودایی

اصل اعمال دینی شخص بودایی، سوتره‌خوانی، سوتره‌نویسی، تکرار برخی اوراد مقدس، مثل "نم بوتسو" یعنی تکرار نام "آمیدابودا" و زیارت معابد است. عمل مهم دیگر، دیانه یا مدی‌تیشن و سیر در عوالم درونی است. فرقه‌هایی چون نیچی‌رن چندان بر دیانه تأکید نمی‌کنند، بلکه بر قرائت سوتره مقدس نیلوفر تأکید دارند و می‌گویند: دل را به تمامی وقف ستایش "نیلوفر" کنید؛ یعنی هم خودتان آن را باز گوید و هم

۱. سوزوکی، راه بودا، ص ۱۱۳.



دیگران را بدان برانگیزید. از این رو، برخی فرقه‌ها مانند تن دائی، شینگون و ذن به دیانۀ روزانه علاقه دارند و بقیۀ فرقه‌ها بر قرابت روزانۀ سوترۀ نیلوفر می‌پردازند.

آن چیزی را که در دیانه (یعنی مدی‌تیشن) به آن فکر می‌کنند، "موضوع دیانه" می‌نامند. موضوعات دیانه در فرقه تن دائی فراوان است و بیش‌تر هم عقلی و وابسته به آیین است؛ مثل دیانۀ حقیقت سه‌گانه تهیت، نپایندگی، راه میانه و همدردی. دیانه در شینگون جنبه‌های بسیاری دارد که بیشتر به تعلیم خاص فهم یا باطنی تعلق دارد؛ از این رو، شاگرد باید آن را از آموزگار فرا گیرد نه از کتاب؛ البته جوهر آنها را باید در نیوگانیو کان یافت: "بودا به درون من می‌آید و من به درون بودا می‌روم" یا "من با بودا یگانه‌ام".

دیانه‌ای به نام "گاچیرین-کان"، یا دیانۀ "ماه" وجود دارد که در آن، در حدود یک متر دورتر از دیانه‌گر (یعنی آنکه به دیانه می‌نشیند)، تصویری از ماه تمام می‌گذارند. او روبه‌روی آن نشسته، آن را گوی بلورین یا آینه می‌پندارد و می‌اندیشد که دلش به ماه می‌ماند، که شوق "بودا شدن" دارد. او در خیالش آن را بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌سازد تا همه جهان را فرا گیرد؛ دل (اینجا) با جهان یکی می‌شود. وقتی که چنین حالتی به دست آمد، دیانه‌گر به این می‌پردازد که ماه را آهسته آهسته کوچک



کند، تا به اندازه اولیه‌اش درآید؛ آن وقت تمامی جهان در دل اوست. دیانۀ "آجی کان" به همان ترتیب با تصویری از حرف "آ" ی سنسکریت انجام می‌گیرد. این دیانه به دیانۀ ماه می‌ماند، اما از آن پیچیده‌تر است.

در دیانۀ مکتب شینگون، موضوع دیانه متفاوت است. در این مکتب به دیانه‌گر می‌آموزند که در پنج سوگند تفکر کنند. اینک آن پنج سوگند:

۱. سوگند یاد می‌کنم که همه موجودات را رستگار کنم.
۲. سوگند یاد می‌کنم که فراشناخت و مهر را به هم نزدیک گردانم.
۳. سوگند یاد می‌کنم که همه درمه‌ها را بیاموزم.
۴. سوگند یاد می‌کنم که خدمتگزار بودایان باشم.
۵. سوگند یاد می‌کنم که به برترین روشن شدگی برسیم و در این سوگندها تفکر کنم.

دیانه‌های شینگون به راستی مهیانی است، زیرا در مهیانه به هم‌دردی و آرزوی یاری دادن به دیگران بسیار تأکید می‌شود. شینگون تمرینات تنفس، منتره‌ها و مودره‌ها را نیز به کار می‌گیرد. تصور تن (مودره)، گفتار (منتره) و دل (دیانه)، اصل اساسی نظری و عملی مکتب شینگون است.

در ذن بسیار بر دیانه تأکید می‌شود، اما دیانۀ ذن از شکل‌های واقعی شینگون یا موضوعات عقلی تن‌دائی بسیار متفاوت است.



ذن کوششی است در بیرون کشیدن حقیقت از ندانستگی؛ یعنی شناخت شهودی حقیقت است. هدف دیانه ذن رسیدن به وحدت با برترین واقعیت هستی است. ذن، خلسه خواب‌گونه، خلا در جان و استدلال عقلی را رد می‌کند.<sup>۱</sup>

اغلب استادان به تمرین‌کنندگان ذن سؤالی مناسب می‌دهند تا درباره آن به تفکر بپردازد و یا درباره آن با استاد به گفت‌وگو بنشیند؛ مثلاً درباره "هیچی" آن قدر فکر می‌کنند تا به روشن‌شدگی برسند.

در فرقه‌های سودو و شین، و نیز در نیچی‌رن، بر دیانه تأکید نمی‌کنند. در واقع، نیازی به دیانه نمی‌بینند و آیین خود را با شرکت در مراسم معبد، به جا آوردن نمازهای بامدادی و شامگاهی در مقابل معبد فردی یا خانوادگی، گوش دادن به موعظه‌ها و خواندن کتاب‌های وابسته به آن فرقه‌ها به جای می‌آورند. در فرقه جوڈو بر تکرار ذکر "نیم‌بوتسو" تأکید فراوان می‌شود. تعلیم استاد این فرقه این بود که هر چند بار که می‌شود، باید ذکر نیم‌بوتسو گرفت. زنگی هم روی زمین هست که هر گاه کلام مقدس را تکرار می‌کند، آن را به صدا درمی‌آورند. برخی فرقه‌ها رسم شکرگزاری خاصی را برپا

۱. همان، ص ۱۱۵.



می‌دارند که به "هوئونکو" معروف است و یک هفته طول می‌کشد. در این ایام مؤمنان در معابد جمع می‌شوند و مراسم خاصی با تکرار اوراد و اذکار برگزار می‌کنند، و نیز آدابی در خانه در برابر معابد خانگی به جا می‌آورند.

### نماز مونلام

"مونلام" که به "مراسم نماز بزرگ" نیز معروف است، از چهارم تا یازدهم نخستین ماه تبتی برگزار می‌شود. ستونگ کپه، بنیانگذار فرقه "گلوک" این مراسم را در سال ۱۴۰۹ در تبت تأسیس کرد. سالانه هزاران راهب از هر سه دیر مهم "درپونگ"، "سیرا" و "گاندن" در شهر بودگیا در شمال هند، که محل اشراق بوداست، جمع می‌شوند و شروع به خواندن نمازها و اجرای مناسک دینی می‌کنند. در سایت "دیر کویان" آمده است: هدف اصلی این نماز بزرگ، دعا برای طول زندگی همه گوروهای مقدس از همه سنت‌ها، برقراری و توسعه "درمه" (یعنی تعلیم بودا) در جان همه موجودات زنده و برقراری صلح جهانی است. نماز جمعی که با قدرت ایمان و صمیمیت اجرا می‌شود، به نیت شکست موانع صلح و ایجاد شرایط مساعد زندگی است.<sup>۱</sup>

نماز مونلام به این صورت است که شخص نمازگزار

۱. <http://www.kopan-monastery.com>.



زیراندازی را پهن می‌کند و ابتدا رو به معبد بودگیا تمام‌قد می‌ایستد. سپس دست‌ها را در برابر سینه به هم جفت می‌کند و بالا می‌برد و هنگامی که دست‌ها را پایین می‌آورد، به طور کامل روی زمین می‌خوابد، در حالی که پیشانی او رو به معبد بر زمین است. این سجده کامل در تبت رواج دارد. نمازگزار برای اینکه بتواند حدود ده هزار مرتبه این نماز مشکل را انجام دهد، مجبور است چند روزی را در آنجا اقامت کند. در طول این مراسم یک‌هفته‌ای، امتحانات مربوط به بالاترین درجه "گِشِه" که درجه استادی در فلسفه بوداست، برگزار می‌شود. راهبان رقص سنتی (چَم) را اجرا می‌کنند و کیک‌های خاصی به نام "تورما" پخته می‌شود. در پانزدهمین روز از مراسم موناام، مراسم چراغ کره است که در طول آن دلایلی لاما به معبد جوکانگ می‌آید و بزرگ‌ترین مراسم بودایی را اجرا می‌کند.



### پرسش‌ها

۱. درباره مکاتب اصلی آیین بودا توضیح دهید.
۲. کتاب‌های مقدس آیین بودا را ذکر کنید.
۳. دیانه بودایی چیست؟
۴. نماز بودایی به چه صورت برگزار می‌شود؟

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. تاریخ آیین بودا (هینه‌یانه)، ع. پاشایی، مؤسسه نگاه معاصر. ۱۳۸۰
۲. طرح تعالیم آیین بودا، هانس وولفگانگ شومان، ترجمه: ع. پاشایی، فیروزه، ۱۳۷۵.
۳. راه بودا، بیتریس ل. سوزوکی، ترجمه: ع. پاشایی، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.



## فصل هشتم: آیین جینه

### آیین جینه

امروزه حدود سه میلیون نفر در هند، که بیشتر آنها در نواحی غربی و شمال غرب، مثل گجرات و راجستان و نواحی مرکزی و جنوبی هند ساکنند، خود را "جینه" می‌نامند. از این میان بیشتر آنان در گجرات زندگی می‌کنند و بقیه آنان در دیگر نقاط هند پراکنده‌اند. جالب توجه است که در مناطق بنگال و بیهار و دیگر نقاط شمالی هند که خاستگاه اصلی دین جینه بوده، شمار پیروان این آیین بسیار اندک است.

آیین جینه (در لغت به معنای "پیروز")، بر اساس تعالیم زاهدی آواره به نام "وردمانه" که بین سال‌های ۵۹۹ تا ۵۲۸ قبل از میلاد در هند می‌زیست، پدید آمد. جینه‌ها این زاهد تارک دنیا را "مهاویرا"<sup>۱</sup> یعنی "قهرمان بزرگ"<sup>۲</sup> نامیدند و گفتند که او بیست و

۱. Maha-vira.

۲. قهرمان ریاضت کشیدن و گذشتن از بیابان رنج و آلودگی دنیا.



چهارمین "تیرتهنکره"<sup>۱</sup> یا پیشوای معنوی است که به دنیا آمد تا انسان‌ها را هدایت کند. مهاویرا در خانواده طبقة کشتریه (جنگاوران) به دنیا آمد. در سی سالگی ترک خانمان کرد و پس از ریاضت‌های طولانی به حقیقت دست یافت. مدت‌ها به تعلیم شاگردان پرداخت و ده سال آخر عمر خود را به علامت ترک کامل تعلقات دنیایی، لخت و عریان می‌گشت. روایات جینی نقل می‌کند که او تا زمان وفات چند صد هزار پیرو جمع کرده بود.<sup>۲</sup>

### آموزه‌های اساسی

آیین جینه نجات را در دو چیز می‌داند؛ یکی ریاضت شدید و دیگری رعایت اصل "اهیمسا" یا پرهیز از کشتن و آزار جانداران. در این آیین، کندن زمین برای کشاورزی که ممکن است موجب کشته شدن حشرات و کرم‌های درون زمین شود، حرام است و استفاده از محصولات زیر زمین، مانند: چغندر، هویج، شلغم و سیب‌زمینی که کندن زمین را همراه دارد، جایز نیست. راهبان این آیین معمولاً پارچه‌ای بر دهان می‌بندند، که مبدا حیوان ریزی ناخواسته وارد دهانشان شود و نابود گردد.

۱. «تیر تهنکره» در لغت به معنای کسی است که راه را برای دیگران هموار می‌سازد، یا «گذرساز».

۲. هینلز، جان، ادیان زنده شرق، ص ۲۳۸.





آنان آب را قبل از نوشیدن صاف می‌کنند که مبادا کرمی وارد دهان شود و جان بدهد. همچنین جاروبی از پر طاووس در دست می‌گیرند و حشرات ریز را از مسیر خود دور می‌کنند. خودکشی از طریق ترک طعام و شراب، فضیلتی بسیار بزرگ به شمار می‌آید و خود مه‌اویرا نیز به این شیوه در گذشته است.<sup>۱</sup>

آیین جینه می‌آموزد که انسان به وسیله قواعد خشک راهبانه می‌تواند محدودیت‌های وجود مادی را فتح کرده و به بی‌مرگی نایل شود. طبق تعالیم جینه کل موجودات دو دسته‌اند: جیوه، یعنی آنچه ذی‌شعور است و اجیوه، یعنی آنچه غیر ذی‌شعور است. هر موجود جاندار متشکل از جیوه (= تقریباً معادل روح) و اجیوه است. مصاحبت روح با این عنصر مادی یا اجیوه مانع می‌شود که جیوه سرشت حقیقی خود را که جاودان و عالم بر همه چیز است، دریابد. ریاضت شدید باعث می‌شود جیوه از این بخش مادی رها شود. جینه‌ها، تیرته‌نکره‌ها یعنی "معلم‌ان معنوی" تاریخ خود و همه رهایی‌یافتگان از بند اجیوه را خدا می‌پندارند و آشکارا این شخصیت‌ها را می‌پرستند.<sup>۲</sup>

۱. این رسم هم‌اکنون نیز وجود دارد و برخی از مرتاضان جینی به اتاقی رفته و روزه خود را آن‌قدر ادامه می‌دهند تا از گرسنگی بمیرند و این را فضیلت می‌دانند.

۲. همان.



### فرقه‌های اصلی

جینه‌ها فرقه‌های بسیاری دارند که در دو دسته کلی "شوتامبره" و "دیگمبره" می‌گنجد. وجه نام‌گذاری شوتامبره‌ها یا "سفیدپوشان" این است که معتقدند راهبان دست‌کم باید یک لباس سفید ساده بپوشند، اما دیگمبره‌ها یا "آسمان‌جامگان" معتقدند راهبان (مرد)، درست باید مانند مه‌اویرا که در پایان عمر خود عریان می‌گشت، بدون لباس بگردند. از این رو، راهبان مذکر این فرقه در تمام حالات خود، حتی در انظار عمومی عریان می‌گردند. شایسته ذکر است که پیروان معمولی این دین، زندگی کاملاً عادی و بدون ریاضت دارند و اکثراً در شغل‌های صراف‌ی، بانکداری و مانند آن هستند و از این رو، افرادی ثروتمند و دارای زندگی مرفه هستند.

### کتاب‌های مقدس

در اسلام، یهودیت و مسیحیت کتاب مقدس کاملاً واضح و مشخص است، اما در دینی مانند جینه انبوهی از نوشته‌های باستانی وجود دارد که هر فرقه و یا حتی هر عالم جینی، بخشی از آن را برای خود انتخاب کرده و مقدس می‌پندارد. حدود شصت متن از انبوه متون جینی را مقدس دانسته‌اند. این شصت متن به سه قسمت کلی تقسیم شده است: پوروه‌ها، آنکه‌ها و



انگه باهیها. چنین نیست که هر فرقه‌ای برخی از این متون را برای خود مقدس بدانند، بلکه همه متون دارای قداست بوده و جزو منابع معرفتی پیروان هستند. البته از میان این سه گروه، *انگه‌ها* به دلیل داشتن معارف دینی بیشتر و نشان دادن راه زندگی برای جینه‌ها، به ویژه آسمان‌جامگان از اهمیت بیشتری برخوردار است. البته شومبره‌ها مجموعه‌ای از منابع را به سلیقه خود از این سه گروه اصلی جمع‌آوری کرده و آن را *آگمه* نامیدند که برای آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

#### نماز در آیین جینه

نماز اصلی جینه‌ها "نَمَسْکار" یا "نَمَسْکار منتره" نامیده می‌شود. جالب است که این واژه با واژه "نماز" در زبان فارسی هم‌ریشه است. نَمَسْکار یعنی (انجام) کار نماز. هدف از این نماز، همانند دیگر نمازهای جینه‌ها خواستن چیزی از خداوند نیست، بلکه کمک کردن به خود نمازگزار است تا به بی‌تعلقی به دنیا و رفتار درست دست یابد. این نماز با این عبارات شروع می‌شود:

تعظیم می‌کنم به کسانی که در جسم خود به دانش لایتناهی دست یافتند و راه زندگی ابدی را به دیگران آزادانه آموختند. تعظیم می‌کنم به کسانی که به دانش کامل رسیدند و تعظیم می‌کنم به کسانی که سرشت حقیقی روح را ادراک کردند و



ترجیح معنویت بر دنیا را به دیگران آموختند. این نماز نخستین چیزی است که به کودکان می‌آموزند و نخستین چیزی است که به هنگام بیدار شدن از خواب می‌خوانند و آخرین سخن قبل از بیداری است که به هنگام رفتن به رخت‌خواب خوانده می‌شود. علاوه بر این، جینه‌ها تعدادی سوتره و متون مقدس دارند که برای آمرزش گناهان قرائت می‌کنند. جینه‌ها بت‌های مختلفی از ۲۴ تیر تهنکره دارند که هم در معبد و هم در نمازخانه خانگی خود، آنها را عبادت می‌کنند؛ به این صورت که ابتدا در مقابل بت قرار گرفته و به آن تعظیم می‌کنند. سپس چراغی را در برابر بت روشن کرده و به بت نزدیک می‌شوند. با گفتن "ناموجینانام" (من به جینه تعظیم می‌کنم)، بار دیگر به بت تعظیم می‌کنند و سه بار می‌گویند: "نیسی هیسی"، تا افکار و تعلقات دنیایی از آنها دور شوند. برخی جینه‌ها به پرستش بت‌های مهاویرا و دیگر تیرتهنکره‌ها اعتقاد ندارند؛ بنابراین به مدی‌تیشن و نماز صامت می‌پردازند. پوجای جینه‌ها چنین است که ابتدا صورت بت را به طور آیینی شست‌وشو می‌دهند، سپس با آب آن پیشانی خود را لمس می‌کنند.

از آنجا که جینه‌ها به خدای خالق اعتقاد ندارند، لذا هدفشان عبادت خدا نیست، بلکه احترام به انسان‌های بزرگی است که به



عقیده جینه‌ها خودشان به مقام خدایی رسیده‌اند. مؤمن جینی که نزدیک معبد زندگی می‌کند، معمولاً بت یا تصویری از یک تیر تهنکره را عبادت می‌کند، هر روز پیش از رفتن به محل کار به معبد می‌رود و در آنجا بت را زیارت کرده و سپس به سراغ کار می‌رود. با دو تکه لباس بت تیرتهنکره را مانند یک راهب پوشانده و صورت او را تطهیر می‌کند، در برابر آن تعظیم کرده و منتره مخصوص را می‌خواند، سه بار دور بت طواف می‌کند، بت را با آب و شیر و زعفران شست‌وشو می‌دهد و سرانجام به همه تیر تهنکره‌ها، مرتاضان و زاهدان درود و تحیت می‌فرستد. معمولاً پیشکش به بت‌ها چنین است: آب، خمیر چوب‌صندل و زعفران (جهت مالیدن به بت)، گل، بخور، چراغ، برنج، شیرینی و میوه. هر دو فرقه جینه‌ها ملزمنند تا روزانه بخشی از کتاب مقدس خود را قرائت کرده، مدتی مدی‌تیشن کنند، مدتی ساکت در گوشه‌ای بنشینند و تفکر نمایند، به تارکان دنیا کمک کنند و به درگاه تیر تهنکره‌های بیست‌وچهارگانه نماز بگذارند.<sup>۱</sup>

1. Schlager, *World Religions*, P.338.



### پرسش‌ها

۱. مؤسس آیین جینه چه کسی بود؟
۲. فرقه‌های اصلی آیین جینه را نام ببرید.
۳. اصل اهیمسا را توضیح دهید.
۴. نماز در آیین جینه را توصیف کنید.

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. *ادیان زنده شرق*، ویراسته جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمان، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.
۲. *درسنامه ادیان شرقی*، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، کتاب طه، ۱۳۸۶.
۳. *تاریخ جامع ادیان*، جان بای ناس، ترجمه: علی اصغر حکمت، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.



## فصل نهم: آیین سیک

### آیین سیک

آیین سیک بر اساس تعالیم فردی هندی به نام "نانک" تأسیس شد. نانک ادعا نکرد که قصد تأسیس دین جدیدی دارد، اما جانشینان بعدی او سرانجام چنین کاری کردند. در زبان پنجابی "سیک" به معنای "شاگرد" و "گورو" به معنای "استاد" است. سیک‌ها خدا را "گورو بزرگ" و نانک و نه جانشین او را گوروهای پس از خدا و هم‌پایه پیامبران در ادیان الهی می‌دانند. هم‌چنین کتاب مقدس خود گورو گرنده صاحب را نیز همانند گوروهای بشری، گورو زنده می‌دانند و تا حد پرستش آن را احترام می‌کنند.

نانک در سال ۱۴۶۹ در خانواده‌ای هندی در ناحیه پنجاب هند به دنیا آمد و در مجاورت مسلمانان زندگی می‌کرد و کاملاً متأثر از عارفان مسلمانی بود که به هند مهاجرت کرده بودند. نانک با فرهنگ اسلامی کاملاً آشنا بود و حتی به کشورهای اسلامی، از



جمله ایران و ترکیه و زیارت مکه معظمه رفت. او دوستی ایرانی به نام "مردانا" داشت که برایش تار می‌نواخت و اشعار عارفانه فارسی می‌خواند. نانک در سال ۱۵۳۹ درگذشت، اما جانشینانش تعالیم او را ادامه داده و سرانجام دینی جدید از دل آن پدید آوردند که توحید را از اسلام پذیرفت و باقی عقاید و شعائر را از آیین هندو گرفت. آیین سیک که امروزه حدود ۲۵ میلیون نفر پیرو دارد، بر سه اصل مهم اعتقادی یعنی: یگانگی خداوند، اطاعت محض از گورو و باور به تناسخ ارواح در زندگی پس از مرگ بنا شده است. علاوه بر این، آموزه‌های اخلاقی مثل نفی نظام طبقاتی، برابری زن و مرد، خدمت به خلق، کار و کوشش، نفی هر گونه ریاضت جسمانی و داشتن زندگی اجتماعی، از دیگر آموزه‌های مهم این آیین است.<sup>۱</sup>

### گوروهای ده‌گانه

پس از گورو نانک، نه گورو دیگر جانشین او شدند که هر گورویی گورو بعد از خود را تعیین می‌کرد. فهرست اسامی ده گوروی سیک‌ها و تاریخ تولد و وفات ایشان چنین است:

۱. گورو نانک (۱۴۶۹-۱۵۳۹)؛
۲. گورو آنگد (۱۵۰۴-۱۵۵۲)؛

۱. روحانی، محمد، آیین سیک، ص ۳۶.



۳. گورو آمرداس (۱۴۷۹-۱۵۷۴)؛

۴. گورو رام داس (۱۵۳۴-۱۵۸۱)؛

۵. گورو ارجن (۱۵۶۳-۱۶۰۶)؛

۶. گورو هر گویند (۱۵۹۵-۱۶۴۴)؛

۷. گورو هررای (۱۶۳۰-۱۶۶۱)؛

۸. گورو هری کریشن (۱۶۵۶-۱۶۶۸)؛

۹. گورو تیغ بهادر (۱۶۲۱-۱۶۷۵)؛

۱۰. گورو گویند سینگ (۱۶۶۶-۱۷۰۸).

در آیین سیک "گورو گویند سینگ" بعد از گورو نانک، مهم‌ترین گوروی سیک به شمار می‌آید، زیرا گورو گویند سینگ بعد از به دست گرفتن مقام گورویی، با توجه به اینکه حاکمان مغول جامعه سیک را بسیار تحت فشار قرار داده بودند، تصمیم گرفت جنبه نظامی‌گری را در این آیین تقویت کند. در راستای نایل شدن به همین هدف بود که او نظام "خالصا" را بنیان نهاد. به دستور وی هر مرد خالصا به جای نام خانوادگی خود، که معمولاً نشان‌دهنده طبقه اجتماعی آن فرد بوده، به نام "سینگ"، به معنی شیر، و زنان به نام "کُور"، به معنی بانو یا ملکه نامیده شدند. یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات گوروی دهم در تشکیل ارتش قدرتمند سیک، الزام به حمل شمشیر و آموزش نظامی برای پیروان سیک خالصا بود. او با این فرمان که جنبه



الزام دینی (شرعی) به آن داد، به طور رسمی آیین سیک را به صورت آیینی نظامی و جنگاور درآورد. این اقدامات باعث شد گوروی دهم، تهدیدی جدی برای حاکمان مغول قلمداد گردد؛ به همین دلیل، سرانجام گورو گویند سینگ به دست عوامل مغول ترور شد. وی با توجه به اینکه تمام پسرانش به دست مغولان کشته شده بودند، تدبیری اندیشید تا از اختلاف و درگیری بر سر جانشینی‌اش جلوگیری کند. او کتاب مقدس گورو گزرت صاحب را که مورد قبول همه بود، جانشین خود معرفی کرد. سرانجام گورو گویند سینگ در ۱۷ اکتبر ۱۷۰۸ میلادی درگذشت.<sup>۱</sup>

### پنج کاف

سیک‌ها علاوه بر عمامه، برای خود پنج شعار قرار دادند که هر یک در زبان پنجابی با حرف "ک" شروع می‌شود:

۱. کیس (kais): باقی گذاشتن موی سر و صورت؛
۲. کانگه (kangha): همراه داشتن شانه؛
۳. کاجه (kachha): پوشیدن شلوار کوتاه؛
۴. کاره (kara): داشتن دستبند آهنی؛
۵. کرپان (kirpan): حمل شمشیر یا خنجر فولادین.

۱. همان، ص ۵۰ - ۵۹.



سیک‌ها به تجارت گرایش دارند و افرادی از ایشان به سراسر جهان مهاجرت کرده‌اند. تعدادی از آنها در طی جنگ جهانی دوم با سربازان انگلیس به ایران آمده و در این کشور ساکن شدند. سیک‌های ایران در دو شهر زاهدان و تهران ساکن بوده و در هر دو شهر گوردوارا دارند. "گوردوارا" محل عبادت سیک‌هاست. این واژه از دو بخش تشکیل شده است: "گورو" که در اینجا منظور کتاب *گورو گرت صاحب* است، و "دوارا" به معنای دروازه و محل اجتماع است. بنابراین گوردوارا در لغت به معنای "دروازه گورو" یا "محل اجتماع مؤمنان" در حضور گوروست. گوردواراها معماری خاصی ندارند. به خاطر اصل یگانه‌پرستی و نفی پرستش بت در آیین سیک، معمولاً در گوردوارا هیچ گونه تصویر یا مجسمه‌ای، حتی مربوط به گوروها، قرار داده نمی‌شود.

### عبادت در گوردوارا

گوردوارا دو ویژگی مهم دارد: نخست اینکه نسخه‌ای از کتاب *گورو گرت صاحب* در آن است، و دوم اینکه مؤمنان سیک در آن جمع شده و مراسم نیایش برگزار می‌کنند. این مراسم عبارت است از: گوش سپردن به قرائت کتاب *گورو گرت صاحب*، خواندن آهنگین اشعار دینی و مجلس وعظ و آشنایی با تعالیم



دینی. مهم‌ترین مشخصه ظاهری گوردوارا نصب پرچمی خاص و بسیار بلند بر بام یا حیات آن است که به آن "نشان صاحب" می‌گویند. این پرچم مثلثی شکل که معمولاً به رنگ زعفرانی و گاهی نیز آبی تیره است، منقوش به نشان "کهندا" یا خنجر دودم سیک‌هاست.

عبادت اصلی در گوردوارا قرائت کتاب مقدس است که احکام ویژه‌ای دارد. *گورو گرت صاحب* باید با احترام تمام باز شده و قرائت شود، و سپس با احترام بسته شود. باید در محلی بلند روی سکو یا چهارپایه در مکانی تمیز قرار داده شود. باید بالش‌های کوچکی برای نگهداری آن به کار رود. باید بر فراز این کتاب سایبانی افراشته شود و بادبزی برای حرکت دادن روی کتاب در دسترس باشد. حضور در گوردوارا برای پیروان همه ادیان آزاد است، ولی مستلزم رعایت احکام خاصی است؛ مانند: پوشاندن سر برای مردان و زنان، پابرهنه وارد گوردوارا شدن و نیز عدم تمایز میان طبقه، نژاد و جنسیت؛ البته مردان و زنان در گوردوارا جدا می‌نشینند. در گوردوارا غیر از نیایش، مراسم سالگرد، درگذشت و تولد گوروها و یادبود حوادث مهم تاریخی آیین سیک، مانند تشکیل خالصاً نیز برگزار می‌گردد.



## معبد طلایی سیک‌ها

نام اصلی "معبد طلایی" سیک‌ها "هری مندیر" یعنی معبد خداوند است. نام "معبد طلایی" را انگلیسی‌ها، به خاطر پوشش طلایی آن به کار بردند، و بعدها به همین نام مشهور گشت. این معبد در میان استخری بزرگ قرار دارد. گوروی چهارم این استخر را در سال ۱۵۷۷ میلادی ساخت و بعداً پسرش گورو ارجن، اصل معبد را در میان استخر بنا کرد. گنبد معبد با لایه‌ای از طلا به وزن صد کیلوگرم پوشانده شده و فضای داخل معبد با مهارت و ظرافت خاصی تزیین شده است. در میان معبد کتاب مقدس، زیر سایبانی زیبا و پارچه‌هایی رنگی قرار دارد. ساختمان کنونی معبد در سال ۱۸۰۳ بازسازی شد.

در این معبد شبانه‌روز متون مقدس قرائت می‌شود. خوانندگان سرودهای معنوی نیز در نوبت‌های سه ساعته، شبانه‌روز فضای معبد را آکنده از نوای موسیقی می‌کنند. قرائت کتاب مقدس معمولاً در تابستان از چهار صبح تا ده شب، و در زمستان از پنج صبح تا یازده شب ادامه پیدا می‌کند. در انتهای شب کتاب مقدس با احترام روی تخت روان با مشایعت مریدان به ساختمان اکال تخت منتقل شده و در اتاق مخصوص روی تختی زیبا خوابانده می‌شود. سحرگاه نیز بار دیگر کتاب مقدس به همان صورت به معبد طلایی بازگردانده می‌شود. در طی این



مدت نیز فضای داخلی و اطراف معبد با آب و شیر شسته می‌شود.

## نماز در آیین سیک

سیک‌ها به جای نمازهای روزانه، هر روز سه وعده قرائت دارند؛ به عبارت دیگر، هر روز صبح، مغرب و هنگام خواب باید مجموعه‌ای از ادعیه و گزیده‌های کتاب مقدس خود، گورو گرت صاحب و هم‌چنین برخی فرازهای جاپچی صاحب را که عالمان سیک برای فربضه روزانه گزینش کرده‌اند، بخوانند. نام این قرائت‌های روزانه "پات"<sup>۱</sup> است.

۱. نماز صبح؛ از ساعت دو صبح تا غروب آفتاب فرصت دارد. بخش‌های مفصلی از کتاب مقدس سیک‌هاست که قرائت آن بیش از یک ساعت طول می‌کشد؛ از این رو، معمولاً سیک‌ها آن را به چند بخش تقسیم کرده و در فواصل گوناگون تا غروب آفتاب قرائت می‌کنند.

۲. نماز مغرب؛ از غروب آفتاب تا هنگام خواب فرصت دارد.

۳. نماز پیش از خواب؛ پیش از خواب باید خوانده شود و چون بسیار مختصر است و در حد چند بیت شعر است، همه سیک‌ها آن را پیش از خواب در همان بستر از حفظ می‌خوانند.

۱. Pat.



هنگام خواندن این نمازها باید سر پوشیده و پاها برهنه باشد. این قرائت‌ها قبله خاصی ندارد، ولی اگر در گوردوارا خوانده می‌شود، باید رو به سمت جایگاه کتاب مقدس باشد. سیک‌ها هنگام خواندن این نمازها وضوی خاصی ندارند، اما پیش از نماز صبح باید غسل کرده و موهای خود را شانه کنند. هم‌چنین سیک‌ها باید روزانه اصل "نام جپتا"، یعنی ذکر مدام نام خدا را حتی به هنگام کار داشته باشند. هم‌چنین هر اندازه که می‌توانند باید به قرائت کتاب مقدس گوش دهند و با قرائت جمع همراهی کنند.



### پرسش‌ها

۱. چگونه "آیین سیک" آمیزه‌ای از اسلام و آیین هندو شمرده می‌شود؟
۲. منظور از "پنج کاف" چیست؟
۳. نماز روزانه در آیین سیک چگونه است؟

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. دین سیک‌ها، سیدمحمد روحانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
۲. درسنامه ادیان شرقی، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، کتاب طه، ۱۳۸۶.
۳. ادیان زنده شرقی، ویراسته جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمان، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.





## فصل دهم: آیین کنفوسیوس

### آیین کنفوسیوس

"کنفوسیوس" در حدود سال ۵۵۱ قبل از میلاد در ایالت "لو" (نام جدید: استان شانگدونگ) در چین به دنیا آمد. او نزد مادر خود رشد کرد و در پانزده سالگی معلم شد که نشان از هوش سرشار او داشت. بسیار جوان بود که ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر بود. دخترش با یکی از نزدیکترین شاگردان پدر ازدواج کرد. کنفوسیوس دربارهٔ خاندان امپراتوری شانگ (۱۶۰۰ تا ۱۰۴۶ قبل از میلاد) به تفصیل مطالعه کرد. در زمان کنفوسیوس دغدغهٔ اصلی عالمان، حل معضل بی‌قانونی و بی‌ثباتی جامعه بود. او در تلاش برای بازگرداندن نظم و قانون به جامعهٔ چین، شروع به نظریه‌پردازی کرد و الگوی درست حکومت را همان حکومت خاندان شانگ دانست، زیرا مردم در آن زمان در آسودگی، نظم و رفاه بودند. کنفوسیوس یک معلم بود و نه پیامبر. ادعای نبوت و معجزه نداشت و فقط مقداری

۲۹۵

بخش دوم: نماز در ادیان غیرالهی



دستوراتی اخلاقی و اجتماعی که از آثار گذشتگان یافته بود، تجویز می‌کرد. سخن مشهوری از کنفوسیوس نقل شده است که نشان می‌دهد او در صدد بوده تا اندیشهٔ گذشتگان خویش را احیا کند:

من راوی هستم نه مخترع. من به سخنان گذشتگان شوق و علاقه دارم و آنها را تصدیق می‌کنم. من حکیم مادرزاد نیستم، بلکه تنها کاری که می‌کنم آن است که تحقیقات پیشینیان را به دست آورم و در فهم و درک آنها سعی بلیغ مبذول دارم.

کنفوسیوس زندگی پرماجرایی داشت و علاوه بر تعلیم شاگردان به کارهای حکومتی نیز می‌پرداخت. او در پنجاه سالگی به وزارت دست یافت و مقام او در زمانی کوتاه، بالا رفت و وزیر اعظم شد. او سعی کرد یافته‌های خود را به امپراتور زمان خویش تفهیم کند و از او بخواهد که به دستورات عمل‌های اخلاقی و اجتماعی او عمل کند. امپراتور به سخن کنفوسیوس مشکوک شد و گمان کرد او می‌خواهد به امپراتوری برسد؛ بنابراین او را از دربار اخراج کرد. کنفوسیوس که دیگر جایگاه خود را در دربار از دست داده بود و مورد حسادت رقیبان نیز قرار گرفته بود، گوشهٔ عزلت پیشه کرد و به تربیت شاگردان پرداخت.

۱. بی.ناس.جان، تاریخ معاصر ادیان، ص ۳۷۲.

۲۹۶

نماز در ادیان



سرانجام هنگامی که به سال ۴۷۹ قبل از میلاد، مرگ به سراغ وی آمد، از عدم موفقیت کامل خویش اندوهگین بود.

### احیای آموزه‌ها

هنگامی که در اواسط دوره امپراتوری "هان"، یعنی قرون اول و دوم میلادی، آیین بودا وارد چین شد، متفکران چینی در صد احیای اندیشه‌های بومی خود برآمدند تا هویت خود را بازیابند. در این میان به اندیشه‌های "لائوتزه"، بنیانگذار آیین دائو و "کنفوسیوس" بیش از بقیه توجه شد. به ویژه از آنجا که کنفوسیوس نظریه‌هایی برای حکومت‌داری ارائه کرده بود، این نظریات مورد توجه دربار قرار گرفت و احیا شد. این توجه تا جایی پیش رفت که به کنفوسیوس مقام الوهیت دادند و او را می‌پرستیدند. در همین ایام بود که از دل فلسفه اخلاقی و حکومت‌داری کنفوسیوس، دینی به وجود آمد. به عبارت دیگر، برای کنفوسیوس معبد ساخته شد و شعائر و مناسکی برای این دین جدید تعریف شد. تا پیش از آن زمان، کسی تعالیم کنفوسیوس را دین نمی‌دانست.

پس از انقلاب کمونیستی چین در ۱۹۴۹ مبارزه شدیدی با اندیشه‌های وی آغاز شد و کمونیست‌ها او را کسی معرفی کردند که در مقابل توده‌های زحمت‌کش، از طبقه اشراف حمایت کرده



است؛ البته با فروپاشی شوروی، نظام کمونیستی چین نیز مجبور شد برخی آزادی‌های دینی را به مردم بازگرداند و از جمله بر شخصیت کنفوسیوس، به عنوان نماد فرهنگ چین سرمایه‌گذاری کند.

### آثار

کنفوسیوس در سال‌های آخر عمر خود کتاب‌هایی نوشت که جزو ادبیات کلاسیک چین شد. کتاب‌های وی عبارتند از:

۱. شو جینگ (کتاب تاریخ)؛

۲. شی جینگ (کتاب شعر)؛

۳. لی چی (کتاب شعائر)؛

۴. یی جینگ (کتاب تبدلات)؛

۵. چون چیو (سالنامه بهار و پاییز).

چهار کتاب نخست، گزیده‌ای از سخنان پیشینیان را نیز در بر دارد، ولی سراسر کتاب پنجم از خود اوست.

### تعالیم

کنفوسیوس می‌گفت: انجام قربانی برای آسمان و زمین به

۱. منظور از «سالنامه بهار و پاییز» تاریخ سیاسی امپراتوران گذشته و منظور از «بهار و پاییز»، اوج و حوض قدرت فرمانروایی آنان است.



معنای خدمت به پیشگاه خداوند است؛ انجام مراسم و تشریفات دینی در معابد نیاکان، به معنای پرستش نیاکان است. اگر کسی حقیقتاً معنای قربانی کردن برای آسمان و زمین و نیز اهمیت اعمال عبادی را - که برای پرستش ارواح نیاکان در تابستان و پاییز صورت می‌پذیرد - می‌فهمید، حکومت کردن بر ملت به اندازه نشان دادن کف دست ساده می‌شد.<sup>۱</sup>

تعالیم کنفوسیوس ترکیبی بود از اصول اخلاقی سیاست مُدُن و مقداری مسائل دینی. وی معتقد بود که اجداد مردم طبق قاعده "لی" زندگی می‌کردند و از این رو، از انواع نیکی‌ها و برکات برخوردار بودند، ولی مردم زمان وی بر اثر رها کردن آن شیوه از آن امور محروم مانده‌اند. "لی" از دیدگاه کنفوسیوس معانی مختلفی داشت و برای پاکی ادب تشریفات و عبادت به کار می‌رفت. وی معتقد بود با پیروی از لی هر چیز به سامان می‌آید و جامعه آرمانی تشکیل می‌شود. "لی" در متن‌های مختلف، معانی گوناگونی مانند: روح، قربانی، دین، اخلاق و آداب سلوک می‌دهد. مراد از "لی" آیین‌ها و قربانی‌های رسمی است که شامل آیین خاکسپاری و احترام به ارواح نیاکان نیز می‌شود. همچنین شامل قواعد مربوط به رفتار مناسب در شرایط مختلف

۱. بوش، ریچارد، «مذهب در چین و ژاپن» در جهان مذهبی، ج ۲، ص ۴۸۷.



است. کنفوسیوس این قاعده را به تفصیل در کتاب *لی چینگ* آورده است. آیین کنفوسیوس نظام دینیاری ویژه‌ای ندارد؛ مراسمات مختلف آنان به ویژه کفن و دفن مردگان را راهبان دائویی، بودایی و حتی اخیراً کشیش‌های مسیحی برایشان انجام می‌دهند.

### اصول اخلاقی

کنفوسیون پنج رابطه را مطرح کرد که هر گاه درست برقرار شوند، همه چیز درست می‌شود:

۱. مهربانی در رابطه میان پدر و پسر؛
  ۲. لطف برادر بزرگ‌تر به برادر کوچک‌تر و تواضع برادر کوچک‌تر در مقابل برادر بزرگ‌تر؛
  ۳. عدالت شوهر با زن و اطاعت زن از شوهر؛
  ۴. علاقه‌مندی زبردستان به زبردستان و اطاعت زبردستان از زبردستان؛
  ۵. مهربانی فرمانروایان به رعایا و وفاداری رعایا به فرمانروایان.
- کنفوسیوس درباره "آرمان شهر" و رابطه شهریار با رعایا تعلیم می‌داد که هرگاه فرمانروایان خود به قوانین تن در دهند، همه مردم از مقامات عالی تا ضعیف‌ترین فرد کشور نیز مطیع قانون می‌شوند.



### عبادت در آیین کنفوسیوس

آیین کنفوسیوس نیز دو نوع عبادت دارد: معبدی و خانگی. اساس عبادت کنفوسیوسی این تعلیم کنفوسیوس بود که می‌گفت: "به نیاکان خود احترام بگذارید." به مرور زمان، این اصل تبدیل به اساس نیاکان‌پرستی در آیین کنفوسیوس شد. احترام به نیاکان در آیین دائو نیز وجود دارد و جزو مشترکات همهٔ مردم چین است. امروزه بسیاری از مردم سنتی چین، نمازخانه‌ای در خانهٔ خود دارند و در آنجا تابلویی سنگی وجود دارد که فهرست نیاکان و درگذشتگان از بستگان و تصاویر آنان را روی آن حک کرده‌اند. پیروان کنفوسیوس با سوزاندن بخورهای خوش‌بو و زانو زدن در مقابل این تابلوهای سنگی و چند لحظه سکوت به یاد آنان (مدی‌تیشن) و یا خواندن دعایی باستانی به یاد درگذشتگان، به ارواح آنان احترام می‌گذارند. سپس بخور را پای تابلوی سنگی قرار می‌دهند. چینی‌ها روزی در سال به نام "روز پاک کردن قبور" دارند که در اوایل ماه آوریل است. در این روز به قبرستان رفته و به پاک کردن قبور بستگان می‌پردازند و اگر نیاز به تعمیر داشته باشد، تعمیر می‌کنند. سپس غذا و نوشیدنی سر قبر می‌گذارند و کاغذهایی رنگی را می‌سوزانند. دلیل این کارشان را چنین توجیه می‌کنند که سوختن این کاغذها باعث می‌شود پول به دست مردگان در برزخ برسد.



عبادت در معابد نیز همانند عبادت در نمازخانه‌های خانگی است. در معابد در مقابل تصویری از کنفوسیوس زانو می‌زنند و بخور می‌سوزانند. سپس خواسته‌های خود را آرزو می‌کنند. یکی دیگر از عبادات روزانهٔ کنفوسیوسی‌ها که نیایش‌های روزانهٔ آنها را تکمیل می‌کند، خواندن روزانهٔ بخشی از کتاب یی‌جینگ، یکی از پنج کتاب باستانی چین و منسوب به کنفوسیوس است.

در آیین کنفوسیوس نه نظام روحانیت وجود دارد و نه مکان ویژه برای پرستش، و روشن است که هیچ نماز و عبادت ویژه‌ای نیز در اصل این آیین تعریف نشده است؛ البته معابد بسیاری در چین، کره و ژاپن دارد. در عوض، آیین کنفوسیوس سعی می‌کند در ابعاد اخلاقی زندگی شخصی پیروان خویش حضور داشته باشد. شاید بتوان گفت، امروزه آیین کنفوسیوس در بعد عبادی به پرستش نیاکان یا احترام به نیاکان (هر دو را گفته‌اند)، گرویده است. بسیاری از چینیان و دیگر معتقدان، به زیارت بستگانشان در معابد کوچک خانگی می‌پردازند. در این نمازخانه یا زیارتگاه‌های خانگی تابلوهایی از فهرست همهٔ درگذشتگان تهیه شده، و همچنین عکسی از هر یک از آنان در آن گذاشته شده است. در مواقع ویژه‌ای از سال، و در مورد برخی از چینی‌ها روزانه، پدر خانواده یا یکی از پیرمردان سالخورده، مقداری غذا و



نوشیدنی مخصوص را به آن نمازخانه و در واقع به آن ارواح پیشکش می‌کند. آیین پیشکش نذورات راهی است که آنان گمان می‌کنند بدان وسیله مردگانشان را احترام می‌گذارند.

کتابی متعلق به سنت نو-کنفوسیوسی به نام *مناسک خانواده* وجود دارد که در آن چگونگی انجام شعائر مربوط به گذشتگان در نمازخانه خانگی را توضیح داده است. این کتاب نه تنها در چین بلکه در ژاپن، ویتنام و کره جنوبی منبعی است برای کسانی که به پرستش نیاکان می‌پردازند.

آیین‌های همگانی در معابد کنفوسیوسی، که در سراسر شرق آسیا وجود دارد، برگزار می‌گردد. اگرچه بسیاری از این معابد تحت فشار چین کمونیست در زمان انقلاب کمونیستی چین در نیمه قرن بیستم به موزه تبدیل شدند، اما گهگاه پیشکش‌هایی در بهار و پاییز به همین معابد موزه تقدیم می‌شود. یکی از برجسته‌ترین معابد کنفوسیوسی، معبد کنفوسیوس در شهر گوفو و معبد کنفوسیوس در بیجینگ (پکن) است. در بیرون چین مراسم باستانی و سنت‌های کنفوسیوسی هنوز در معابدی در ویتنام و کره جنوبی برگزار می‌گردد. برای مثال، در چونگمو در نخستین یکشنبه ماه می، مردم پیشکش‌هایی مانند غذا و بخور را به ارواح تقدیم می‌کنند. این آیین در روز تولد کنفوسیوس نیز اواخر ماه سپتامبر برگزار می‌شود. معابد کنفوسیوسی گاهی



مکانی برای چنین پیشکش‌هایی بود. گاهی نیز این مراسم را خود امپراتور هدایت می‌کرد؛ برای مثال، گاهی امپراتور چین ردایی آبی می‌پوشید که روی آن تصویر اژدها نقش بسته بود و در روز یلدا (کوتاه‌ترین روز سال)، به مناسبت بازگشت انرژی مثبت و گرم یانگ، مراسمی را برگزار می‌کرد. او در معبد کنفوسیوس مذبحی دایره‌ای را که نماد آسمان بود، آتش می‌زد. دودی که از این آتش به هوا برمی‌خاست، خدای بزرگ شانگدی را به مراسم فرامی‌خواند. گوشت گوساله‌ای برای پیشکش تقدیم می‌شد و همه با موسیقی ناقوس، فلوت‌ها و طبل‌های سنگی همراهی می‌کردند.

آنچه شاید بتوان معادل نماز در آیین کنفوسیوس دانست، نوعی مدی‌تیشن است که "نشستن آرام" نام دارد. کنفوسیوس بسیار پیش‌تر از ورود آیین بودا به چین، این نوع مدی‌تیشن را در تعالیم خود آورد. این مدی‌تیشن در کتاب *تعلیم بزرگ آمده است*. "نشستن آرام" بیشتر شبیه مدی‌تیشن در آیین بودا و دائوست که بر پاک کردن ذهن تأکید دارند. پیروان آیین کنفوسیوس ممکن است بر آموزه‌ای اخلاقی یا بر تنفس خود تمرکز کنند، اما هدف نشستن آرام در آیین کنفوسیوس، برخلاف مدی‌تیشن در آیین بودا و دائو، تلاش برای هماهنگ شدن با واقعیتی بزرگ‌تر نیست؛ در واقع، این نوع مدی‌تیشن



### پرسش‌ها

۱. آیا کنفوسیوس یک پیامبر بود یا یک معلم اخلاق؟
۲. مهم‌ترین دغدغه‌ زمان کنفوسیوس چه بود؟
۳. آثار کنفوسیوس را نام ببرید.
۴. عبادت در آیین کنفوسیوس به چه طریقی انجام می‌شود؟

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. تاریخ فلسفه چین، فانگ یو-لان، ترجمه: فرید جواهر کلام، پژوهش فرزبان روز، ۱۳۸۰.
۲. ادیان چین و ژاپن، مایکل ساسو، ترجمه: محمدعلی رستمیان، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۳. درسنامه ادیان شرقی، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.
۴. مکالمات، کنفوسیوس، ترجمه: کاظم زاده ایرانشهر، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.



کنفوسیوسی، آمادگی روحی و روانی برای آموختن و ادراک فراهم می‌سازد.<sup>۱</sup>

۱. Shlager, world Religions, P.166.



## فصل یازدهم: آیین دائو

### آیین دائو

آیین دائو<sup>۱</sup> (که تلفظ قدیمی آن تائو است)، بر اساس تعالیم شخصیتی نیمه‌اسطوره‌ای به نام لائوتزه (۵۱۷-۶۰۴) در قرن ششم قبل از میلاد در چین پیدا شد. این آیین نامش را از واژه "دائو" گرفته است که در لغت به معنای "راه" است، اما در اصطلاح، توازن طبیعی و قانونی است که در عالم هستی جاری و ساری است. "دائو" آن نیرویی است که به هستی، طبیعت و زندگی اشخاص نظام می‌بخشد. می‌گویند لائوتزه از کارمندان دربار بود. پس از چندی به این نتیجه رسید که کار درست عدم دخالت در زندگی طبیعی مردم است و دربار (دولت) با وضع قانون و تعلیم کودکان، در زندگی طبیعی آنان مانع ایجاد می‌کند. بنابراین، تصمیم گرفت دربار را رها کرده و در گوشه‌ای

۱. Dao.



به عزلت‌نشینی بپردازد. هنگام خروج از شهر یکی از دربانان از او تقاضا کرد که از دانش خود نکته‌ای به او بیاموزد. لائوتزه در کنار دیواری ایستاد و رساله‌ای نوشت که امروزه کتاب مقدس اصلی دائوییان شمرده می‌شود. نام این کتاب "دائو دِ جینگ"، به معنای "کتاب راه فضیلت" است. امروزه دانشمندان معتقدند که *دائو دِ جینگ* محصول اندیشه یک نفر نیست، بلکه دانشمندان گوناگونی در طول قرون آن را تکمیل کرده‌اند. امروزه بیش از چهار میلیون نفر خود را دائویی می‌دانند و فرهنگ همه مردم چین و تا حدودی ژاپن متأثر از این آیین است. گفتنی است، تخمین تعداد دقیق آنها ممکن نیست، زیرا در کشور کمونیستی چین آمار دقیقی از پیروان ادیان وجود ندارد.

### عقاید اصلی

نخستین بار در *دائو دِ جینگ* بود که لائوتزه به "دائو" معنایی متفاوتی و والا بخشید. لائوتزه شناخت دائو و یکی شدن با آن را هدف والای زندگی انسان فرزانه دانست و حقیقت آن را غیر قابل بیان عنوان کرد. اعتقاد به دائو، جهان‌بینی خاصی به انسان می‌بخشد. همه چیز از دائو به وجود آمده است، اما دائو آفریدگار عالم نیست، بلکه مسیر طبیعی آفرینش است. از دائو یک زاده شد؛ از یک، دو و از دو، سه و از سه همه چیز. می‌گویند منظور



از "یک" اصل اساسی عالم یعنی "چی" است، و "دو" اشاره به دو نیروی طبیعی یانگ (نیروی مثبت، گرم، مذکر و...) و یین (نیروی منفی، سرد، مؤنث و...) است و "سه"، اشاره به آسمان، زمین و انسان است. به اعتقاد مردم چین باستان جهان از ترکیب، یین و یانگ به وجود آمده است. در حالت طبیعی این دو در تعادلند هستند و اگر این تعادل به هم بخورد، اتفاق ناخوشایندی می افتد. عالمان باستان چین اعتقاد داشتند اگر امپراتور عدالت را رعایت نکند، تعادل این دو نیرو بر هم خواهد خورد و در نتیجه قحطی و خشکسالی بر کشور مستولی خواهد شد. نظریه "یین و یانگ" اساس مناسک دینی پیروان دائو را شکل می دهد. در تصاویر سنتی چین نبرد اژدها و ببر، نبرد کیهانی این دو نیرو را به تصویر می کشند.

یکی دیگر از باورهای اصیل دائویی، اصل بی عملی یا "وو-وی"<sup>۱</sup> است. این اصل می گوید نباید در روال طبیعی کارها دخالت کرد. بگذارید که طبیعت کار خودش را بکند. دخالت دولت با وضع قانون در زندگی مردم و نیز تغییر طبع سالم بشری با فرستادن کودکان به مدارس، الگوها و ساختارهای طبیعی بر هم می خورند، و این به معنای فاصله گرفتن از

۱. Wu Wei.



دائوست. ریشه همه گرفتاری های بشر نیز فاصله گرفتن از دائوست. در دائو د جینگ، بی عملی یعنی التزام به سکون و عدم دخالت در امور. بی عملی است که باعث هماهنگی و بهرروزی این جهانی انسان می شود.

دائو تأثیر چندانی در جهان ندارد و این ارواح نیاکان بودند که امور جهان را به عهده داشته و نیکان را پاداش و بدان را به مجازات می رسانده اند. کار اصلی خداوند این بود که عنوان "پسر آسمان" را به خاقان چین اعطا می کرد. بنابراین، منصب امپراتوری در چین نیز مانند ژاپن، منصبی آسمانی و الهی شمرده می شد و کسی حق نداشت علیه "پسر آسمان" یا "پسر خورشید" قیام کند.<sup>۱</sup>

در رساله تائو د جینگ آمده است که اشیا هرگاه در بستر طبیعی خود سیر کنند با کمال تناسب حرکت خواهند کرد، زیرا این حرکت با تائو هماهنگ است، ولی هرگاه چیزی از بستر طبیعی منحرف شود، تناسب خود را از دست می دهد. هدف نهایی انسان باید آن باشد که خود را با تائو هماهنگ کند.

درباره آیین تائو دو اصطلاح وجود دارد: "تائو جیا" که اشاره دارد به آن فلسفه تائویی که در کتاب تائو د جینگ آمده است، و

۱. شاله، فیلسین، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ص ۱۷۰.





"تائو جیائو" که به معنای آیین "تائوی دینی" است. تائوی دینی برترین واقعیت را اصل تائو می‌داند و طالب رسیدن به آن و نیز تعادل روحی است. این آیین در نهایت، رسیدن به بی‌مرگی را آرزو می‌کند. در تائوی دینی که قرن‌ها پس از تائوی فلسفی پیدا شد، گرایش به جن‌گیری و کارهای شمنی و جادوگری نیز دیده می‌شود. "جوآنگ زه چوانگ تسه" پس از لائوتزه معروف‌ترین فیلسوف تائوتیسم است و گفته می‌شود وی در قرن چهارم قبل از میلاد، تعلیم استاد فرضی خود لائوتزه را نشر داده است. به این حکیم ۳۳ مقاله نسب داده‌اند که بسیاری از آنها قطعا از اوست. وی تحولات جهان را به شکل دورانی ترسیم می‌کرد و معتقد بود اضداد بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از میان می‌روند. او معتقد به نسبیت خیر و شر بود و برای بیان اندیشه‌های خود از تمثیل‌های بسیاری استفاده می‌کرد.

### مناسک و آیین‌ها

پیروان آیین دائو گونه‌ای از انضباط را دارند که با گوشه‌گیری و ساده‌سازی نیازهای جسمانی به منظور نیل به مراتب معنوی، را بر خود هموار می‌کنند. در هر صورت باید توجه کرد که بدن به منزله بخش اساسی برای نیل به این مراتب تلقی می‌شود که باید تعالی یابد؛ بنابراین، باید از جامعه برکنار بود و جسم را در



معرض انضباط قرار داد. این کار به معنای ریاضت و شکنجه نیست.

مسئله مهم دیگر در ارتباط با آیین و مناسک، بحث "رهبانیت" و تجرد دائویی است که به درستی معلوم نیست. کهن‌ترین اشکال دائویی سازمان‌یافته، سنت رهبانیت خاصی را نپرورانده است. فرقه "استادان آسمانی" بر انجام ازدواج و انتقال آموزه‌ها از طریق پدر به پسر تأکید می‌کند.

آیین دائو توجه بسیاری به آیین‌ها و مناسک نشان می‌دهد و مجموعه‌ای به نسبت پیچیده، مشتمل بر احترام و رعایت‌های مرتبط با آیین‌ها و شعائر مقدس، مناسک تشریف، طهارت، تجدید چرخه حیات و تحولات مربوط به آدمیان را پدید آورده است. هم‌چنین عزایم‌خوان‌هایی که می‌کوشند بر ارواح شرفایق آیند، مناسک دعا و تعویذها را اغلب در موارد خاصی چون بیماری برگزار می‌کنند. مناسک دیگری نیز به صورت مرتب، در ماه‌های قمری، اعیاد و جشن‌های مرتبط با آن، به ویژه جشن سال نو برگزار می‌کنند. مراسم "تجدید عالم" نیز در انقلاب زمستانی جشن گرفته می‌شود و نماد احیای عالم است. سوزاندن عود، در کانون مناسک دائویی قرار دارد که با پیشکش‌های قربانی و آتش زدن نوشته‌های مقدس، مثل طلسم‌ها و دعا‌هایی که روی کاغذ نوشته شده، همراه است.



مراسم و مناسک دائوبی به نحو عمیقی سرشار از تجربه‌های مراقبه‌ای است. هر تمرین مراقبه‌ای، مقدم بر آن و یا همراه با آن، سلسله اعمال آیینی‌ای چون: تطهیر، سجده، خضوع، اطاعت و آتش زدن عود و کندر است. اعمال دینی دائوبی، خواه در شکل فردی و خواه جمعی، بر مراقبه و انجام آیین‌ها، استوار است. همه آنها در صدد نیل به پاکی از طریق خودداری از کارهای نادرست و کسب سلامتی از طریق شعائر مربوط به طول عمر هستند. نیل به طول عمر طولانی، مشتمل بر سبک زندگی‌ای مبتنی بر تعادل و میانه‌روی و کوشش بر حسب قانون "چی"، به‌ویژه از طریق برنامه رژیم غذایی، ورزش، تنفس و کنترل روابط جنسی، و نیز اهمیت تمرکز ذهنی، کسب مهارت از طریق تمرین‌های تمرکز روی یک نقطه و نیز کسب مهارت از طریق شهود انرژی‌های باطنی، خدایان و پروازهای خلسه‌ای به ستارگان، بود. مراقبه دائوبی شامل اعمال خاصی جهت نیل به آرامش، سکون و تمرکز است. روش‌های گوناگون موسوم به "مشاهده"<sup>۱</sup> به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد تا کاملاً با دائو یکی شوند. روش‌های تجسم، نیروی "چی" در اندام‌های داخلی را افزایش داده، که این به نوبه خود عدم تناهی جسم را در پی

1. Observation



دارد. علاوه بر این، مناسک و آیین‌ها در سنت دائوبی، ترکیبی از قربانی‌های رایج در چین قدیم و مراسم سنتی دربار است. هسته این آیین هم قرار گرفتن در حضور دائو، به سان خدایان آسمانی است.

دیگر شکل عمده ارتباط آیینی، همان پیشکش در مراسم موسوم به "جیائو"<sup>۱</sup> است. برای پیشکش ویژه مراسم جیائو، نخست مذبحی برپا می‌شود؛ آن‌گاه دعوتنامه‌های مکتوبی برای خدایان ارسال می‌گردد تا به باور ایشان، خدایان به مکان مقدسی پیرامون مذبح فرود آمده و بوی خوش کندر و عود به آنها تقدیم شود و شرف یابی بانیان اصلی این مراسم به حضور این خدایان انجام گیرد. وقتی مراسم شرفیابی و حضور پایان یافت، از خدایان سپاس‌گزاری و قدردانی شده و مردم هم به خانه‌های خود برگشته و مذبح نیز برچیده می‌شود. این مراسم بر حسب اهمیت مورد آن می‌تواند به لحاظ زمانی از یک روز تا چند هفته به طول بینجامد. این مراسم با موسیقی و رقص همراه است که همه آنها تحت هدایت استاد این مراسم، یعنی روحانی دائوبی برگزار می‌شود. هدف تمام مراسم‌ها و مناسک آیینی ارتباط در آیین دائو، بازگرداندن این جهان به حالت دائویی

1. Jiao.



آغازین، یعنی حالتی که در آن آسمان، زمین و انسان در هماهنگی خلاق با هم پدید آمدند، می‌باشد.<sup>۱</sup>

امروزه نیز پیروان آیین دائو همان اعمال و مناسک دائویی قرون میانه را انجام می‌دهند، که عبارت است از: مناسک ارتباط با خدایان گوناگون و تشویق به پرورش و تهذیب نفس فردی. هنوز هم روی تمرکز اصلی ارتباط با دائو از طریق یک سلسله تجارب و آداب و رسوم است؛ با این همه، روش‌ها و اشکال جدیدتری هم پدید آمده است.

#### دین رسمی

برای نخستین بار در سال ۱۶۹ میلادی یکی از پادشاهان چین، معبدی به نام "لائوتزه" بنا کرد و هدایایی تقدیم داشت، ولی تائوئیسم پیشرفت چندانی نکرد تا آنکه در قرن هفتم میلادی این آیین در چین رسمیت یافت. در آن زمان آیین بودا و مکتب کنفوسیوس در چین پیشرفت کرده بودند. افرادی به جهت آنکه آیین بودا از کشور هندوستان به چین سرایت کرده و آیینی بومی نیست، به ترویج تائوئیسم پرداختند. آنان آداب و رسومی را بنا نهادند و برای چیزهای مختلف خدایانی را مطرح کردند. با این

<sup>۱</sup>-Miller. James, *Taoism: A Short Introduction*, P.53.



حال، این آیین در چین پیروان اندکی داشت و کم کم از صحنه بیرون شد. با آنکه دولت کمونیستی چین با افکار مذهبی شدیداً مبارزه می‌کند، هنوز هم افرادی به جنبه‌های جادویی این آیین علاقه دارند.

آموزه‌های "تائو" و "کنفوسیوس" در ابتدا "دین" نبودند و بیشتر شبیه مکتبی فکری و فلسفی بودند، اما هنگامی که آیین بودا وارد چین شد، دانشمندان محلی چین تلاش کردند تا دینی را از دل این دو فلسفه استخراج کنند؛ از این رو، هنگامی که تائو مطرح می‌شود، باید مشخص شود که از "فلسفه تائو" که لائوتزه آموخته است، صحبت می‌شود یا از "دین تائو" که بعداً ساخته شد.

#### عبادت در آیین دائو

راهبان دائویی ردهایی رنگی می‌پوشند و کلاه‌هایی مشکی بر سر می‌کنند. آنها شعاری را به اجرا درمی‌آورند که فعالیت‌هایی جشن‌گونه است که طبق دستورالعمل‌های خاصی به اجرا درمی‌آید. این مناسک شامل: قرائت اذکار مقدس، خواندن دعا‌های مختلف، مدی‌تیشن، مباحثه فصول مختلف کتاب دائو در جینگ، سوزاندن بخورهای خوش‌بو و نماز به درگاه خدایان و الهه‌های مختلف است. اغلب این مراسم در معابد دائویی برگزار



می‌شود که پر شده از آثار هنری لرزان که هر کدام حاکی از خدایان و موجودات نامیرای گوناگون است. در آسیا چنین معابدی اغلب با عنوان "پاگودا" طراحی می‌شوند. پاگودا ساختمانی است که چند طبقه بلندی دارد و هر طبقه سقف ماندنی قرینه و به موازات سقف اصلی دارد که در مجموع، ساختمان پاگودا را به شکل درخت کاج درمی‌آورد. جالب است که انحنای سقف و سقف‌گونه‌های پاگودا به طرف بالاست. فقط در تایوان بیش از هشت‌هزار معبد وجود دارد با ۳۳۸۵۰ راهب یا روحانی در آن. جمهوری خلق چین ۱۵۰۰ معبد دائویی دارد. شکل اصلی مراسمات آیین دائو، "جیائو" یا پیشکش است. پیشکش طی نمازی تقدیم خدایان می‌شود تا رضایت و یاری آنها را بطلبد. این پیشکش‌ها طیفی از شراب و غذایی ساده که در نمازخانه خانوادگی گذاشته می‌شود تا پیشکش‌های بسیار پیچیده را شامل می‌شود که در بزرگداشت یکی از روزهای مقدس در تقویم دینی آیین دائو به کار گرفته می‌شود. دینیاران دائویی برای پیشکش‌های مفصل در تعدادی از روزهای سال مهیا می‌شوند. این‌گونه خود و معبد را آماده می‌کنند که جامه‌ها را می‌شویند، آلات موسیقی ویژه‌ای فراهم می‌کنند و شمع و بخور روی روغن داغ فراهم می‌آورند.

در نخستین روز از چنین جشنواره‌های مربوط به مراسم



پیشکش، راهب، حرکتی دسته‌جمعی در شهر به راه می‌اندازد و "سه شخص پاک" را فرا می‌خواند تا در مراسم آنها حاضر شوند. یک پرچم زرد بیرون معبد آویخته می‌شود تا توجه خدایان را جلب کند. روحانیان دائویی به هنگام پیشکش چیزهایی مانند چای، شمع و یا میوه که به منظور احضار خدایان است، سرودهای مذهبی سر می‌دهند و به رقص آیینی می‌پردازند. یکی از آیین‌های معروف "تقسیم چراغ‌ها" است که در آن شمع‌هایی در معبدی تاریک فروخته می‌شود تا نماد بازگشت نور به جهان باشد. چنین آیین‌هایی گاه تا سه روز طول می‌کشد که با آتش‌بازی، سرودخوانی و موسیقی همراه است.

روحانیان دائویی ممکن است گهگاه شعائری مربوط به دور کردن ارواح شریر برگزار کنند. این مراسم می‌تواند در خانه‌ها و یا حتی جاهایی که محل سکونت ارواح تلقی می‌شود، انجام گیرد. در این مراسمات روحانی ابزارهای مختلف مذهبی را به کار می‌گیرد؛ مثل: پرچم‌هایی که روی آن جملاتی از کتاب‌های مقدس نوشته شده، آب متبرک‌شده، بخور، شمشیر و حتی شلاق خاصی برای راندن ارواح پلید. هنگامی که راهبان دائویی از خانه یا محله‌ای می‌گذرند، معمولاً ادعیه و اذکار خاصی را با خود زمزمه می‌کنند.



## زیارتگاه‌های خانگی

دائوبی‌ها در طول سال، مراسم مفصل فراوانی ندارند و بخش اصلی عبادت آنها در زیارتگاه یا نمازخانه خانگی‌شان برگزار می‌شود. هر خانواده سنتی دائوبی زیارتگاهی خانگی دارد که در آن شجره خانواده و نیاکان قرار دارد و شمع‌هایی در اطراف آن روشن است. زیارتگاه معمولاً بخشی از فضای خانه یا جایی کنار خانه است که در آن نمادها یا تصاویر مربوط به خدای خاص یا گروهی از خدایان مورد احترام خانواده قرار داده می‌شود. مردم در زیارتگاه شمع روشن می‌کنند و بخور می‌سوزانند تا ارواح درگذشتگان از بستگان خود را فرا بخوانند یا خدایان معینی را به یاری فرا بخوانند. گاهی شراب ریخته می‌شود و غذایی شامل گوشت، برنج و شیرینی در نمازخانه یا زیارتگاه خانگی قرار داده می‌شود. برای اهداف گوناگون، مختلف از جمله: سلامتی، کامیابی و طول عمر، مراسم و آیین‌های خاصی دارند. "مدی‌تیشن" شکل دیگری از عبادت خانگی است. مدی‌تیشن در آیین دائو راهی است برای رسیدن به وحدت با حقیقت دائو. فنون خاصی برای تنفس در "تای چی جوان" مورد استفاده قرار می‌گیرد که مراقب است راه نیروی چی (Qi) در بدن مسدود یا محدود نشود.<sup>۱</sup>

۱. Schlager, Neil, World Religions, vol.1, P:194.



## خدمات معبدی

تقویم دائوبی تعدادی جشنواره را در طول سال معرفی می‌کند، اما هیچ برنامه مرتب و منظمی برای این سرویس‌ها در معابد وجود ندارد و هر معبدی به سلیقه و دلخواه خود برنامه‌ای می‌چیند. زیارتگاه‌ها و معابد در تمام ساعات باز نگه‌داشته می‌شوند و مؤمنان شمع روشن کرده، بخور سوزانده و دعا می‌کنند. گاهی پیش‌گویی‌هایی را روی کاغذ نوشته و در داخل نی بامبو قرار می‌دهند؛ هر کس یکی از آنها را به منظور فال و پیش‌گویی درمی‌آورد. آن‌هایی که نیاز به مراسم خاصی دارند، درباره اجرای آن با راهبان دائوبی مشورت می‌کنند. دائوبی‌ها گذاشتن غذای پیشکش در زیارتگاه‌های کنار جاده را نیز یکی از انواع عبادت می‌شمارند.

معابد دائوبی گاهی مانند مراکزی برای زندگی عمومی عمل می‌کنند، جشنواره برگزار می‌کنند، نمایش‌های خیمه‌شب‌بازی راه می‌اندازند و نقالی و اپرا دارند. این عملکرد ثانوی معابد از ۱۹۴۹ که دولت چین سیاست فشار بر فعالیت‌های دینی را در پیش گرفت، به شدت کاهش پیدا کرد. به طور معمول، معابد در اروپا و آمریکای شمالی، علاوه بر اینکه خانه‌های عبادت دائوبی هستند، مقاصد دیگری را نیز تأمین می‌کنند؛ مانند فضای کار یا مراکز عمومی شدن. این مراکز عمومی اغلب کلاس‌هایی درباره



فلسفهٔ دائو، هنرهای رزمی مانند تای چی چوان، طب گیاهی چین و هنر باستانی "فنگ شوی"<sup>۱</sup> ارائه می‌دهند.<sup>۲</sup>

### رعایت‌های دینی و زیارت‌ها

تقویم دائویی پر است از روزهای مقدس به افتخار روزهای تولد یا درگذشت نامیرایان مختلف، یا طیفی از روزها به اسم خدایان. بسیاری از این‌ها مصادف با پانزدهم ماه قمری یا در حدود آن هستند. مهم‌ترین این روزها، روزهای تولد "نامیراهای هشت‌گانه" در طی سال هستند. در چنین روزهایی پیشکش‌هایی در معابد تقدیم می‌شود و خانواده‌ها در چنین روزهایی در خانه‌هایشان در زیارتگاه خانگی، به نیاکان درگذشته‌شان پیشکش تقدیم می‌کنند. نهمین روز از نخستین ماه قمری دائویی، روز تولد "امپراتور یشم" است. در گرامی‌داشت این روز معمولاً مجلس بزرگ مناسکی، به نام "مجلس امپراتور یشمی" در معابد برگزار می‌شود و مردم جمع می‌شوند تا بخور بسوزانند. برخی دائویی‌ها روز سنتی مربوط به تولد لائوتزه را جشن می‌گیرند که روز پنجم مارس است.

جشن کوچک دیگری در پانزدهم ماه آگوست برگزار می‌شود.

1. feng shui.
2. Ibid, P. 195.



این روز جشن تولد خدای زمین، یعنی "زوانگ یوان" است. همچنین این روز زمانی برای یاری کردن ارواح سرگردان است که اجباراً از مسیر اصلی ارواح منحرف شده و تشییع جنازهٔ مناسبی نداشته‌اند. بخش مقدماتی این جشن، آیین شناور ساختن چراغ‌های آبی روی رودخانه یا دریاست. آن‌گاه که راهب دائویی خدایان را فرامی‌خواند، از هر خانواده یک نفر به کنار رود آمده و راهب را کمک می‌کند. در آنجا هر گروهی کاغذ کوچک فائوسی با شمعی روشن در درون آن دارد که در کنار رود آب شناور می‌کند؛ در واقع، شمع‌ها ابزار هدایت ارواح سرگردان هستند و آنها را آزاد ساخته و راه آسمان (بهشت) را به آنان نشان می‌دهند. گاهی در این جشنواره، آیین "رستگاری همگانی" برگزار می‌شود. در این آیین ضیافت بزرگی از کیک، نان، میوه و هر غذای خوبی که امکان دارد، فراهم می‌شود. نخست راهب دائویی غذاها را متبرک می‌کند و سپس ارواح سرگردان را دعوت می‌کند تا به مهمانی بیایند. سرانجام راهب غذاها را به سمت مردم می‌اندازد که نماد سهیم کردن ارواح سرگردان در آن غذاهاست.

### سال نو چینی

سال نو چینی در آخر ژانویه یا اوایل فوریه است و یکی از



مهم‌ترین جشن‌های دائویی است. سال نو چینی در سیزدهمین روز از ماه دوازدهم قمری است. زمان دقیق آن از سالی به سال دیگر تفاوت دارد، زیرا چینی‌ها از تقویمی قمری تبعیت می‌کنند که به بخش‌های ماه وابسته است نه به ۳۶۵ روز سال شمسی. "سال نو" را روز نزول همهٔ خدایان به روی زمین می‌نامند و نخستین روز مقدس آیین دائوست. دائویی‌ها معتقدند این روز علامت بازتولد نیروی مثبت یعنی "یانگ" در عالم هستی است. البته پیش از اینکه جشن سال جدید را بگیرند، حدود یک هفته به تفکر و محاسبه دربارهٔ مردگان اختصاص می‌یابد.<sup>۱</sup>

جشن دیگری که خیلی شایع است جشن روزی است که اختصاص به "خدای مطبخ" دارد تا به "آسمان" صعود کند و اعمال نیک و بد مردم را به امپراتور یشمی یعنی "یو-هوانگ" گزارش کند. برای اینکه خدای مطبخ گزارش خوبی به امپراتور یشمی بدهد، مردم لب‌هایشان را به عسل آغشته می‌کنند.

در اولین روز از جشن سال نو، دسته‌ای از مردم در خیابان‌های شهر و روستا راه می‌افتند و در حالی که در صف طویلی حرکت می‌کنند، سرشان را توی تن عروسک بزرگی از "اژدها"ی توخالی فرو می‌کنند و اژدها را به حرکت درمی‌آورند. پیشاپیش

1. Schlager, *World Religions*, Vol. 1, P. 196.



این اژدها کودکی حرکت می‌کند که توپ سرخ‌رنگی در دست دارد که سمبل و نماد بازگشت انرژی مثبت یعنی "یانگ" است. در پایان این راهپیمایی، اژدها آن توپ سرخ را می‌بلعد که نماد اتحاد مردم با خدایان بوده و ثمره‌اش طولانی‌تر شدن عمر و زندگی شرکت‌کنندگان است.

در معابد و خانه‌های شخصی مناسکی برای خوش‌آمدگویی به "سه شخص پاک" اجرا می‌شود. شیرینی پیشکش می‌شود، زیرا کلمهٔ چینی برای "شیرینی" و "آسمان" یکی است و به هر دو "تیان" می‌گویند. تکه‌های چوبی تاس‌مانندی را به هوا پرتاب می‌کنند تا بگویند که خدایان غذاهایشان را میل کرده‌اند و آرزوهای مؤمنان را برآورده خواهند ساخت. پیشکش‌های ویژه‌ای در خانه‌ها برای نیاکان تدارک دیده می‌شود. همهٔ اعضای خانواده جمع می‌شوند تا خوراک مفصلی از ماهی، گوشت و کیک‌های خاصی را بخورند. هدیه‌هایی به یکدیگر می‌دهند و به کودکان پاکت‌های سرخ‌رنگی می‌دهند که توی آنها پول گذاشته‌اند.

غذاهایی که در جشنواره‌های خود تقدیم ارواح گذشتگان می‌کنند، گاهی گوشت یک حیوان قربانی است. سوزاندن عروسک‌های کاغذی و پول‌های کاغذی غیرواقعی است. می‌گویند وقتی چیزی مانند عروسک کاغذی یا پول کاغذی را



### پرسش‌ها

۱. "دائو" چیست؟
۲. بنیانگذار آیین دائو را معرفی کنید.
۳. دربارهٔ دو نیروی "یین" و "یانگ" توضیح دهید.
۴. عبادت در آیین دائو چگونه است؟

### منابعی برای مطالعهٔ بیشتر

۱. تاریخ فلسفهٔ چین، فانگ یو-لان، ترجمهٔ: فرید جواهرکلام، پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰.
۲. ادیان چین و ژاپن، مایکل ساسو، ترجمهٔ: محمدعلی رستمیان، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۳. درسنامهٔ ادیان شرقی، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.



آتش می‌زنید، در عالم مردگان به صورت واقعی درمی‌آید و هدیه‌ای است برای مردگان.

### تثلیت دائویی

دائویی‌ها تثلیثی به نام "سه خدای پاک"<sup>۱</sup> دارند که در معابد خود آنها را می‌پرستند. خدایان سه‌گانه عبارتند از: "یشم پاک"، "والای پاک" و "سبز پاک". جالب توجه است که فضای دینی معابد دائویی، برخلاف معابد بودایی، خیلی غلیظ نیست و بخشی از آن مطابق با پسند زائران ساخته می‌شود.

---

1. San Qing.





## فصل دوازدهم: آیین شینتو

"شین" یعنی "خدایان" و "تو" یا "تائو" یعنی "راه"؛ پس "شین تائو" یا "شینتو" یعنی "طریقه خدایان". شینتو آیین بومی و باستانی کشور ژاپن است که بنیانگذار خاصی ندارد. طبق اسطوره‌های این آیین، در مجمع خدایان، رئیس آنان یعنی الهه خورشید به نام "آماتراسو" مأمور آفریدن بهترین سرزمین شد. او نیز ژاپن را آفرید که سرزمین آفتاب تابان بوده و از این رو، سرزمین مقدس است. همچنین متون مقدس شینتویی می‌گویند که امپراتور ژاپن از نسل آماتراسو است و مانند سرزمین ژاپن مقدس است. پس جان‌فشانی برای کشور و امپراتور ژاپن، جان‌فشانی برای خدا بوده و عبادت است. این آیین امروز حدود ۱۲۰ میلیون نفر پیرو دارد که بیشترشان در ژاپن زندگی می‌کنند.

### مفهوم کامی

آیین شینتو قائل به ارواح و موجودات آسمانی بسیاری به نام "کامی" است. کامی‌ها دو گونه‌اند: کامی‌های اصلی و

۳۲۷

بخش دوم: نماز در ادیان غیرالهی



کامی‌های فرعی. برخی از کامی‌ها چهره‌ای اسطوره‌ای داشته و از مقام و منزلت بالایی برخوردارند؛ مانند آماتراسو الهه خورشید که جزو کامی‌های اصلی به شمار می‌آید. شینتویی‌ها نیروهای طبیعت مانند: باد، آتش و اشعه‌های نور و پدیده‌های خاص طبیعی مانند: کوه‌های بلند، درختان بزرگ و آبشارهای با عظمت را دارای کامی می‌دانند. امپراتورهای پیشین و شخصیت‌های بزرگ و اثرگذار تاریخ ژاپن بعد از درگذشت، تبدیل به کامی می‌شوند. "کامی" مفهومی است که از ارواح نیاکان تا خدایان را در بر می‌گیرد. هر یک از معابد ژاپن دارای کامی خاصی است و در واقع، تقدس معبد به دلیل اعتقاد به وجود کامی در آن است. زائران برای زیارت کامی و نذر و نیاز با اوست که به معبد می‌روند.

### تاریخ گسترش

آیین "شینتو" دین بسیار ساده‌ای مبتنی بر طبیعت‌پرستی و احترام به نیاکان بود که از آموزه‌های عمیق و بلندی برخوردار نبود. آیین مهاییانه بودایی در حدود سال ۵۵۲ میلادی با آموزه‌هایی پیچیده و مفصل و با تعدادی بت بودا وارد ژاپن شد. از آنجا که آیین شینتو پاسخی کافی برای زندگی پس از مرگ نداشت، بخش قابل توجهی از الهیات و فلسفه بودایی را در این

۳۲۸

نماز در ادیان



مورد پذیرفت. تا پیش از این تاریخ، هیچ‌گونه سابقه‌ای از بت پرستی در ژاپن دیده نمی‌شود، اما پس از این تاریخ، معابد بودایی ساخته شد که در آنها بت بودا و دیگر بوداسفها قرار داشت و هنوز هم این بت‌ها وجود دارند و مورد پرستش بوداییان ژاپن هستند.

در قرن هفدهم برخی از عالمان شینتویی خواستند تا آیین شینتوی قدیم را احیا کرده و از آیین بودا فاصله بگیرند. در قرن نوزدهم ارتباط ژاپن با جهان، وارد مرحله تازه‌ای شد و آیین شینتو دین رسمی ژاپن اعلام گردید. در قانون اساسی سال ۱۸۸۹ میلادی، حق آزادی مطلق دین برای تمام مردم ژاپن به رسمیت شناخته شد، ولی به دلیل اینکه آیین شینتو فرهنگ ژاپن را شکل داده و فراتر از یک دین برای این کشور بود، مورد حمایت دولت قرار گرفت.

آیین دولتی شینتو تا سال ۱۹۴۵ که آمریکا ژاپن را بمباران اتمی کرد، ادامه داشت. در این سال ژاپن شکست خورد و به اشغال آمریکا درآمد. پس از آن، این کشور به نوعی مستعمره فرهنگی آمریکا شد و فرهنگ سکولار بر فضای این کشور استیلا یافت. هم‌چنین امپراتور به طور رسمی در سال ۱۹۴۶ الوهیت خود را انکار کرد و عکس او از پیشخوان‌های معابد و مدارس برداشته شد. او در تبریک سال نو چنین اعلام کرد:

۳۲۹  
بخش دوم: نماز در ادیان غیرالهی



در تبریک سال نو باید که ما... بدون شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، در جهت کنار گذاشتن رفتار گذشته خود حرکت کنیم... پیوندهای بین ما و مردم ما مبتنی بر افسانه‌ها و اسطوره‌ها نیست. آنها بر مبنای این حرف غلط که امپراتور جنبه الهی داشته و نیز اینکه مردم ژاپن از همه نژادهای دیگر برتر بوده و باید بر دنیا حکومت کنند، استوار نیست. امپراتور یک خدای زنده نیست. مردم ژاپن تنها از طریق تلاش فوق‌العاده خود قادر خواهند بود که سهم عمده‌ای در رفاه و ترقی بشریت ادا کند.<sup>۱</sup>

#### کتاب‌های شینتو

آیین شینتو دو کتاب مقدس اصلی دارد: کوچی‌کی (ثبت موضوعات باستانی) و نیهون‌جی (وقایع ژاپن باستان). این کتاب‌ها به ترتیب در ۷۱۲ و ۷۲۰ میلادی نوشته شده‌اند. بعداً دو اثر دیگر که یکی شامل نیایش و دیگری شعر بود، به این دو افزوده شد. در نیهون‌جی آمده است: "این فرمان امپراتور ژاپن است که به عنوان تجسم خدا روی زمین حکومت می‌کند."<sup>۲</sup> هم‌چنین در متون مقدس آیین شینتو، دستورهای اخلاقی بسیاری بیان شده است؛ نمونه‌ای از آن چنین است:

1. Hartz, Shinto, P72.
2. Ibid, P16.

۳۳۰  
نماز در ادیان



کسی که حقیقت را بگوید، صدمه نخواهد دید؛ کسی که باطل است مطمئناً لطمه خواهد خورد... پرخوری را کنار بگذار و طمع را از خود دور کن. آنچه بد است گوشمالی ده و آنچه خوب است تشویق کن. از خشم و غضب و نگاه‌های خشم‌آلود بپرهیز.<sup>۱</sup>

### انشعابات اصلی

فرقه‌های شینتویی را در سه دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد: نخست، فرقه‌هایی که بر پرستش مظاهر طبیعی گرایش دارند؛ دوم، فرقه‌هایی که بر شمنیسم و ارتباطات مابعدالطبیعی تأکید می‌کنند؛ سوم، فرقه‌هایی که اسطوره‌ها، آداب تطهیر و مدی‌تیشن جهت آرام‌سازی و تخلیه ذهن را ترجیح می‌دهند.

بعد از خروج نیروهای آمریکا از ژاپن، کارایی آیین شینتو زیر سؤال رفت و از میزان زائران معابد کاسته شد و بسیاری از جشنواره‌های دینی برگزار نشدند. در مقابل، عالمان شینتویی به دنبال جلب حمایت عمومی برآمدند و در این راه از سیاست‌های مختلفی سود جستند؛ از جمله اینکه گونه‌ای آزادی دینی در تولید فرقه‌های جدید شینتویی پدید آمد که باعث شد در سال ۱۹۵۱ میلادی شمار جنبش‌های نوپدید دینی به بیش از

۱. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ص ۳۲۰.



هفتصد عدد برسد. امروزه متفکران ژاپنی نگاهی خاص به دین دارند و معتقدند دین باید همواره پیشرفت کند؛ لذا پیوسته فرقه‌های جدید درست می‌کنند و از این عمل ابایی ندارند. ژاپنی‌ها به ساختن فرقه‌های جدید معروفند.

### عبادت معبدی

در آیین شینتو نیز دو نوع اصلی عبادت وجود دارد: عبادت خانگی و عبادت معبدی. معابد آیین شینتو بیشتر زیارتگاه شمرده می‌شوند تا معبد، زیرا ژاپنی‌ها عقیده دارند در هر معبدی یک کامی زندگی می‌کند و اشخاص برای زیارت آن کامی به معبد می‌روند. ورود به حیات معبد از دروازه معروف "دروازه آسمان"، با تعظیم شروع می‌شود. با تواضع به طرف ساختمان اصلی معبد می‌روند. در ورودی معبد، حوضچه‌ای از آب قرار می‌دهند؛ به طوری که از یک طرف، آب وارد حوض شده و از طرف دیگر آن خارج می‌شود تا آب همیشه تازه بماند. در کنار حوضچه، همیشه ملاقه‌ای چوبی قرار دارد که افراد باید با آن ملاقه آب برداشته و ابتدا دست چپ و سپس دست راست خود را بشویند. سپس با ملاقه آب در دهان ریخته و قرقره می‌کنند تا دهان برای سخن گفتن با کامی معبد تمیز باشد. هنگام ورود به معبد، زنگ یا ناقوس معبد را به صدا



درمی‌آورند تا کامی معبد متوجه ورود زائر شود. زائر هدیه مختصری را به صندوق ورودی معبد می‌اندازد. سپس، کفش‌های خود را درآورده و وارد معبد می‌شود. به محض ورود، دو بار تعظیم کامل کرده و دو بار کف می‌زند. بار دیگر تعظیم می‌کند و به حالت ایستاده آرزو می‌کند؛ یا اینکه می‌تواند دست‌های خود را جلوی سینه به هم چسبانده و دعا کند. سرانجام، بار دیگر تعظیم کرده و بدون اینکه پشت به معبد کند عقب عقب می‌رود و از معبد خارج می‌شود.

بیشتر شینتویی‌هایی که مراسم شینتویی را انجام می‌دهند، به زیارت معابد بودایی نیز می‌روند که با معابد شینتویی فرق اساسی دارد. مهم‌ترین تفاوت معابد بودایی و شینتویی در این است که معمولاً معابد بودایی دارای بت بودا یا یکی از بوداسف‌هاست، اما معابد شینتویی بت ندارند. شینتویی‌ها مراسم مربوط به تولد، ازدواج و دیگر مراسم دوران حیات را طبق دستورالعمل‌های آیین شینتو، و مراسم مربوط به مرگ، سالگرد درگذشتگان و مانند آن را طبق دستورات آیین بودا برگزار کنند.

### عبادت فردی

اساس عبادت در آیین شینتو همین "نماز" یا "زیارت" روزانه کامی‌هاست. امروزه بیشتر شینتویی‌ها ترجیح می‌دهند تا کامی



مورد نظر خود را در نمازخانه کوچکی که در خانه درست کرده‌اند، پرستش کنند. طبق آیین شینتو، کامی‌ها و انسان‌ها در یک دنیا زندگی می‌کنند و عبادت و زیارت، شیوه‌ای برای ایجاد احترام و ارتباط و هماهنگی میان آن‌هاست. در معابد، تخته‌های طلسم و مانند آن، که مردم آرزوهای خود را روی آن می‌نویسند تا به سمع و نظر کامی برسانند، بسیار است. سالی یک مرتبه مسئولان معبد در طی مراسم ویژه‌ای، با احترام فراوان همه این تخته‌ها را می‌سوزانند. شینتویی‌ها به غیر از کامی‌ها، به مظاهر طبیعت نیز نماز می‌برند.

ارواح نیاکان، کامی‌هایی هستند که در معابد خانگی مورد پرستش و احترام قرار می‌گیرند. نمازخانه یا زیارتگاه خانگی در آیین شینتو "کامیدانا"<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. کامیدانا که برای فراخواندن و عبادت کامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید بسیار نظیف، مرتب و دارای نور کافی باشد و دارای فضایی کاملاً ساکت و آرام برای عبادت‌های روزانه باشد. معمولاً شینتویی‌ها ترجیح می‌دهند به هنگام عبادت روزانه، رو به مشرق یا جنوب باشند. روحانیان شینتویی در معبد معروف "ایسه"، که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین معبد شینتویی ژاپن است، توانستند به مرور زمان نوع محراب و مراسم

۱. kamidana.



### پرسش‌ها

۱. واژه "شینتو" به چه معناست؟
۲. "کامی" چیست؟
۳. درباره "عبادت معبدی" و "عبادت فردی" در آیین شینتو توضیح دهید.

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. *ادیان زلزله شرقی*، جان هینلز، ترجمه: جمعی از مترجمین، انتشارت دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.
۲. *درسنامه ادیان شرقی*، علی موحدیان عطار و محمدعلی رستمیان، طه، ۱۳۸۶.



نیایش این معبد را به عنوان الگویی از عبادت رسمی آیین شینتو در ژاپن رواج دهند. هدف از زیارت و نماز در آیین شینتو بیشتر، موفقیت و کامیابی در زندگی و به ویژه تجارت است.<sup>۱</sup>

۱. Okada Yushiki, *Online Shinto Encyclopedia*. Kamidana.



## کتابنامه فارسی

۱. بای.ناس.جان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تاریخ جامع ادیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲. برنتل، جورج، ترجمه: حسن قنبری، آیین کاتولیک، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
۳. بویس، مری، ترجمه: عسکر بهرامی، زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها، جهان مذهبی: ادیان در جهان امروز، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴. ققنوس، ۱۳۸۱.
۴. بوش، ریچارد، ترجمه: عبدالرحیم گواهی،
۵. پاشایی، ع. تاریخ آیین بودا (هینه‌یانه)، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
۶. ترمن، الن، ترجمه: رضا فرزین، یهودیت: باورها و آیین ها، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
۷. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ج ۷، جهان، سمت، ۱۳۸۴.
۸. حزقیاء زرگری، مشه بن حاخام، روش زندگی (احکام یهود)، تهران، بنی تورا، ۱۳۶۴.
۹. خورشیدیان، اردشیر، پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان، ج ۲، تهران، فروهر، ۱۳۸۷.



۱۰. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۱. دوستخواه، جلیل، اوستا، مروارید، ۱۳۸۵.
۱۲. روحانی، محمد، دین سیک‌ها، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
۱۳. سوزوکی، بیتریس لین، راه بودا، ترجمه: ع. پاشایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
۱۴. شاله، فیلسین، تاریخ مختصر ادیان بزرگ،
۱۵. شومان، هانس وولفگانگ، طرح تعالیم آیین بودا، ترجمه: ع. پاشایی، تهران، فیروزه، ۱۳۷۵.
۱۶. ابن بابویه، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، دارصعب، ۱۳۶۰.
۱۷. کانون یوحنا رسول، اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، تهران، ۱۳۸۸.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، سازمان اوقاف، ۱۳۸۳.
۱۹. دوشن گیمن، ژاک، دین ایران باستان، ترجمه: رؤیا منجم، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵.
۲۰. مرادیان، بهمن، و دیگران، سدره پویشی، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۹.
۲۱. منوچهر پور، منوچهر، بدانیم و سربلند باشیم: فشرده‌ای از آموزش‌های دین زرتشت، تهران، فروهر، ۱۳۸۷.
۲۲. ویدن گرن، گئو، دین‌های ایران، ترجمه: منوچهر فرهنگ، تهران، آگاهان ایده، ۱۳۷۷.
۲۳. هینلز، جان، ادیان زنده شرق، ترجمه: جمعی از مترجمین، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹.



7. Becher, Mordechai, *Gateway to Judaism: The What, How, And Why of Jewish Life*, Mesorah Publications, 2005.
8. Eliot, Charls, *Hiduism and Buddhism*, 3d Vols, Underwood, New York, 1954.
9. *English-Sanskrit Dictionary*, Oxford University Press, 1998.
10. Eugene B. Borowitz, Naomi Patz, *Behrman House exploring Refrm Judaism*, USA:1985.
11. Fischer- Schreeiber, Ingrid, *The Rider Ency. of Eastern Philosophy and Religion*, Boston, Rider, 1994.
12. Hartz, Paula R, *Shinto*, Chelseu House, 2009.
13. Humphereys, Christmas, *A Popular Dictionary of Buddhism*, The Buddhist Society, London:1984.
14. Kathryn Tsai, *A Timeline of Eastern Church History* (Divine Ascent Press, Point Reyes Station.
15. Mckenzi, *Consice Pahlavi-english dictionary*, 1978.



#### کتابنامه انگلیسی

1. Alldritt, Leslie D, *BUDDHISM*, Chelsea House Publishers, 2005.
2. Anandajoti (Bhikkhu) (edited and translated by), *The Life of the Victorious Buddha* (Jinacaritaū), Original Pali Poem by Medhaikara Thera, Published by the Aouter, 2006.
3. Aronson, Harver B, *Motivations to Social Action in Theravada Buddhism*, Journal of Studies in the History of Buddhism, 1997.
4. Basham, A.L., *The Wonder That was India*, New York, Grove Press, 1954.
5. Bayme, Steven; *Understanding Jewish History: texts and Commentaries*
6. becoming a Mensch: Timeless Talmudic Ethics for Everyone, Ronald Pies; Govrnment Institutes,



Introduction, English Rendering and Index. Fourth Edition. (Sri Ramakrishna Tapovanam: 1980.

27. Web Sources:

28. <http://www.kopan-monastery.com>.

29. [www.OnlineShintoEncyclopedia.com](http://www.OnlineShintoEncyclopedia.com).



16. Radhakrishnan, Sarvepalli, *Religion and Society*, 1947.

17. Schlager, Neil, *World Religion*, Gule, 2006.

18. Segal, Elizer, *Introducing Judaism*, Routledge, 2009.

19. Sutherland, Stewart, *The World's Religions*, Rotledge, 1991.

20. Schlager, Neil, *World Religions*, Gule, 2006

21. Segal, Elizer, *Introducing Judaism*, Routledge, 2009.

22. Vivekananda, Swami, *The Complete Works of Swami Vivekananda*. Advaita Ashram 1915.

23. Williams, Paul, *Buddhist Thought*, London & New York, Routledge, 2000.

24. Schumacher, Stephan & Woerner, Gert, *The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion*, Shambhala, Boston: 1994.

25. Shulkan Arukh, *Code of Jewish law*, Goldin, Hebrew Publishing Co, New York, 1927.

26. Swami Vimalananda. *Sri Vishnu Sahasranama Stotram*. With Namavali,